

# کیمهان

۴۶۲

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده  
جمعه ۲۸ اردیبهشت تا ۳ خرداد ۱۴۰۳ خورشیدی  
سال چهارم - شماره ۱۹۲۸

## «بازنده»

### جمهوری اسلامی است!

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند  
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت  
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل  
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند  
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت  
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل  
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

\*\*\*\*\*

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- [https://t.me/kayhan\\_london](https://t.me/kayhan_london)

\*\*\*\*\*

10 New Square-Lincoln's Inn  
London WC2A 3QG  
Tel: 0044 (0)20 3633 3684  
e-mail:  
info@kayhan.london  
ads@kayhan.london  
editorial@kayhan.london  
www.kayhan.london  
www.kayhanlife.com

\*\*\*\*\*

سال چهلم

کیهان شماره ۱۹۲۸ (۴۶۲)

جمعه ۲۸ اردیبهشت تا ۳ خرداد ۱۴۰۳  
۱۷ تا ۲۳ مه ۲۰۲۴



**آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد**

نشانی سایت:  
[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)  
روابط عمومی:  
[info@kayhan.london](mailto:info@kayhan.london)  
آگهی و تبلیغات:  
[ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)  
سر دبیری:  
[editorial@kayhan.london](mailto:editorial@kayhan.london)

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY  
[www.kayhanlife.com](http://www.kayhanlife.com)

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت»  
به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london) یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

- Satrap Publishing: Email: [satrap@btconnect.com](mailto:satrap@btconnect.com)  
[www.satrap.co.uk](http://www.satrap.co.uk)
- Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
- Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
- Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
- UTOPIRAN, 89 Rue du Rousseau, 75018 Paris, FRANCE
- Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

پیشگفتارها: رضا تقی‌زاده و حسن شریعتمداری



# کیهان

## \* فهرست مطالب \*

۴ ..... سر مقاله - افراطی تر و اقتدار گرا تر از حکومت کنونی ایران؟! / الاهی بقراط

۴-۵ ..... تیر هفته - «بازنده» جمهوری اسلامی است! / .....

۶-۷ ..... شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با «LBC»: جهان نباید در برابر سر کوب بی شرمانه ... / .....

۷ ..... هشدار سازمان اطلاعات و امنیت کانادا در مورد تهدیدات عوامل نفوذی رژیم ... / .....

۸ ..... شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با رادیو بی بی سی: اکثریت مردم ایران رژیم ... / .....

۹-۱۱ ..... شاهزاده رضا پهلوی: سرمایه دارها داخل ایران نگران نباشند! / .....

۱۱ ..... یک کر آمات دیگرش اینست ..... / خیر اندیش (احمد/حرار) / .....

۱۲-۱۳ ..... سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران - خطرات علینقی علیخانی (بخش ۱۵) ... / .....

۱۴ ..... تصویب قطعنامه «ارتقای تشکیلات خودگردان فلسطینی» در سازمان ملل ... / .....

۱۵ ..... آندری بلوسوف یک اقتصاددان غیر نظامی وزیر دفاع روسیه می شود ... / .....

۱۶-۱۷ ..... در همبستگی با کارگران ایران، رهبر چپ هادر پارلمان بریتانیا خواستار ... / نازنین انصاری

۱۸ ..... گسترش اعتراض شهروندان غزه به سیاست های حماس ... / احمد رافت

۱۹ ..... حاشیه های اسناد لورفته از پولشویی و پولیاشی موسسه علی اکبر رائفی پور ... / .....

۲۰-۲۲ ..... بنیادهای اعتقادی نهضت مقاومت اسلامی - حماس ... / محمود مسائلی

۲۲ ..... اردن یک عملیات خرابکاری مرتبط با جمهوری اسلامی را خنثی کرده است ... / .....

۲۳ ..... نخست وزیر بریتانیا: محور حکومت های مستبد مثل جمهوری اسلامی ... / .....

۲۳ ..... سیاست یک بام و دو هوای بریتانیا ... / بهنام محمدی

۲۴-۲۵ ..... کاری از دست رافائل گروسی ساخته نیست: آخر الزمانی هابرای «تضمین» ... / .....

۲۵ ..... رافائل گروسی: مقامات جمهوری اسلامی تهدید به ساخت سلاح اتمی را ... / .....

۲۶-۲۷ ..... دکتر امیر حمیدی در گفتگو با کیهان لندن: «تغییر رژیم» تنها گزینه قابل اجرا ... / .....

۲۷ ..... انتقاد وزیر دفاع ترکیه از روابط جمهوری اسلامی و پک ک ... / .....

۲۸-۲۹ ..... امضای قرارداد توسعه چاپهار؛ بذل و بخشش گسترده جمهوری اسلامی و ... / .....

۲۹ ..... پیشنهاد مذاکره با آمریکا؛ پیام های متناقض خامنه ای و اطرافیان به واشنگتن! / .....

۳۰ ..... اعتراض طلافروشان بازار تهران در صحن «مسجد شاه» ... / .....

۳۱ ..... طرح «صیانت» باردیگر در دستور کار مجلس یازدهم ... / .....

۳۲-۳۳ ..... جمهوری یا پادشاهی؟ شکل و محتوا ... / رضا ناصحی

۳۳ ..... شرعی شدن ساخت بمب اتم؟! ... / بهنام محمدی

۳۴-۳۵ ..... گزارش ویژه: پزشکان جوان در گفتگو با «کیهان لندن» از مشکلات و ... / .....

۳۶ ..... انتخابات دور دوم مجلس شورای اسلامی؛ مردم بار دیگر «نه» گفتند ... / .....

۳۷ ..... از ابتدای سال ۱۴۰۲ تا ۱۵ اردیبهشت ۱۷۵ زن توسط مردان خانواده ... / .....

۳۸ ..... رشته «امر به معروف و نهی از منکر» در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری ... / .....

۳۹ ..... شیوع ساس در زندان اوین؛ با وجود تکذیب ها، زندانیان دیالیزی به همین دلیل ... / .....

۴۰-۴۱ ..... فاصله عمیق حکومت و مردم ایران در باره فرزندآوری ... / .....

۴۱ ..... فاکس نیوز: افشای یک سایت سری پپیدی در شمال قلم، مرکز آموزش گروه های ... / .....

۴۲-۴۳ ..... صادق زیبا کلام را «گرفتند»؛ حکومت انتقاد «مخالفان براندازی» را هم ... / .....

۴۳ ..... تحریم چند مقام ارشد نظامی و نهادهای مرتبط با سپاه پاسداران توسط استرالیا ... / .....

۴۴ ..... احمد بخشایش اردستانی: ما به سلاح هسته ای رسیده ایم، اما اعلام نمی کنیم! ... / .....

۴۵ ..... محمدرسول اف از ایران خارج شد؛ اکنون ساکن «ایران فرهنگی» است ... / .....

۴۶ ..... فیلم های محمدرسول اف و علی عباسی در بخش رقابتی جشنواره کن ... / احمد رافت

۴۷ ..... «می ناب: نکوداشت خیام» در پاریس ... / کتیون حلاجان

۴۸-۴۹ ..... «روز جهانی پرستار»؛ پرستاران ایرانی از سندرم «کاروشی» تادستمزدهای ناچیز ... / .....

۴۹-۵۰ ..... به دلیل واردات بی رویه جای خارجی، ۵۰ درصد از ظرفیت تولید جای ایرانی ... / .....

۵۰-۵۱ ..... «ریال آف شور» عملیاتی می شود؛ عملیات «برون مرزی» برای پول ملی ... / .....

۵۲-۵۴ ..... تأخیر ایرانیان در شناخت قرآن ... / احمد تاج الدینی

۵۵ ..... سیل بی سابقه در مشهد؛ ارتباط کوه خواری و تخریب کوهستان جنوبی شهر ... / .....

۵۶-۵۷ ..... بر باد رفتن منابع مالی در بودجه پاشی به نهادهای ایدئولوژیک ... / .....

۵۷-۵۸ ..... تداوم ناترازی بنزین؛ «افزایش قیمت» همچنان آخرین گزینه است ... / .....

۵۸-۵۹ ..... امضای قرارداد توسعه چاپهار؛ بذل و بخشش گسترده جمهوری اسلامی و ... / .....

۶۰ ..... تعطیلی «شنبه ها» بالاخره در مجلس شورای اسلامی تصویب شد ... / .....

۶۱ ..... ریزش ۳۲ هزار واحدی بورس؛ تداوم خروج پول حقیقی از بازار سرمایه ایران ... / .....

۶۲ ..... نرخ بالای ترک تحصیل دختران در ایران؛ حدود یک سوم دانش آموزان دختر ... / .....

۶۲-۶۳ ..... تفهیم اتهام ۴۵ نفر در پرونده «چای دیش» ... / .....

۶۴-۶۵ ..... خبر های کوتاه ... / .....

۶۶ ..... پشت جلد - عکس هفته / آزادی زنان، آزادی ورزش / کیمیا علیزاده

بازنشر  
بازنشر



# «بازنده» جمهوری اسلامی است!



● **مجلس شورای اسلامی دوازدهم نیز با فسادی که سرپای آن را فرا گرفته دغدغه حل مشکلات مردم و کشور را ندارد و اکثر نمایندگان آن از هم‌اکنون تنها به زد و بند و درگیری برای دریافت سهم بیشتر از «سفره انقلاب» مشغول‌اند.**

مهم‌ترین درگیری ماه‌های گذشته میان طیف علی‌اکبر رائفی‌پور و محمدباقر قالیباف بود. سردار پاسدار محمدباقر قالیباف از دورانی که شهردار تهران بود تا حالا که چند سال ریاست مجلس شورای اسلامی را بر عهده دارد، بر سفره‌ای از رانت و فساد چنبره زده است. با وجود نظر خاص و ویژه‌ای که علی‌خامنه‌ای به این پاسدار دارد اما فسادهای پی در پی قالیباف و خانواده‌اش به اندازه کافی مستندات برای طیف رقیب ایجاد کرده که در ماه‌های گذشته آنها را برای تخریب او به کار بگیرد. سردار محمدباقر قالیباف به هر ضرب و زوری که بود از حوزه تهران به مجلس دوازدهم راه یافته اما با توجه به وزن سنگین نیروهای طیف رائفی‌پور، به نظر نمی‌رسد رسیدن به کرسی ریاست و چیدن هیئت رئیسه برای او به سادگی مجلس اسلامی یازدهم باشد. طیف رائفی‌پور که آنها نیز از اصولگرایان تندرو هستند، نه تنها برای داشتن کرسی بیشتر در هیئت رئیسه، بلکه حتی برای قبضه کردن کمیسیون‌ها نیز خیز برداشته‌اند. اینهمه بیانگر تداوم درگیری‌ها و افشاگری‌های رقبای حکومتی علیه یکدیگر، دست‌کم تا برگزاری گزینش هیئت رئیسه و کمیسیون‌های مجلس دوازدهم خواهد بود.

## بحران‌های نهفته در مجلس دوازدهم

تشکیل مجلس دوازدهم با جریاناتی که تنها گوشه‌ای از فسادهای آنها در رقابت با یکدیگر طی ماه‌های گذشته افشا شده، نشان می‌دهد این نمایندگان و این مجلس، نه تنها مانند مجالس پیشین بلکه چه بسا بدتر از آنها، اصلاً دغدغه حل مشکلات مردم و کشور را ندارد و اکثر نمایندگان آن از هم‌اکنون تنها به زد و بند و درگیری برای دریافت سهم بیشتر از «سفره انقلاب» مشغول‌اند.

در آنسوی میدان نبرد جریان‌های حکومتی، تشکیل

مردم ایران روز جمعه ۲۱ اردیبهشت بار دیگر «نه به جمهوری اسلامی» را با عدم حضور در پای صندوق‌های رأی تکرار کردند. دومین دور انتخابات مجلس شورای اسلامی در ۲۲ حوزه انتخاباتی برای تعیین تکلیف ۴۵ کرسی از ۲۹۰ کرسی برگزار شد. در تهران به عنوان بزرگترین حوزه انتخاباتی برای مشخص شدن ۱۶ کرسی، و با توجه به وزن‌کشی بالای جریان‌های سیاسی در پایتخت، مشارکت مردم حتی به ۸ درصد هم نرسید. با اینهمه، رقابت در میان جریان‌های درون حکومتی به شدت جریان یافت و آنها از انواع ابزارها برای تخریب یکدیگر استفاده کردند تا مهره‌های بیشتری از جریان خود را وارد مجلس شورای اسلامی کنند.

رد صلاحیت گسترده‌ای در این دوره از انتخابات مجلس شورای اسلامی که دور اول آن ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ برگزار شد صورت گرفت که نشان از تشدید تنش میان جناح‌ها و جریان‌های حکومتی دارد. اصلاح‌طلبان که برخی افراد خود را در روند رد صلاحیت از دادند، به دلیل سقوط پایگاه اجتماعی توانستند آرای زیادی برای نامزدهای باقیمانده جلب کنند. در چنین شرایطی رقابت اصلی میان جناحین اصولگرا شکل گرفت که به دلیل اختلافات سیاسی و رانتی، در چند گروه و طیف مختلف گسسته شده‌اند. سه جریان اصلی اصولگرا که در انتخابات دوازدهمین دوره مجلس حضور داشتند شامل «شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی» (شان) و «جبهه پایداری» حول حمید رسایی، «جبهه صبح ایران» حول علی‌اکبر رائفی‌پور و «امنا؛ شورای وحدت اصولگرایان» شامل گروه‌های سنتی حول جامعه روحانیت و «جمعیت مؤتلفه اسلامی» هستند.

این سه جریان از ماه‌ها پیش از برگزاری انتخابات آرایش تهاجمی علیه یکدیگر گرفته و با تخریب و افشاگری تلاش کردند هم‌دیگر را در میدان رقابت انتخاباتی تضعیف کنند.

## سرمقاله

# افراطی‌تر و اقتدارگراتر از حکومت کنونی ایران؟!

یکی از دلایل درک نادرست، کاربرد بیجا و تحریف آسان در مفاهیم علوم انسانی بین ایرانیان، مشکل ترجمه است که باعث هرج و مرج و سلیقه‌های شخصی در انتقال معانی اصیل آنها می‌شود.

به این ترتیب با سه مشکل ترجمه نادرست یا نارسا، تحریف عمدی و کاربرد غلط مواجه هستیم. یک نمونه‌ی قابل فهم و بدون تحریف و با کاربرد درست می‌تواند به درک موضوع کمک کند. در زمانی که هنوز گروه‌های سیاسی غیرخودی توسط جمهوری اسلامی قلع و قمع نشده بودند، به «استحاله» از سوی چپ‌گرایان (عمدتاً حزب توده) و گاهی نیز از سوی راست‌گرایانی که به غلط «لیبرال» خوانده می‌شدند (مانند «نهضت آزادی» و مشابهاش) برای درک مسیر رژیم اشاره می‌شد. خاستگاه این مفهوم، عین «فتوا» و «حجاب» و «جهاد» بومی و در نتیجه درک آن ساده بود: جمهوری اسلامی درگیر جنگ و بحران‌های داخلی و خارجی در برخورد با واقعیات سر عقل آمده و یواش یواش مجبور به استفاده از نیروهای مختلف شده و در عمل «استحاله» پیدا می‌کند. چپ سنتی فکر می‌کرد جمهوری اسلامی با این استحاله «راه رشد غیرسرمایه‌داری» در پیش خواهد گرفت و راست سنتی به این خیال بود که جمهوری اسلامی با استحاله «راه رشد سرمایه‌داری» را که با ۵۷ دچار اختلال شده بود دنبال خواهد کرد! هر دو اشتباه می‌کردند؛ ولی مفهوم «استحاله» و کاربرد آن درباره جمهوری اسلامی که پس از انقلاب و تا پایان دوران جنگ هشت ساله جامعه هنوز نمی‌دانست چه هیولایی است، غلط نبود! منتها جواب نداد!

اما به کار بردن «اصلاحات» و «فرمیست» و «محافظه‌کار» و یا «چپ» و «راست» که از دهه هفتاد خورشیدی برای نامیدن جناحین یک رژیم جنایتکار شروع شد اساساً خطاست! بعدها خود رژیم در رقابت جناحی طرفین، «محافظه‌کار» را به «اصولگرا» تغییر داد که بر عملکرد این جناح منطبق و درست است. اما اصلاحات و اصلاح‌طلب همچنان خطا باقی ماند تا مردم از سال ۹۶ آن را از دور خارج کردند. تلاش برای جا انداختن مفاهیم انحرافی و غلط دیگر مانند «تحوّلخواه» و «گذارگرا» تا کنون پاسخ مساعد نگرفته است.

اکنون با پدیده دیگری از انحراف مفاهیم روبرو هستیم که ریشه آن نیز مانند «اصلاحات» و «فرمیسم» در خارج کشور است اگرچه هنوز نتوانسته به میان جامعه در داخل صادر شود چرا که افراطی‌ترین نیروی راستگرا (فاشیست مذهبی / یهودستیز / زن‌ستیز / دگراندیش‌ستیز / دگرپاش‌ستیز / تمامیت‌خواه / انحصارطلب / سروکوگر و خونریز) بر کشور حاکم است و به آن مردم نمی‌توان قبولاند که پس از جمهوری اسلامی چنین نیرویی بر کشور حاکم می‌شود! اما به غربی‌ها چرا!

تلاش برای قلمداد کردن ملی‌گرایی (و نه ناسیونالیسم افراطی که به جنگ جهانی دوم منجر شد و ملی‌گرایان دموکرات اروپا با جنبش‌های پارتیزانی و آزادیبخش توانستند آن را به شکست بکشاند!) و میهن‌دوستان طرفدار پهلوی‌های ایران‌ساز و یا حتا طرفداران «قانون اساسی مشروطه» و پادشاهی «رضاشاه دوم» که در حیطه‌ی نظر مطرح می‌شود، به عنوان «راست افراطی» نه تنها پاسخ نمی‌دهد بلکه راست افراطی واقعی و حاکم، یعنی جمهوری اسلامی و همه افراطیون تمامیت‌خواهی را تقویت می‌کند که مشابه این رژیم در ستیز با دیگران تعریف می‌شوند و در همه صفوف اعم از چپ و راست و جمهوریخواه و پادشاهی‌خواه وجود دارند. هیچ جریان سیاسی و فکری یک «نقطه» آنهم در «میان» نیست! بلکه هر کدام طیفی از انتهای راست تا انتهای چپ هستند که در نقاطی بر هم منطبق نیز می‌شوند. مشکل ایران اما اکنون رژیم راست افراطی اقتدارگرای جمهوری اسلامی است!



همچنین شاخص ضریب جینی که نشاندهنده شکاف طبقاتی است به بالای ۴۰ درصد رسیده، در حالی که این ضریب در عراق حدود ۳۰ درصد یا در مجارستان ۲۹ درصد است. شاخص فلاکت که از جمع دو نرخ تورم و بیکاری به دست

آموزگاران برای افزایش دستمزدها یا حمایت‌ها به یأس تبدیل شده است. در روزهای گذشته مشخص شد خبری از افزایش رقم حق مسکن کارگران نیز نخواهد بود. با آغاز فصل جابجایی مستأجران، گزارش‌ها از قیمت‌های

مجلس دوازدهم با اکثریت نیروهای اصولگرایی که غالب چهره‌های شاخص آن، از افراد تندرو از جمله در ارتباط با سیاست خارجی جمهوری اسلامی هستند، به معنای تشدید اختلاف نظرات در بدنه حاکمیت درباره مسائلی



می‌آید، در پایان پاییز ۱۴۰۲ برابر با ۵۲ واحد بوده که رقمی بالا و قابل توجه است. از سوی دیگر این شاخص در ۲۳ استان ایران از میانگین کشوری بالاتر است. به بیان دیگر مردم در حدود سه چهارم استان‌های ایران فقر و فلاکت بیشتری نسبت به میانگین کشوری را تحمل می‌کنند که می‌تواند انگیزه‌ای برای شکل گرفتن دوباره‌ی اعتراضات سراسری باشد. در چنین شرایطی مردم همواره شاهدند منابع موجود در کشور نیز برای پر کردن جیب «خودی» و پیشبرد اهداف ایدئولوژیک حکومت به هدر می‌روند. در حالی که میلیون‌ها خانوار کارگر، بازنشسته، آموزگار و پرستار و... دنبال تزریق منابعی برای افزایش حقوق‌ها و اجرای قوانینی چون همسان‌سازی حقوق در اداره‌های مختلف هستند، هزاران میلیارد تومان بودجه کشور در سال جاری قرار است برای نهادهای بی‌خاصیت حکومتی یا تقویت بازوهای پروپاگاندای جمهوری اسلامی هزینه شود.

برای نمونه زیرمجموعه‌های تبلیغاتی حوزه علمیه رقمی بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان از بودجه کشور را در سال جاری خواهند بلعید. تنها برای خانواده روح‌الله خمینی از طریق چند سازمان صدها میلیارد تومان بودجه اختصاص یافته است؛ خانواده‌ای که همه اعضای آن بیکار هستند و هیچ قدمی برای پیشرفت کشور یا رفاه مردم بر نمی‌دارند. برای نمونه «موسسه نشر آثار امام خمینی» ۱۶۰ میلیارد تومان و «آستان مقدس حضرت امام»، یعنی مقبره خمینی، رقمی معادل ۲۱۶ میلیارد تومان بودجه به جیب خانواده خمینی خواهد ریخت.

به سخره گرفتن معیشت و کرامت اکثریت شهروندان با تزریق منابع کشور به جیب اقلیت «خودی» و همزمان، فرو بردن بیش از پیش مردم به زیر خط فقر، بازی خطرناکی برآمده از ساختار فاسد حکومت است که در نهایت جمهوری اسلامی «بازنده»ی آن خواهد بود. بی‌تردید شرایط کنونی در کشور، بار دیگر سبب اعتراضاتی فراگیر خواهد شد که برای مردم ایران نویدبخش «آزادی» و برای جمهوری اسلامی به معنی پایان حیات خواهد بود.

نجومی و سرسام‌آور در اجاره‌بها حکایت دارد. کارشناسان معتقدند امسال سال بسیار بدی برای خانوارهای مستأجر است. آمارهای رسمی نشان می‌دهد بیش از یک سوم از جمعیت ایران مستأجرند و این بدان معناست که بیش از ۳۰ میلیون نفر در کشور امسال برای پیدا کردن یک سرپناه که هزینه اجاره آن با درآمدشان همخوانی داشته باشد با مشکل روبرو هستند.

در آنسو گرانی در بازار مواد غذایی نیز ادامه دارد و برنامه حمایتی دولت همگی با شکست و ناکامی روبرو شده است. برای نمونه یارانه پرداختی به هر نفر از سه دهک پایین درآمدی برابر با ۴۰۰ هزار تومان در ماه است که حتی برای خرید نیم کیلو گوشت نیز کافی نیست.

تیم اقتصادی دولت ابراهیم رئیسی در حالی مدعی بود با اصلاح روند تخصیص ارز ترجیحی و قیمت آن، طرحی که به «جراحی اقتصادی» معروف شد، در درازمدت افزایش قیمت مواد خوراکی را کنترل خواهد کرد که آمارها نشان می‌دهد طی دو سال پس از اجرای این طرح قیمت مواد خوراکی بطور میانگین بین ۵۰ تا ۲۶۰ درصد افزایش یافته است.

#### مشکلات انباشته، زمینه‌ساز اعتراضات فراگیر

دستمزدهای ناچیزی که نامتناسب با نرخ تورم افزایش یافته و به دلیل کاهش ارزش پول ملی، ارزش واقعی و قدرت خرید آنها نیز کاهش پیدا کرده، سبب تشدید بحران‌های معیشتی خانوارها شده است.

طبیعی است آمارهای اقتصادی نیز نشان از گسترش فقر و فلاکت، و کاهش احساس رضایتمندی جامعه دارد. برای مثال «لگاتوم» بر اساس ۱۲ شاخص میزان کامیابی ملت‌ها را اندازه‌گیری می‌کند، برخی از این شاخص‌ها عبارتند از امنیت و ایمنی، محیط زیست، آموزش، سلامت، شرایط زندگی، کیفیت اقتصادی و همچنین سرمایه اجتماعی. سرمایه اجتماعی همان اعتماد به نهادها، سیاست‌های کشور، پول ملی و اعتماد به یکدیگر است. در آخرین گزارش (Legatum Prosperity Index) رتبه شاخص کامیابی در ایران از میان ۱۶۷ کشور ۱۲۶ است!

چون مذاکره و توافق است. هرچند زمان و شیوه مذاکره، و امتیازهای قابل چانه‌زنی فرای نهاد قانونگذار جمهوری اسلامی در ارکان بالای نظام و با نظر مستقیم و قاطع علی‌خامنه‌ای صورت می‌گیرد، اما دیدگاه‌ها و اظهارنظرهای نمایندگان می‌تواند، ولو به صورت کوتاه‌مدت، حاشیه‌هایی غالب بر متن دیپلماسی خارجی جمهوری اسلامی ایجاد کند. یکی از پیامدهای مستقیم چنین روندی، اثرات بر «انتظارات تورمی» خواهد بود. اقتصاد ایران سال‌هاست با تورم فزاینده روبروست؛ نه دولت حسن روحانی توانست از فضای «بسپرجام» به سود تقویت زیرساخت‌ها و اقدامات بنیادین بهره‌برد و نه دولت ابراهیم رئیسی توانست به وعده محوری «مهار تورم» جامه عمل بپوشاند.

بیش از یک دهه است که بیش از تحریم‌ها، سیاست‌ها ناکارآمد و خسارت‌بار دولت‌های جمهوری اسلامی اقتصاد ایران را شکننده کرده است. یکی از نتایج آسیب‌پذیری اقتصاد ایران را می‌توان در تأثیرات شدید اخبار سیاسی بر وضعیت اقتصاد دید که در بسیاری موارد به شکل «انتظارات تورمی» ظاهر می‌شود.

به بیان ساده اینکه، گاهی بازارهای مختلف با توجه به شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، از جمله شکل‌گیری اعتراضات سراسری، وجود خطر درگیری جمهوری اسلامی با دیگر کشورها یا تشکیل مجلسی با آرایشی از نیروهای تندرو انتظار بحرانی‌تر شدن فضای اقتصادی را دارد و همین انتظار ناخودآگاه تورم را به سمت افزایشی شدن تحریک می‌کند.

#### گسترش گرانی و فقر و محرومیت

بی‌عملی دولت و ناکارآمدی مجلس در شرایطی که مشکلات انباشته اقتصادی و فشارهای اجتماعی عرصه زندگی بر شهروندان را تنگ کرده، می‌تواند زنگ خطری جدی برای حکومت به شمار رود.

در نیمه دومین ماه سال، و در حالی که آخرین مراحل رسیدگی به لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ نیز رو به پایان است، امید گروه‌های اجتماعی چون کارگران، بازنشستگان و

شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با «LBC»:

## جهان نباید در برابر سرکوب بی‌شرمانه توسط رژیم سکوت کند



● شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با شبکه بریتانیایی «LBC» که جمعه دهم ماه مه (۲۱ اردیبهشت‌ماه) پخش شد بار دیگر از قدرتهای غربی از جمله کشورهای عضو گروه «G20» خواست بجای مداخلات با رژیم، در کنار مردم ایران بایستند و از آنها حمایت کنند. وی تأکید کرد که جهان نباید در برابر سرکوب بی‌شرمانه مردم ایران توسط رژیم سکوت کند.

● «ما با رژیمی اهریمنی روبرو هستیم که ۴۵ سال پیش در درجه اول مردم ایران را به گروگان گرفت. وقتی شما به اتفاقات جاری در کره خاکی، به ویژه در منطقه نگاه می‌کنید، علت اصلی هر مشکلی که می‌بینیم، از افراط‌گرایی گرفته تا بی‌ثباتی و درگیری، اساساً به دلیل حضور جنگ‌طلبانی است که منطقه ما را در وضعیتی قرار داده‌اند که اکنون در آن قرار دارد.»

● «دولت‌ها ۴۵ سال مداخلات با رژیم را امتحان کرده‌اند و جواب نداده است. من معتقدم زمان کمک به مردم ایران فرا رسیده تا به صورت بنیادین با کشوری کاملاً متفاوت از نظر تأثیرگذاری بر منطقه روبرو شوند. این دقیقاً برخلاف رژیمی خواهد بود که همه چیز را ویران و بی‌ثبات کرده است.»

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با شبکه بریتانیایی «LBC» که جمعه دهم ماه مه (۲۱ اردیبهشت‌ماه) پخش شد بار دیگر از قدرتهای غربی از جمله کشورهای عضو گروه «G20» خواست بجای مداخلات با رژیم، در کنار مردم ایران بایستند و از آنها حمایت کنند. وی تأکید کرد، «سکوت در برابر سرکوب مردم ایران توسط رژیم، بی‌وجدانی و شرم‌آور است.»

وی در این برنامه به پرسش‌های نیک فراری مجری و مفسر با سابقه شبکه «LBC» درباره وضعیت ایران از جمله سرکوب مردم توسط حکومت و ضرورت اتحاد اپوزیسیون پرداخت و تأکید کرد: «من برای رهبری این جنبش و کمک به هموطنان در انجام آن پیشقدم شده‌ام و چیزی که ما به آن فکر می‌کنیم، و البته وقتی هم از نیاز حمایت بیشتر از سوی جهان آزاد صحبت می‌کنیم، توانمند ساختن مردم ایران است.»

نیک فراری: این مایه افتخار است که رضا پهلوی را که ولیعهد در تبعید ایران و اکنون بنیانگذار و رهبر شورای ملی ایران است به همه شما معرفی کنم. او به من اجازه داد تا وی را با نام کوچکش خطاب کنم. پس رضا، می‌توانم بگویم سپاس که به ما پیوستید.

شاهزاده رضا پهلوی: سپاسگزارم.  
● می‌خواهم درباره شورای ملی ایران (NCI) بشنوم. اما در ابتدا نظرات رضا را می‌شنوم. بسیاری از شنوندگان با آنچه در وطن شما گذشته و اینکه چرا در تبعید زندگی می‌کنید، آشنا نیستند. بد نیست کمی با شنوندگان درباره اتفاقاتی که افتاده صحبت کنید.

-خب، درست بعد از فارغ‌التحصیلی از دبیرستان و هنگامی که قرار بود در پایگاه نیروی هوایی آمریکا در لوبوک (تگزاس) آموزش خلبانی را طی کنم و یک سال بعد به وطن بازگردم، در این بین، انقلاب اتفاق افتاد و در نتیجه از آن زمان مجبور شدم در تبعید زندگی کنم.

● وقتی اکنون به وطن خود نگاه می‌کنید، در دل چه

احساسی دارید؟

-من احساس ملتی را دارم که شایسته وضعیتی بهتر از آنچه اکنون دارند، هستند. ما با رژیمی اهریمنی روبرو هستیم که ۴۵ سال پیش در درجه اول مردم ایران را به گروگان گرفت. وقتی شما به اتفاقات جاری در کره خاکی، به ویژه در منطقه نگاه می‌کنید، علت اصلی هر مشکلی که می‌بینیم، از افراط‌گرایی گرفته تا بی‌ثباتی و درگیری، اساساً به دلیل حضور جنگ‌طلبانی است که منطقه ما را در وضعیتی قرار داده‌اند که اکنون در آن قرار دارد.

● به نظر شما هدف نهایی آنها چیست؟

-صدور یک ایدئولوژی! و برای همین آنجا هستند. این تمام هدف و دلیل وجودی این رژیم است. آنها از روز اول هرگز به فکر مردم و رفاه شهروندان ما نبوده‌اند، بلکه فقط به گسترش این ایدئولوژی در منطقه و فراتر از آن پرداخته‌اند.

● لطفاً چشم‌اندازی از ایران و وسعت کشور و جمعیت و امکانات و ظرفیت آن برای آنچه می‌تواند باشد، به شنوندگان ارائه کنید.

-پتانسیل‌ها زیاد است؛ اما فراتر از پتانسیلهایی که کشور از نظر منابع زیرزمینی و روی زمین و همچنین منابع انسانی و طبیعی که دارد، سهمی است که یک ایران دموکراتیک و سکولار می‌تواند داشته باشد. چه در زمینه صلح با منطقه، چه با اسرائیل و چه با کشورهای عربی. این دقیقاً نقطه‌ی مقابل رژیمی است که متخاصم و جنگ‌طلب است؛ همان رژیمی که علت اصلی همه عوامل بی‌ثباتی و تروریسم است که در چهار دهه گذشته شاهد آن بوده‌ایم.

● کمی بیشتر به شنوندگان ما در مورد «شورای ملی ایران» بگویید. چرا آن را ایجاد کردید و هدف‌تان چیست؟  
-این تقریباً ۱۲ سال پیش بود، از آن زمان تا کنون فعالیت‌ها و اقدامات دیگری هم در داخل و هم در خارج کشور وجود داشته است. تمام هدف این است که اپوزیسیون سکولاردموکرات بتواند تا حد ممکن بر سر یک هدف مشترک متحد شود. ما معتقدیم که گذار به یک رژیم سکولاردموکراتیک تنها زمانی رخ می‌دهد که این رژیم از بین برود، اما این روند باید هماهنگ و به خوبی مدیریت شود.

من برای رهبری این جنبش و کمک به هموطنان در انجام آن پیشقدم شده‌ام و چیزی که ما به آن فکر می‌کنیم، و البته وقتی از نیاز حمایت بیشتر از سوی جهان آزاد صحبت می‌کنیم، توانمند ساختن مردم ایران است، زیرا آنها تا کنون کاملاً بدون هیچ کمکی به مبارزه پرداخته‌اند. رژیم آسیب‌پذیر است، ضعیف است. در نتیجه، حتی بیشتر از گذشته دست به سرکوب می‌زند، هم‌اکنون نیز کارزار دیگری علیه زنان به راه انداخته است.

در حال حاضر افرادی در زندان‌ها هستند که رژیم می‌خواهد آنها را اعدام کند. به عنوان مثال توماج صالحی یکی از مشهورترین هنرمندان رپ ما است که در معرض این تهدید قرار گرفته. ما یکی از کارگردانان معروف سینما را داریم که فقط به خاطر ساختن فیلمی به اصطلاح «علیه امنیت ملی» به هشت سال زندان و شلاق محکوم شده است [محمد رسول‌اف]. خوشحالم که هنرمندان برخاسته‌اند و نظرات خود را بیان می‌کنند، ما به این همبستگی نیاز داریم.

● شما از من بیشتر و نزدیک‌تر ایران را می‌شناسید، اما چه چیزی باعث می‌شود فکر کنید که رژیم آسیب‌پذیر است؟

-آسیب‌پذیری به این معنا که مشروعیت کامل‌اش را از دست داده و اکثریت مردم ایران این رژیم را نمی‌خواهند.

● از کجا این را می‌دانید؟  
-به گواهی نظرسنجی‌ها، واکنش‌های مردم در رسانه‌های اجتماعی و مواردی از این دست.

● ولی مخالفت با دولت مستقر کنونی باید بسیار خطرناک باشد.

-البته که هست، اما وقتی برای آزادی می‌جنگید، همه ریسک‌ها را می‌پذیرید. من فکر می‌کنم جنبش‌های آزادیبخش از دست دیکتاتورها در سراسر جهان، با چنین چیزی روبرو بوده‌اند. از اتحاد جماهیر شوروی گرفته تا رژیم‌های دیگر و ایران نیز از این نظر مستثنا نیست. اما اینجاست که فکر می‌کنم شنوندگان شما علاقمند خواهند بود که بدانند برخلاف این رژیم که ماهیت آن نفرت‌پراکنی و دشمن‌تراشی است، ایرانیان می‌خواهند در دنیای



## هشدار سازمان اطلاعات و امنیت کانادا در مورد تهدیدات عوامل نفوذی رژیم ایران علیه مخالفان



برگزاری مراسم بزرگداشت قاسم سلیمانی در تورنتو / ۱۳۹۹

و آنها را تحت تعقیب قرار می‌دهد یا از آنها اطلاعات جمع‌آوری می‌کند. همچنین تأکید شده که حکومت ایران با هدف قرار دادن اسرائیلی‌ها و یهودیان، با کشور اسرائیل «جنگ سایه» به راه انداخته است.

سازمان اطلاعات و امنیت کانادا با اشاره به نقش مخرب رژیم ایران در امنیت منطقه و بین‌الملل و گزارش، «عملیات خارجی جمهوری اسلامی در کشورهای غربی طی سال‌های اخیر به شکل فزاینده‌ای تهاجمی و گسترده شده و این سبب پیشبرد دسیسه‌های مرگبار عوامل نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی در ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و چندین کشور اروپایی شده است.»

این گزارش می‌افزاید که جمهوری اسلامی از زمان حمله تروریستی «هفت اکتبر» ۲۰۲۳ حماس علیه اسرائیل به گروه‌های نیابتی و متحدان خود شامل حوثی‌های یمن امکان داده است تا حملاتی را علیه اسرائیل و منافع آمریکا انجام دهند.

گزارش سازمان امنیت کانادا همچنین با پیش‌بینی افزایش اقدامات تهدیدآمیز حکومت جمهوری اسلامی علیه کانادا و متحدان این کشور در سال میلادی جاری می‌افزاید که رژیم ایران در پی گسترش نفوذ خود به کشورهای منطقه شامل عراق، سوریه و لبنان و بهره‌گیری از گروه‌های نیابتی و شبه‌نظامی از جمله حزب‌الله لبنان و حوثی‌های یمن است. عوامل جمهوری اسلامی از محرکان تقویت اعتراضات ضداسرائیلی و نفرت‌پرانی علیه یهودیان در کشورهای غربی از جمله کانادا هستند.

مخالفان جمهوری اسلامی در کانادا معتقدند سال‌هاست که این کشور به بهشت عوامل سیاسی و امنیتی رژیم و فرزندان آنها تبدیل شده و اموال زیادی را از ایران به شهرهای مختلف کانادا انتقال داده‌اند و در بهترین مناطق ساکن شده‌اند و املاک و اتومبیل‌های گران قیمت برای خودشان خریده‌اند.

● سازمان اطلاعات و امنیت کانادا (CSIS) در گزارشی با اشاره به «مداخلات خارجی» در این کشور طی سال ۲۰۲۳ هشدار داد روسیه، چین، هند و جمهوری اسلامی در سال گذشته بر شدت فعالیت‌های مخرب خود افزوده‌اند.

● در این گزارش آمده است که عوامل خارجی با هدف مداخله در کانادا، «در انواع اعمال خصمانه شامل تحریک، قتل، تأمین مالی غیرقانونی، اقدامات مخرب سایبری و دستکاری اطلاعاتی» نقش دارند.

● در این گزارش آمده جمهوری اسلامی در پی نفوذ در جامعه ایرانیان مهاجر کانادا از جمله فعالان مخالف رژیم و مخالفان سیاسی، فعالان حقوق بشر، زنان و اقلیت‌هاست و آنها را تحت تعقیب قرار می‌دهد یا از آنها اطلاعات جمع‌آوری می‌کند. همچنین تأکید شده که حکومت ایران با هدف قرار دادن اسرائیلی‌ها و یهودیان، با کشور اسرائیل «جنگ سایه» به راه انداخته است.

سازمان اطلاعات و امنیت کانادا (CSIS) در گزارشی با اشاره به «مداخلات خارجی» در این کشور طی سال ۲۰۲۳ هشدار داد روسیه، چین، هند و جمهوری اسلامی در سال گذشته بر شدت فعالیت‌های مخرب خود افزوده‌اند.

در این گزارش آمده است که عوامل خارجی با هدف مداخله در کانادا، «در انواع اعمال خصمانه شامل تحریک، قتل، تأمین مالی غیرقانونی، اقدامات مخرب سایبری و دستکاری اطلاعاتی» نقش دارند.

در بخشی از این گزارش که هفتم ماه مه (۱۸ اردیبهشت) منتشر شد آمده جمهوری اسلامی در عملیات خارجی خود بی‌پروا تر شده است و اقدامات خصمانه رژیم، «امنیت کانادا و کانادایی‌ها را به خطر انداخته و به ارزش‌های دموکراتیک این کشور آسیب می‌زند.»

در این گزارش آمده، جمهوری اسلامی در پی نفوذ در جامعه ایرانیان مهاجر کانادا از جمله فعالان مخالف رژیم و مخالفان سیاسی، فعالان حقوق بشر، زنان و اقلیت‌هاست

→ آزاد زندگی کنند. آنها ارزش‌های یکسانی با شما از جمله در آزادی، حقوق بشر، عدالت، برابری و عدم تبعیض دارند. اینجاست که شما یک متحد طبیعی دارید. این تفاوت مردم ایران با رژیم است. رژیمی که به سمت هسته‌ای شدن و جنگ‌افروزی پیش می‌رود. فکرش را بکنید بعدش چه می‌شود؟

● این متحدانی که می‌توانند به شما در پیشبرد این مبارزه کمک کنند، چه کسانی هستند؟ به دنبال چه کسانی برای کمک هستید؟

-من معتقدم که این می‌تواند در حوزه‌ای باشد که ما نیاز به توأند ساختن مردم ایران داریم. همیشه گفته‌ام که درک این موضوع اولویت دارد که چرا تحریم رژیم باید در اولویت باشد؛ این بسیار مهم است اما تحریم‌ها به خودی خود برای ایجاد تغییرات اساسی کافی نیستند، مگر اینکه عنصر حمایت حداکثری از مردم ایران را نیز داشته باشید. باید بگویم که تا کنون، در چهار دهه گذشته، ثابت شده که پیگیری سیاست تغییر رفتار رژیم، که در دستور عمل بیشتر دولت‌ها بوده و یا سیاست مداخلات با رژیم، مسیری اشتباه است، زیرا تنها به این رژیم قدرت می‌بخشد و حتی آن را بی‌پروا تر می‌کند تا اقداماتی را که مرتکب می‌شده بیشتر انجام دهد، خواه سرکوب در داخل کشور باشد یا تجاوز در خارج. بنابراین، تنها راه حل، زمانی است که بدانیم علت اصلی همه این مشکلات و تهدیدها به خود رژیم مربوط است و تنها با سرنگونی این رژیم است که به مشکل پایان خواهیم داد. از این رو، شما باید این حمایت را وارد رویکرد خود کنید، زیرا مردم باید انگیزه بیشتری داشته باشند و بدانند که در این مبارزه تنها نیستند.

● آیا دولت‌های عضو گروه «ج۲۰» باید کارهای بیشتری انجام دهند؟

-فکر می‌کنم آنها می‌بایست بالاخره درک کنند که بهترین راه حل برای پایان دادن به مشکل، این است که اینبار با مردم ایران بجای این رژیم وارد گفتگو بشوند. دولت‌ها ۴۵ سال مداخلات با رژیم را امتحان کرده‌اند و جواب نداده است. من معتقدم زمان کمک به مردم ایران فرا رسیده تا به صورت بنیادین با کشوری کاملاً متفاوت از نظر تأثیرگذاری بر منطقه روبرو شوند. این دقیقاً برخلاف رژیمی خواهد بود که همه چیز را ویران و بی‌ثبات کرده است.

● در پایان، شما بطور خلاصه به آنچه به نظر می‌رسد وحشیگری رژیم کنونی در ایران است، پرداختید... ما ویدئوهایی از زنان جوانی را می‌بینیم که به طرزی وحشتناک در خیابان‌ها بازداشت می‌شوند، به پشت یک ون منتقل می‌شوند و حتی گاهی به دلیل عدم رعایت مقررات پوشاک مورد ضرب و جرح قرار می‌گیرند. این یک واقعیت در زندگی روزانه‌ی زنان جوان در ایران است.

-اتفاقاً بی‌بی‌سی یک مستند به‌موقع درباره سرنوشت نیکا شاکرمی یکی از مبارزان جوان پخش کرد؛ او را به ماشینی منتقل کرده و در آنجا به او تجاوز کردند و سپس پیکر بیجان‌اش را در جایی گوشه یک خیابان رها کردند. موارد مشابه بسیاری مثل آن وجود دارد. این واقعاً در عصر حاضر مطلقاً بی‌شرمی است که چنین رژیمی، چنین رفتاری علیه شهروندان خود داشته باشد؛ جهان دیگر نمی‌تواند ساکت بماند!

● از اینکه برنامه حضور در استودیوی ما را در سفر خود به اینجا گنجانید، سپاسگزارم. رضا پهلوی، ولیعهد در تبعید ایران، پسر ارشد پادشاه پیشین ایران و البته جزئیات بیشتری در خصوص ایشان وجود دارد از جمله «شورای ملی ایران» که وی بنیانگذار و رهبر آن است. ممنون از وقتی که با ما در این استودیو سپری کردید.

-سپاسگزارم.

## شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با رادیو بی بی سی: اکثریت مردم ایران رژیم جمهوری اسلامی را نمی خواهند



شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با رادیو بی بی سی

من به همه کشورهایی خواهیم رفت که امروز و در راستای خواسته و آرمان مردم ایران هستند و همین موضوع را مطرح می‌کنند، صرف نظر از اینکه در حاشیه چه اتفاقی می‌افتد؛ زیرا باز هم فکر می‌کنم اصلی‌ترین موضوع ایران است. به نظر من قربانیان این رژیم به همان اندازه که فلسطینی‌ها، سوری‌ها، عراقی‌ها و بسیاری دیگر از مردم منطقه هستند، اسرائیلی‌ها نیز هستند.

● شما می‌دانید که یک سال پیش ائتلافی وجود داشت که شما بخشی از آن بودید. آن ائتلاف از هم پاشید. این تا حدی به خاطر اطرافیان شما بود که رویکرد بسیار سختگیرانه‌ای را اتخاذ می‌کردند. بنابراین یک حس عدم اعتماد در میان عده زیادی از اپوزیسیون علیه شما وجود دارد و شما را برای آینده متصور نیستند.

-خب، موضوع بر سر کاندیدای بودن من در آینده نیست. با این حال، فکر می‌کنم تمرکز در حال حاضر این است که انتقال دموکراتیک چقدر مهم است. تا آنجا که به نقش من در این انتقال مربوط می‌شود، همان چیزی است که ما در مورد آن صحبت می‌کنیم. کار من این است که با درک اختلاف نظرهای سیاسی تا حد امکان وحدت ایجاد کنم. من معتقدم که همه ما موافقیم که مکانیسم تغییر در نهایت باید با مجلس مؤسسان باشد که در آن نمایندگان مردم درباره آینده بحث کنند و تصمیم بگیرند. برای رسیدن به آن، باید به عنوان یک اپوزیسیون متحدتر با هم کار کنیم. در واقع، فکر می‌کنم در داخل ایران چنین تقسیم‌بندی‌هایی وجود ندارد. در عمل ما حتی افرادی را داریم که از رژیم جدا می‌شوند و سعی می‌کنند به این صفوف بپیوندند و به نظر من ما می‌توانیم این موضوع را در خارج نیز مدیریت کنیم، تا تمرکز و همخوانی بیشتری با مردم در مهبان داشته باشیم.

● رضا پهلوی خیلی ممنون.

-سپاسگزارم.

-البته، دلایلی که من این‌را می‌گویم این است که اگر می‌خواهیم یک گذار موفق به یک دموکراسی در آینده داشته باشیم، نمی‌توانید مردمی را که در وسط کارزار نافرمانی مدنی با رژیم کنونی هستند، به حال خودرها کنید. ما نمونه‌هایی از حمایت‌های پیشین و موفقیت چنین کارزارهایی را در سراسر جهان داریم. ● اما آیا شما می‌خواهید که دولت‌های غربی با کمک به مردم ایران، رژیم را در ایران سرنگون کنند؟ از چه طریقی؟ آیا شما در مورد دخالت نظامی صحبت می‌کنید؟

نه، نه، به هیچ وجه، این همیشه خط قرمز من بوده است. نیازی به دخالت خارجی نیست، اما اگر [مردم] کشور را نتوانند کنید، اگر جامعه مدنی را تقویت کنید، اگر به فعالان کمک کنید، به‌رمان گروه‌ها در داخل ایران با چنین حمایت‌هایی می‌توانند فعالیت کنند. این کمک می‌تواند مالی باشد، می‌تواند در زمینه فناوری باشد. ایرانیان در تبعید می‌توانند تأثیر بیشتری داشته باشند. با این حال، تغییر سیاست لازم است. به بیان دیگر، اگر فکر می‌کنید که تنها با فشار خارجی، تنها با تحریم، می‌توانید به آن دست پیدا کنید. این برای وقوع این اتفاق کافی نیست.

● به این ترتیب شما یک سال پیش هم با همین موضوع به اسرائیل رفتید. آنها به شما چه گفتند؟

-خب، فکر می‌کنم آنها می‌دانند و فکر می‌کنم بسیاری در منطقه می‌دانند که مسئله نهایی این است که این رژیم از همان ابتدا دشمن، جنگ‌افروز، بی‌ثبات‌کننده و مداخله‌گر بوده است. اما با یک ایران دموکراتیک و سکولار همه چیز کاملاً متفاوت خواهد بود. این چیزی است که من فکر می‌کنم جهان باید بداند و درک کند. درک این موضوع یک ایران سکولار و دموکراتیک کشوری در صلح با اسرائیل و همسایگان عرب خود و همچنین متعهد به ثبات و آرامش در مقابل جنگ، درگیری و تروریسم خواهد بود.

● بیایید شفاف باشیم. آیا اکنون هم به اسرائیل می‌روید؟

● شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با برنامه «The World at One» که نهم ماه مه (۲۰ اردیبهشت) از رادیو بی بی سی بین‌المللی پخش شد با تأکید بر اینکه گروه‌های مدافع دموکراسی در خارج ایران باید به عنوان یک اپوزیسیون متحدتر با یکدیگر کار کنند، تأکید کرد اکثریت مردم ایران دیگر این رژیم را نمی‌خواهند و به دنبال ارزش‌هایی مثل آزادی، برابری و عدالت و حقوق بشر هستند که برای غربی‌ها نیز اصول و ارزش‌های بنیادی به شمار می‌رود. ● یکی از دلایلی که ما امروز شاهد چنین وضعیتی در خاورمیانه هستیم، عمدتاً به دلیل انتظار ۴۰ ساله برای تغییر رفتار رژیم و در رأس آن، سیاست مداخلات با رژیم است که موجب دلسردی شده است. برعکس تمام انتظارات چنین رویکردی رژیم را بی‌پروا کرده تا به سرکوب بیشتر در داخل و تجاوز در خارج ادامه دهد.

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با برنامه «The World at One» که نهم ماه مه (۲۰ اردیبهشت) از رادیو بی بی سی بین‌المللی پخش شد با تأکید بر اینکه گروه‌های مدافع دموکراسی در خارج ایران باید به عنوان یک اپوزیسیون متحدتر با یکدیگر کار کنند، تأکید کرد اکثریت مردم ایران دیگر این رژیم را نمی‌خواهند و به دنبال ارزش‌هایی مثل آزادی، برابری و عدالت و حقوق بشر هستند که برای غربی‌ها نیز اصول و ارزش‌های بنیادین به شمار می‌رود.

ساره مونتگیو: پس از حمله موشکی [جمهوری اسلامی] ایران به اسرائیل، ولیعهد ایران رضا پهلوی، پسر شاه برکنار شده، در رسانه‌های غربی به بحث درباره تغییر رژیم در کشورش پرداخته است. او یکی از شناخته شده‌ترین چهره‌های اپوزیسیون ایرانی است، اما در عین حال چهره‌ای جنجالی است. او در حال حاضر در لندن است و اینجا در استودیو به ما ملحق می‌شود.

عصر بخیر، از حضور شما بسیار سپاسگزارم. شما گفتید: من فکر می‌کنم زمان آن فرا رسیده که جهان در مورد این موضوع، موضوع تغییر رژیم در ایران، تصمیم نهایی را بگیرد. منظور شما چیست؟ می‌خواهید دنیا چه تصمیمی بگیرد؟ شاهزاده رضا پهلوی: خب، یکی از دلایلی که ما امروز شاهد چنین وضعیتی در خاورمیانه هستیم، عمدتاً به دلیل انتظار ۴۰ ساله برای تغییر رفتار رژیم و در رأس آن، سیاست مداخلات با رژیم است که موجب دلسردی شده است. برعکس تمام انتظارات چنین رویکردی رژیم را بی‌پروا کرده تا به سرکوب بیشتر در داخل و تجاوز در خارج ادامه دهد. در نهایت همه اینها، علت اصلی مشکل، رژیم در ایران است و تأمین مالی و تسلیحاتی و آموزشی نیروهای نیابتی‌اش... این تا زمانی که متوجه نشویم تنها راه برای پایان دادن به همه این تهدیدها، پایان دادن به رژیم در ایران است، ادامه خواهد داشت. در واقع، پایان دادن به رژیم به خواست واقعی اکثریت مردم ایران مربوط است که دیگر این رژیم را نمی‌خواهند. ما ملتی صلح‌جو هستیم که ارزش‌های مشابهی را داریم که اینجا در جهان آزاد شاهد آنها هستیم. از جمله حقوق بشر و برابری و عدالت. این درست برعکس رژیمی است که کاملاً آنها را انکار می‌کند.

● بسیار خوب، اما قبل از اینکه ببینیم خود ایرانی‌ها چه می‌خواهند، بیایید به این موضوع بپردازیم که شما با دولت‌های دیگر در سراسر جهان ارتباط می‌گیرید و به آنها می‌گویید که ما باید رژیم در ایران را تغییر دهیم.



# شاهزاده رضا پهلوی: سرمایه‌دارها داخل ایران نگران نباشند؛ تغییر نظام خطری برای سرمایه‌های آنها ایجاد نمی‌کند بلکه خطر برای آنها نیز در تداوم این رژیم است!



شاهزاده رضا پهلوی در نشست لندن / اردیبهشت ۱۴۰۳

هم کار کنیم و پروژه‌های مشترک را پیش ببریم. در جایی که دسترسی به اینترنت آزاد و رسانه‌های خارجی نیست، اولین انتظاری که هموطنان در داخل ایران دارند این است که صدای آنها باشیم و خواسته‌های آنها را به دولت‌های خارجی و پارلمان‌های آنها انتقال دهیم. تحریم‌ها یا قراردادن سپاه پاسداران در فهرست تروریستی به عنوان اهرم فشار کافی نیست و باید از آنها [دولت‌های غربی] بخواهیم از مردم ایران حمایت حداکثری کنند نه اینکه ادامه مداخلات با رژیم و انتظار تغییر رفتار رژیم که ۴۰ سال است دنبال کردند... باید در صحنه بین‌المللی نشان دهیم که کمبود خلاقیت و مدیریت نداریم، اگر این نظام دلسوز بود مدیران سالم را به کار می‌گرفت، مدیرانی که در مملکت هستند اما به کار گرفته نشدند.»

شاهزاده رضا پهلوی با اشاره به نزدیک شدن رژیم به سلاح اتمی و افزایش بی‌ثباتی در منطقه و همچنین احتمال هدف قرار گرفتن تأسیسات اتمی گفت، «تنها راه جلوگیری از این وضع این است که به قدرت‌های غربی بگوییم راه دیگری هست و زمان آن رسیده است.»

وی افزود: «موضوع مهم دیگر اهمیت بسیار مهم تغییر در پارادایم فکری نیروهای به اصطلاح اصلاح‌طلب است و آنها نیز به این نتیجه رسیدند که [امید به اصلاح] دیگر فایده ندارد اما در یکجا باید بتوانند ملحق بشوند، اولین وظیفه نیروهای سکولاردموکراتیک در چنین شرایطی استقبال از این ملحق شدن است، می‌دانم قبول آن برای خیلی‌ها سخت است اما به خاطر منافع ملی باید تا جای ممکن همسویی حداکثری و ریزش حداکثری را تقویت کنیم، زیرا یکی از نگرانی‌های من و خواست من کم‌هزینه‌ترین راه برای تغییر نظام در ایران است... جاهایی هست که باید این هزینه را به حداقل برسانیم و تضمینی برای نیروهایی که دست‌شان به خون مردم آلوده نیست و بدانند در

تمامیت ارضی را اصول حداقلی به عنوان مبنای همکاری دانست و گفت، «اینها مثل قوانین بازی است که باید رعایت شود و حداقل اصولی است که می‌تواند نیروهای سکولاردموکرات کشور شامل چپ، راست و مشروطه‌خواه را حول یک برنامه همسو و همفکر جمع کند... در جایی که می‌دانید اختلاف نظر و سلیقه هست، الان زمان مطرح کردن آنها نیست زیرا روزی خواهد آمد که بتوانیم نظرات مان را بیان کنیم و در نهایت صندوق رأی تعیین‌کننده خواهد بود. بنابراین تنها هدفی که اکنون می‌توانیم داشته باشیم رسیدن به شرایطی است که نمایندگان منتخب مردم بتوانند روی قانون اساسی آینده بحث کنند و پیشنهاد دهند و در نهایت مردم هستند که تصمیم نهایی را می‌گیرند... از معیارهای جهانشمول که در دموکراسی جنبه اساسی دارد یکی پارلمان به عنوان بالاترین مرجع تصمیم‌گیری است و تنها معیار تصمیم‌گیری و وزن‌کشی صندوق رأی است.»

وی در ادامه گفت، «مشکل زمانی است که بخشی از جامعه همزمان جزئی از مشکل هستند و بخش زیادی از آنها جزوی از راه حل؛ به این مفهوم که تمامیت‌خواهی‌ها، برخوردی‌هایی که با ادبیات دموکراسی و کثرت‌گرایی جور در نمی‌آید به ویژه در دو بخش افراطی راست و چپ که فضا را آلوده و ایجاد تشنج می‌کنند، چه دانسته و چه ندانسته در زمین نظام بازی می‌کنند و پا اجازه نمی‌دهند اتحاد به وجود آید، [بنابراین] باید توان‌مان را بگذاریم برای متحد کردن نیروهایی که می‌خواهند با هم کار کنند... فکر می‌کنم در داخل خیلی بیشتر از بیرون ایران اتحاد داریم، برای همین هم هست که خیلی از شخصیت‌ها می‌گویند اپوزیسیون شما متلاشی است، پراکنده است و با هم نمی‌توانید کار کنید، اما معتقدم ما می‌توانیم ولی هنوز در عمل نشان نداده‌ایم؛ بنابراین وظیفه هر کنشگر و فعالان این است که فراتر از برگزار کردن تظاهرات نشان دهد که در عمل می‌توانیم با

● شاهزاده رضا پهلوی در نشست با عنوان «برای ایران، چالش‌ها و راهکارها» که روز شنبه ۱۱ ماه مه (۲۲ اردیبهشت‌ماه) با حضور فعالان سیاسی و اجتماعی، چهره‌های آکادمیک و خبرنگاران در شهر لندن برگزار شد، به بیان دیدگاه‌های خود در مورد مسائل محوری ایران از جمله، اصول همکاری با سایر جریان‌های سیاسی و تلاش برای به میدان آوردن «قشر خاکستری» پرداخت.

● «رفتارهای جمهوری اسلامی ممکن است کار را به جای باریک بکشاند، به مقامات غربی گفته‌ام اگر دیپلماسی به جایی نرسیده و برخورد نظامی هم راه حل نیست تنها راهی که برای شما باقی می‌ماند حمایت از مردم ایران است.»

● «[سرمایه‌دارها] نترسند، تغییر نظام خطری برای سرمایه‌های آنها ایجاد نمی‌کند، اتفاقاً فکر می‌کنم ادامه وضعیت آن چیزی را هم که برای آنها مانده بیشتر به خطر بیندازند... بحث طولانی است اما حکومت قانون ضامن سرمایه خواهد بود.»

● «بدون همکاری با قشر خاکستری کار گند پیش می‌رود. این یک نیاز کلیدی است، هرچه زودتر کار را شروع کنیم هزینه کمتر است. وقت آن رسیده بهم برسیم، باید به صف سرکوبگران ضربه بزنیم که خامنه‌ای نتواند روی آن حساب کند.»

● «رهبری دوران انتقالی مسئله بسیار مهمی است و برای من خیلی ارزشمند است این درجه از اعتماد و حمایت برای اینکه بتوانم چنین نقشی را ارائه دهم؛ ولی مراقب باشیم مسئله را شخص‌محور نکنیم، من قبلاً تا جایی که بتوانم این کار را انجام داده‌ام اما این کار را به تنهایی انجام نخواهم داد؛ دستم به سوی تمام نیروهایی که می‌خواهند جزئی از راه حل باشند دراز است.»

شاهزاده رضا پهلوی در نشست با عنوان «برای ایران، چالش‌ها و راهکارها» که روز شنبه ۱۱ ماه مه (۲۲ اردیبهشت‌ماه) با حضور فعالان سیاسی و اجتماعی، چهره‌های آکادمیک و خبرنگاران در شهر لندن برگزار شد، به بیان دیدگاه‌های خود در مورد مسائل مهم سیاسی ایران از جمله اصول همکاری با سایر جریان‌های سیاسی و تلاش برای به میدان آوردن «قشر خاکستری» پرداخت.

وی در بخشی از این نشست که به پرسش و پاسخ حاضران اختصاص داشت به پرسشی در مورد نگرانی صاحبان سرمایه، تجار و کارخانه‌دارهای داخل ایران از «تغییر رژیم» پرداخت و خطاب به آنها گفت، نباید از تغییر هراس داشته باشند زیرا ادامه این وضعیت سرمایه‌های آنها را بیشتر به خطر می‌اندازد.

شاهزاده رضا پهلوی در مقدمه با اشاره به نقش جمهوری اسلامی در بحران‌های منطقه تأکید کرد، «رفتارهای جمهوری اسلامی ممکن است کار را به جای باریک بکشاند؛ من به مقامات غربی گفته‌ام اگر دیپلماسی به جایی نرسیده و برخورد نظامی هم راه حل نیست، پس تنها راهی که برای شما باقی می‌ماند حمایت از مردم ایران است، راه حل آنها هستند و آنها هستند که می‌توانند ارتش قوی در محل برای انتقال نظام باشند.»

شاهزاده رضا پهلوی حقوق بشر، تشکیل نظام سکولار و

→ فرادای فروپاشی جایی در آینده خواهند داشت. این را در عمل نشان دهیم نه با شعار؛ اینها نکات کلیدی است که بدون آنها نمی‌توانیم بگوییم معرف یک آلترناتیو قابل اعتماد هستیم... با کسانی که حاضر به رعایت قوانین بازی نیستند و مانع‌اند و ضربه می‌زنند تا اتحاد و همکاری شکل نگیرد مرزبندی داریم.»

### ارتباط با دولت‌های منطقه

در این جلسه از شاهزاده رضا پهلوی در باره برنامه‌های احتمالی برای دیدار با نمایندگان دولت‌های منطقه از جمله عربستان سعودی و کشورهای که نقش کلیدی در معادلات خاورمیانه دارند پرسیده شد که وی پاسخ داد، «بخشی از کار ما احتمالاً همین خواهد بود که علاوه بر کشورهای غربی، به کشورهای منطقه خودمان هم نگاه داشته باشیم برای اینکه به آنها بگوییم یک ایران متفاوت به دنبال همزیستی با شماس و به دنبال عناد و جنگ نیست و این را باید تا حدی گسترش بدهیم که بدانند این واقعاً خواسته مردم مملکت است.»

### ایجاد مؤسساتی شبیه «نوفدی» در اروپا

یکی از خبرنگاران با اشاره به عملکرد موفق «نوفدی» در آمریکا، در مورد احتمال فعال شدن سایر کانون‌ها و مؤسساتی شبیه نوفدی در دیگر کشورها سؤال پرسید که شاهزاده پهلوی پاسخ داد: «تلاش شش ماه کنشگران در آمریکا برای تصویب قانون مهسا اولین موردی بود که فعالان سیاسی ایرانی توانستند با همکاری مشترک در آن کشور به نتیجه نهایایی برسانند، قرینه آن را باید در اروپا داشته باشیم، به عنوان مثال می‌شود سازمان مرکزی شبیه نوفدی داشته باشیم ولی در سایر کشورهای اروپایی شعب آن فعال باشند، اما نهایتاً هدف این است که از لایبگری بتوانیم به نفع مردم ایران استفاده کنیم... در این ۴۰ سال همیشه معترض بودیم چرا دولت‌های غربی وارد دیالوگ با اپوزیسیون نمی‌شوند و فقط با حکومت صحبت می‌کنند، به ویژه بعد از جنبشی که بعد از کشته شدن مهسا امینی به راه افتاد وضعیت دیگری ایجاد کرد و نگاه و توجه آنها به شنیدن صدای دیگر جلب شده، از این فرصت باید استفاده کرد.»

### اولویت تشکیل مجلس مؤسسان است

پرسش دیگر در باره «مرز مشروطه‌خواه بودن و قانون مشروطه است» که وی پاسخ داد: «مسئله مرز نیست، مسئله درشکه را جلوی اسب بستن است! من گفتم اولویت چیست؛ ما قانون‌نگراری نمی‌کنیم که الان بخواهیم سرش بحث کنیم، اگر قرار است درباره قانون صحبت کنیم باید مجلس مؤسسان تشکیل شود که تنها نهادی است که می‌تواند درباره این مسئله گفت‌وگو را پیش ببرد؛ بحث زودرس درباره اینکه قانون چه خواهد بود بی‌معناست، برای اینکه هنوز ابزار تصمیم‌گیری را نداریم که درباره آن فکر کند. اولویت باید داشتن مجلس مؤسسان باشد که آنجا بتوانیم به این موضوعات بپردازیم. نباید درشکه را جلوی اسب بست.»

### نگرانی صاحبان سرمایه و کارخانه‌دارها در ایران از تغییر نظام

یکی از حاضرین پرسید، «کسانی که در ایران صاحب سرمایه‌اند از همراهی با خیزش نگران‌اند، آنها از این نگران‌اند که تغییر رأس سیستم، سرمایه آنها را از بین ببرد، به همین دلیل عدم اطمینان از آینده باعث می‌شود تا آنها ترجیح بدهند با اصلاح‌طلب‌ها کنار بیایند تا با سقوط کامل نظام، راهکار پیشنهادی شما به آنها که در بورس یا مثلاً بازار تهران سرمایه دارند، کارخانه‌دارها، واردکننده‌ها و صادرکننده‌ها چیست تا بتوانیم آنها را همراه و قانع کنیم که جمهوری اسلامی باید از بین برود؟» شاهزاده رضا پهلوی پاسخ داد: «جواب به این سؤال به اندازه یک کتاب است، اما

فکر می‌کنم عقل سلیم حکم می‌کند بالاترین معیار اعتماد و فضایی که در آن احساس راحتی کنند حکومت قانون است و البته سلامت نظام. یک سیستم مافیایی که روی تمام سرمایه‌ها سلطه دارد و در یک کشور نفت‌خیز ۶۰ درصد مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند، تورم ۴۵ درصد است، ارزش پول مملکت ۱۰ هزار برابر نسبت به پیش از انقلاب سقوط کرده، در چنین کشوری سرمایه‌دار هر چقدر هم نگران سرمایه‌اش باشد به سمت بهتری پیش نمی‌رود که بدتر هم خواهد شد. بنابراین ضمانت در کنار گذاشتن یک نظام مافیایی فاسد و تشکیل حکومت قانون است تا از اموال و جان افراد حفاظت شود و نهادهایی برای ایجاد اقتصاد سالم تشکیل شود که معیارهای مشخص بین‌المللی بانکی و مالیاتی داشته باشد... اگر اصلاح‌طلبان می‌دانند چنین نظام فاسدی این شرایط را فراهم نخواهد کرد باید در جستجوی راهی برای درازمدت‌تر باشند... [سرمایه‌دارها] نترسند، تغییر نظام خطری برای سرمایه‌های آنها ایجاد نمی‌کند، اتفاقاً فکر می‌کنم ادامه وضعیت آن چیزی را هم که برای آنها مانده بیشتر به خطر بیندازند... بحث طولانی است اما حکومت قانون ضامن سرمایه خواهد بود.»

### به حرکت واداشتن قشر خاکستری در داخل و بیرون ایران

شاهزاده رضا پهلوی در پاسخ به این پرسش که «برای همراه کردن بیشتر قشر خاکستری در داخل و خارج ایران چه باید کرد؟» گفت: «باید دید آنها سر حداقل اصول با ما توافق دارند یا نه؟ از خود شماها می‌پرسم آیا اصول حداقلی که مطرح کردم برای اکثریت نیروهای سکولاردموکرات قابل قبول هست یا نه؟ شرط همکاری همان اصول است، فکر می‌کنم به احتمال قوی بسیاری از آن کسانی که به عنوان قشر خاکستری شناخته می‌شوند یا اصلاح‌طلبان روز به روز صدایشان بلندتر شده و بیشتر به این باور می‌رسند که هیچ چیز [در آن نظام] قابل اصلاح نیست و مؤلفه گذر از حکومت بین آنها برجسته‌تر شده، حُب، یکجا باید بهم برسیم، بنابراین همچنان یادآوری می‌کنیم مسئله حقوق بشر و سکولار بودن حکومت آینده و یکپارچگی کشور برای ما اساسی است، اکثریت را می‌گوییم... بعضی جور دیگری فکر می‌کنند؛ ولی اینها مبنای نزدیک شدن است... وقتی به دنیا می‌گوییم از مردم ایران حمایت حداکثری کنید، اما به اجرا گذاشتن آن چطور باید تقسیم یا هدایت شود؟ چطور می‌توانیم رهبران میدانی داخل و فعالان را حمایت کنیم؟ چطور می‌توانیم از زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنها پشتیبانی کنیم، چطور می‌توانیم کمپین‌های اعتراضی را به حدی برسانیم که اعدام کردن یک هنرمند برای حکومت هزینه داشته باشد... یکی از سازمان‌های حقوق بشری گزارش داد در ماه‌های اخیر هر پنج ساعت یک نفر در ایران اعدام شده... اینها مسائلی است که باید در همکاری با سایر گروه‌ها از آن حمایت کنیم و در مورد آن تقسیم کار صورت بگیرد، بدون همکاری با قشر خاکستری کار گند پیش می‌رود. این یک نیاز کلیدی است، هرچه زودتر کار را شروع کنیم هزینه کمتر است. وقت آن رسیده بهم برسیم، باید به صف سرکوبگران ضربه بزیم که خامنه‌ای نتواند روی آن حساب کند.»

### سناریوی تغییر

شاهزاده رضا پهلوی در پاسخ به دیدگاهی در مورد ضرورت ارتباط با کارشناسان و متخصصان زبده برای داشتن یک برنامه در دوران انتقالی و بعد از آن و قابل ارائه بودن این برنامه‌ها به شخصیت‌هایی از دولت‌های خارجی که در مورد آینده ایران سؤال دارند، گفت: «مدت‌هاست این روند را تشویق کردم و به چشم دیدم که متخصصان مختلف این برنامه‌ها را تدارک می‌بینند که می‌تواند بیشتر هم باشد،

مثلاً یکی از موارد مهم عدالت انتقالی است، یا پروژه قانون اساسی، خیلی از حقوقدان‌ها این مسائل را بررسی کردند، مثلاً تکلیف ما با باقیمانده پرسنل نظامی در بحث عدالت انتقالی چه خواهد بود؟ آنهایی که مرتکب جرم شدند بایستی جوابگو باشند، آیا دادگاه صحرایی خواهیم داشت یا یک پروسه حقوقی خواهیم داشت که در قالب یک فرهنگ دموکراتیک پیش می‌رود؟ یا اقتصاددان‌ها در اینبار بحث کنند که شرایط اقتصادی در دوران انتقالی چه خواهد بود؟ مسئله تحریم‌ها که برداشتن آن یک شبه اتفاق نمی‌افتد چه خواهد شد؟ بودجه دولت از کجا تأمین می‌شود؟ ممکن است مملکت آزاد شود اما تا شرایط عادی شود زمان خواهد برد؛ برای اینها باید فکر کنیم. البته باید از دید تخصصی کسانی را به کار بگیریم که روی آن حوزه تخصص دارند، ممکن است چهار سال این وضعیت طول بکشد، باید چه قوانین مدنی اجرا شود؟ خیلی از قوانین شرعی همان روز که حکومت سقوط کند کنار گذاشته می‌شود، در آن مملکت زاد و ولد می‌شود، طلاق اتفاق می‌افتد، مسئله ارث مطرح می‌شود بر اساس کدام قانون؟ تدوین قانون زمان خواهد برد، شاید لازم باشد در برخی موارد موقتاً به قوانین قبل از انقلاب رجوع کرد، این خودش بحث تخصصی و حقوقی است. مسئله فقط مباحث ایدئولوژیک و حزبی نیست، بیشتر کارها اداره امور موقت کشور خواهد بود و این خلاء را باید ۸۰ درصد آنهایی پر کنند که اکنون داخل مملکت هستند، کسانی که در مدیریت کشور دست دارند، وگرنه نخواهیم توانست انتقال ثابت داشته باشیم... اینها سناریوی تغییر است که باید به جهان ارائه شود... یکی از انگیزه‌های من برای تشکیل «قفتوس» [پروژه قفتوس ایران] همین بود، که اصلاً وارد کار سیاسی و بحث‌های سازمانی نشوند و فقط از دید تخصصی و علمی راهکارهایی را ارائه دهند برای [طیف گسترده] از مسائلی که فردا با آن روبرو خواهیم شد؛ از مسائل زیست محیطی، بحران آب گرفته تا مسائل دیگر... این برنامه‌ها قابل ارائه به کسانی است که درباره آینده ایران سؤال دارند.»

### رهبری جنبش

یکی از حاضران پرسید، «آیا رهبری این جنبش را کاملاً به عهده گرفته‌اید و اگر گرفته‌اید چگونه به بهترین وجه راه یاری از شما و این جنبش را پیگیری می‌کنید؟» وی پاسخ داد: «رهبری دوران انتقالی مسئله بسیار مهمی است و برای من خیلی ارزشمند است این درجه از اعتماد و حمایت برای اینکه بتوانم چنین نقشی را ارائه دهم؛ ولی مراقب باشیم مسئله را شخص‌محور نکنیم؛ من قبلاً تا جایی که بتوانم این کار را انجام داده‌ام اما این کار را به تنهایی انجام نخواهم داد. دستم به سوی تمام نیروهایی که می‌خواهند جزئی از راه حل باشند دراز است. اگر به حداکثر همکاری برسیم بیشترین مشارکت و همکاری را ارائه می‌دهیم. بنابراین تکرار می‌کنم من قطعاً کارم را انجام خواهم داد بر اساس انتظاری که از من هست ولی از هم انتظار داشته باشیم دیگران را هم در کار وارد کنیم برای اینکه به کار و خرد جمعی اعتقاد داریم.»

### ایستادگی در مقابل جریان‌های افراطی

شاهزاده در پاسخ به پرسشی در مورد «ضرورت آموزش و سازماندهی نیروهای تندرو که تازه به جمع مخالفان پیوسته‌اند» گفت: «به نظر بررسی تاریخی است چون، ورود نیروهای تندرو محدود به ایران نیست، برای ایران مضر خواهد بود، نیروهای رادیکال تعدادشان معمولاً کم است اما صدایشان از بقیه بلندتر است، این معضل اکثریت خاموش است، حُب این یعنی شمایه که اکثریت هستند باید صدایان از اقلیت رادیکال بلندتر باشد، ولی موقعی که بلندتر ←



# يك كرامات ديگرش اينست...

خبراندیشی (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۷۲) شهریور ماه ۱۳۸۴

با نیش



پیاده روی روح الله و احمد خمینی در باغ چند هکتاری و مصادره‌ای خسروشاهی

مات و مبهوت بودند. آن وقت گاهی زائرین درخواست ملاقات با خمینی را می‌کردند...

از امام راحل گذشتیم و حالا نوبت امام حاضر است که این گونه کشف و کرامات برایش جعل کنند: «آقا، قربانش بروم خوراکش کته است با ماست چربی‌گرفته، لب به خورش می‌زند. می‌گوید وقتی در بورکینافاسو بچه مسلمانها سر بی‌شام زمین می‌گذارند من چگونه می‌توانم قیمه و قورمه‌سبزی بخورم. خیال نکنید دوست ندارم! خیر، از گلویم پائین نمی‌رود...»

آخرین روایت نقل شده از منابع بسیار نزدیک به «بیت رهبری»، حکایت دارد که آقا، روحی و روح‌العالمین له‌الفدا، از اول هم کمترین تمایلی به هواییابی اختصاصی نداشتند. سخت مخالف بودند. در دولت سازندگی و بعد هم در دولت اصلاح طلب، مسؤولان اصرار داشتند. رفتند به پایشان افتادند. دستشان را بوسیدند. اشک ریختند. گفتند آبروی اسلام در خطر است و اگر مقام معظم رهبری طباره اختصاصی نداشته باشند، پیش دشمنان سرشکسته می‌شویم. ایشان هم از سر ناچاری موافقت فرمودند و گفتند حالا که اینطور است بروید بخیرید! این «اطلاعات موثق» زمانی از پستوهای بیت رهبری به خارج درز داده و روی سایتهای وابسته منعکس می‌شود که هواییابی اختصاصی خریداری شده از سلطان برونئی روی باند فرودگاه «بوردو» پلاتکلیف مانده است.

هواییما را که در اصل و اساس برای مسافرت‌های رسمی سلطنتی ساخته و پرداخته شده بود، در سنگاپور خریدند و چون لازم بود علاوه بر سایر تجهیزات، به نمازخانه و بیت‌الخلا و ملزومات شرعی نیز مجهز شود آن را به مرکز ساخت هواییماهای «ارباس» در فرانسه انتقال دادند. کلی هم هزینه این تعمیرات و تجهیزات شد اما ناگهان برخورد کرد با تحریمیایی که آمریکای جهانخواار اسلام‌ستیز از سال ۱۹۹۵ برقرار کرده و چون بیست درصد از وسایل و لوازمی که در ساخت «ارباس» به کار می‌رود محصول آمریکاست نمی‌توان هواییما را به ایران تحویل داد.

فعلا هواییمای سلطنتی - فقاھتی در فرودگاه تولوز زمینگیر شده است و مبالغی هم هر روزه بابت گارازداری و مراقبتهای فنی آن پرداخت می‌شود. وقتی میل مبارک «رهبر انقلاب» از اول به چیزی تعلق نگیرد، آخرش همین می‌شود!

حسین اخوان توحیدی، یکی از ملازمان خمینی در دوران تبعید که پس از انقلاب به مجاهدین پیوست، در کتاب افشاگرانه خود با عنوان «در پس پرده تزویر» می‌نویسد: «خمینی چشم‌درد گرفته بود. چشم پزشک برای بهتر شدن چشم تجویز می‌کند که خمینی برای هواخوری به کوفه که شهری نزدیک نجف است برود. خمینی در جواب کسی که توصیه پزشک را در این مورد به او یادآوری کرده بود، گفته بود وقتی که جوانان مملکت ما در زندان هستند آیا سزاوار است که من برای هواخوری به کوفه بروم؟ این مطلب در بین همه طلبه‌ها پخش شد و طلبه‌ها به‌مناسبت و بی‌مناسبت با هر کسی که برخورد داشتند می‌گفتند آقا طی پانزده سال حتی به توصیه دکتر که گفته بوده است برای بهبود چشمتان به کوفه بروید، عمل نکرده است؛ و حرف خمینی را تکرار می‌کردند که وقتی جوانان مملکت ما در زندان هستند...»

نویسنده کتاب در حاشیه این مطلب می‌نویسد: «البته خمینی امروز در حالی که ۱۴۰ هزار نفر را در شکنجه‌گاهها به زیر شکنجه فرستاده و پنجاه‌هزار نفر را اعدام کرده است خود در جماران خوش‌آب و هوا جا خوش کرده است» و سپس خاطراتش را چنین ادامه می‌دهد: «گاهی ما شها دیروقت به منزل می‌رفتیم. می‌دیدیم که طلبه‌ها نزد عده‌ای از ایرانیها در کنار صحن و پا در گوشه خیابان ایستاده‌اند و از زندگی خصوصی خمینی و از مبارزات او و از زندگی احمد خمینی تعریف می‌کنند. به‌قول بعضی‌ها معرکه گرفته‌اند. شرح زندگی خمینی به این ترتیب شروع می‌شد:

- آقا اهل اسراف نیستند. زندگی‌شان که مختصر است. خانه‌اش که اجاره‌ایست. در حالی که خوئی و پسرهای او، حتی مرغ و خروسهایش خانه شخصی دارند خمینی هرگز اجازه چنین خرج کردنها را نمی‌دهد و می‌گوید مگر می‌شود از بیت‌المال مردم این چنین خرج کرد؟ از زندگی احمد خمینی صحبت می‌کردند و این که خانه‌اش اجاره‌ایست و اصلا او مثل بچه‌های مراجع دیگر آقازاده نیست (نویسنده توضیح می‌دهد که آقازاده تقریباً فحش آخوندی است) و خانه مصطفی هم اجاره‌ایست... امروز رفته چند عدد هندوانه بیشتر گرفتیم. آقا دعوا کردند و از این جور چیزها... زائرین سراپا گوش می‌شدند و بعد از شنیدن ساعتها تعریف و تمجید از خوردن تا خوابیدن و نماز شب خواندن و جزئی‌ترین مسائل روزمره خمینی، همه

می‌شود که با هم باشید، چون قصد آنها [افراطی‌ها] شکاف انداختن و تمامیت‌خواهی است... از من راه چاره می‌خواهید؟ از هر طیفی متحدتر باشید، برای مقابله با نیروهای رادیکال و تفرقه‌انداز که منش دموکراتیک ندارند و حرکات آنها فقط به نفع جمهوری اسلامی تمام می‌شود؛ با اتحاد ایستادگی کنید، آزادی بیان با آزادی تخریب متفاوت است، بیان‌ها و برخوردهای نژادی و فاشیستی دیگر آزادی بیان نیست... باید با بلندتر کردن صدای اکثریت خاموش با نیروهای تندرو که ذاتاً غیردموکراتیک عمل می‌کنند و ضربه می‌زنند مقابله کرد... دیگر نمی‌شود ذکر مصیبت کرد، باید اقدام کرد... خیلی از افراطی‌ها توسط خود نظام سازماندهی می‌شوند.»

**مسئولیت چهره‌های آکادمیک و ضرورت تشکیل احزاب**  
 شاهزاده رضا پهلوی در پاسخ به دیدگاهی در مورد «تشکیل یک اتحادیه منطقه‌ای در خاورمیانه شبیه اتحادیه اروپا در فردای پس از سرنگونی جمهوری اسلامی» و نقش چهره‌های آکادمیک در خارج از ایران در پیشبرد اهداف ملی گفت: «همانطور که کارشناسان از دید آسیب‌شناسانه به قضایا نگاه می‌کنند و فعالان سیاسی از دید تاثیرگذاری، اصول پایه‌ای وجود دارد که از دید آکادمیک می‌تواند پاسخ دهد برای رسیدن به ثبات چه پیشرفت‌هایی لازم است، اینها کمک می‌کند اعضای جامعه آکادمیک در داخل و بیرون ایران که نمی‌خواهند در رقابت‌های حزبی و قدرت کشیده شوند، مسائل را پیش ببرند. تمام این زحماتی که کشیده می‌شود برای این است که در روز نهایی به عنوان انتخاب پیش روی مردم ایران گذاشته شود تا انتخاب کنند و به آن رأی بدهند. در کشورهای دموکراتیک دولت برگزارکننده انتخابات نیست بلکه احزاب آن را برگزار می‌کنند، خوب اگر حزبی نداشته باشیم آن زمان که بخواهیم اولین دولت را تشکیل بدهیم چطور باید کار کرد؟... یکی از مشکلات امروز کشور و حتی یکی از اشکالاتی که به نظام سابق گرفته می‌شد این بود که حزب نیست یا گفته می‌شد تک‌حزبی است که بدترین کار ممکن بود آن زمان، کاری ندارم به بهانه جنگ سرد بود اما یکی از ایرادات عمده که اصلاً باعث شروع شدن بحران سیاسی در کشور شد همین بود... از دید آکادمیک باید بررسی کرد چطور کشور دوباره وارد این مسئله نشود، باید بررسی شود چطور باید تقسیم قوا کرد؟ چه راهکاری وجود دارد؟ مطبوعات و گروه‌های مردم‌نهاد در کنار آکادمیک‌ها تاثیرگذارند، مجموعه اینها باید بخشی از گفت‌وگو سیاسی باشد... توصیه من به چهره‌های آکادمیک ایجاد نقشه راه و توضیح دادن آن [به مردم] و جامعه با زبان ساده‌تر است.»

## تبعیض علیه گروه‌های اقلیت

پرسش پایانی در مورد دیدگاه‌های شاهزاده رضا پهلوی در مورد «گروه‌های اقلیت» در ایران از جمله اقلیت دینی و جامعه LGBT و دگرباشان جنسی بود که وی پاسخ داد، «واقعاً از واژه اقلیت بدم می‌آید، برای اینکه وقتی بر مبنای حقوق برابر هر شهروندی صحبت می‌کنیم اقلیت معنا ندارد، بلکه دفاع از حقوق آن شهروند معنا می‌گیرد، ما خواهان حکومتی مبتنی بر اعلامیه جهانی حقوق بشر هستیم و می‌خواهیم قانون اساسی ما هم مبتنی بر حقوق بشر باشد و تبعیض‌ها از بین برود و حقوق افراد برابر باشد، اما فقط داشتن این قانون کافی نیست بلکه ضمانت اجرایی آن مهمتر است، فرهنگ‌سازی دموکراتیک هم مهم است که خیلی از آن عقب هستیم، حتی شاید فرهنگ‌سازی از خود قانون مهم‌تر باشد، چون اگر قانون داشته باشیم و درکی از قانون نداشته باشیم بی‌فایده است. بنابراین هر دو نکته را باید پیش برد.»

# رابطه با اسرائیل منطبق با منافع ملی ما بود

در مقابل سیاستهای توسعه طلبانه جمال عبدالناصر، منافع ایران و اسرائیل ایجاب می کرد که به یکدیگر نزدیک شوند

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از بهمن ماه ۱۳۸۰ تا مهرماه ۱۳۸۱ - از شماره ۸۹۲ تا ۹۲۳)

مقدمه

«بنیاد مطالعات ایران» هفتمین مجلد از مجموعه «توسعه و عمران ایران» را چاپ و منتشر کرد. این مجلد به خاطرات و ملاحظات دکتر علینقی عالیخانی وزیر بازرگانی و رئیس دانشگاه تهران در دوران قبل از انقلاب اختصاص دارد. ازین مجموعه، قبلا گفتگو با عبدالرضا انصاری (آب و برق خوزستان) گفتگو با اکبر اعتماد (برنامه انرژی اتمی ایران) گفتگو با پرویز مینا (تحول صنعت نفت ایران) گفتگو با منوچهر گودرزی و خداداد فرمانفرمائیان و عبدالمجید مجیدی (برنامه ریزی عمرانی و تصمیم گیری سیاسی) گفتگو با محسن شیرازی (صنعت گاز ایران) گفتگو با باقر مستوفی (صنعت پتروشیمی ایران) انتشار یافته که گزیده هایی از هرکدام را خوانندگان ما در صفحه «خاطرات و تاریخ» ملاحظه کرده اند. غلامرضا افخمی که آرشيو تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات زیر نظر او قرار دارد در مقدمه ای بر «سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران» می نویسد:

«علینقی عالیخانی از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ یعنی بیشترین سالهای دهه چهل شمسی، مسئولیت سیاستگذاری و اجرای سیاستهای اقتصادی کشور را به عهده داشته است. رابطه او با علم صمیمی، با منصور رسمی و با هویدا، اقلا در سالهای اول، دوستانه بود... شاه همواره پشتیبان عالیخانی و نظرات او بود اما در همان حال، شاه و هویدا هر دو معتقد به اولویت رسالت دولت در توسعه اقتصادی بودند... تضاد میان نیازهای اقتصاد آزاد و الزامات سیاسی حکومت، تنش می آفرید و بر جو سیاسی اثر می گذاشت. این تنشها متدرجا رابطه عالیخانی و هویدا را مشکل کرد و در نهایت منجر به استعفا عالیخانی شد.»

ازین کتاب بخشهایی را برگزیده ایم که به تدریج می خوانید. طبق معمول کوشیده ایم مطالب را طوری تنظیم و تقسیم بندی کنیم که هر شماره تا حدود امکان مطلب مستقلى باشد.

● افریقای جنوبی و اسرائیل، همین طور که شما می گوئید، از نظر اقتصادی بازدهی بسیار خوبی داشتند، ولی از نظر سیاسی مسأله انگیز بودند، اسرائیل در زمینه رابطه ایران با اعراب و افریقای جنوبی در رابطه با بسیاری از کشورهای جهان سوم. به نظر شما این توجیه اقتصادی به اندازه کافی قانع کننده بود که آن بعد سیاسی اش را هم به اصطلاح توجیه بکنند؟

– رابطه ما با اسرائیل فقط اقتصادی نبود، جنبه سیاسی خیلی قوی هم داشت. به این معنی که اگر اسرائیل نمی بود، نظریه هایی که عبدالناصر داشت در باره ملت عرب، و تعیین مرزهای جغرافیائی این ملت عرب که موجب شده بود مدعی بخشی از ایران نیز بشود، ما را دچار دردسرهای عجیبی می کرد.

عبدالناصر در آن کتابچه خودش در باره فلسفه انقلاب، که بسیار هم ساده لوحانه بیان شده، رسماً به این نکته اشاره می کند. می نویسد هر جایی که در آنجا عربی حرف بزنند آنجا ملت عرب است، و بی توجه به اینکه در خوزستان، اگر قبیله هایی در زمان عثمانی ها، چون شیعه بودند و به اینها ظلم می شده، به این طرف آمدند و عربی حرف می زنند خیلی ها هم فارسی حرف می زنند. تصمیم خودش را گرفته بود که آن منطقه جزء ملت عرب است و باید جزء آنها باشد. شما فقط در نظر بگیرید با قدرت خطرناکی که این مرد آن روز در دنیای عرب پیدا کرده بود و عاملهائی که در اختیار خودش داشت، اگر اسرائیل نمی بود و این شخص با جاه طلبی فوق العاده اش مانع گردن کلفتی در مقابل نداشت، خیلی مزاحم ما می شد. البته حتی در همان شرایط هم از هرکاری که می توانست علیه ما بکند خودداری نمی کرد.

به هر حال، اگر چه دشمنی ایران و عرب هیچ جنبه منطقی ندارد و خیلی هم باعث تاسف است، اما ایده ال را اگر کنار بگذاریم با این واقعیت روبرو هستیم که طی این سده ها نه ما و نه عرب ها هیچکدام سعی نکردیم، فراتر از بغضهای



سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران  
(بخش ۱۵)  
خاطرات علینقی عالیخانی  
ویراستار - دکتر غلامرضا افخمی

به اسرائیلیها از پیش گفته بودند یا نه، شاید هم اطلاع داده بودند به آنها، ولی خیلی مهم نبود. موضوع اصلی این بود که به طور کلی روش سیاسی یکدیگر را می دانستیم. به هر حال هویدا که از مصر برگشت حتما در صحبت های دو جانبه اگر اسرائیلیها از ما می پرسیدند چرا با مصر نزدیک می شویم، آنها را توجیه می کردیم که به چه دلیل باید این برنامه را انجام بدهیم.

## رابطه با اعراب

اما رابطه ما، خارج از مساله عبدالناصر، با بقیه اعراب هم زیاد تعریفی نبود. یعنی در همان سفری که هویدا برای مراسم تدفین عبدالناصر به مصر رفته بود، نخست وزیر کویت، که در همان هتلی بود که هویدا هم بود، به عنوان ادای احترام آمده بود به دیدن هویدا. در آنجا به روش سنتی این شیخ نشینها که فراموش می کنند که مثلا روز پیش در نطقهای رسمی شان چه گفتند و چه فحشهایی دادند، شروع کرده بود به شیرین زبانی که خوب شما که برادر ما هستید و ما با هم دوستیم. هویدا هم که عربی را بسیار روان و خوب صحبت می کرد، فرصت نداده بود به نخست وزیر کویت که حرفش را ادامه بدهد و گفته بود من مطلقاً نمی فهمم شما صحبت چه نوع برادری را می کنید. در کشورتان که می روید، مرتباً می گوئید خلیج عربی. حالا بلند شدید اینجا می گوئید برادر ما هستید. ما به چنین برادری احتیاج نداریم. شما تکلیف خودتان را هم با خودتان روشن بکنید هم با ما. من به مراتب احترامم به شما بیشتر می شود اگر بفهمم که می گوئید خلیج عربی، برادر ما هم نیستید، ماها را هم قبول دارید، ولی اگر ما را قبول دارید، در این صورت از این رفتار زندگانه دست بردارید. که خوب، البته نخست وزیر کویت هم که به کلی غافلگیر شده بود، عاجز شده و زبانش بند آمده بود. ولی واقعیت همین است. یعنی امروز هم که شما نگاه می کنید، باز اینها همین صحبت تنب بزرگ و تنب کوچک را می کنند که اصلاً مسخره است.

این حرفها بی ربط است. یا همین کویت که بخشنامه

بی ربط و غیرمنطقی خودمان، به صورت گسترده تری به فرهنگ و تمدن خودمان نگاه بکنیم، و ببینیم تا چه اندازه به هم آمیخته ایم و با هم نزدیکی داریم و بنابراین می بایست برای هم احترام داشته باشیم. ولی این حرفها جنبه موعظه بیشتر دارد تا واقع بینی سیاسی. از نقطه نظر واقع بینی سیاسی، باید شما آن ایده ال ها را داشته باشید برای اینکه يك دنیای عاقلانه تری را بسازید، ولی در جریان روز باید در برابر کسی که شما را تهدید می کند بایستید و با کشوری که با شما منافع مشترك دارد نزدیک باشید. و این کشور اسرائیل بود. اسرائیل البته می توانست يك منبعی برای انتقال تکنولوژی به کشورهای عربی بشود، اما آنها استفاده نمی کردند. ولی به خاطر نیازی که اسرائیل به پشتیبانی ایران داشت، حاضر بود بیش از شرایط معمولی به ما از هر نقطه نظری که احتیاج داشتیم کمک بکند. این دیگر بستگی به ما داشت که چگونه بخواهیم استفاده بکنیم از اسرائیل. پس اسرائیل برای ما مفید بود و هست و خواهد بود.

● بعد از جنگ ۶۷ و آن یکی دو سال آخری که هنوز عبدالناصر در مصر بود رابطه ایران و مصر شروع کرد به عوض شدن، و در زمان سادات، بویژه پس از جنگ ۷۳، دوستانه شد. این تغییر نسبی رابطه با اعراب با آگاهی اسرائیل اتفاق افتاد؟

– اسرائیل چاره ای نداشت. آگاهی به این معنی که ما قبلا به آنها چیزی بگوئیم نه، ولی ما با اسرائیلیها و ترکها هر سال کنفرانس سه جانبه داشتیم و به طور کلی...

● یعنی کنفرانس سه جانبه استراتژیک در ارتباط مسائل سیاسی، نظامی، اقتصادی؟

– سیاسی، نظامی، اقتصادی. البته خیلی محرمانه بود. اینها جزء آن کارهای اولیه ای بود که در آخر دهه ۵۰ شروع کردیم. در این کنفرانسها تمام مسائل را مطرح می کردیم. اینست که اسرائیلیها خطاهای اصلی سیاست ما را می دانستند. اما، اینکه حالا چون عبدالناصر مرده هویدا می رود به مصر، نمی دانم که



پنیری که بدون سردخانه یا فاسد می‌شود یا باید به هر قیمتی شده هر چه سریعتر بفروشید، این را بتوانید برای ۳،۴۶ ماه آینده داشته باشید. پس سردخانه را درست کردند برای آنکه در آن جنس بگذارند. آن وقت شما بروید این جنسها را از توی این سردخانه در بیایید و صاحبش را به عنوان محترم تعقیب بکنید و این کار را هم خیلی طبیعی بدانید و خجالت از کار خودتان نکشید. خوب چنین حرکتی باعث می‌شود که مردم دنبال سرمایه‌گذاری و کار جدی نروند. یا اینکه، فرض بکنید، آمدند صاحبان سهام کارخانه‌ها را و اداری کردند که ۴۹ درصدش را بفروشند به مردم. کار ندارم که از صنایعی که ایجاد شده بود تا چه اندازه‌ای سرمایه‌گذاران اولی سود برده یا نبرده بودند. آن مهم نبود. موضوع از آن مهمتر این بود که آن کسانی را که می‌خواستند از این به بعد سرمایه‌گذاری بکنند، شما دلسرد می‌کردید. به همین دلیل نیز در ۱۳۵۶ میزان سرمایه‌گذاری خصوصی در واحدهای تازه صنعتی که پروانه‌اش مورد موافقت قرار گرفته بود ۸/۵ درصد به قیمت‌های جاری کمتر از سال پیش از آن بود و اگر نرخ تورم را نیز به حساب آوریم چیزی در حدود ۲۵٪ کاهش یافته بود. هیچکس نبود این مسائل را مطرح بکند و به دولت بفهماند که آن چیزهایی که باعث موفقیت ما شده بود این بود که این عوام فریبها و این کارهای سطحی را نکرده بودیم. اینها به ما خیلی لطمه زد. در همه زمینه‌ها. در امور مالی هم من خاطرم می‌آید آمدند و اداری کردند بانکها را که شما هرکدام یک مقداری پول بگذارید در بانکی که دولت برای مسکن درست کرده بود. بانک مسکن هم در پایان سال تمام این پولهایی را که این بانکها، که آن موقع احتیاج داشتند به این نقدینگی، در اختیار بانک مسکن گذاشته بودند، به خاطر

بودند که از طریق ما به قیمت مناسبتری تهیه می‌کنند. ● در زمینه صادرات به کشورهای همجوار ایران، وقتی که اکنون به صادرات ایران به طور کلی نگاه می‌کنید، به غیر از نفت اقلام عمده‌اش هنوز قالی و پسته و خاویار و بعضی مواد اولیه است. روندی که شما صحبتش را می‌کنید، آیا یک روند فزاینده‌ای بود، یا در یک نقطه‌ای اجباراً متوقف می‌شد؟

— یک چیزی که به آن روند لطمه زد، و چاره‌ای هم نداشت، افزایش ناگهانی درآمد نفت بود. برای اینکه به مجرد اینکه درآمد نفت بالا رفت مصرف داخلی هم بالا رفت و آن چیزهایی که صادر می‌کردیم، نه تنها دیگر بسیاری از آنها را نمی‌توانستیم صادر بکنیم، چه بسا که می‌بایست همانند آن را هم وارد بکنیم. پس افزایش درآمد نفت خودش یک ضربه‌ای بود به این توسعه صادرات غیرنفتی به آن صورتی که توضیح دادم. از این گذشته، پاره‌ای از سیاستهایی که در دهه ۷۰ در پیش گرفته شد علیه بخش خصوصی بود و نمی‌توانست کمک بکند پس از حتی یک مقدار کاهش میزان رشد تولید داخلی، و یک مقدار کاهش صادرات، دو مرتبه همان روند پیشین را کم و بیش ادامه بدهیم.

در دهه ۷۰ رفتار ما با بخش خصوصی چندان تعریف نداشت. یعنی قابل ایراد هم بود. چه برنامه فروش اجباری بخشی از سهام شرکت‌های صنعتی به کارگران و بقیه کسان — این کار به عقیده من معنی نداشت و من هیچ وقت به آن اعتقاد نداشتم — و چه مبارزه با گرانفروشی، در حالی که گرانفروشی در کار نبود. تورم جهانی و سیاست نامناسب اقتصادی خود ایران باعث تورم شدیدی در داخل کشور شده بود، ولی دولت حاضر نبود به کوتاهی‌های خود اذعان کند

→ کرده بود، که گمان می‌کنم هنوز هم باشد، که روی هر محموله‌ای که به کویت می‌رود باید قید کنند Arabian Gulf؛ اگر نمی‌نوشتند Arabian Gulf جنس را کویتی‌ها اجازه ورود نمی‌دادند انگار که اگر Arabian Gulf نداشت کسی تشخیص نمی‌داد کویت در کجا قرار گرفته. خوب، این کارها بچگانه و حتی، متأسفم بگویم، احمقانه است. این حالتها بود و هنوز هم وجود دارد. گفتم به شما. هیچ جنبه منطقی نه از طرف ما دارد که این طوری فکر کنیم نه از طرف آنها. اما این واقعیتی است. به‌هرحال در دنیای امروز اسرائیل برای ایران یک کشوری است که به حساب می‌آید و مهم است. البته آن اهمیتی را که در آن زمان داشت، شاید امروز نداشته باشد. چون امروز با فروپاشی شوروی هم خود روسیه یک کشور دیگری شده و هم تمام کشورهای آسیای میانه و قفقاز کشورهایی هستند که با ما رابطه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی عمیقی دارند. بنابراین ما دیگر آن حالت تنهای گذشته را شاید نداشته باشیم. ولی در هر صورت ما باید روی اسرائیل حساب بکنیم.

● قبل از اینکه از این حوزه خارج بشویم، رابطه اقتصادی ما با عربستان سعودی چطور بود؟

— با عربستان سعودی در آن زمان رابطه خیلی زیادی نداشتیم. با شیخ نشینهای خلیج فارس، البته خیلی داشتیم. یعنی به تدریج ما شروع کردیم که هر جنسی را که در ایران تولید می‌کردیم و به جایی رسیده بود که فروشش قابل رقابت شده بود، می‌رفتیم به جنگ در بازار خلیج فارس. یعنی اول از سیمان شروع کردیم و بعد روغن نباتی و بعد تقریباً همه نوع کالاهای مصرفی، مثل پودر رختشویی، که کشورهای غربی نمی‌توانستند با صنایع ایران رقابت بکنند. چون ما ماده اولیه‌اش را در آبادان تهیه می‌کردیم، در پتروشیمی آبادان، و زیر مارک خودمان هم می‌فروختیم، و بهای تمام شده فرآورده‌ایمان پائین بود و کالا هم به خوبی کالاهای مشابه خارجی بود و رقیبان را از بازار تقریباً رانده بودیم. پس از آن هم نوبت یخچال، دارو و غیره شد. بعد هم مثلاً کویت می‌خواست اتوبوس بخرد. ما در آنجا موفق شدیم و کویتها در برابر رقابت غربیها، از جمله مرسدس بنز آلمان، اتوبوسهایشان را از ایران خریدند.

آن موقع هنوز با عربستان خیلی رابطه نداشتیم. اما در دهه ۷۰، وقتی که من خودم در بخش خصوصی بودم، آن وقت دیگر ایرانیها شروع کردند به رخنه در بازار عربستان سعودی. خیلی هم جالب است، برای اینکه این رخنه‌ای که ما کردیم، یک قسمتش توسط شرکت‌های مهندس مشاور ایرانی بود که برای برنامه‌های عمرانی عربستان سعودی، آنجائی که به مناقصه می‌گذاشتند، ایرانیها هم شرکت می‌کردند و در چند مورد راه سازی مهندسان مشاور ایرانی در مناقصه موفق شدند. کسانی که راهها را در خود ایران ساخته بودند و کارشان را یاد گرفته بودند، حالا نوبت این شده بود که بروند به خارج و دانش فنی خود را به کشورهای دیگر عرضه کنند. بعد هم صنایعی که ما ایجاد کرده بودیم آن چنان موفق بود که عربها به تدریج می‌آمدند که نمایندگیش را بگیرند. یعنی خود من در چند صنعت درگیر بودم که خودم به راه انداخته بودم وقتی که در بخش خصوصی بودم، و اینها آمدند نمایندگی از ما گرفتند.

مثلاً ما مواد نسوز تولید می‌کردیم برای صنایع سیمان، شیشه، پتروشیمی، پالایشگاه و غیره. این صنعت خیلی مهم است و صنعت سختی است و کیفیت جنس و موقع جغرافیایی طوری بود که اروپاییها نمی‌توانستند در بازار منطقه‌ای با ما رقابت بکنند. یعنی ما دیگر در دهه ۷۰ در این صنعت بخصوص خیلی پیشرفت کرده بودیم. بنابراین، در خلیج فارس اگر مثلاً احتیاج داشتند به مواد نسوز، متوجه



امیران خلیج فارس در جشنهای دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران

ضعف مدیریت نتوانسته بود مصرف بکند و مسکن بسازد. ولی مدیر عامل بانک در گزارش سالیانه خودش گفته بود که من ترجیح می‌دهم که این پول را بگذارم تا اینکه آن را در اختیار سفته بازانی بگذارم که می‌خواهند سود زیاد ببرند از ساختن مسکن. خوب، این نوع توجهات بسیار قابل ایراد برای مردم دل و دماغی برای سرمایه‌گذاری نمی‌گذاشت. یا در همان موقع مقامهای دولتی می‌گفتند که ما مسکن کم داریم. در شهرها خانه خالی و یا آپارتمان خالی زیاد است و صاحبانشان منتظرند قیمت بالاتری بگیرند و ما باید جلو اینها را بگیریم. ولی خوب شما وقتی که این کار را می‌کردید، خودش مانع می‌شد که کسی برود مسکن بسازد. (ادامه دارد)

و به جای آن صحبت گرانفروشی را به میان آورد و کار به جاهای واقعا تأسف آوری رسید. مثلاً در آن سالهای آخر نزدیک انقلاب در یک سردخانه‌ای در نزدیکیهای تهران یورش کرده بودند، سردخانه را باز کرده بودند و مقداری پنیر و کره از توی این سردخانه بیرون آورده بودند و صاحب سردخانه را متهم کرده بودند به اینکه احتکار کرده. خوب این حرف بکلی بی‌ربط در دنیای امروز چه اثری می‌تواند روی یک سرمایه‌گذار بخش خصوصی داشته باشد؟ تمام هدف ایجاد سردخانه این است که شما یک انباری درست بکنید که بتوانید یک جنسی را نگاه بدارید، و به جای مصرف بلافاصله آن جنس، آنرا در طول زمان مصرف بکنید. به عبارت دیگر، مثلاً

# تصویب قطعنامه «ارتقای تشکیلات خودگردان فلسطینی» در سازمان ملل؛ مخالفت شدید آمریکا و اسرائیل



صحن مجمع عمومی سازمان ملل متحد / اردیبهشت ۱۴۰۳

تضمین می‌کند.» وی توضیح داد، «همانطور که ماه گذشته در شورای امنیت گفتیم، ما به این قطعنامه رأی ممتنع می‌دهیم زیرا معتقدیم اولین گام برای دستیابی به این هدف، حل بحران فوری غزه است. سریع‌ترین راه برای پایان دادن به درگیری، تضمین توافقی است که گروهان‌ها را آزاد کند و اجازه می‌دهد تا درگیری‌ها در غزه متوقف شود. پس باید با هم کار کنیم تا این به یک آتش‌بس پایدار و دائمی تبدیل شود.»

سفیر انگلیس ادامه داد: «تعیین چشم‌انداز برای تشکیل کشور فلسطین باید یکی از شرایط حیاتی برای توقف در نبرد و حرکت به آتش‌بس پایدار باشد. به رسمیت شناختن یک کشور فلسطینی، از جمله در سازمان ملل متحد، باید بخشی از این روند باشد.»

بریتانیا، آلمان، هلند، اوکراین و ایتالیا نیز جزو کشورهای بودند که به این قطعنامه رأی ممتنع دادند و فرانسه، اسپانیا، پرتغال، بلژیک و چندین کشور اروپایی دیگر از جمله کشورهای موافق این قطعنامه بودند.

جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا پیش از رأی‌گیری در مجمع عمومی سازمان ملل متحد گفته بود که اسپانیا، ایرلند و دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا قصد دارند در روز ۲۱ ماه مه (اول خرداد) کشور فلسطینی‌ها را به رسمیت بشناسند.

تروریست‌های حماس و مقامات جمهوری اسلامی نیز از تصویب قطعنامه به رسمیت شناختن کشور فلسطین در مجمع عمومی سازمان ملل به شدت استقبال کردند.

هرچند تصویب این قطعنامه به معنای عضویت کامل فلسطین به عنوان یکی از اعضای سازمان ملل نیست، اما تحلیلگران معتقدند می‌تواند راه را برای پذیرش فلسطین به عنوان یک کشور عضو با تمامی حقوق هموار کند.

حماس پاداش می‌دهد و به مذاکرات برای آزادی گروهان‌ها لطمه می‌زند.» کاتز این تصمیم مجمع عمومی سازمان ملل را «مضحک» خواند و گفت: «برای همگان روشن است که انحراف ذاتی نهاد سازمان ملل، این مجموعه را تحت رهبری آنتونیو گوتش، به یک نهاد نامربوط تبدیل کرده است.» وی همچنین تأکید کرد فلسطینی‌ها «اصلاً استانداردهای یک کشور را ندارند.»

**تهدید نماینده آمریکا به استفاده از حق وتو**  
رابرت وود نماینده آمریکا در سازمان ملل به قطعنامه رأی منفی داد. وی هشدار داد اگر مسئله عضویت فلسطین به شورای امنیت ارجاع شود، ایالات متحده از حق وتو استفاده خواهد کرد.

وی توضیح داد، «ما از تشکیل کشور فلسطینی حمایت می‌کنیم و در این مورد صریح بوده‌ایم، اما این امر تنها از طریق مذاکرات مستقیم بین طرفین حاصل می‌شود... ما همچنان به مخالفت با هرگونه اقدامی که راه حل دو دولتی را تضعیف می‌کند، ادامه می‌دهیم. ما معتقدیم راه حل دو دولتی بهترین راه برای دستیابی به صلح در منطقه و در عین حال حفظ امنیت اسرائیل و فلسطینیان است.»  
دیگر کشورهایایی که علیه قطعنامه رأی دادند، آرژانتین، چک، مجارستان، اسرائیل، میکرونزی، نائورو، پالاو و پاپوا گینه‌نو بودند.

**تأکید بریتانیا بر راهکار «دو کشوری»**  
نماینده بریتانیا در سازمان ملل به پیش‌نویس این قطعنامه رأی ممتنع داد. باربارا وودوارد در اینباره گفت، «انگلیس همچنان متعهد به راهکار دو کشوری است که امنیت و ثبات را هم برای مردم اسرائیل و هم برای مردم فلسطین

پیش‌نویس قطعنامه مجمع عمومی برای عضویت فلسطین در سازمان ملل متحد روز جمعه با ۱۴۳ رأی موافق، ۹ رأی مخالف و ۲۵ رأی ممتنع به تصویب رسید.  
هرچند این قطعنامه بیان می‌کند، «دولت فلسطین، به‌عنوان یک دولت ناظر، حق رأی در مجمع عمومی یا نامزدی برای ارگان‌های سازمان ملل را ندارد» اما تصویب ارتقای تشکیلات خودگردان فلسطینی به جایگاه «هم‌تراز با یک کشور» با مخالفت شدید سفیر اسرائیل در سازمان ملل، نماینده آمریکا و چند کشور دیگر روبرو شد.  
گیلعاد اردان سفیر اسرائیل در سازمان ملل با محکوم کردن تصویب پیش‌نویس این قطعنامه گفت، این قطعنامه عملاً به فلسطینی‌ها وضعیت و حقوق دولتی اعطا می‌کند که در تضاد با اصول منشور سازمان ملل است.  
یسرائیل کاتز وزیر خارجه اسرائیل نیز، در واکنش به تصمیم مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای ارتقای جایگاه فلسطینیان در این سازمان گفت: «تئاتری سیاسی به نام سازمان ملل تصمیمی ساختگی گرفت که به تروریست‌های حماس پاداش می‌دهد و به مذاکرات برای آزادی گروهان‌ها لطمه می‌زند.»  
رابرت وود نماینده آمریکا در سازمان ملل به قطعنامه رأی منفی داد. وی هشدار داد اگر مسئله عضویت فلسطین به شورای امنیت ارجاع شود، ایالات متحده از حق وتو استفاده خواهد کرد.

همزمان با عملیات اسرائیل علیه گروه تروریستی حماس در غزه، مجمع عمومی سازمان ملل روز جمعه دهم ماه مه (۲۱ اردیبهشت‌ماه) از تقاضای فلسطین برای عضویت کامل در این نهاد حمایت کرد و از شورای امنیت خواست «این موضوع را با نظر مساعد بررسی کند.»

پیش‌نویس قطعنامه مجمع عمومی برای عضویت فلسطین در سازمان ملل متحد روز جمعه با ۱۴۳ رأی موافق، ۹ رأی مخالف و ۲۵ رأی ممتنع به تصویب رسید.

هرچند این قطعنامه بیان می‌کند، «دولت فلسطین، به عنوان یک دولت ناظر، حق رأی در مجمع عمومی یا نامزدی برای ارگان‌های سازمان ملل را ندارد» اما تصویب ارتقای تشکیلات خودگردان فلسطینی به جایگاه «هم‌تراز با یک کشور» با مخالفت شدید سفیر اسرائیل در سازمان ملل، نماینده آمریکا و چند کشور دیگر روبرو شد.

گیلعاد اردان سفیر اسرائیل در سازمان ملل با محکوم کردن تصویب پیش‌نویس این قطعنامه گفت، این قطعنامه عملاً به فلسطینی‌ها وضعیت و حقوق دولتی اعطا می‌کند که در تضاد با اصول منشور سازمان ملل است.

اردان با بیان اینکه تصویب آن توسط مجمع عمومی هیچ تغییری در میدان نخواهد داشت، گفت: «در صورت تصویب، انتظار دارم ایالات متحده بطور کامل کمک مالی به سازمان ملل و نهادهای آن را مطابق با قوانین آمریکا متوقف کند.»

اردان در یک اقدام اعتراضی با استفاده از دستگاه کاغذخردکن یک نسخه از منشور سازمان ملل را پاره کرد.  
یسرائیل کاتز وزیر خارجه اسرائیل نیز در واکنش به تصمیم مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای ارتقای جایگاه فلسطینیان در این سازمان گفت: «تئاتری سیاسی به نام سازمان ملل تصمیمی ساختگی گرفت که به تروریست‌های

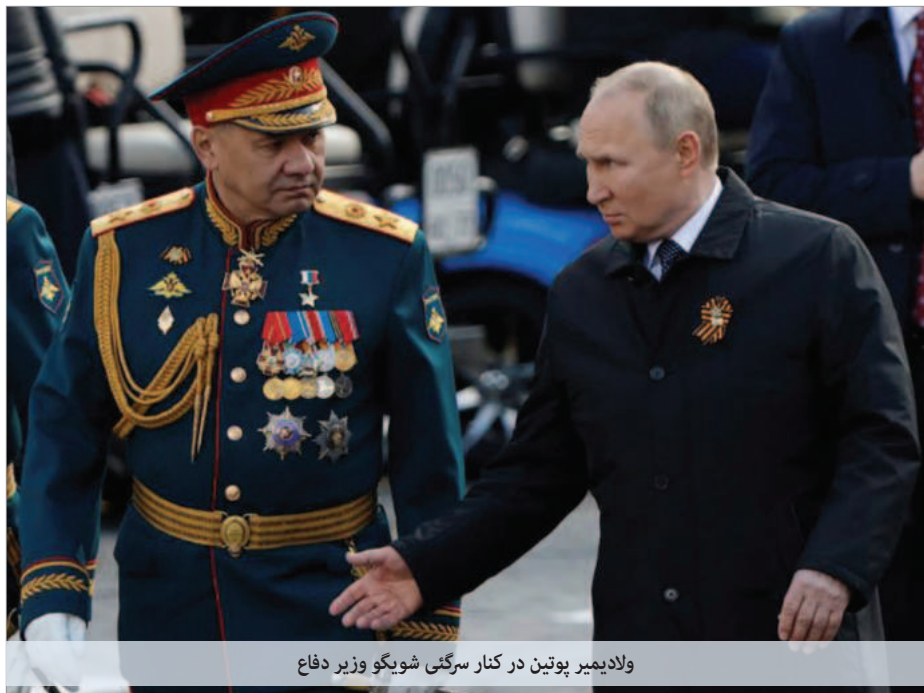


# آندری بلوسوف یک اقتصاددان غیرنظامی وزیر دفاع روسیه می شود

## وزیر دفاع بریتانیا: عروسک خیمه شب بازی است!



آندری بلوسوف، معاون سابق نخست وزیر و نامزد وزارت دفاع روسیه



ولادیمیر پوتین در کنار سرگئی شویگو وزیر دفاع

### عروسک خیمه شب بازی

گرانٹ شاپس وزیر دفاع بریتانیا در واکنش به تغییر وزیر دفاع روسیه، در «ایکس» نوشت، «سرگئی شویگو با حمله غیرمشروع خود به اوکراین بیش از ۳۵۵ هزار نفر از جمله سربازان خود را قربانی کرد و مسئول مرگ آنان و همچنین رنج و درد غیرنظامیان بی شماری است.»

وی افزود، «روسیه به یک وزیر دفاع نیاز دارد که این میراث فاجعه بار [جنگ] را پشت سر گذارد و به تجاوز خاتمه دهد، اما آنچه نصیب روسیه شده، یک عروسک

خیمه شب بازی دیگر پوتین است.»

الکساندر باونوف دیپلمات سابق روسیه که اکنون یکی از اعضای ارشد مرکز کارنگی روسیه اوراسیا است می گوید، «پیشنهاد انتصاب یکی از اقتصاددانان به عنوان وزیر دفاع ممکن است به این معنا باشد که پوتین در حال برنامه ریزی برای پیروزی در جنگ با تکیه بر کارخانه های صنایع دفاعی و بازارهای بین المللی است.»

طبق این مدل اقتصادی- نظامی، راهبرد پیروز نه تهاجم، بلکه فرسایشی کردن جنگ با قدرت برتر مجموعه اقتصادی، نظامی- صنعتی روسیه است.

شویگو به دلیل یکسری عقب نشینی هایی که ارتش روسیه مجبور به انجام آن در سال ۲۰۲۲ شد، به شدت توسط وبلاگ نویسان نظامی روسیه مورد انتقاد قرار گرفت. یوگنی پریگوزین رهبر گروه مزدوران «واگنر» و یکی از اصلی ترین منتقدان شویگو از بزرگترین منتقدان وی بود که بعد از شورش نافرجام این گروه، در یک سانحه هوایی کشته شد.

تلفات زیادی را برای هر دو طرف به همراه داشت، پوتین به آندری بلوسوف، معاون سابق نخست وزیر، پیشنهاد داد تا جایگزین شویگو شود.

شویگو ۶۸ ساله که از متحدان بسیار نزدیک پوتین است از سال ۲۰۱۲ وزیر دفاع روسیه بوده است. هرچند برخی منابع نوشته اند که شویگو «برکنار» شده اما کرملین گفت که پوتین او را به عنوان دبیر شورای امنیت ملی و مسئول صنایع نظامی روسیه منصوب خواهد کرد که یک نهاد امنیتی بسیار با نفوذ و قدرتمند است.

رویتز گزارش داد تغییراتی که پوتین در کابینه خود داده و مسلماً توسط نمایندگان مجلس تصویب خواهد شد، مهم ترین تغییراتی است که وی از زمان آغاز جنگ با اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ ایجاد کرده است.

دیمیتری پسکوف سخنگوی کرملین گفت که این تغییر منطقی است زیرا روسیه به وضعیتی مانند اتحاد جماهیر شوروی در اواسط دهه ۱۹۸۰ نزدیک می شود، زمانی که نظامی ها ۷/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) شوروی را به عهده داشتند.

پسکوف توضیح داد، که این یعنی اطمینان از همسویی و ادغام بهتر چنین هزینه هایی با اقتصاد کلی کشور که حیاتی است، به همین دلیل پوتین اکنون یک اقتصاددان غیرنظامی را در پست وزارت دفاع می خواهد.

منابع روسی می گویند این تغییرات با هدف آماده سازی روسیه برای جنگ اقتصادی و تلاش برای استفاده بهتر از بودجه دفاعی و نوآوری بیشتر برای پیروزی در اوکراین است.

● همزمان با افزایش حملات روسیه به مناطق شرقی اوکراین، ولادیمیر پوتین قصد دارد در کابینه جدید خود آندری بلوسوف یک اقتصاددان ۶۵ ساله را جایگزین سرگئی شویگو وزیر دفاع کند.

● به گزارش رویترز، پوتین یک اقتصاددان غیرنظامی را به عنوان وزیر دفاع جدید خود انتخاب کرد تا با تلاش برای استفاده بهتر از بودجه دفاعی و نوآوری بیشتر برای پیروزی در اوکراین، کمر بند روسیه در جنگ اقتصادی را محکم تر کند.

● گرانٹ شاپس وزیر دفاع بریتانیا در واکنش به تغییر وزیر دفاع روسیه، در «ایکس» نوشت، «روسیه به یک وزیر دفاع نیاز دارد که این میراث فاجعه بار [جنگ] را پشت سر گذارد و به تجاوز خاتمه دهد، اما آنچه نصیب روسیه شده، یک عروسک خیمه شب بازی دیگر پوتین است.»

همزمان با افزایش حملات روسیه به مناطق شرقی اوکراین، ولادیمیر پوتین قصد دارد در کابینه جدید خود آندری بلوسوف یک اقتصاددان ۶۵ ساله را جایگزین سرگئی شویگو وزیر دفاع کند.

به گزارش رویترز، ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه روز یکشنبه ۱۲ ماه مه (۲۳ اردیبهشت) یک اقتصاددان غیرنظامی را به عنوان وزیر دفاع جدید خود انتخاب کرد تا با تلاش برای استفاده بهتر از بودجه دفاعی و نوآوری بیشتر برای پیروزی در اوکراین، کمر بند روسیه در جنگ اقتصادی را محکم تر کند.

با گذشت بیش از دو سال از جنگ روسیه و اوکراین که

## در همبستگی با کارگران ایران، رهبر چپ‌ها در پارلمان بریتانیا خواستار ممنوعیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این کشور شد



جان مک‌دانل نماینده پارلمان انگلستان

دارد انجام دادیم تا آن را به گوش همگان برسانیم. ما جلسات توجیهی در مجلس عوام و پارلمان برای نمایندگان مجلس و دیگران ترتیب دادیم. به ویژه به اتحادیه‌های کارگری مراجعه کردیم زیرا اطلاعات و دانش کافی در مورد سرکوب حقوق صنفی در ایران وجود نداشت. با نزدیک شدن و حمایت از مردم برای بالا بردن سطح آگاهی آنها در مورد آنچه در ایران اتفاق می‌افتد، آنها نیز تمایل پیدا می‌کنند که حرکت کرده و کاری انجام دهند.

همچنین تظاهرات و جلسات عمومی مختلفی برگزار نموده و در کنفرانس‌های متعدد اتحادیه‌های کارگری حضور یافتیم. از آنجا که اتحادیه‌های کارگری ما در کنگره‌های حزبی عمدتاً به حزب کارگر وابسته هستند، آنها را تشویق می‌کنیم تا در صورت امکان با کارگران ایران ارتباط برقرار کنند. به این ترتیب در ارتباط با رانندگان اتوبوس تهران برای ابراز همبستگی با اعتصابات چند سال پیش آنها بسیار تلاش کردیم.

اخیراً بیشتر نگرانی‌هایی که به ما منتقل می‌شود در مورد سرکوب در جریان خیزش اعم از حملات فیزیکی و احکام اعدام صادر شده بوده است. بنابراین، ما بار دیگر، رویدادهای درون جنبش کارگری و اتحادیه‌های کارگری را در اینجا برجسته کرده‌ایم تا بر دولت بریتانیا فشار بیاوریم که این مسائل را با [جمهوری اسلامی] ایران مطرح کند. دولت بریتانیا باید اقدامات بیشتری انجام دهد در حالی که در مورد برخی موضوعاتی که برجسته نشده، بیش از حد منفعل بوده است.

در سطح بین‌المللی، ما می‌توانیم با دیگران همکاری ائتلافی داشته باشیم، به ویژه به این دلیل که یک کشور اروپایی هستیم، می‌توانیم با هم در دولت خود برای فشار بر [جمهوری اسلامی] ایران همکاری کنیم. اینها زمینه‌ی پیدایش «همبستگی با جنبش کارگری در ایران» است. امیدواریم بتوانیم در سال آینده حمایت‌های بیشتری را بین اتحادیه‌های کارگری ایجاد کنیم. در حال حاضر به انتخابات سراسری در بریتانیا نزدیک می‌شویم و اکنون فرصتی برای

به سطوح خطرناکی رسیده و نباید آن را تحمل کرد. اینها تروریست‌هایی هستند که در کشور ما فعالیت می‌کنند. شما باید آنها را به همان روش سایر سازمان‌های تروریستی تحت فشار قرار دهید.»

وی همچنین به انتخابات پارلمانی پیش رو در بریتانیا اشاره کرده و گفته است که در ارتباط با ایران «در مورد مسائل امنیتی بحث و گفتگو» خواهد شد.

نظرسنجی اخیر YouGov از رای‌دهندگان بریتانیایی برای روزنامه «تایمز» نشان داده که «حزب کارگر» در انتخابات سراسری بعدی ۳۰ امتیاز از حزب «محافظه‌کار» جلوتر است. متن فارسی این گفتگو را که به زبان انگلیسی انجام شده است در ادامه می‌خوانید.

### ● «همبستگی با جنبش کارگری در ایران» چگونه شکل گرفت؟

-چندین نفر از ما، هم نمایندگان مجلس و هم اعضای فعال جنبش کارگری و اتحادیه کارگری بریتانیا، به رویدادهای ایران توجه پیدا کردیم. حمایت و همبستگی ما البته بطور متناوب بود و اغلب فقط در زمان بحران‌ها ظاهر می‌شد و وقتی افراد به دلیل خواسته‌ها و حقوق صنفی و کارگری خود به ناحق دستگیر و زندانی شدند، بیانیه‌هایی منتشر کردیم. این حمایت پراکنده اما کافی نبود. ما باید دولت بریتانیا را به خاطر نقش آن در رسیدگی به چنین مواردی در نقض حقوق بشر پاسخگو می‌کردیم.

به این ترتیب «همبستگی با جنبش کارگری در ایران» توسط گروهی از نمایندگان مجلس، فعالان سندیکایی برخی اتحادیه‌های کارگری و بسیاری از مبارزان مرفقی در این کشور با ارتباطاتی در ایران راه‌اندازی شد. ما تصمیم گرفتیم از یک رویکرد منسجم‌تر و بهترین شکل سازمانی، مشابه آنچه در آفریقای جنوبی انجام دادیم، استفاده کنیم.

مهم‌ترین نکته در ابتدا حمایت از خیزش‌هایی بود که در حال وقوع بودند و هر پشتیبانی که می‌توانستیم در این کشور برای بازتاب میزان ظلم و ستمی که در ایران وجود

● کیهان لندن/ کیهان لایف با جان مک‌دانل نماینده «حزب کارگر» از سال ۱۹۹۷ برای Hays و Harlington (غرب لندن) در پارلمان و وزیر در سایه خزانه‌داری از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ گفتگو کرده است. او که یکی از چهره‌های سرشناس در سیاست بریتانیا است، رئیس گروه «همبستگی با جنبش کارگری در ایران» نیز هست. گروهی که به ترویج و تشویق همبستگی با کارگران در ایران می‌پردازد و پس از جنبش مهسا در سال ۲۰۲۲ تشکیل شده است. این گروه متشکل از شماری از نمایندگان مجلس و اعضای فعال جنبش کارگری و سندیکایی بریتانیا است.

● جان مک‌دانل: «ترکیبی از بی‌اطلاعی و نیاز به تمرکز بیشتر روی این موضوع [رویدادهای ایران] وجود دارد. این مشکل فقط در حزب کارگر و اتحادیه‌های کارگری نیست. در سراسر رسانه‌های بریتانیا نیز هم بی‌اطلاعی و هم عدم تمرکز بر مسائل ایران وجود دارد؛ در واقع انگار چشم خود را بر روی برخی مسائل بسته‌اند.»

● وی در ارتباط با اینکه چرا اتحادیه‌های کارگری مانند دوران حمایت از جنبش ضدآپارتاید در آفریقای جنوبی، از مبارزات کارگران و کارکنان ایران حمایت نمی‌کنند گفت: «در آفریقای جنوبی، اشکال سازمانی وجود داشت، هرچند که تا حدی مخفی بودند، اما جنبش کارگری و اتحادیه‌های کارگری می‌توانستند با آنها ارتباط داشته باشد. در ایران هنوز آن سطح از شکل سازمانی وجود ندارد که مردم بتوانند پیوسته با آن در ارتباط باشند و این موضوع به احتمال زیاد به میزان اختناق و سرکوب‌ها مربوط است.»

● «ما باید بدانیم که این یک رژیم اختناق و خفقان است و نه اینکه فقط مردم ایران را سرکوب می‌کند، بلکه آنها در حال تلاش برای سرکوب مردم در کشور ما نیز هستند. بنابراین باید محکم در برابر آن بایستیم.»

نازنین انصاری - ایران همچنان شاهد موج اعتراضات کارگران و کارکنان و کسبه در بخش‌های مختلف از جمله پرستاران، تلافروشان، بازنشستگان، معلمان، رانندگان کامیون و کارکنان نفت و گاز است. این اعتراضات که از سال ۲۰۱۷ ادامه دارد، به اندازه جنبش ضد آپارتاید در آفریقای جنوبی از سوی اتحادیه‌های کارگری در بریتانیا حمایت نشده است.

در همین ارتباط کیهان لندن/ کیهان لایف با جان مک‌دانل نماینده «حزب کارگر» از سال ۱۹۹۷ برای Hays و Harlington (غرب لندن) در پارلمان و وزیر در سایه خزانه‌داری از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ گفتگو کرده است. او که یکی از چهره‌های سرشناس در سیاست بریتانیا است، رئیس گروه «همبستگی با جنبش کارگری در ایران» نیز هست. گروهی که به ترویج و تشویق همبستگی با کارگران در ایران می‌پردازد و پس از جنبش مهسا در سال ۲۰۲۲ تشکیل شده است. این گروه متشکل از شماری از نمایندگان مجلس و اعضای فعال جنبش کارگری و سندیکایی بریتانیا است.

جان مک‌دانل که دبیر گروه پارلمانی اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران نیز هست، در این گفتگو از دولت بریتانیا به دلیل نادیده گرفتن فعالیت‌های رژیم ایران در بریتانیا انتقاد کرده است. او گفت که بریتانیا «از این واقعیت بیدار شده که فعالیت‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



اما فکر نمی‌کنم دیگر رابطه‌ای وجود داشته باشد. چگونه می‌توان کنار ایستاد و فکر کرد که این رژیم موجود می‌تواند شریک ما در آینده باشد؟!

ما باید بدانیم که این یک رژیم اختناق و خفقان است و نه اینکه فقط مردم ایران را سرکوب می‌کند، بلکه آنها در حال تلاش برای سرکوب مردم در کشور ما نیز هستند. بنابراین باید محکم در برابر آن بایستیم.

● شما در حوزه انتخابیه خود درگیر مسائل پناهندگی نیز بوده‌اید. وضعیت پناهجویان ایرانی در انگلیس چگونه است؟

-بریتانیا اولین کشوری بود که کنوانسیون پناهندگان را پس از جنگ جهانی دوم طراحی کرد و پذیرفت که کشورها مسئول پذیرش پناهجویان باشند. اما من معتقد نیستم که محافظه کاران بطور موثر به این کنوانسیون پایبند بوده‌اند. این بدان معناست که ما در حال حاضر یک سیستم غیرقابل استقبال و به شدت بوروکراتیک داریم.

من از آنچه در حوزه انتخابیه خودمان داریم مثالی می‌زنم. ما ۲۰۰۰ پناهجو در هتل‌ها داریم. آنها بدون عبور از سازماندهی اداری موجود که بطور موثر کار نمی‌کند به اینجا می‌آیند و توسط این دولت، البته نه من، به عنوان مهاجران غیرقانونی توصیف خواهند شد. اکثر آنها، به نظر من نزدیک به نود درصد، در نهایت به عنوان پناهنده پذیرفته خواهند شد. برخی از آنها دو سال است که در هتل‌ها هستند و در انتظار بسر می‌برند.

بسیاری از ایرانیان واجد شرایط می‌توانند سهم قابل توجهی در جامعه و اقتصاد ما داشته باشند. آنها از ستم‌گریخته و به اینجا آمده‌اند زیرا در اینجا یک جامعه ایرانی وجود دارد و آنها می‌خواهند با خانواده و دوستان خود دیدار کنند. من خیلی‌ها از آنان را ملاقات کرده‌ام.

ما سعی کردیم به دولت بگوییم که مسئولیت‌های موثرتری را بپذیرد. باید اطمینان حاصل کند که سیستم [پناهجویی] به درستی کار می‌کند تا مردم بتوانند از مسیرهای دیگر [غیرقانونی] عبور نکنند و وقتی آنها اینجا هستند، باید سریع‌تر به کار آنها رسیدگی شود تا بتوانند از نظر اقتصادی از خود را تأمین کنند و غیره. من از نحوه عملکرد این فرآیند در حال حاضر بسیار عصبانی هستم و امیدوارم که تغییر دولت - می‌دانم که تغییر دولت صورت خواهد گرفت - روند موثرتری برای حمایت از مردم ایجاد کند. ما این کار را با تمرکز بر موارد خاصی از بی‌عدالتی انجام داده‌ایم. ما درگیر ماجرای جعفر پناهی کارگردان سینما شدیم تا شاید سیاستمداران این مملکت [بریتانیا] تکانی بخورند. ما وضعیت وی را به عنوان یک نمونه در نظر گرفتیم که چند سال پیش زمانی که از کشور خارج می‌شد و برای گرفتن جایزه به جشنواره فیلم برلین می‌رفت، دستگیر شد و در زندان بود و هربار دوباره به زندان افتاد. اکنون نیز ما به نام توماج صالحی علیه حکم اعدام وی مبارزه می‌کنیم. کارزارهای ما مهم هستند زیرا آنها این آگاهی را در جامعه تقویت می‌کنند که چرا مردم به اینجا می‌آیند: زیرا زندگی آنها در خطر است! به همین دلیل باید روند رسیدگی به پرونده پناهندگی آنان سریع‌تر انجام و به عنوان پناهنده پذیرفته شوند تا همانطور که گفتم، بتوانند سهمی در زندگی این کشور بر عهده بگیرند.

من فکر می‌کنم رهبری حزب کارگر هم این موضوع را متوجه شده است که ما باید مراقب امنیت ایرانیان در بریتانیا باشیم، زیرا بازوهای رژیم اسلامی در سراسر اروپا گسترده شده و می‌توانند در کشور ما نیز به مردم آسیب برسانند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و تبلیغات هشدار داده شده است. فعالان ایرانی خواستار تحریم سپاه هستند. موضع حزب کارگر چیست؟

- من دبیر گروه پارلمانی اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران هستم. چندین سال است که ما مسائلی را به ویژه در مورد حمله به روزنامه‌نگاران، رسانه‌ها و فعالیت‌های رسانه‌ای



نازنین انصاری

ایرانی در بریتانیا مطرح می‌کنیم.

مردم آگاه شده‌اند که این موضوع به سطوح خطرناکی رسیده. تا همین اواخر، نسبتاً پنهان بود و این تهدیدات آنطور که باید گزارش نمی‌شد اما حمله با چاقو به پوریا زراعتی از «ایران اینترنشنال» که اخیراً اتفاق افتاد وحشتناک است. این زنگ خطر است در ارتباط با سطح اقداماتی که [جمهوری اسلامی] ایران برای سرکوب فعالیت‌های رسانه‌ای در اینجا انجام می‌دهد.

دولت نیز تازه بیدار شده ولی حاضر نیست سپاه پاسداران را ممنوع اعلام کند. ولی ما بطور مداوم این موضوع را مطرح کرده‌ایم. استدلال دولت بسیار عجیب است. آنها معتقدند که سپاه بخشی از حکومت است! چیزی قبلاً هرگز مطرح نشده. این استدلال مسخره است!

ما می‌گوییم که مردم فهمیده‌اند که این تهدیدات که تا همین اواخر تقریباً پنهان بود، به سطح خطرناکی رسیده. اینها تروریست‌هایی هستند که در کشور ما فعالیت می‌کنند. شما باید آنها را به همان روش سایر سازمان‌های تروریستی تحت فشار قرار دهید.

اگر حزب کارگر دولت را به دست بگیرد، شاهد اقداماتی در این زمینه خواهید بود زیرا ما می‌توانیم این رفتار را تحمل کنیم. موضوع دیگر، نفوذ خزنده‌ایست که با انتشار اخبار و اطلاعات جعلی در حال وقوع است. ما باید آن را با دقت بیشتری رصد کنیم و تا جایی که می‌توانیم آن را به چالش بکشیم.

این یک مسئله بسیار جدی است که بالاخره مردم آگاه شده‌اند. حتی این دولت هم وضعیت عینی را فهمیده و می‌داند که باید اقداماتی صورت بگیرد.

اکنون انتخابات سراسری در راه است. بحث‌هایی پیرامون مسائل امنیتی صورت خواهد گرفت. [سیاستمداران] گاهی چشم بر [جمهوری اسلامی] ایران بسته‌اند. این مقاومت همیشه وجود داشته‌آهیم با این استدلال که [اقدام علیه آن] ممکن است اوضاع را بدتر کند و رابطه اندک بین دولت‌های غربی و [رژیم] ایران را تضعیف کند.

گنجاندن وضعیت ایران در دستور کار مناظرات انتخاباتی وجود دارد.

● کارمندان و کارگران در بخش‌های مختلف در سراسر ایران از جمله معلمان، رانندگان اتوبوس، رانندگان کامیون، بازنشستگان، پلافروشان و کارکنان نفت و گاز سال‌هاست دست به اعتراض می‌زنند. با این حال، این اعتراضات حمایت چندانی را از سوی اتحادیه‌های کارگری بریتانیا جلب نکرده، به ویژه در مقایسه با حمایت اتحادیه‌های کارگری از جنبش ضد آپارتاید در آفریقای جنوبی. چرا در این دوره در ارتباط با اوضاع ایران مشابه آن زمان عمل نشده است؟

-ما در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدیم که ترکیبی از بی‌اطلاعی و نیاز به تمرکز بیشتر روی این موضوع [رویدادهای ایران] وجود دارد. این مشکل فقط در حزب کارگر و اتحادیه‌های کارگری نیست. در سراسر رسانه‌های بریتانیا نیز هم بی‌اطلاعی و هم عدم تمرکز بر مسائل ایران وجود دارد؛ در واقع انگار چشم خود را بر روی برخی مسائل بسته‌اند.

ما سعی می‌کنیم به مردم اعتماد به نفس بدهیم که کوشش‌های شما می‌تواند تأثیر بگذارد، حتی اگر فقط یک ابراز همبستگی باشد. این ابراز همبستگی به مردم ایران دلگرمی می‌دهد و وقتی بار دیگر خیزشی روی دهد، آنها متوجه خواهند شد که پتانسیل برای تغییر واقعی وجود دارد.

نکته دیگر این است که به ویژه در آفریقای جنوبی، اشکال سازمانی وجود داشت، هرچند که تا حدی مخفی بودند، اما جنبش کارگری و اتحادیه‌های کارگری می‌توانستند با آنها ارتباط داشته باشد. در ایران هنوز آن سطح از شکل سازمانی وجود ندارد که مردم بتوانند پیوسته با آن در ارتباط باشند و این موضوع به احتمال زیاد به میزان اختناق و سرکوب‌ها مربوط است.

ما متوجه این واقعیت شده‌ایم که باید شکل سازمانیافته بهتری در بریتانیا وجود داشته باشد تا مردم بتوانند اطلاعات کسب کنند و سپس پیرامون اقدامات ویژه در جنبش کارگری و سندیکایی متحد شوند؛ این چیز است که ما تلاش می‌کنیم انجام دهیم؛ انگار تپه‌ای در برابر ماست که باید از آن بالا برویم ولی تازه داریم شروع می‌کنیم که به آن برسیم. در همین ارتباط امسال دوباره در راهپیمایی روز جهانی کارگر در ماه مه شرکت کردیم. این راهپیمایی در سراسر کشور برگزار می‌شود ولی بزرگترین آن در لندن پایتخت انگلستان است. امسال ما یک هیئت بسیار بزرگ در این راهپیمایی داشتیم و قابل توجه اینکه چندین نفر از اتحادیه‌های کارگری دیگر به سراغ ما آمدند و خودشان در مورد این موضوع صحبت کردند.

ما در حال ساختن هستیم. در گذشته نیز در مورد نگرش مردم نسبت به رژیم ایران تناقضاتی وجود داشت. گاهی انگار تقریباً هیچ کاری نمی‌توان کرد و به همین دلیل آنها این موضوع را رها کرده و به سراغ مسائل دیگری می‌روند که احتمالاً در تغییر آنچه در آنجا اتفاق می‌افتد بیشتر موفق باشند. به این ترتیب باز هم، عدم اعتماد به نفس نقش بازی می‌کند. با اینهمه بسیار شرم‌آور است که ما به اندازه کافی کاری انجام ن داده‌ایم، و به همین دلیل هم هست که [در «همبستگی با جنبش کارگری در ایران»] گرد آمدیم.

● گزارشگران بدون مرز از جمهوری اسلامی به دلیل هدف قرار دادن و ساکت کردن خبرنگاران ایرانی در بریتانیا انتقاد کرده است. در گزارش دیگری از Policy Exchange نسبت به زیرساخت‌های ایجاد شده در بریتانیا، مرتبط با

## گسترش اعتراض شهروندان غزه به سیاست‌های حماس



غزه / ۱۱ مه ۲۰۲۴

دست گرفت و هواداران «الفتح» و «جبهه آزادیبخش فلسطین» و حکومت خودگردان را کنار گذاشت و بسیاری را مجبور به مهاجرت به کرانه باختری رود اردن و یا پذیرفتن حکومت خود در سکوت کرد.

ابو لیلا در ادامه‌ی گفتگو با کیهان لندن می‌گوید «حکومت حماس در ابتدا از حمایت اهالی غزه که از فساد گسترده در حکومت خودگردان و سازمان الفتح ناراضی بوده و به تنگ آمده بودند برخوردار بود، ولی پس از مدت کوتاهی متوجه شدند که حاکمان جدید بیش از قبلی‌ها سرگرم دزدی و غارت اموال عمومی و به بغما بردن کمک‌های بین‌المللی هستند، با این تفاوت که آنها تحت شعار مقاومت در مقابل اشغالگران اسرائیلی ما را درگیر چندین جنگ ویرانگر نیز کردند.» برای این روزنامه‌نگار فلسطینی، «تجربه نشان داده است که با تروریسم، جنگ و درگیری نمی‌توان به اشغال سرزمین‌های فلسطینی پایان داد، بلکه باید به دنبال راه و کار سیاسی در چارچوب مذاکرات با دولت اسرائیل با نظارت نهادهای بین‌المللی و کشورهای غرب و جهان عرب بود. حماس تا کنون به چندین جنگ با اسرائیل دامن زده است و ما هرگز یک قدم هم به خواست خود که تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی است نیز نزدیک که نشده‌ایم هیچ بلکه فاصله ما با این خواست برحق افزایش نیز پیدا کرده است. تنها راه ممکن برای پایان دادن به این بحران چند ده ساله مذاکره و گفتگو است و زمین گذاشتن اسلحه شرط اساسی آغاز این روند است. تا زمانی که اسلحه حرف اول را بزند، نمی‌توان هیچ مذاکرات جدی و منطقی را آغاز کرد.»

در ژانویه سال ۲۰۲۳ طی یک پروژه ویدئوهای از سوی «مرکز ارتباطات صلح» (سی‌پی‌سی) منتشر شد که کارشناسان و پژوهشگران کشورهای مختلف مستقر در ایالات متحده آمریکا تهیه شد که در همکاری با کیهان لندن انتشار یافت. در این ویدئوها با شماری از شهروندان غزه گفتگو شده بود که همین مواضع را در مخالفت با حماس و غارت و دزدی و فساد و جنگ‌طلبی حماس بیان کرده‌اند. این شهروندان آرزوی یک زندگی آرام و امن و در رفاه و همچنین صلح با همه کشورهای منطقه از جمله اسرائیل دارند.

اطلاعات در رابطه با حضور افراد مسلح وابسته با حماس، جهاد اسلامی و هر گروه مسلح و افراطی دیگر را به نظامیان اسرائیلی منتقل می‌کنند، زیرا به این نتیجه رسیده‌اند که مسئولیت این جنگ که چند ده هزار کشته و شمار بیشتری زخمی برجای گذاشته است، با رهبران حماس است که سال‌هاست حکومت در غزه را قبضه کرده‌اند.»

ابو لیلا می‌گوید «اهالی غزه روزانه از خود می‌پرسند چرا رهبران حماس و جهاد اسلامی تصمیم گرفتند این باریکه و ساکنانش را قربانی سیاست‌های توسعه‌طلبانه آیت‌الله‌های تهران کنند. مردم می‌پرسند با حمله ۷ اکتبر به شهروندان غیرنظامی اسرائیلی، حماس و جهاد اسلامی چه اهدافی را در نظر داشتند و فکر می‌کردند این اقدام نظامی غیر از جنگی که بیش از ۷ ماه است ادامه دارد و تنها مرگ و ویرانی به همراه داشته است چه پیامد دیگری می‌توانست داشته باشد؟»

این روزنامه‌نگار فلسطینی می‌گوید «امروز پرسشی که ذهن سه میلیون اهالی غزه را به خود مشغول کرده است، آینده این باریکه است. آیا پایان این جنگ را می‌توان آغازی برای آینده‌ای بدون خشونت و با تضمین حداقل‌ها برای یک زندگی با کرامت دانست؟ یا این باریکه باز به موقعیت برزخی قبل از ۷ اکتبر باز خواهد گشت؟ اهالی غزه تحمل جنگی دیگر، کشته‌های بیشتر، و فقر و گرسنگی بی‌پایان را ندارند. این اولین بار نیست که ما درگیر جنگی با اسرائیل می‌شویم که هیچگونه دستاوردی برای ما غیر از ویرانی نداشته است.»

حماس در سال ۱۹۷۸ میلادی در بحبوحه «انتفاضه اول» توسط شیخ احمد یاسین با انشعاب از شعبه فلسطینی اخوان المسلمین شکل گرفت و در ابتدای تشکیل به عنوان حرکتی برای تضعیف سازمان «الفتح» به رهبری وقت یاسر عرفات و «جبهه آزادیبخش فلسطین» به رهبری وقت جرج حبش از حمایت جناح‌هایی از دولت و ارتش اسرائیل نیز برخوردار بود. حماس در سال ۲۰۰۷ میلادی، با خروج از دولت وحدت ملی که پس از انتخابات سال ۲۰۰۶ تشکیل شده بود، با شبه‌کودتائی نظامی کنترل باریکه غزه را به

● حمله تروریستی حماس و جهاد اسلامی در ۱۵ مهر سال گذشته به غیرنظامیان در اسرائیل آغاز جنگ جدیدی در باریکه غزه بود که هنوز هم ادامه دارد.

● باریکه غزه در بیش از ۷ ماهی که از آغاز این جنگ می‌گذرد به ویرانه‌ای تبدیل شده که بازسازی آن در خاتمه، ماه‌ها و شاید چندین سال به طول بیانجامد و بیش از ۴۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد.

● این جنگ که بدون شک حماس و جهاد اسلامی با مشارکت مستقیم جمهوری اسلامی آنرا آغاز کردند، در هفته‌های اخیر به موجی از اعتراض‌ها در باریکه غزه دامن زده است.

احمد رأفت - ۱۵ مهر سال گذشته (۷ اکتبر ۲۰۲۳) حمله تروریستی و غافلگیرانه حماس و جهاد اسلامی به غیرنظامیان در اسرائیل که بیش از ۱۲۰۰ کشته برجای گذاشت و حدود ۲۴۰ نفر نیز به گروگان گرفته شدند، آغاز جنگ جدیدی بود که هنوز هم ادامه دارد.

در حملات زمینی و هوایی اسرائیل به باریکه غزه تا کنون نزدیک به ۴۰ هزار فلسطینی کشته شدند که بسیاری از آنها شهروندان عادی بودند و در هیچ گروه شبه‌نظامی فعالیت نداشتند. باریکه غزه در بیش از ۷ ماهی که از آغاز این جنگ می‌گذرد به ویرانه‌ای تبدیل شده که بازسازی آن در خاتمه این جنگ ماه‌ها و شاید چندین سال به طول بیانجامد و به بیش از ۴۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد. البته هزینه سرمایه‌گذاری برای بازسازی اقتصادی این باریکه در خاتمه این جنگ، که همچنان مشخص نیست کی و چگونه به پایان خواهد رسید، هنوز تخمین زده نشده و بستگی به عوامل بسیاری دارد.

این جنگ که بدون شک حماس و جهاد اسلامی با مشارکت مستقیم جمهوری اسلامی آنرا آغاز کرده‌اند، در هفته‌های اخیر به موجی از اعتراض‌ها در باریکه غزه دامن زده است. ابو لیلا سعود روزنامه‌نگار فلسطینی که در باریکه غزه سابقه طولانی همکاری با رسانه‌های اروپائی را به عنوان مترجم دارد و در روزهای گذشته توانست با خانواده‌اش به مصر پناه ببرد، در گفتگو با کیهان لندن می‌گوید «مردم عاصی از این جنگ و گرفتار آوارگی و گرسنگی و غم از دست دادن دوستان و نزدیکان‌شان، اسلامگرایان افراطی را مسئول می‌دانند و روز به روز خشم آنها از عملکرد حماس، جهاد اسلامی و دیگر گروهک‌های مسلح افزایش پیدا می‌کند.»

ابو لیلا در ادامه می‌افزاید «اگرچه هنوز حماس (که نام رسمی آن «حرکت مقاومت اسلامی» است) کنترل باریکه غزه را در دست دارد و اعضای گروه‌های مسلح قادر هستند با ارباب و تهدید و حتی کشتن کسانی که به عملکرد آنها اعتراض دارند، مانع از گسترش اعتراض‌ها شوند، ولی در خیابان‌ها و در صف‌های طولانی تهیه غذا مردم به سران حماس فحش می‌دهند و آنها را جانی و خائن می‌خوانند و روز به روز بر تعداد کسانی که معتقدند باید این گروه‌ها، و به ویژه حماس و جهاد اسلامی را وادار کرد که این باریکه را یکبار برای همیشه ترک کنند تا بلکه نوری خارج از این تونل وحشت و ویرانی دیده شود افزوده می‌شود.»

این روزنامه‌نگار با سابقه می‌گوید «اگر در گذشته آبهائی که معتقد بودند رهبران حماس زندگی‌شان را به فنا خواهد داد از ترس این مردان مسلح سکوت می‌کردند، امروز دیگر حاضر نیستند که ادامه حکومت آنها بر این باریکه و بر زندگی خود را بپذیرند و کم نیستند کسانی که به هر طریقی



## حاشیه‌های اسناد لو رفته از پولشویی و پولپاشی موسسه علی اکبر رائفی‌پور

رائفی‌پور نیز با انتشار یک ویدئو، به ارائه توضیحات درباره این گردش مالی ۱۰۰ میلیاردی و اتهام پولشویی پرداخت تا پولپاشی و پولشویی افشا شده را توجیه کند.

در این ویدئوی نیم ساعته علی اکبر رائفی‌پور به جای اینکه درباره اسناد منتشر شده و عملکرد موسسه «مصاف ایرانیان» توضیح دهد، فراقکنی کرد. او گفت «بانک‌های مرتبط، به خصوص مرکزی باید پاسخگو باشند، زیرا احتمالاً کارمندی داشتند که به آنها که سند را منتشر کردند کمک کرده است.»

اینهمه در حالیست که اسناد نشان می‌دهد مبلغی حدود ۱۰۰ میلیارد تومان طی دو سال پس از انتقال به حساب بانکی موسسه «مصاف ایرانیان» خیلی زود نیز برداشت شده و به حساب اعضای موسسه، شخصیت‌های حقیقی و نزدیکان رائفی‌پور منتقل شده است.

برای نمونه اسناد افشا شده نشان می‌دهد فردی به نام الونا واشچنکو معروف به طاهره واشچنکو در پنج نوبت متوالی پول دریافت کرده است. این فرد در ویدئوهایی تبلیغاتی خود را یک مسلمان و طرفدار ولایت فقیه معرفی کرده است.

همچنین در بین واریزی‌ها بارها نام برادر علی‌اکبر رائفی‌پور «امیرحسین» به چشم می‌خورد که نشان می‌دهد واریزهایی برابر با ۱۴ میلیارد تومان تحت عنوان امور خیریه دریافت کرده اما محل هزینه آن مبهم است.

جلیل محبی درباره این اسناد گفته «برخی از پول‌هایی که به حساب اشخاص حقیقی واریز شده، دوباره به حساب برای رائفی‌پور یا مصاف بازگشته است که این شائبه پول‌شویی دارد و شامل مواد ۱، ۲ و ۳ قانون مجازات اسلامی است که دادستان باید ورود پیدا کند. برخی از افراد در توثیقه نوشته بودند که سازمان مبارزه با پولشویی باید به این مسئله ورود پیدا کند اما این‌طور نیست. زمانی که در دادگاه به یک جرمی رسیدگی می‌شود و به یک جرم دیگری برخورد می‌کنند، باید در همان دادگاه بررسی شود؛ مگر آنکه حوزه صلاحیت ذاتی آن متفاوت باشد یک بحث حقوقی است.»

جلیل محبی همچنین در واکنش به دستور محمدرضا فرزین برای پیگیری چگونگی خروج اسناد مالی موسسه «مصاف ایرانیان» از سیستم بانکی کشور، گفته «بجای برخورد با افرادی که در بانک‌ها با هیات تحقیق و تفحص بانک‌ها همکاری کرده اند باید با افرادی که وظایف خود را در زمینه پول‌شویی انجام نداده اند برخورد کنید.»

پیشتر نیز علی‌اکبر رائفی‌پور اتهاماتی را متوجه برخی اصولگرایان حاضر در یازدهمین دور مجلس شورای اسلامی کرده بود. او از جمله مدعی شده بود که یکی از اعضای جبهه پایداری که در مجلس یازدهم حضور داشته با دریافت ۱۴۰ سکه رشوه برای خارج کردن تحقیق و تفحص و استیضاح از دستور کار مجلس شورای اسلامی تلاش کرده است. به نظر می‌رسد تسویه حساب‌ها و افشاکاری‌های جریانات

درون حکومتی علیه یکدیگر دست‌کم تا چند هفته پس از آغاز بکار دوازدهمین دور مجلس شورای اسلامی ادامه پیدا کند. کسب کرسی‌های هیئت رئیسی و همچنین کمیسیون‌های تخصصی به ویژه در حوزه‌های مرتبط با اقتصاد به معنای ایجاد یک کانال رانته است و به همین دلیل جریانات حکومتی به دنبال رسیدن به این کرسی‌ها به هر قیمتی هستند!



«مصاف ایرانیان» در چهار بانک «ملت»، «ملی»، «سپه» و «صادرات» در کانال تلگرامی جلیل محبی نیز منتشر شده است. این اسناد شامل نام و نام خانوادگی، اطلاعات بانکی افراد و مبالغ جابه‌جا شده است.

جلیل محبی مدعی شده این اسناد را از یکی از نمایندگان مخالف محمدباقر قالیباف در مجلس شورای اسلامی گرفته است. جریان اصولگرا در ماه‌های گذشته دچار گسست شده و در دوازدهمین دور انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز با سه ائتلاف مختلف در رقابت‌ها شرکت کردند. شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی (شانا) و جبهه پایداری با محوریت حمید رسایی، «جبهه صبح ایران» با محوریت علی‌اکبر رائفی‌پور و «امنا؛ شورای وحدت اصولگرایان» شامل گروه‌های سنتی با محوریت جامعه روحانیت و جمعیت مؤتلفه، سه جریان ائتلافی اصولگرا در انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی بودند.

گزارش‌ها حاکی از آنست که از هم‌اکنون رقابت و لابی گسترده‌ای از سوی این سه جریان برای پیروزی در انتخابات هیئت رئیسه مجلس در جریان است. این در حالیست که سردار پاسدار محمدباقر قالیباف که با حضور در ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی (شانا) از حوزه تهران بار دیگر وارد مجلس شورای اسلامی شده نیز تمام توان خود را برای ماندگاری بر کرسی ریاست مجلس بکار گرفته است.

تحلیلگران معتقدند افشاکاری‌های اخیر از جمله درباره پولپاشی و پولشویی موسسه «مصاف ایرانیان» در پی تضعیف جبهه اکبر رائفی‌پور در خیزی است که جریان او برای پیروزی در انتخابات هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی برداشته است.

روزنامه «هم‌میهن» نوشته «رائفی‌پور مؤسسه‌ای تحت عنوان مصاف را مدیریت می‌کند که صاحب لشکری از اکانت‌های مجازی به‌خصوص فعال در توثیقه هستند. آن‌ها که تحت عنوان جبهه صبح ایران وارد انتخابات شدند، به‌صورت آشکار و پنهان جنگی را علیه دیگر اصولگرایان به خصوص طیف قالیباف راه انداختند.»

پس از افشای اسناد موسسه «مصاف ایرانیان» علی‌اکبر

● اسناد منتشر شده نشان از پولشویی گسترده، پولپاشی این موسسه به سود اهداف سیاسی مورد نظر رائفی‌پور، و همچنین گردش مالی ۱۰۰ میلیارد تومانی این موسسه طی دو سال دارد.

● رئیس کل بانک مرکزی گفته «اگر محرز شود ارسال اطلاعات مالی این موسسه از طرف شبکه بانکی بوده باشد با عاملان این اقدام غیرقانونی شدیداً برخورد خواهد شد.»

● علی اکبر رائفی‌پور یکی از اصولگرایان تندرو و از تئوریسین‌های نزدیک به جریانات امنیتی حکومت است که در دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز با ائتلاف «جبهه صبح ایران» حضور پیدا کرد.

چند روز پس از افشای اطلاعات بانکی مؤسسه «مصاف ایرانیان» وابسته به علی‌اکبر رائفی‌پور با گردش مالی ۱۰۰ میلیارد تومانی و ردپای پولشویی و پولپاشی، رئیس کل بانک مرکزی دستور پیگیری روند افشای این مدارک را داده است. روابط عمومی بانک مرکزی امروز شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۳ اعلام کرده که رئیس کل بانک مرکزی به دنبال انتشار غیرقانونی اطلاعات مالی موسسه «مصاف ایرانیان» در فضای مجازی، ضمن تأکید بر خلاف قانون بودن این اقدام نادرست از سوی هر فرد و جریانی، طی جلسه عصر پنج‌شنبه ۲۰ اردیبهشت‌ماه دستور پیگیری فوری و بررسی ابعاد مختلف آن را صادر کرد.

روابط عمومی بانک مرکزی افزوده محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی گفته «اگر محرز شود ارسال اطلاعات مالی این موسسه از طرف شبکه بانکی بوده باشد با عاملان این اقدام غیرقانونی شدیداً برخورد خواهد شد.»

طی روزهای گذشته یک اکانت توییتری ناشناس اسنادی از گردش حساب‌های بانکی موسسه «مصاف ایرانیان» منتشر کرد که نشان از پولشویی گسترده، پولپاشی این موسسه به سود اهداف سیاسی مورد نظر رائفی‌پور، و همچنین گردش مالی ۱۰۰ میلیارد تومانی این موسسه طی دو سال دارد.

علی اکبر رائفی‌پور یکی از اصولگرایان تندرو و از تئوریسین‌های نزدیک به جریانات امنیتی حکومت است که در دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز با ائتلاف «جبهه صبح ایران» حضور پیدا کرد. بیشترین نمایندگان راه‌یافته به مجلس از حوزه انتخابی تهران از اعضای ائتلافی این جبهه هستند. جریان رائفی‌پور از شهرستان‌ها نیز شمار قابل توجهی نماینده راهی مجلس شورای اسلامی کرده است.

روزنامه «هم‌میهن» نوشته این اسناد نام طیف وسیعی از کاربران شناخته‌شده فضای مجازی و برخی مؤسسات و شرکت‌ها را در خود داشت. انتشار این اسناد از آن جهت اهمیت زیادی داشت که صحبت‌های زیادی درباره منابع مالی مؤسسه رائفی‌پور وجود دارد؛ مؤسسه‌ای که واحدهای مختلفی داشته و از طراحی سلاح تا ونتیلانتور (تجهیزات پزشکی) را در کارنامه خود دارد.

بعد از افشای این اسناد، جلیل محبی دبیر پیشین ستاد امر به معروف و نهی از منکر، و کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در شبکه «ایکس» نوشت: «هر چه اصرار کردم آقای رائفی‌پور نباید مناظره کند. اسناد زیر سوالات من بود. بیش از صد میلیارد تومان در دکان مصاف پول جابجا شده. شما خودتان با او مناظره کنید.»

اسناد گردش حساب ۱۰۰ میلیارد تومانی موسسه

## بنیادهای اعتقادی نهضت مقاومت اسلامی - حماس



تظاهرکنندگان در دانشگاه تگزاس / اوستین/ ۵ مه ۲۰۲۴

● در این نوشتار دو سند اصلی شامل «میثاق حماس» مصوب سال ۱۹۸۸ و «بیانیه اصول عمومی و سیاست گذاری» مصوب ۲۰۱۷ حماس مورد توجه قرار گیرد تا معلوم شود اساسا گروه حماس و طرفداران آن چگونه فکر می‌کنند.

● بخش بزرگی از هواداران فلسطین نتوانسته‌اند تفاوتی میان حماس و فلسطینی‌ها برقرار کنند. به همین دلیل در شعارهای آنان هیچ اشاره‌ای به جنایات حماس نشده بلکه یکجانبه اسرائیل را محکوم می‌کنند. آنان شاید کمتر فرصت داشته‌اند که اسناد پایه‌ای توضیح دهنده اعتقادات مذهبی و سیاسی این گروه را مطالعه کنند تا بتوانند در قضاوت‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی سمت و سوی صحیحی را اتخاذ کرده و دنبال کنند. در نتیجه این ناآگاهی‌های همراه با احساسات تهییج شده، سردرگمی‌هایی برای آنها پیدا شده است. گویی این موج احساسی آنها را از حقایق دور نگه داشته و حتی به زبان فلسطینی‌ها به حرکت وا می‌دارد.

● ماده هشت میثاق حماس: خداوند هدف است، پیامبر الگو، و قرآن قانون اساسی آن است: جهاد و مرگ در راه خدا بلندترین آرزوهاست.

● ماده سیزده میثاق حماس: ابتکارات و به اصطلاح راه‌های مسالمت‌آمیز و کنفرانس‌های بین‌المللی با مبانی نهضت مقاومت اسلامی در تضاد است. سوء استفاده از هر بخشی از فلسطین، سوء استفاده علیه بخشی از دین است. ناسیونالیسم نهضت مقاومت اسلامی بخشی از دین مردم آن است. اعضای آن از آن تغذیه شده‌اند و برای برافراشتن پرچم خدا بر سر وطن خود می‌جنگند. - از آنجا که در میثاق حماس نه فقط نابودی اسرائیل بلکه اساسا یهودیت به عنوان مرام مطرح شده و به همین دلیل مورد انتقادهای زیادی قرار گرفته بود، حماس تصمیم گرفت آنرا مورد بازبینی قرار دهد. برای این منظور در سندی که در سال ۲۰۱۷ انتشار یافت، بر همان اهداف اما با زبانی ملایم تأکید کرده است!

● محمود مسائلی - به دنبال حملات نیروهای حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به اسرائیل، بحث‌ها و تحلیل‌ها در خصوص چرایی بروز این درگیری‌ها در همه جای جهان، صرف نظر از اینکه مردم کدام مرام و آیینی دارند، فراگیر شده است. تظاهرات دانشجویان به ویژه در دانشگاه‌های آمریکایی نیز شرایط را برای قضاوت پیچیده‌تر ساخته است. نگارنده دوستان و همکارانی با ارتباطاتی قدیمی در دانشگاه‌های آمریکای لاتین دارد که آنها نیز پیوسته مطالبی را درباره شرایط جاری منتشر می‌سازند. در این ارتباط که احساسات و عواطف مردم نیک‌اندیش، اما ساده‌انگار و گاهی بدون داشتن آگاهی‌های لازم، به مرزهای حساسی نزدیک شده، می‌توان ژرف‌تر موضوعات را مورد بررسی قرار داد تا حقایق پنهان و پشت پرده آشکار شود.

بی‌تردید هیچ انسانی نمی‌تواند شاهد کشته شدن انسان‌های بی‌گناه باشد. اما این واقعیت را نیز باید پذیرفت که فراتر از احساسات لطیف انسانی، عوامل و موضوعاتی نیز در شرایط کنونی مشارکت دارند که شوربختانه موجبات کشته شدن بیشتر مردم را فراهم می‌آورند. بنابراین برای روشن ساختن حقایق در ابتدا بسیار ضروری است که مرزهای روشنی میان فلسطینی‌ها از یکسو، و حماس و جهاد اسلامی از دیگرسو ترسیم کرد. سپس با تکیه بر اسناد متقن و محکمی که قابل انکار نیستند، توضیح داده شود که چه مواعی

مورد زیر را توضیح می‌دهند:  
ماده یک: نهضت مقاومت اسلامی: برنامه نهضت اسلام است. از آن ایده‌ها، طرز تفکر و درک جهان، زندگی و انسان سرچشمه می‌گیرد، برای قضاوت در تمام رفتارها به آن متوسل می‌شود و برای هدایت قدم‌هایش از آن الهام می‌گیرد.

ماده دو: نهضت مقاومت اسلامی یکی از شاخه‌های اخوان المسلمین در فلسطین است. نهضت اخوان المسلمین یک سازمان جهانی است که بزرگترین جنبش اسلامی در دوران معاصر را تشکیل می‌دهد. درک عمیق، درک دقیق و پذیرش کامل مفاهیم اسلامی از همه ابعاد زندگی، فرهنگ، عقیده، سیاست، اقتصاد، آموزش، جامعه، عدالت و قضاوت، گسترش اسلام، آموزش، هنر، اطلاعات، علم غیبی و گرویدن به اسلام همه بر مبانی اسلامی مشخص می‌شوند.

ماده پنج: گستره زمانی نهضت مقاومت اسلامی: نهضت با پذیرفتن اسلام به دوران ولادت پیام اسلام، جدّ صالح، برمی‌گردد که هدف آن الله، پیامبر اسلام الگوی آن است. قرآن قانون اساسی آن است. وسعت آن در هر جایی است که مسلمانانی هستند که اسلام را به عنوان روش زندگی خود در همه جای جهان پذیرفته‌اند.

ماده هفت: از آنجا که مسلمانانی که به راه‌های نهضت مقاومت اسلامی پایبند هستند، در سراسر جهان پخش می‌شوند و از آن و مواضع آن حمایت می‌کنند و در راه ارتقای مبارزات آن می‌کوشند، نهضت ویژگی جهانشمولی دارد... نهضت مقاومت اسلامی یکی از حلقه‌های زنجیره مبارزه با متجاوزان صهیونیست است. ریشه‌های آن به سال ۱۹۳۹ برمی‌گردد، به ظهور شهید عزالدین القسام و برادران مبارزش، از اعضای اخوان المسلمین... بعلاوه، اگر پیوندها از یکدیگر دور بوده و مواعی که از سوی صهیونیسم بر سر راه مبارزان قرار می‌گرفت، مانع ادامه مبارزه می‌شد، امروزه نهضت مقاومت اسلامی در آرزوی تحقق وعده الهی است، و مهم است که چقدر باید طول بکشد.

در این ماده یکی از هولناک‌ترین دیدگاه‌های

بر سر راه استقرار صلح و آرامش در منطقه وجود دارد. برای این منظور در این نوشتار دو سند اصلی شامل «میثاق حماس» مصوب سال ۱۹۸۸ و «بیانیه اصول عمومی و سیاست گذاری» مصوب ۲۰۱۷ حماس مورد توجه قرار گیرد تا معلوم شود اساسا گروه حماس و طرفداران آن چگونه فکر می‌کنند.

فرضیه‌ی مورد نظر این است که اولاً بخش بزرگی از هواداران فلسطین نتوانسته‌اند تفاوتی میان حماس و فلسطینی‌ها برقرار کنند. به همین دلیل در شعارهای آنان هیچ اشاره‌ای به جنایات حماس نشده بلکه یکجانبه اسرائیل را محکوم می‌کنند. ثانیاً آنان شاید کمتر فرصت داشته‌اند که اسناد پایه‌ای توضیح دهنده اعتقادات مذهبی و سیاسی این گروه را مطالعه کنند تا بتوانند در قضاوت‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی سمت و سوی صحیحی را اتخاذ کرده و دنبال کنند. در نتیجه این ناآگاهی‌های همراه با احساسات تهییج شده، سردرگمی‌هایی برای آنها پیدا شده است. گویی این موج احساسی آنها را از حقایق دور نگه داشته و حتی به زبان فلسطینی‌ها به حرکت وا می‌دارد.

برای توضیح این موضوعات بخش‌های کوچکی از اسناد یادشده در اختیار حقیقت‌جویان قرار می‌گیرد. برای مطالعه بیشتر و عمیق‌تر توصیه می‌شود علاقمندان هردو سند را مطالعه کنند. سند اول یعنی میثاق حماس شامل ۳۶ ماده، و سند دوم یعنی اعلامیه اصول عمومی و سیاست‌گذاری‌ها شامل ۴۲ ماده است. قضاوت درباره این اسناد اعتقادی حماس بر عهده خواننده است.

### میثاق حماس

میثاق حماس بر مبانی اعتقادات اسلامی تعریف و تنظیم شده و بنابراین در آن ارجاعات متعددی به آیاتی از قرآن کریم و احادیث پیامبر شده است. به همین دلیل همه بخش‌های میثاق با عنوان بسم‌الله الرحمن الرحیم آغاز شده و در آغازین فراز مقدمه هم با آیات ۱۰۹ تا ۱۱۱ از سوره آل عمران شروع شده است. مهمترین بخش‌های این میثاق



→ حماس خود را نشان می‌دهد: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: روز قیامت فرا نمی‌رسد تا زمانی که مسلمانان با یهود بجنگند (یهودیان را بکشند)، زمانی که یهود پشت سنگ‌ها و درختان پنهان می‌شود، سنگ‌ها و درختان سخن می‌گویند ای مسلمانان، یا عبدالله، یهودی پشت سر من است، بیاوید و او را بکشید. فقط درخت غارکاد (معلوم است که نوع خاصی از درختان) از این کار سرباز می‌زند، زیرا یکی از درختان یهودیان است. (مربوط به بخاری و مسلم)».

ماده هشت: خداوند هدف است، پیامبر الگو، و قرآن قانون اساسی آن است: جهاد و مرگ در راه خدا بلندترین آرزوهاست.

ماده یازدهم هم یکی دیگر از اعتقادات هولناک حماس را به غایب می‌گذارد. بدون هیچ شرح و توصیفی مفاد این ماده به اشتراک گذاشته می‌شود:

«نهضت مقاومت اسلامی معتقد است که سرزمین فلسطین وقف اسلامی است که تا روز قیامت برای نسل‌های آینده مسلمانان وقف شده است. آن یا هیچ قسمتی از آن را نباید هدر داد: آن یا هر قسمتی از آن را نباید رها کرد. نه یک کشور عربی و نه همه کشورهای عربی، نه هیچ پادشاه یا رئیس جمهور، نه همه پادشاهان و رؤسای جمهور، نه هیچ سازمانی و نه همه آنها، چه فلسطینی و چه عرب، حق چنین کاری را ندارند. فلسطین سرزمین وقف اسلامی است که تا روز قیامت برای نسل‌های مسلمان وقف شده است. در این صورت، چه کسی می‌تواند ادعا کند که تا روز قیامت حق نمایندگی نسل‌های مسلمان را دارد؟

این قانون حاکم بر سرزمین فلسطین در شریعت اسلام است و در مورد هر سرزمینی که مسلمانان به زور تسخیر کرده باشند نیز همینطور است، زیرا مسلمانان در زمان فتوحات (اسلامی) این سرزمین‌ها را برای نسل‌های بعدی مسلمانان تا روز قیامت وقف می‌کردند.

چنین شد: هنگامی که سران سپاهیان اسلام شام و عراق را فتح کردند، نزد خلیفه مسلمین، عمر بن الخطاب فرستادند و از او در مورد سرزمین فتح شده مشورت خواستند که آیا آن را بین سربازان تقسیم کنند، یا آن را برای صاحبانش بگذارد، یا چه؟ پس از مشورت و گفتگو میان خلیفه مسلمین عمر بن الخطاب و اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تصمیم گرفته شد که زمین را نزد صاحبانش بگذارند که از میوه آن بهره‌مند شوند. در مورد مالکیت واقعی زمین و خود زمین، باید تا روز قیامت برای نسل‌های مسلمان تقدیم شود. کسانی که در زمین هستند فقط برای بهره‌مندی از آن هستند. این وقف تا زمین و آسمان باقی است باقی است. در مورد فلسطین هرگونه رویه مغایر با شریعت اسلام باطل است.»

ماده سیزدهم هم هولناک و هشداردهنده است. متن آن بی شرح و بسط ذکر می‌شود:

«ابتکارات و به اصطلاح راه حل‌های مسالمت‌آمیز و کنفرانس‌های بین‌المللی با مبانی نهضت مقاومت اسلامی در تضاد است. سوء استفاده از هر بخشی از فلسطین، سوء استفاده علیه بخشی از دین است. ناسیونالیسم نهضت مقاومت اسلامی بخشی از دین مردم آن است. اعضای آن از آن تغذیه شده‌اند و برای برافراشتن پرچم خدا بر سر وطن خود می‌جنگند.

گاه و بیگاه فراخوانی برای تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی برای جستجوی راه‌هایی برای حل مسئله (فلسطین) مطرح می‌شود. برخی با یک شرط یا چند شرط برای موافقت با تشکیل کنفرانس و شرکت در آن، این ایده را می‌پذیرند و برخی دیگر به این دلیل یا آن را رد می‌کنند. نهضت مقاومت اسلامی با شناخت احزاب تشکیل دهنده کنفرانس،

نگرش گذشته و حال آنها نسبت به مشکلات مسلمین، این کنفرانس‌ها را قادر به تحقق مطالبات، احیای حقوق یا اجرای عدالت در حق مظلومان نمی‌داند. این کنفرانس‌ها تنها راه دآوری کفار در بلاد مسلمین است.»

بازهم به این اعتقاد ترسانک نهضت مقاومت اسلامی در ادامه همان ماده توجه کنیم: «برای مسئله فلسطین راه حلی جز جهاد وجود ندارد. ابتکارات، پیشنهادات و کنفرانس‌های بین‌المللی همگی اتلاف وقت و تلاش‌های بیهوده هستند.»

ماده پانزدهم میثاق حماس نیز می‌گوید: «روزی که دشمنان بخشی از سرزمین مسلمین را غصب کنند، جهاد وظیفه فردی هر مسلمانی می‌شود. در مقابل غصب فلسطین توسط یهودیان، برافراشتن پرچم جهاد واجب است. برای انجام این امر مستلزم انتشار آگاهی اسلامی در میان توده‌ها، چه در سطح منطقه‌ای، چه در سطح عربی و چه در سطح اسلامی است. باید روحیه جهادی را در دل ملت نهاد تا با دشمنان مقابله کنند و به صف مبارزان پیوندند.»

ماده سی و دو شرح مبسوطی از وظیفه کشورهای مسلمان در مقابل با اسرائیل را توضیح داده و از آنها خواسته است تا از این وظیفه عقب نشینی نکرده و خشم خداوند را متوجه خود نسازند: «هر کشوری که از مدار مبارزه با صهیونیسم خارج شود خیانت کرده است و لعنت خدا شامل او خواهد شد.»

### سند اصول عمومی و سیاست‌گذاری

از آنجا که میثاق حماس مورد نقدهای فراوانی قرار گرفت، و نظر بر اینکه این سازمان نه فقط نابودی اسرائیل بلکه اساساً یهودیت را به عنوان مرام خود مطرح کرده بود، حماس تصمیم گرفت آنرا مورد بازبینی قرار دهد. برای این منظور در سندی که در سال ۲۰۱۷ انتشار یافت، بر همان اهداف اما با زبانی ملایم تأکید کرده است.

نگاهی کوتاه به مضامین مطرح شده در این سند نشان می‌دهد که روح میثاق حماس همچنان بر این سند بازبینی شده نیز حاکم دارد. فقط واژه‌ها به زبان دیگری در کنار هم چیده شده‌اند. در حقیقت، زیربنای درخواست‌های عمومی برای نابودی اسرائیل، این موضع را با زبان ظریف‌تری بیان می‌کند. در این سند تا حدودی از منشور حماس که پر از زبان‌های متعصبانه درباره «صهیونیسم جهانی» و «یهودیان جنگ‌طلب» است فاصله گرفته شده. در اینجا بخش‌هایی از سند اخیر برای روشن‌گری افکار عمومی انتخاب شده و به اشتراک گذاشته می‌شود. بازهم قضاوت بر عهده خواننده است.

**مقدمه:** «فلسطین سرزمین مردم فلسطین عرب است، هویت آنها از آن سرچشمه می‌گیرد و به آن پایبند بوده و تعلق خاطر دارند.»

فقط یک اشاره کوتاه باید داشته باشم که همین فراز اولیه حکایت از آن دارد که در نگرش حماس موضوعات ایدئولوژیک پیشین با موضوعات هویتی جایگزین شده است. به همین دلیل سند مذکور ادامه می‌دهد که «فلسطین سرزمینی است که اسلام آن را اعتلا بخشیده است، ایمانی که آن را ارج می‌نهد، روح و ارزش‌های عادلانه‌اش را از آن دمیده و دگرترین دفاع و پاسداری از آن را پایه‌ریزی می‌کند.» سپس ادامه می‌دهد که «فلسطین سرزمینی است که توسط یک پروژه نژادپرستانه، ضد بشری و استعماری صهیونیستی تصرف شد که بر اساس وعده‌ای دروغین (اعلامیه بالفور)، به رسمیت شناختن یک موجود غاصب و تحمیل یک امر انجام شده به زور بنا شده است. بنابراین، فلسطین نماد مقاومتی است که تا پایان آزادی، تا زمانی که بازگشت محقق شود و تا زمانی که یک کشور کاملاً مستقل با پایتختی اورشلیم

ایجاد شود، ادامه خواهد داشت: فلسطین روح امت و آرمان اصلی آن است. این روح انسانیت و وجدان زنده آن است.»

**جنبش:** «جنبش مقاومت اسلامی «حماس» یک جنبش ملی آزادیبخش و مقاومت اسلامی فلسطین است. هدف آن آزادسازی فلسطین و مقابله با پروژه صهیونیستی است. مرجع آن اسلام است که اصول، اهداف و ابزار آن را تعیین می‌کند.»

**سرزمین فلسطین:** «فلسطین که از رود اردن در شرق تا مدیترانه در غرب و از راس النقره در شمال تا ام الرشرف در جنوب امتداد دارد، یک واحد سرزمینی یکپارچه است. این سرزمین و خانه مردم فلسطین است. اخراج و تبعید مردم فلسطین از سرزمین خود و ایجاد تشکیلات صهیونیستی در آن، حق ملت فلسطین را بر کل سرزمین خود باطل می‌کند و هیچ حقی را در آن برای رژیم غاصب صهیونیستی تثبیت نمی‌کند.»

لازم به تأکید نیست که این تعریف از «سرزمین فلسطین» به این معناست که کشور اسرائیل تحت هیچ شرایطی مورد شناسایی حماس قرار نمی‌گیرد.

**مردم فلسطین:** «شامل فلسطینی‌ها عرب‌هایی هستند که تا سال ۱۹۴۷ در آن سرزمین زندگی می‌کردند. صرف نظر از اینکه از آن رانده شدند یا در آن ماندند، و هر شخصی که بعد از آن تاریخ از پدری عرب فلسطینی متولد شده باشد، چه در داخل و چه خارج از فلسطین، فلسطینی خواهد بود. هویت فلسطینی اصیل و فاقد زمان است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. فجایی که در اثر اشغالگری صهیونیستی و سیاست آوارگی آن بر سر مردم فلسطین آمده است، نه می‌تواند هویت مردم فلسطین را محو کند و نه می‌تواند آن را نفی کند. یک فلسطینی نباید هویت ملی یا حقوق خود را با کسب تابعیت دوم از دست بدهد.»

در اینجا بازهم به یاد داشته باشیم که حماس نبرد خود با اسرائیل را بر بنیادهای هویتی قرار می‌دهد تا اینکه بخواهد خود را به ایدئولوژی قدیمی‌تر محدود سازد.

**پایتخت:** «اورشلیم پایتخت فلسطین است. موقعیت مذهبی، تاریخی و تمدنی آن برای اعراب، مسلمانان و بطور کلی همه جهان اساسی است. اماکن مقدس اسلامی و مسیحی آن منحصراً متعلق به مردم فلسطین و امت عربی و اسلامی است. هیچ سنگی از اورشلیم را نمی‌توان تسلیم کرد یا رها کرد. اقدامات اشغالگران در اورشلیم، مانند یهودی‌سازی، شهرک‌سازی و احراز حقایق در زمین اساساً باطل است.»

بدون اینکه نیازی به توضیحی مبسوط داشته باشد، می‌توان به خوبی دریافت که حماس حتی باور ندارد که یهودیت که قبل از اسلام و مسیحیت وجود داشته نیز سهمی تاریخی و هم‌الهیاتی در اورشلیم دارد! افزون بر این، همان مفهوم وقف بودن که در میثاق پیشین جزو اصول بنیادین حماس تلقی شده بود، در اینجا با زبانی نرم اما بر مبنای همان اعتقادات پیشین تکرار شده است: «مسجد مبارک الاقصی منحصراً متعلق به مردم و امت ما است و اشغال هیچگونه حقی بر آن ندارد. توطئه‌ها، اقدامات و تلاش‌های اشغالگران برای یهودی‌سازی الاقصی و تقسیم آن منتفی، باطل و نامشروع است.»

**پروژه صهیونیستی:** «صهیونیسم یک پروژه نژادپرستانه، تهاجمی، استعماری و توسعه‌طلبانه است که بر اساس تصرف اموال دیگران بنا شده است. دشمنی آنها با مردم فلسطین و آرمان آنها برای آزادی، رهایی، بازگشت و تعیین سرنوشت قرار دارد. موجودیت اسرائیل کنونی بازپچه همان پروژه صهیونیستی و پایگاه تجاوزگری آن است.» «پروژه صهیونیستی تنها مردم فلسطین را هدف قرار

## اردن یک عملیات خرابکاری مرتبط با جمهوری اسلامی را خنثی کرده است



استقرار نیروهای نظامی در مرز سوریه و اردن

این دو منبع اردنی با استناد به تحقیقات در حال انجام و عملیات مخفی، گزارش دادند اقدامات خرابکارانه‌ای در حال برنامه‌ریزی بوده است.

آنها گفتند که هدف از این توطئه بی‌ثبات کردن اردن است، کشوری که می‌تواند به یک نقطه عطف منطقه‌ای در بحران غزه تبدیل شود، زیرا میزبان یک پایگاه نظامی آمریکاست و با اسرائیل و همچنین سوریه و عراق مرز مشترک دارد که هر دو مناطقی هستند که نیروهای وابسته به حکومت ایران در آنجا مستقر هستند.

این منابع مشخص نکردند که چه سلاح‌هایی از این قاچاقچیان کشف و ضبط شده است، هرچند گفته‌اند که در ماه‌های اخیر سرویس‌های امنیتی تلاش‌های متعدد جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی وابسته به آن را برای قاچاق تسلیحات از جمله مین‌های کلیمور، مواد منفجره C4 و Semtex، اسلحه‌های کلاشنیکف و کاتیوشا و موشک خنثی کرده‌اند. به گفته منابع اردنی، بیشتر قاچاق تسلیحات به این کشور به سمت اراضی فلسطینی کرانه باختری رود اردن بوده است. یکی از این منابع می‌گوید، «این سلاح‌ها در گودال‌هایی به نام نقاط مرده پنهان می‌کنند، از طریق جی‌پی‌اس موقعیت آنها را پیدا می‌کنند و از محل آنها عکس می‌گیرند و سپس به عوامل دیگری دستور می‌دهند که آنها را ردیابی کنند.»

اخوان المسلمین یک جنبش اسلام‌گرای فراملی است که حماس شاخه‌ای از آن است که در دهه ۱۹۸۰ تأسیس شد. این جنبش می‌گوید که از خشونت حمایت نمی‌کند و اخوان المسلمین اردن چندین دهه است که بطور قانونی در پادشاهی اردن فعالیت دارد.

یکی از افراد برجسته اخوان المسلمین، که خواست نامش فاش نشود، به رویترز گفت که عوامل دستگیر شده، توسط صالح العاروری از فرماندهان ارشد حماس استخدام شده‌اند. العاروری در ماه ژانویه در یک حمله پهلادی در بیروت کشته شد.

● اردن یک طرح قاچاق اسلحه را که گفته می‌شود تحت رهبری جمهوری اسلامی ایران بوده و هدف آن کمک به مخالفان پادشاهی اردن برای انجام اقدامات خرابکارانه بوده، خنثی کرده است.

● خبرگزاری رویترز، چهارشنبه ۱۵ ماه مه (۲۶ اردیبهشت) به نقل از «دو منبع اردنی آگاه به این موضوع» نوشت این تسلیحات توسط شبه‌نظامیان تحت حمایت جمهوری اسلامی در سوریه به یک هسته اخوان‌المسلمین در اردن فرستاده شده بود که با شاخه نظامی حماس ارتباط دارد.

● آنها گفتند که هدف از این توطئه بی‌ثبات کردن اردن است، کشوری که می‌تواند به یک نقطه عطف منطقه‌ای در بحران غزه تبدیل شود، زیرا میزبان یک پایگاه نظامی آمریکاست و با اسرائیل و همچنین سوریه و عراق مرز مشترک دارد که هر دو مناطقی هستند که نیروهای وابسته به حکومت ایران در آنجا مستقر هستند.

اردن یک طرح قاچاق اسلحه را که گفته می‌شود تحت رهبری جمهوری اسلامی ایران بوده و هدف آن کمک به مخالفان پادشاهی اردن برای انجام اقدامات خرابکارانه بوده، خنثی کرده است.

● خبرگزاری رویترز، چهارشنبه ۱۵ ماه مه (۲۶ اردیبهشت) به نقل از «دو منبع اردنی آگاه به این موضوع» نوشت این تسلیحات توسط شبه‌نظامیان تحت حمایت جمهوری اسلامی در سوریه به یک هسته اخوان‌المسلمین در اردن فرستاده شده بود که با شاخه نظامی حماس ارتباط دارد.

این محموله پس از آن کشف شد که اعضای این هسته که اردنی‌های فلسطینی‌تبار بودند، در اواخر ماه مارس (فروردین ۱۴۰۳) دستگیر شدند.

به گزارش رویترز کشف این توطئه و دستگیری عوامل آن در شرایطی اتفاق افتاده که تنش‌ها در منطقه به شدت افزایش پیدا کرده است.

→ نمی‌دهد بلکه دشمن امت عربی و اسلامی است و امنیت و منافع آنها را تهدید می‌کند... پروژه صهیونیستی همچنین خطری برای امنیت و صلح بین‌المللی و برای بشریت و منافع و ثبات آن است.»

«حماس تأیید می‌کند که درگیری آن با پروژه صهیونیستی است نه با یهودیان به دلیل مذهب‌شان. حماس با یهودیان به این دلیل که یهودی هستند، مبارزه نمی‌کند. بلکه با صهیونیست‌هایی که فلسطین را اشغال کرده‌اند مبارزه می‌کند. با این حال، این صهیونیست‌ها هستند که دائماً یهودیت و یهودیان را با پروژه استعماری و موجودیت غیرقانونی خود در ارتباط می‌بینند.»

موضع حماس در قبال اشغال و راه حل‌های سیاسی: «موارد زیر منتفی و باطل تلقی می‌شوند: اعلامیه بالفور، سند قیمومت بریتانیا، قطعنامه تقسیم فلسطین سازمان ملل متحد، و هر قطعنامه و تدابیری دیگری که از آنها ناشی شود یا مشابه آنها باشد. تأسیس اسرائیل کاملاً غیرقانونی و مغایر با حقوق مسلم مردم فلسطین و برخلاف میل آنها و خواست امت است. همچنین نقض حقوق بشر است که توسط کنوانسیون‌های بین‌المللی تضمین شده است، که مهم‌ترین آنها حق تعیین سرنوشت می‌باشد.»

«هیچ امکانی برای به رسمیت شناختن مشروعیت موجودیت صهیونیستی وجود ندارد. آنچه بر سرزمین فلسطین از نظر اشغال، شهرک‌سازی، یهودیت یا تغییر ویژگی‌های آن و یا جعل حقایق وارد شده است، نامشروع است. حقوق فلسطین هرگز از بین نمی‌رود.»

در ماده بیست یکی از خطرناک‌ترین مواضع حماس توضیح داده شده است: «حماس معتقد است که هیچ بخشی از سرزمین فلسطین صرف نظر از علل، شرایط و فشارها و صرف نظر از اینکه اشغال چقدر طول بکشد، نباید به خطر بیفتد یا واگذار شود. حماس هرگونه جایگزینی برای آزادی تام و کامل فلسطین از رودخانه تا دریا را رد می‌کند. با این حال، حماس بدون به خطر انداختن مخالفت خود با رژیم صهیونیستی و بدون چشم‌پوشی از حقوق فلسطینیان، تشکیل یک کشور کاملاً مستقل فلسطینی را با پایتختی بیت المقدس در راستای ۴ ژوئن ۱۹۶۷ با بازگشت رژیم صهیونیستی می‌داند. پناهندگان و آوارگان به خانه‌هایشان که از آنجا رانده شده‌اند، باید فرمول اجماع ملی باشد.»

و باز هم تضاد ذاتی اعتقادات حماس با حقوق بین‌الملل و قواعد آن در ماده بیست و یک به وضوح نشان داده شده است: «حماس تأیید می‌کند که توافقنامه اسلو و الحاقات آن با قواعد حاکم بر حقوق بین‌الملل در تضاد است زیرا تعهداتی را ایجاد می‌کند که با حقوق مسلم مردم فلسطین بیگانه است. بنابراین جنبش مقاومت اسلامی این توافقات و هرآنچه از آن سرچشمه می‌گیرد، مانند تعهداتی که به ضرر منافع مردم ما است، به ویژه هماهنگی (همکاری) امنیتی را رد می‌کند.»

شاید آخرین نمونه اعتقادات خطرناک حماس را بتوان در ماده بیست و سه جستجو کرد: «حماس تأکید می‌کند که تجاوز علیه مردم فلسطین، غصب سرزمین آنها و تبعید آنها از سرزمین‌شان را نمی‌توان صلح نامید. هرگونه توافقی که بر این اساس حاصل شود به صلح منجر نخواهد شد. مقاومت و جهاد برای آزادی فلسطین حق، تکلیف، و افتخاری برای همه پسران و دختران مردم و امت ما خواهد بود.»

\*دکتر محمود مسائلی استاد بازنشسته روابط و حقوق بین‌الملل، دانشگاه‌های آتاوا و کارلتون و دبیرکل اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل با مقام مشورتی دائم نزد ملل متحد



# نخست وزیر بریتانیا: محور حکومت‌های مستبد مثل جمهوری اسلامی ارزش‌های غرب را تهدید می‌کنند



ریشی سوناک نخست وزیر بریتانیا

بخش عمده‌ای از نگرانی اعضای مجلس عوام بریتانیا مرتبط با تهدیدات اتمی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی و گسترش تروریسم از طریق گروه‌های نیابتی است. در این نشست نمایندگان از سوناک پرسیده بودند چرا دولت انگلیس سپاه پاسداران را تروریستی اعلام نمی‌کند؟ سوناک اما صرفاً به منافع انگلیس به عنوان علت این تصمیم اشاره کرده بود.

به حکومت ایران از جمله ستاد کل نیروهای مسلح و نیروی دریایی سپاه پاسداران را تحریم کرد. همزمان با افزایش تنش‌های نظامی در خاورمیانه، مجلس عوام بریتانیا ۱۵ ژانویه (۲۵ دی‌ماه) میزبان نخست‌وزیر بریتانیا بود. ریشی سوناک در نشست با موضوع «دفاع از بریتانیا و متحدان» به پرسش‌های نمایندگان پاسخ داد.

● ریشی سوناک نخست‌وزیر بریتانیا روز دوشنبه ۱۳ ماه مه (۲۴ اردیبهشت) هشدار داد جمهوری اسلامی، چین، کره شمالی و روسیه، محور «حکومت‌های مستبد» هستند که علیه ما همکاری می‌کنند و ارزش‌های کشورهای غربی را تضعیف می‌کنند.

● سوناک در بخش دیگری از سخنان خود به حملات موشکی و پهپادی حوثی‌های یمن مورد حمایت جمهوری اسلامی نیز اشاره کرد. حوثی‌ها تا کنون در چند مورد کشتی‌ها و ناوهای انگلیسی را در دریای سرخ و باب‌المندب هدف قرار داده‌اند.

● نخست‌وزیر بریتانیا هشدار داد که علاوه بر بازگشت جنگ به اروپا، جنگ در خاورمیانه در جریان است و اسرائیل نه تنها در برابر تروریست‌های حماس قرار گرفته، بلکه برای اولین بار در مقابل رگبار موشک‌های مستقیم شلیک شده از ایران، از خود دفاع می‌کند.

نخست‌وزیر بریتانیا روز دوشنبه ۱۳ ماه مه (۲۴ اردیبهشت) هشدار داد جمهوری اسلامی، چین، کره شمالی و روسیه، محور «حکومت‌های مستبد» هستند که علیه ما همکاری می‌کنند و ارزش‌های کشورهای غربی را تضعیف می‌کنند. ریشی سوناک که در پارلمان این کشور سخنرانی می‌کرد حمله بی‌سابقه پهپادی و موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اسرائیل و همچنین جنگ روسیه علیه اوکراین را تهدیداتی دانست که خاورمیانه، اروپا و بریتانیا را تهدید می‌کند. وی با بیان اینکه «خطرات واقعی» امنیت بریتانیا را تهدید می‌کند و تعداد این خطرات در حال افزایش است، گفت: «محوری از کشورهای خودکامه مانند روسیه، ایران، کره شمالی و چین با یکدیگر همکاری می‌کنند تا ما و ارزش‌های ما را تضعیف کنند.»

او هشدار داد که علاوه بر بازگشت جنگ به اروپا، جنگ در خاورمیانه در جریان است و اسرائیل نه تنها در برابر تروریست‌های حماس قرار گرفته، بلکه برای اولین بار در مقابل رگبار موشک‌های مستقیم شلیک شده از ایران، از خود دفاع می‌کند. سوناک در بخش دیگری از سخنان خود به حملات موشکی و پهپادی حوثی‌های یمن مورد حمایت جمهوری اسلامی نیز اشاره کرد. حوثی‌ها تا کنون در چند مورد کشتی‌ها و ناوهای انگلیسی را در دریای سرخ و باب‌المندب هدف قرار داده‌اند. سوناک همچنین گفت که این نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی به کشتی‌های بریتانیایی در دریای سرخ شلیک می‌کنند و روند ارسال محموله‌هایی به مقصد بریتانیا را مختل می‌کنند.

سوناک با اینکه جمهوری اسلامی را یکی از محورهای حکومت‌های مستبد می‌داند اما همچنان دولت وی از قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی خودداری می‌کند. به گزارش «اسکای نیوز» دیوید کامرون وزیر خارجه بریتانیا روز سه‌شنبه ۳۰ آوریل (۱۱ اردیبهشت) در کمیته روابط بین‌الملل و دفاع مجلس اعیان بریتانیا حضور پیدا کرده و ضمن مخالفت با قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی، تأکید کرده بود این اقدام به نفع بریتانیا نیست. وی حفظ روابط سیاسی با جمهوری اسلامی را «ضروری» خوانده بود. بریتانیا پنجشنبه ۱۸ آوریل (۳۰ فروردین‌ماه) در واکنش به حملات سپاه پاسداران به اسرائیل ۱۳ فرد و نهاد وابسته

## سیاست یک بام و دو هوای بریتانیا



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

# کاری از دست رافائل گروسی ساخته نیست؛ آخرازمانی‌ها برای «تضمین موجودیت نظام» مپ اتم می‌خواهند



کنفرانس خبری رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی / اصفهان اردیبهشت ۱۴۰۳

نگران‌کننده می‌شود که مقامات حکومت همزمان با افزایش بحران‌های داخلی و بین‌المللی رژیم، خیلی بیشتر از گذشته روی احتمال ساخت مپ اتم مانور می‌دهند.

کمال خرازی مشاور علی خامنه‌ای و رئیس شورای راهبردی روابط خارجی، در مصاحبه با شبکه «الجزیره» که چهارشنبه هشتم ماه مه (۱۹ اردیبهشت) منتشر شد تهدید کرد، «در صورت تهدید موجودیت [جمهوری اسلامی] ایران دکتترین هسته‌ای خود را تغییر می‌دهیم». این اظهار نظر نشان می‌دهد مقام‌های جمهوری اسلامی دستیابی به مپ اتم را «تضمین بقای نظام» می‌دانند.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، ۲۱ خرداد ۱۴۰۲ در جمع مدیران و کارکنان برنامه اتمی جمهوری اسلامی با طرح این پرسش که «چرا غربی‌ها به فعالیت‌های اتمی ایران گیر داده‌اند؟» گفت «ما روی مبنای اسلامی مان نمی‌خواهیم طرف سلاح [هسته‌ای] برویم و الا اگر این نبود، جلوی راه را نمی‌توانستند بگیرند! همچنانکه جلوی پیشرفت‌های هسته‌ای ما را تا الان نتوانستند بگیرند!»

گروسی در جریان سفر اخیر خود به اصفهان به همراه محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی در یک کنفرانس خبری تأکید کردند، «توافق جدیدی منعقد نخواهد شد» اما بر توافق «مارس ۲۰۲۳» (اسفند ۱۴۰۱) برای ادامه همکاری‌ها تأکید کردند. اما مسئله اساسی این است که طی همین دو سال نیز جمهوری اسلامی مفاد این توافق را هم زیر پا گذاشته بود و گروسی بارها در مصاحبه‌های خود یا در گزارش‌هایی فصلی آژانس این موضوع را به شورای حکام اعلام کرد. یکی از این موارد لغو مجوز بازرسان باتجربه و حرفه‌ای آژانس بود و یا در مصاحبه با «دویچه‌وله» بین‌المللی گفته بود که جمهوری اسلامی ایران اکنون بجای چند ماه تنها چند هفته با غنی‌سازی اورانیوم به حد مورد نیاز برای مپ اتمی فاصله دارد.

تنش با اسرائیل و ادامه غنی‌سازی اورانیوم توسط تهران، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به عنوان بازوی سازمان ملل برای کنترل تسلیحات هسته‌ای تحت فشار شدید قرار داده است.

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، هشتم ماه مه (۱۸ اردیبهشت) در یک کنفرانس خبری که پس از بازگشت او از تهران در وین برگزار شد تأکید کرد، وضعیت کنونی «در مورد پرونده هسته‌ای ایران» اصلاً رضایت‌بخش نیست.

او اضافه کرد: «پیشنهاد جدیدی به ایران ارائه کردم تا گام‌های عملی برای همکاری برداشته شود» اما بعید به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی دست از غنی‌سازی اورانیوم بردارد.

گروسی قبل از سفر به تهران هشدار داده بود که جمهوری اسلامی برای ساخت سه مپ اتم، اورانیوم غنی‌شده کافی با درجه غلظت نزدیک به سطح درجه تسلیحاتی در اختیار دارد.

بعد از آغاز جنگ اسرائیل با حماس در غزه، رویدادهایی پیش آمده که در نهایت فعالیت بازرسان آژانس بین‌المللی در ایران را محدودتر کرده است. پس از حمله موشکی و پهبادی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اسرائیل، رافائل گروسی با نگرانی از اقدام تلافی‌جویانه اسرائیل علیه تأسیسات اتمی در ایران، دستور به خروج بازرسان آژانس از تأسیسات اتمی طنز و فردو قم را صادر کرد.

گروسی همچنین به اعضای با نفوذ شورای حکام هشدار داده که «فی‌توانم تضمین کنم برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است». این یعنی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قادر نیست تضمین کند که سانتریفیوژها در ایران برای غنی‌سازی مخفیانه با غلظت بالاتر از حد مجاز استفاده نشوند.

مخفی‌کاری‌های گسترده جمهوری اسلامی وقتی بیشتر

● رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، هشتم ماه مه (۱۸ اردیبهشت) در یک کنفرانس خبری که پس از بازگشت او از تهران در وین برگزار شد تأکید کرد، وضعیت کنونی «در مورد پرونده هسته‌ای ایران» اصلاً رضایت‌بخش نیست.

● مخفی‌کاری‌های گسترده جمهوری اسلامی وقتی بیشتر نگران‌کننده می‌شود که مقامات حکومت همزمان با افزایش بحران‌های داخلی و بین‌المللی رژیم، خیلی بیشتر از گذشته روی احتمال ساخت مپ اتم مانور می‌دهند.

● کمال خرازی مشاور علی خامنه‌ای و رئیس شورای راهبردی روابط خارجی، در مصاحبه با شبکه «الجزیره» تهدید کرد، «در صورت تهدید موجودیت [جمهوری اسلامی] ایران دکتترین هسته‌ای خود را تغییر می‌دهیم». این اظهار نظر نشان می‌دهد مقام‌های جمهوری اسلامی دستیابی به مپ اتم را «تضمین بقای نظام» می‌دانند.

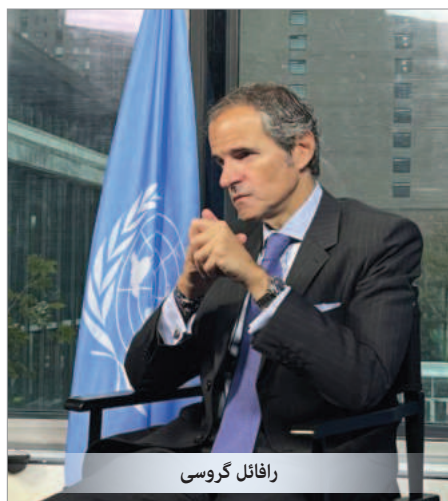
● محمد اسلامی وقتی رو در رو با گروسی قرار می‌گیرد اختلافات با آژانس را گردن بدخواهانی می‌اندازد که از «تعاملات ایران با آژانس ناخرسند هستند». او اسرائیل را متهم به «سیاه‌مایی» و استفاده از «ادبیات مخرب» می‌کند و در نهایت از همکاری سازنده با آژانس صحبت می‌کند اما وقتی گروسی نیست می‌گوید «آژانس بین‌المللی فقط مزاحمت دارد!»

● اسلامی همچنین تأکید کرده، «باید مراقب بود که اقدامات خصمانه علیه جمهوری اسلامی که صهیونیست‌ها منشأ آن هستند، بر تعاملات ایران و آژانس تأثیری نداشته باشد».

● به نظر می‌رسد بعید نیست آخرازمانی‌ها که به خامنه‌ای این توهم را خورانده‌اند که علاوه بر «ولی امر مسلمین جهان» گویا «موسی» پیامبر یهودیان نیز هست و موشک‌های سپاه «عصای موسی» هستند و قدرت «معجزه» دارند، او را به سمت تغییر فتوای حرام بودن مپ اتم سوق دهند. رویدادی که نه فقط برای اسرائیل و منطقه بلکه برای کل جهان بسیار خطرناک است.







رافائل گروسی

## رافائل گروسی در مصاحبه با «گاردین»: مقامات جمهوری اسلامی تهدید به ساخت سلاح اتمی را متوقف کنند

مبنی بر «حرام بودن» سلاح اتمی مدعی‌اند فعالیت‌ها و برنامه‌های اتمی ایران صلح‌آمیز است اما بارها در بالاترین رده‌ها تهدید به احتمال «تغییر دکترین اتمی» خود کرده‌اند، به ویژه آنکه رهبر جمهوری اسلامی اواسط خرداد ۱۴۰۲ در یک سخنرانی تهدید کرد، «اگر می‌خواستیم سلاح هسته‌ای درست کنیم، نمی‌توانستند جلوی ما را بگیرند!» رافائل گروسی نیز بارها تأکید کرده است که در چنین شرایطی نمی‌تواند صلح‌آمیز بودن برنامه اتمی رژیم را تأیید کند.

با افزایش فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی در شرایطی که نظام در داخل کشور با بحران مشروعیت و همچنین درگیری‌های درونی روبروست، مقامات بیش از گذشته بر ضرورت دستیابی به مپ اتم تأکید می‌کنند زیرا به نظر می‌رسد در الگویی شبیه کره شمالی آخرین ابزار برای حفظ حکومت را رونمایی از مپ اتم می‌دانند. در همین ارتباط آیت‌الله سید هاشم حسینی بوشهری امام جمعه یاسوج در خطبه‌های نماز جمعه ۱۷ فروردین ۱۴۰۳ گفته بود، «از مقام عظمای ولایت تقاضا داریم مقدمات جریان سلاح هسته‌ای را فراهم بکنند.»

گروسی که یک هفته پیش از این در تهران با مسئولان جمهوری اسلامی دیدار کرده بود در مصاحبه با گاردین وضعیت توافق با جمهوری اسلامی در مورد بازرسی‌ها از سایت‌های اتمی را در مرحله‌ای بسیار پیچیده دانست و تأکید کرد به دنبال راه‌هایی است تا با استفاده از آنها «تعامل» با جمهوری اسلامی را بهبود بخشد.

وی تأکید کرد، «سعی می‌کنم از کارت‌هایی که دارم بهترین استفاده را ببرم و روند مفیدی داشته باشم، [این تلاش] نه فقط مفید بلکه، بلکه ضروری است، مگر اینکه بخواهید به سوی جنگ یا چیزی شبیه به این بروید.»

گروسی با تأکید بر مختل شدن نظارت بازرسان آژانس در ایران افزود، «دوره‌ای بود که اطلاعات را ثبت می‌کردیم و این اطلاعات را ذخیره می‌کردیم اما نمی‌توانستیم به آن دسترسی پیدا کنیم. اما اکنون دیگر به هیچ چیز دسترسی نداریم.» او دوباره تأکید کرد: «در یک مقطع بسیار حساس قرار داریم، زیرا جامعه بین‌المللی باید با این واقعیت را درک کند که ما نمی‌دانیم [رژیم] ایران چه چیزی ممکن است داشته باشد یا نداشته باشد و این شورای حکام است که نتیجه‌گیری خواهد کرد.» وی در پایان عنوان کرد: «می‌خواهم تأکید کنم که در حال مذاکره درباره سند یا توافق نیستیم. بیانیه مشترک سال ۲۰۲۳ با اندازه کافی خوب است، ما به هیچ چیز دیگری نیاز نداریم.» این در حالیست که بعد از صدور همین بیانیه جمهوری اسلامی همچنان به غنی‌سازی اورانیوم ادامه داد و حتی شماری از بازرسان زیده آژانس را اخراج کرد.

● مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مصاحبه با روزنامه بریتانیایی «گاردین» گفت، «اکنون ما هیچ اطلاعاتی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران در اختیار نداریم، در مقطعی بسیار حساس قرار داریم و جامعه بین‌الملل باید این واقعیت را درک کند که ما نمی‌دانیم [رژیم] ایران چه چیزی ممکن است داشته باشد یا نداشته باشد.»

● رافائل گروسی همچنین عنوان کرد، «اظهارات بی‌پروا درباره سلاح هسته‌ای برای من بسیار جدی است و معتقدم این قبیل اظهارات باید متوقف شود. ما به شرایطی نزدیک می‌شویم که این پرسش بزرگ مطرح می‌شود که آنها چه می‌کنند و چرا آن را انجام می‌دهند.»

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به مقامات جمهوری اسلامی هشدار داده صحبت‌های بی‌فایده درباره احتمال ساخت سلاح هسته‌ای بسیار نگران‌کننده است و باید متوقف شود. رافائل گروسی که در لندن با دیوید کامرون وزیر خارجه بریتانیا دیدار کرد، در مصاحبه به روزنامه «گاردین» درباره آینده برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و تلاش برای متقاعد کردن مقامات جمهوری اسلامی با هدف برقراری مجدد یک برنامه بازرسی مؤثر گفتگو کرده است. این مقام ارشد سازمان ملل به دنبال آن است تا بتواند تضمین کند که جمهوری اسلامی به دنبال ساخت سلاح اتمی نیست، آنهم در شرایطی که بارها اعلام کرده ایران اورانیوم کافی برای ساخت چندین مپ اتم را در اختیار دارد.

گروسی پس از دیدار با کامرون در مصاحبه با روزنامه گاردین که ۱۵ ماه مه (۲۶ اردیبهشت) منتشر شد، تأکید کرد که «اظهارات بی‌پروا درباره سلاح هسته‌ای برای من بسیار جدی است و معتقدم این قبیل اظهارات باید متوقف شود. ما به شرایطی نزدیک می‌شویم که این پرسش بزرگ مطرح می‌شود که آنها چه می‌کنند و چرا آن را انجام می‌دهند.»

وی تأکید کرد: «سخنان اخیر مقامات جمهوری اسلامی درباره تغییر احتمالی سیاست‌های اتمی احتمال بروز یک بحران جدید را با تهران و خروج ایران از پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای بالا برده است.»

بعد از درگیری مستقیم میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، شماری از مقامات تهران احتمال ساخت سلاح اتمی را مطرح کردند. یکی از آنها کمال خرازی مشاور علی خامنه‌ای و رئیس شورای راهبردی روابط خارجی است که در مصاحبه با شبکه «الجزیره» که چهارشنبه هشتم ماه مه (۱۹ اردیبهشت) منتشر شد تهدید کرد، «در صورت تهدید موجودیت [جمهوری اسلامی] ایران دکترین هسته‌ای خود را تغییر می‌دهیم.»

مقامات جمهوری اسلامی با استناد به فتوای علی خامنه‌ای

گام نهایی تا ساخت مپ اتم  
برخی تحلیلگران می‌گویند برای جمهوری اسلامی ساخت مپ اتم دیگر سخت نیست و آنچه باقی مانده مختصات نهایی آن یعنی سوار کردن روی کلاهک و رونمایی از آن است.

در این میان، محمد اسلامی وقتی رو در رو با گروسی قرار می‌گیرد اختلافات با آژانس را به گردن بدخواهانی می‌اندازد که از «تعاملات ایران با آژانس ناخرسند هستند.» او اسرائیل را متهم به «سیاه‌نمایی» و استفاده از «ادبیات مخرب» می‌کند و در نهایت از همکاری سازنده با آژانس صحبت می‌کند اما وقتی گروسی نیست می‌گوید «آژانس بین‌المللی فقط مزاحمت دارد!»

اسلامی همچنین تأکید کرد، «باید مراقب بود که اقدامات خصمانه علیه جمهوری اسلامی که صهیونیست‌ها منشأ آن هستند، بر تعاملات ایران و آژانس تأثیری نداشته باشد.»

کمتر از دو ماه تا برگزاری نشست فصلی شورای حکام در خردادماه باقی مانده است. در نشست قبلی شورای حکام با فشار دولت جو بایدن قطعنامه تویخی علیه جمهوری اسلامی صادر نشد اما نماینده آمریکا اولتیماتوم داد که جمهوری اسلامی باید تمام ذخیره اورانیوم ۶۰ درصدی خود را «رقیق‌سازی» کند و همزمان از دولت‌های اروپایی خواسته شد تا روی ارائه‌ی یک قطعنامه در صورت عدم تمکین جمهوری اسلامی کار کنند.

ابراز ناراضی‌گری از پرونده اتمی جمهوری اسلامی نشان می‌دهد رژیم ایران زیر بار رقیق‌سازی اورانیوم‌های غیرمجاز نرفته است.

در تمام دو سه دهه اخیر مقام‌های جمهوری اسلامی با استناد بر «فتوای» علی خامنه‌ای مبنی بر «حرام بودن» ساخت مپ اتم مدعی فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای بودند اما محمودرضا آقامیری دکترای مهندسی انرژی هسته‌ای و استاد دانشکده مهندسی انرژی هسته‌ای که اکنون رئیس دانشگاه «بهشتی» (دانشگاه ملی ایران) است، در اواخر فروردین‌ماه روی آنتن تلویزیون گفت، «طبق فتوای رهبر انقلاب ساخت مپ اتم حرام شرعی است، اما اگر نظر و فتوای ایشان تغییر کند، ما توانایی ساخت مپ اتم هم داریم.» وی تهدید کرد، «ساخت مپ اتم برای ایران راحت‌تر از ساختن آن است.»

در ایران جریان‌هایی پر نفوذ «رونمایی از مپ اتم» را نسخه نجاتبخش جمهوری اسلامی می‌دانند. در محافل آنها این موضوع مطرح است که فتوای حرام بودن مپ اتم «برای استفاده از آن است» و با استناد به آیات قرآن می‌گویند «داشتن مپ اتم برای نجات نظام لازم است و در مقابل دشمنان بازدارنده است.»

اینهمه در حالیست که بسیاری از تحلیلگران در ایران به حکومت در مورد «ارجاع پرونده اتمی جمهوری اسلامی به شورای امنیت» هشدار داده‌اند اما به نظر می‌رسد مقامات خود را برای جدال‌های بیشتر آماده می‌کنند، چنانکه علی خامنه‌ای نیز گفته است، «با آمریکا نمی‌شود با روی خوش و ملایمت رفتار کرد.»

به نظر می‌رسد بعید نیست آخ‌الزمانی‌ها که به خامنه‌ای این توهم را خوانده‌اند که علاوه بر «ولی امر مسلمین جهان» گویا «موسی» پیامبر یهودیان نیز هست و موشک‌های سپاه «عصای موسی» هستند و قدرت «معجزه» دارند، او را به سمت تغییر فتوای حرام بودن مپ اتم سوق دهند. رویدادی که نه فقط برای اسرائیل و منطقه بلکه برای کل جهان بسیار خطرناک است.

## دکتر امیر حمیدی در گفتگو با کیهان لندن:

## «تغییر رژیم» تنها گزینه قابل اجرا برای تغییر شرایط ایران و منطقه است



دکتر امیر حمیدی دیپلمات پیشین وزارت خارجه آمریکا

اسلامی و همراهان آنها، زمینه‌ای مساعد برای تعهد ایالات متحده به حقوق بشر و دموکراسی در ایران ایجاد کند. تصویب این قانون، البته اگر واقعاً و به درستی اجرا شود، پیام کوبنده‌ای به رژیم جنایتکار تهران است مبنی بر اینکه ایالات متحده در حالی که جمهوری اسلامی، مردم ایران را سرکوب می‌کند، از فشارهای خود دست بر نخواهد داشت. بر اساس قانون مهسا، صدور روایت برای بسیاری از مقامات نظام محدود و مسدود می‌شود و تحریم‌های مالی مستقیم آنها را هدف قرار می‌دهد.

● **مقامات جمهوری اسلامی با صراحت می‌گویند، هدف از عملیات تروریستی «هفت اکتبر» مختل شدن روند عادی ساختن روابط اسرائیل با کشورهای عربی به ویژه عربستان است، اما به نظر می‌رسد مذاکرات میان اسرائیل و عربستان وارد مرحله‌ای تازه‌ای شده، نظر شما چیست؟**

-خوب، البته اقدامات جمهوری اسلامی موقتاً روند عادی‌سازی روابط اسرائیل و عربستان را از ریل خارج کرد، در حال حاضر نیز قرار است تا زمانی که نبرد ادامه دارد به تعویق بیفتد و این نبرد برای مدتی ادامه خواهد داشت و صلح شکل نخواهد گرفت. اما روشی هم که در ۳۰ سال گذشته وجود داشت نیز به پایان رسیده و دیگر با حماس و جهاد اسلامی مباحثات نمی‌شود. به نظر با توجه به فضای فعلی هرگز یک کشور فلسطینی وجود نخواهد داشت، حداقل در غزه! اکثر اعراب نیز این وضعیت را درک می‌کنند؛ آنها نیز می‌دانند که حذف حماس به نفع توافق آینده خواهد بود، با به عبارت دیگر، همکاری می‌تواند نوعی توافق صلح باشد.

از طرفی همکاری بین اسرائیل و کشورهای مسلمان سنی وجود خواهد داشت. کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله عربستان سعودی و دیگران در نهایت به دلیل شرایط

بایدن برای اجرای تحریم‌ها وجود دارد؟ زیرا شواهد نشان می‌دهد بخش عمده تحریم‌های قبلی هم نادیده گرفته شده! -ابتدا این توضیح لازم است که گفته شد «قانون مهسا» برای تحریم رژیم جمهوری اسلامی به دلیل «نقض حقوق بشر» پس از قتل غم‌انگیز مهسا امینی دختر جوان ۲۲ ساله ایرانی به دست «گشت ارشاد» است. مرگ مهسا امینی موجب اعتراضات دموکراسی‌خواهان ضد حکومت در سراسر جهان شد و این لایحه که پاسخ به این خواست و حق عمومی است گام بزرگی در جهت خنثی کردن سیاست مباحثات پرزیدنت بایدن با رژیم به شمار می‌رود.

حکومت همزمان با گسترش تروریسم در خاورمیانه و بی‌ثباتی در کشورهای همسایه، امنیت اصلی‌ترین متحد آمریکا در منطقه یعنی اسرائیل را به خطر انداخته است. در چنین فضایی با فشار کنگره آمریکا بایدن در واقع مجبور شد قانون مهسا را امضاء کند و عملاً در مقابل جمهوری اسلامی بایستد.

نکته بعدی این است که تصویب «قانون مهسا» گام مهمی به سوی ایجاد کمپین‌های موفقیت‌آمیز فشار حداکثری علیه حکومت و حمایت حداکثری از مردم ایران است. روندی که در دولت پرزیدنت ترامپ آغاز شد اما دولت بایدن آن را متوقف کرد. هرچند بایدن سه سال بعد از ریاست جمهوری متوجه شد مباحثات با آیت‌الله‌ها سیاستی شکست خورده است. در واقع حمله حماس به اسرائیل و شش ماه پس از آن هم حمله موشکی و پهپادی سپاه پاسداران به اسرائیل نتیجه مباحثات با رژیم ایران بوده است. دلیل آنهم مشخص است؛ با نادیده گرفته شدن تحریم‌های موجود جمهوری اسلامی توان بیشتری برای تأمین مالی تروریسم و تقویت نظامی خود پیدا کرد در نتیجه خاورمیانه بی‌ثبات‌تر شد.

قانون مهسا گامی تاریخی در پیگیری عدالت برای مردم ایران است و با هدف قرار دادن دیکتاتورهای جمهوری

● **دکتر امیر حمیدی کارشناس حوزه «تروریسم بین‌المللی» در گفتگو با کیهان لندن به پرسش‌هایی در مورد «قانون مهسا»، جنگ میان جمهوری اسلامی و اسرائیل و سرنوشت غزه و همچنین جنبش آزادیخواهانه مردم ایران پاسخ داد. وی معتقد است غرب برای بازگرداندن ثبات به منطقه یک راه دارد و آن کمک به مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.**

● **«تصویب «قانون مهسا» گام مهمی به سوی ایجاد کمپین‌های موفقیت‌آمیز فشار حداکثری علیه حکومت و حمایت حداکثری از مردم ایران است. روندی که در دولت پرزیدنت ترامپ آغاز شد اما دولت بایدن آن را متوقف کرد. هرچند بایدن سه سال بعد از ریاست جمهوری متوجه شد مباحثات با آیت‌الله‌ها سیاستی شکست خورده است.»**

● **«تصویب این قانون، البته اگر واقعاً و به درستی اجرا شود، پیام کوبنده‌ای به رژیم جنایتکار تهران است مبنی بر اینکه ایالات متحده در حالی که جمهوری اسلامی، مردم ایران را سرکوب می‌کند، از فشارهای خود دست بر نخواهد داشت.»**

● **«اقدامات جمهوری اسلامی موقتاً روند عادی‌سازی روابط اسرائیل و عربستان را از ریل خارج کرد، در حال حاضر نیز قرار است تا زمانی که نبرد ادامه دارد به تعویق بیفتد و این نبرد برای مدتی ادامه خواهد داشت و صلح شکل نخواهد گرفت. اما روشی هم که در ۳۰ سال گذشته وجود داشت نیز به پایان رسیده و دیگر با حماس و جهاد اسلامی مباحثات نمی‌شود.»**

● **«جنگ جمهوری اسلامی با اسرائیل ارتباطی به رابطه مردم ایران با مردم اسرائیل ندارد، اصلاً مردم ایران جنگ نمی‌خواهند، بلکه این رژیم است که ایران را در آستانه جنگ قرار داد. جمهوری اسلامی از مردم به عنوان سپر استفاده می‌کند، همانطوری که حماس از مردم غزه استفاده کرد و نتیجه آن را هم دیدیم.»**

عملیات تروریستی «هفت اکتبر» سال ۲۰۲۳ (۱۵ مهرماه ۱۴۰۲) و سپس حمله پهپادی و موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اسرائیل نشان داد، سیاست مباحثات با جمهوری اسلامی شکست خورده است. اغلب تحلیلگران معتقدند نادیده گرفتن تحریم‌های رژیم ایران به تأمین مالی تروریسم کمک کرده است. حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مدعی شده «عصر طلایی تمدن اسلام تحت تأثیر انقلاب اسلامی و مجاهدت‌های رهبر معظم انقلاب در حال آغاز است.»

دکتر امیر حمیدی کارشناس حوزه «تروریسم بین‌المللی» و از مأموران ویژه «پروژه کاساندر» (مقابله با قاچاق مواد مخدر توسط رژیم ایران و حزب‌الله) در گفتگو با کیهان لندن به پرسش‌هایی در مورد «قانون مهسا»، جنگ میان جمهوری اسلامی و اسرائیل و سرنوشت غزه و همچنین جنبش آزادیخواهانه مردم ایران پاسخ داد. وی معتقد است غرب برای بازگرداندن ثبات به منطقه یک راه دارد و آن کمک به مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.

● **آقای دکتر حمیدی «قانون مهسا» که اخیراً در آمریکا تصویب شد و به امضاء بایدن هم رسید، چه تفاوت‌هایی با تحریم‌های قبلی دارد؟ آیا اساساً اراده و تمایلی در دولت**



# انتقاد وزیر دفاع ترکیه از روابط جمهوری اسلامی و پکک

## «آدرس تروریست‌ها را دادیم گفتند آنجا نیستند!»

اردیبهشت‌ماه مدعی شد که عوامل پکک به داخل مرزهای ایران فرار می‌کنند اما طرف ایرانی حضور آنها را انکار می‌کند. وی در مصاحبه با «سی‌ان‌ان ترک» گفته بود، «گروه تروریستی پکک به شمال عراق رفته و آنجا جای گرفتند و جز ترکیه نیز کسی با آنها مقابله نمی‌کند». این در حالیست که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به بهانه مقابله با تروریسم و هدف قرار دادن «مراکز جاسوسی اسرائیل» بارها اقدام به پرتاب موشک و پهپاد به اقلیم کردستان عراق کرده است.

در عین حال با وجود حملات جمهوری اسلامی به اقلیم کردستان عراق، در سفر اخیر بارزانی به تهران انتقادی علیه مقامات جمهوری اسلامی شنیده نشد. وی حتا پس از گفتگو با علی خامنه‌ای در متنی پرتعلق در «ایکس» نوشت: «به دیدار رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای در تهران شرفیاب شدم. در این نشست بر آمادگی و تمایل عراق و اقلیم کردستان جهت پیشبرد روابط همه‌جانبه با جمهوری اسلامی ایران تأکید نمودیم.»

برخی منابع گزارش دادند، «اظهار نظرهای نچيروان بارزانی در زمان حضورش در تهران نشان می‌دهد که این سیاستمدار گرد بارها به مقام‌های ایرانی اطمینان داده که اجازه نخواهد داد گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی از خاک اقلیم کردستان فعالیت‌هایی علیه حکومت ایران انجام دهند.»

جواد قادری معاون مدیر مطبوعاتی دفتر رئیس اقلیم کردستان به «رادپوفردا» گفت، «آقای بارزانی در تهران به مقام‌های ایرانی اطمینان خاطر داد که دولت اقلیم به هیچ گروه، دسته و کشوری اجازه نخواهد داد از خاک این منطقه اقداماتی علیه ایران و دیگر کشورهای همسایه انجام دهند.»

ترکیه عضو ناتو است و همکاری‌های نزدیکی با ارتش آمریکا دارد. آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا (DIA) اردیبهشت ۱۴۰۱ گزارش داد، شبه‌نظامیان تحت حمایت جمهوری اسلامی با چریک‌های پکک برای حمله به پایگاه‌های نظامی ترکیه در شمال عراق همکاری می‌کنند و در حملات موشکی به نیروهای ترکیه در عراق و سوریه مشارکت دارند.



یاشار گولر وزیر دفاع ترکیه

وی با اشاره به اینکه ترکیه اطلاعات لازم در مورد محل اقامت تروریست‌های پکک را به جمهوری اسلامی ایران می‌دهد و از آنها درخواست همکاری می‌کند، ادامه داد: «ما به وضوح نظارت می‌کنیم و به آنها می‌گوییم، ببینید این تروریست‌ها در فلان آدرس و خانه هستند، در مدت کوتاه پاسخ [از طرف ایران] می‌آید که خیر ما آن آدرس را بررسی کردیم چنین شخصی آنجا نیست. البته این موضوع قابل قبول نیست.»

گولر تأکید کرد: «البته که دوستی ما [با ایران] ابدی باقی خواهد ماند. ما معتقدیم که دوستان ایرانی می‌دانند که پکک برای آنها دردسر ایجاد خواهد کرد، اما امیدوارم که راهکاری پیدا کنند.»

وزیر دفاع ترکیه پیش از این نیز در مورد روابط جمهوری اسلامی با پکک انتقاد کرده بود. وی اواسط

یک هفته پس از سفر نچيروان بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق به تهران و دیدار با علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، وزیر دفاع ترکیه از روابط جمهوری اسلامی با گروه «پکک» انتقاد کرد.

اوزی شندير روزنامه‌نگار روزنامه «ملیت» در گزارشی نوشت، «اخیراً تعداد اخبار در مورد حمایت [رژیم] ایران از سازمان تروریستی در وبسایت‌های خبری که به خانواده بارزانی نزدیک هستند، افزایش یافته است». وزیر دفاع ترکیه در واکنش می‌گوید، «ما و [ایران] قرن‌ها دوست و همسایه هستیم اما متأسفانه نگاه دوستان ایرانی به گروه تروریستی پکک همسو با ما نیست.»

وزیر دفاع ترکیه: «ما به وضوح نظارت می‌کنیم و به آنها می‌گوییم، ببینید این تروریست‌ها در فلان آدرس و خانه هستند، در مدت کوتاه پاسخ [از طرف ایران] می‌آید که خیر ما آن آدرس را بررسی کردیم چنین شخصی آنجا نیست. البته این موضوع قابل قبول نیست.»

«البته که دوستی ما [با ایران] ابدی باقی خواهد ماند. ما معتقدیم که دوستان ایرانی می‌دانند که پکک برای آنها دردسر ایجاد خواهد کرد، اما امیدوارم که راهکاری پیدا کنند.»

یک هفته پس از سفر نچيروان بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق به تهران و دیدار با علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، وزیر دفاع ترکیه از روابط جمهوری اسلامی با گروه «پکک» انتقاد کرد، هرچند که مقامات جمهوری اسلامی را «برادر» و «دوست» خواند.

اوزی شندير روزنامه‌نگار روزنامه «ملیت» روز دوشنبه ۱۳ ماه مه (۲۴ اردیبهشت) در گزارشی نوشت، «اخیراً تعداد اخباری در مورد حمایت [رژیم] ایران از سازمان تروریستی در وبسایت‌های خبری که به خانواده بارزانی نزدیک هستند، افزایش یافته است». یاشار گولر وزیر دفاع ترکیه در واکنش می‌گوید، «ما و [ایران] قرن‌ها دوست و همسایه هستیم و تمام تلاش خود را می‌کنیم که تا قرن‌ها در همسایگی دوست بمانیم... اما همانطور که در اظهارات قبلی خود بیان کردم، متأسفانه نگاه دوستان ایرانی به گروه تروریستی پکک همسو با ما نیست.»

و روابط دوستانه در منطقه برداشته شود، غربی‌ها باید به مردم ایران کمک کنند تا رژیم سرنوگون شود.

رهبران جهانی نیاز به ارزیابی مجدد استراتژی‌های خود برای مقابله با این چالش‌ها دارند، زمان زیادی هم ندارند چون روز به روز تهدیدات شدیدتر می‌شود. میلیون‌ها ایرانی که من هم مانند آنها فکر می‌کنم معتقدند که «تغییر رژیم» تنها گزینه قابل اجراست. بیانیتم اینبار سره را از ناسره تشخیص دهیم واگر خواهان ثبات در منطقه و امنیت ملی، اقتصادی و اجتماعی هستیم، دچار توهم‌های عدیده تکراری نشویم. رژیم در هیچ شکلی اصلاح‌پذیر نیست، ما دیگر نه اجازه و نه فرصت تکرار اشتباهات گذشته را داریم! ما باید با دوراندیشی و تکیه بر آزاداندیشی و نیک‌گفتاری و اعمال شایسته‌مان چراغ راه آیندگان‌مان باشیم. بیاییم با هم صادق باشیم چرا که صداقت است که می‌تواند ضامن این معاهده نانوشته تاریخی گردد.

– جنگ جمهوری اسلامی با اسرائیل ارتباطی به رابطه مردم ایران با مردم اسرائیل ندارد، اصلاً مردم ایران جنگ نمی‌خواهند، بلکه این رژیم است که ایران را در آستانه جنگ قرار داد. جمهوری اسلامی از مردم به عنوان سیر استفاده می‌کند، همانطوری که حماس از مردم غزه استفاده کرد و نتیجه آن را هم دیدیم. مردم ایران با چالش‌های اقتصادی و فشارهای روانی روبرو هستند و در تیررس قرار گرفته‌اند. زجر کشیدن آنها در سخت‌ترین شرایط اقتصادی دلخراش است. تقریباً تمام اقدامات جمهوری اسلامی با منافع مردم ایران در تضاد است. با اینهمه آنها در شدیدترین محدودیت‌ها در شعارهایشان می‌گویند همسو با نظام نیستند. پیام مردم ایران به گوش رهبران غرب رسیده است. برای آینده بهتر در منطقه تنها راه تغییر رژیم و ایجاد حکومت سکولار و دموکراتیک بر اساس خواست مردم است. اگر قرار است گامی اساسی در جهت صلح، امنیت

اقتصادی در یک مسیر قرار می‌گیرند و منافعی که از حذف حماس حاصل می‌شود، این امکان را در آینده به همه می‌دهد؛ البته نه فوری زیرا مدتی طول می‌کشد تا عمیقاً برای مردم نوار غزه روشنگری کرد تا آنها بفهمند که می‌توانند با ایجاد بنادر اقتصادی با کشورهای عربی و همچنین اروپایی‌ها تجارت و در امنیت و رفاه زندگی کنند. این هدف اولیه «پیمان ابراهیم» نیز بود که در مورد غزه نیز در نظر گرفته شده و در نهایت اتفاق خواهد افتاد اما ممکن است مدتی طول بکشد.

● درگیری و جنگ میان جمهوری اسلامی و شبه‌نظامیان وابسته به سپاه با اسرائیل، مستقیم روی زندگی مردم ایران تأثیر گذاشته؛ بحران‌های منطقه رو به افزایش است. مقامات نظام دنیا را تهدید به ساختن بمب اتم می‌کنند؛ آیا این واقعیت‌ها از چشم غرب پوشیده مانده است؟!

# امضای قرارداد توسعه چابهار؛ بذل و بخشش گسترده جمهوری اسلامی و هشدار ایالات متحده به هند



سران همکاری‌های دریایی هند برگزار کرد که طرف ایرانی نیز حضور داشت.

توسعه بندر چابهار از ابتدا هدف هندوستان بود تا همانطور که مقامات این کشور اشاره می‌کنند موقعیت تجاری هند در دریای عمان و مسیرهای ترانزیتی این کشور را تضمین کند اما همواره با فراز و نشیب و عدم انجام تعهدات از سوی طرف هندی روبرو می‌شد.

مقامات جمهوری اسلامی نیز بجای پاسخگو کردن هند، با بذل و بخشش بی‌حساب و دادن باج به هند و «خبردرمانی» برای افکار عمومی ایران، دیپلماسی ناکارآمدی را در پیش گرفتند.

برای نخستین بار در دی‌ماه ۹۷ خبر واگذاری بندر «شهید بهشتی» چابهار به کشور هند منتشر و اعلام شد بر مبنای توافق ایران، هند و افغانستان، بندر «شهید بهشتی» چابهار ابتدا به مدت یک سال و نیم و سپس به مدت ۱۰ سال در اختیار شرکت IPGL هند خواهد بود.

بیش از یک سال بعد و در اسفند ۹۸ مسعود پل‌مه دبیر انجمن شرکت‌های کشتیرانی و خدمات وابسته اعلام کرد هندی‌ها حتی یک سنت از ۲۲۰ میلیون دلاری که متعهد به سرمایه‌گذاری در چابهار شدند را به ایران نیاوردند.

مسعود پل‌مه توضیح داده بود که با وجود تمهیدات دولت برای احیای بندر چابهار، ما همچنان عقب هستیم، حتی یک سنت از رقم سرمایه‌گذاری ۲۲۰ میلیون دلاری هندی‌ها که وعده داده بودند، وارد چابهار نشد.

به گفته وی، از سال ۹۶ قرار بود دولت هند یک میلیون تن گندم به افغانستان بدهد اما حداکثر میزان گندمی که از چابهار ترانزیت شد ۱۸۰ هزار تن بود.

او با بیان اینکه متأسفانه ناکارآمدی مدیریت بندری در بخش خصوصی برای بندر چابهار مشکل ایجاد کرده است، افزوده بود که «پیمانکاری محلی که ارتباطات خاص دارد، بدون توانمندی علمی و مالی و در حالی که هیچ ارتباطی با شرکت‌های مرتبط ندارد و پیش از این کار نظافت

سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا با تأکید بر تداوم تحریم‌های این کشور علیه جمهوری اسلامی گفت: «به دولت هند اجازه می‌دهیم در مورد اهداف سیاست خارجی خودش در قبال بندر چابهار و همچنین روابط دوجانبه خود با ایران صحبت کند. من فقط می‌گویم، از آنجا که به ایالات متحده مربوط می‌شود، تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران همچنان پای بر جاست و ما به اجرای آنها ادامه خواهیم داد.» سخنگوی وزارت خارجه آمریکا همچنین گفت همه نهادهایی که قراردادهای تجاری با ایران را در نظر می‌گیرند «باید از خطر بالقوه‌ای که خود را در برابر آن قرار می‌دهند و خطر بالقوه تحریم‌ها آگاه باشند.»

روزنامه هندی «اکنومیک تایمز»، هند روز دوشنبه، ۲۴ اردیبهشت با انتشار خبر امضای این قرارداد اعلام کرد برای هند بندر چابهار حلقه اتصال مهم به افغانستان، آسیای مرکزی و منطقه وسیع‌تر اوراسیا است که بتواند با بندر گوادر پاکستان یا طرح چین موسوم به «ابنکار کمربند و جاده» رقابت کند.

این موضوع در کنفرانس خبری که روز دوشنبه با حضور وزیر بنادر، کشتیرانی و آبراهه‌های هندوستان و وزیر راه و شهرسازی جمهوری اسلامی برگزار شد نیز از سوی سارباناندا سونووال مورد تأکید قرار گرفت.

وزیر بنادر، کشتیرانی و آبراهه‌های هندوستان گفت: «تبادل نظر خوبی با وزیر راه و شهرسازی جمهوری اسلامی درباره کریدور شمال-جنوب و همکاری‌های حمل‌ونقل داشتیم. طبق اراده مشترک دو طرف قصد داریم بندر چابهار را با عنوان بندر ترانزیتی و انتقال کالا توسعه دهیم. این بندر می‌تواند در ارتباط هند با کشورهای محصور در خشکی خوب عمل کند. به عنوان مثال، ما ۸۵ هزار تن گندم از طریق بندر چابهار به افغانستان ارسال کردیم.»

سارباناندا سونووال همچنین گفته بود در سال ۲۰۲۲ هند یک روز را به عنوان «روز چابهار» جشن گرفت و در اکتبر ۲۰۲۳، هندوستان، میزگردی با موضوع چابهار در نشست

● امضای این قرارداد در حالی صورت گرفته که بیش از یک دهه است هند متعهد به سرمایه‌گذاری برای توسعه بندر چابهار شده اما طی سال‌های گذشته و به دلیل تحریم‌ها، تعهدات خود را انجام نداده بود.

● در امرداد ۱۴۰۱ شرکتی وابسته به «بنیاد مستضعفان» به عنوان پیمانکار ایرانی طرف قرارداد هندی‌ها در بندر چابهار با امضای قراردادی عجیب، ۹۹ درصد از درآمد بندر چابهار را تا سه سال در اختیار هندی‌ها قرار داد.

قرارداد نظارت و مدیریت بندر چابهار از سوی هند به مدت یک دهه در حالی میان جمهوری اسلامی و هند امضا شده که ایالات متحده نسبت به «نقض تحریم‌های ایران» به هند هشدار داده است. این قرارداد پس از مدت‌ها انتظار جمهوری اسلامی و سه بار دعوت از سوی رژیم ایران و خودداری هند امضا شده است.

مراسم امضای قرارداد مشارکت شرکت هندی «این‌دیا پورترز گلوبال لیمیتد» یا IPGL در تجهیز و بهره‌برداری از پایانه‌های کانتینری و کالای عمومی بندر «شهید بهشتی» چابهار، ۲۴ اردیبهشت‌ماه برگزار شد. این قرارداد به امضای سارباناندا سونووال وزیر بنادر، کشتیرانی و آبراهه‌های هندوستان و مهرداد بذرپاش وزیر راه و شهرسازی جمهوری اسلامی رسید. امضای این قرارداد در حالی صورت گرفته که بیش از یک دهه است هند متعهد به سرمایه‌گذاری برای توسعه بندر چابهار شده است اما طی سال‌های گذشته و به دلیل تحریم‌ها، تعهدات خود را انجام نداد.

ساعاتی پس از انتشار خبر این قرارداد نیز ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در پاسخ به اینکه چه تضمینی وجود دارد که با توجه به تحریم‌های آمریکا، هندی‌ها به مفاد این توافق پایبند باشند گفت: «تجربه نشان داده است که کشورهایی مایل هستند که با نادیده گرفتن تحریم‌های آمریکا علیه کشورهای مستقل در چارچوب منافع مشترک همکاری خود را با این کشورها از جمله ایران در ابعاد تجاری، اقتصادی و غیره گسترش دهند و توافق ایران و هند در توسعه بندر چابهار با درک کشور هند از ماهیت تحریم‌های غیرقانونی آمریکا انجام شده است و این موضوع محدود به هند نیست.»

ناصر کنعانی افزوده که «گسترش همکاری‌های ما با کشورهای مختلف در جهان نشان می‌دهد تحریم‌های آمریکا به‌رغم محدودیت‌هایی که ایجاد می‌کند در مسیر همکاری‌های سازنده، امر بازدارنده‌ای برای کشورهایی که با حفظ استقلال سیاسی خود مسیر همکاری‌ها را با ایران دنبال می‌کنند، نیست.»

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی همچنین مدعی شد که «هند یکی از شرکای تجاری ماست که در چارچوب منافع مشترک بدون توجه به این تحریم‌های یک‌جانبه در مسیر گسترش همکاری‌ها با ایران در حال تلاش و پیگیری است.»

دولت ایالات متحده اما بلافاصله نسبت به «نقض تحریم‌های ایران» به هند هشدار داد. ودانت پاتل سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در یک کنفرانس مطبوعاتی گفته که هیچ‌گونه معافیت تحریمی برای هند وجود ندارد و تحریم‌ها بطور بالقوه برای همه کشورهایی که با جمهوری اسلامی معامله می‌کنند، قابل اعمال است.



## پیشنهاد مذاکره با آمریکا؛ پیام‌های متناقض خامنه‌ای و اطرافیانش به واشنگتن!



دیدار علی خامنه‌ای با فرماندهان نیروهای مسلح در اردیبهشت ۱۴۰۳

و چه از طریق برخی کشورهای منطقه. در قضایای اخیر هم، هم سیاست ایران و هم سیاست آمریکا مبتنی بر این بود که این جنگ گسترش نیابد و در این راستا گفتگوهای غیرمستقیم با آمریکا داشتیم.»

یک هفته پیش از این اظهارات، خامنه‌ای در دیدار با «کارگزاران حج» که ۱۷ اردیبهشت‌ماه برگزار شد با تأکید بر اینکه «حج امسال، حج برائت از است» تأکید کرد، «با آمریکا نمی‌شود با روی خوش و ملایمت رفتار کرد.»

در همین حال حسن روحانی رئیس جمهوری پیشین جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۲۴ اردیبهشت در مورد رد صلاحیت‌اش در انتخابات مجلس شورای اسلامی به شورای نگهبان نامه اعتراضی نوشت که در بخشی از آن اشاره کرد، «امکان احیای برجام در پایان دولت من با کارشکنی مجلس و حمایت شورای نگهبان از بین رفت.»

در این نامه آمده، «دولت موجود که هویت خود را در نفی دولت قبل می‌داند، نه توان خروج از برجام را دارد و نه اراده احیای آن را.»

این در حالیست که برجام یک توافق امنیتی میان جمهوری اسلامی و دولت باراک اوباما بود که به گفته نزدیکان علی خامنه‌ای با نظر و موافقت وی صورت گرفت و اساساً دولت روحانی و وزیر خارجه‌اش محمدجواد ظریف برای رسیدن به توافق اتمی روی کار آورده شدند.

حالا بار دیگر، کمال خرازی پیشنهاد مذاکره با آمریکا را مطرح کرده است. اما در همین حال، چندی پیش وبسایت «دیپلماسی ایرانی» که توسط صادق خرازی برادر کمال خرازی و سفیر سابق جمهوری اسلامی در فرانسه اداره می‌شود، در مقاله‌ای نوشته بود «هیچ افق روشنی در مذاکرات تهران و واشنگتن پیدا نیست.»

روزنامه «الجزیره» کویت اخیراً به نقل از برخی منابع بلندپایه ایرانی ادعا کرده بود، مقامات آمریکا و جمهوری اسلامی ایران دور جدیدی از نشست‌های امنیتی غیرمستقیم را در یکی از کشورهای حوزه خلیج فارس برگزار کردند.

● یک هفته پس از آنکه خامنه‌ای در دیدار با «کارگزاران حج» (۱۷ اردیبهشت‌ماه) تأکید کرد، «با آمریکا نمی‌شود با روی خوش و ملایمت رفتار کرد»، کمال خرازی از چهره‌های نزدیک به خامنه‌ای پیشنهاد مذاکره با آمریکا را مطرح کرده است.

● خرازی رئیس شورای راهبردی روابط خارجی، در یک سخنرانی در «هتل آزادی» تهران خطاب به آمریکایی‌ها گفت، «شما بودید که از برجام خارج شدید و شما هم امروز آمادگی ندارید به میز مذاکره برگردید برای چه می‌گویید دیپلماسی بهترین راه است؟ آمادگی داریم مذاکره کنیم. به برجام برگردید و آن فرصتی خواهد بود که در مورد مسئله خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای هم صحبت کنیم.»

کمال خرازی رئیس شورای راهبردی روابط خارجی، روز یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ماه در سومین نشست «گفتگوهای ایرانی-عربی» که در «هتل آزادی» برگزار شد نسبت به ادامه مذاکره با آمریکا چراغ سبز نشان داد.

وی با بیان اینکه، «شما بودید که از برجام خارج شدید و شما هم امروز آمادگی ندارید به میز مذاکره برگردید برای چه می‌گویید دیپلماسی بهترین راه است؟» گفت: «آمادگی داریم مذاکره کنیم. به برجام برگردید و آن فرصتی خواهد بود که در مورد مسئله خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای هم صحبت کنیم.»

خرازی از چهره‌های نزدیک به علی خامنه‌ای در حالی نسبت به ادامه مذاکره با آمریکا اعلام آمادگی می‌کند که چهارشنبه هشتم ماه مه (۱۹ اردیبهشت) در مصاحبه با شبکه «الجزیره» تهدید کرد، «در صورت تهدید موجودیت [جمهوری اسلامی] ایران دکتترین هسته‌ای خود را تغییر می‌دهیم.» وزیر خارجه سابق جمهوری اسلامی در همین مصاحبه درباره «مذاکرات محرمانه با آمریکا» عنوان کرده بود، «گفتگوهای غیرمستقیم بین ایران و آمریکا موضوع جدیدی نیست. سال‌ها برقرار بوده و امروز هم برقرار است، چه از طریق سفارت سوئیس که حافظ منافع آمریکا در ایران است

→ ساختمان را انجام می‌داده، پیمانکار ترانزیت بندر چابهار شده است؛ همین موجب می‌شود ترانزیت‌تایم ۳ روزه به ۱۱۰ روز افزایش یابد.»

در سال‌های گذشته جمهوری اسلامی با امتیاز دادن به هند تلاش داشت این کشور را برای اجرای طرح توسعه بندر چابهای ترغیب کند. در عمل اما هند بندر چابهار را قبضه کرد بدون آنکه برای توسعه این بندر گامی بردارد.

دو سال پیش گزارشی مبنی بر درخواست تعیین داوری بین‌المللی از سوی هند را برای حل اختلافات منتشر شد. در این گزارش آمده بود که هند اجازه استفاده از شش دستگاه جرثقیل سنگین ساحلی وارد شده به بندر «بهشتی» را هم نمی‌دهد. اینهمه در حالی بود که همچنان بذل و بخشش جمهوری اسلامی به هند، دست‌کم از سوی جریانی در درون حکومت، ادامه داشت. در مرداد ۱۴۰۱ شرکت «کیهان شیران زرین» وابسته به «بنیاد مستضعفان» به عنوان پیمانکار ایرانی طرف قرارداد هندی‌ها در بندر چابهار با امضای قراردادی عجیب، ۹۹ درصد از درآمد بندر چابهار را تا سه سال در اختیار هندی‌ها قرار داد و ایران فقط سهمی یک درصدی از این قرارداد دارد! خبرگزاری «ایلنا» گزارش داده بود که آمارهای رسمی سازمان بنادر نشان می‌دهد که اساساً از ۱۹ ماه گذشته، اسکله «بهشتی» که به آن «بندر» هم می‌گویند، چابهار ۸۰ درصد از فعالیت‌های کانتینری و ترانزیتی خود را از دست داده بطوری که مجموع عملیات کانتینری «بندر شهید بهشتی» بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ که هنوز پیمانکار کیهان شیران زرین وارد بندر نشده بود از ۴۸۴۶ تی‌تی‌یو به ۸۳۰۶ تی‌تی‌یو رسیده یعنی رشد حدود ۷۰ درصد داشته اما در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱ علمیات کانتینری با افت ۸۰ درصد به ۱۴۵۰ تی‌تی‌یو کاهش پیدا کرده است. البته همین میزان عملیات مربوط می‌شود به تخلیه کالاهای اساسی وارداتی و بارگیری مواد معدنی و ساختمانی صادراتی محدود شده که عملاً ارتباطی با بازاریابی و بازاریاسازی طرف هندی ندارد و ترافیک فعلی کشتی و کالا در اسکله «بهشتی» صرفاً مرهون تصمیم دولت ایران در راستای ایفای مسئولیت اجتماعی در خصوص توسعه محور شرق است.

«کیهان لندن» در گزارشی این قرارداد را در راستای «ایران‌فروشی» جمهوری اسلامی ارزیابی کرده و نوشته بود بیش از ۴۳ ماه از واگذاری راهبری اسکله «بهشتی» بندر چابهار به شرکت هندی «این‌دی پورترز گلوبال لیمیتد» یا IPGL می‌گذرد و در حال حاضر این بندر بر اساس اهدایی که تعیین شده، بجای آنکه تبدیل به قطبی جدید برای ترانزیت کالا و کانتینر بین هند، افغانستان و آسیای میانه و روسیه شود، به محلی برای کسب درآمد هند از تخلیه کالاهای اساسی و بارگیری مواد معدنی و ساختمانی تبدیل شده است.

این گزارش افزوده بود پیشتر نیز زمره‌هایی از تخلفات سازمان بنادر و دریانوردی در بندر چابهار برای انتخاب شرکت پیمانکار ایرانی منتشر شده بود که نشان می‌داد در این مورد هم رانت‌های حکومتی منافع کشور را به بازی گرفته‌اند. شرکت «کیهان شیران زرین» وابسته به بنیاد مستضعفان شرکتی است که از سوی سازمان بنادر و دریانوردی به عنوان پیمانکار ایرانی منتخب شرکت هندی این‌دی پورترز گلوبال لیمیتد در بندر چابهار معرفی شد.

بر اساس این گزارش پس از همکاری شرکت «کیهان شیران زرین» به عنوان پیمانکار ایرانی طرف قرارداد هندی‌ها، آمار عملکردی اسکله «بهشتی» در چرخه مبادلات تجاری بین‌المللی و ترانزیت کالا و کانتینر تا ۸۰ درصد سقوط کرد و حتی محمولات گندم اهدایی دولت هند به مردم افغانستان که پیشتر از اسکله «بهشتی» بندر چابهار منتقل می‌شدند، از طریق خاک پاکستان به افغانستان می‌رسند.

## اعتراض طلافروشان بازار تهران در صحن «مسجد شاه» دولت اخاذی می‌کند؛ اعتصاب ادامه دارد



جلسه طلافروشان بازار تهران با نماینده دولت در «مسجد شاه» / اردیبهشت ۱۴۰۳

به هیچکسی نخواهد داد.»  
خبرگزاری ایسنا روز دوشنبه ۲۴ اردیبهشت گزارش داد طبق اصلاحیه جدید «ثبت موجودی طلا برای طلافروشان الزام نیست.»  
رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران می‌گوید، «برخی طلافروشان مجبور به استفاده از طلای امانی (کالا/طلا را به صورت امانت دریافت می‌کنند) از دوست و آشنا و... می‌شوند تا ویتترین خود را پُر کنند یا برخی از این واحدهای طلافروشی حاضر هستند مستاجر باشند تا بتوانند ویتترین مغازه خود را پُر کنند تا بتوانند فعالیت اقتصادی داشته باشند. ۶۰ الی ۷۰ درصد سرمایه واحدهای طلافروشی به صورت اعتباری و امانی است؛ بر همین اساس هم اعلام می‌کنند که این سرمایه متعلق به ما نیست که بخواهیم در سامانه ثبت کنیم؛ بنابراین واحدهای صنفی معتقدند که نباید بطور کلی ثبت سرمایه صورت گیرد و تنها بایستی معاملات را ثبت کرد.»  
بر اساس گزارش‌ها دولت از طریق، نهادهای امنیتی، تعزیرات و استانداری‌ها به اتحادیه طلا و جواهر فشار آورده تا طلافروشان را وادار کند دست از اعتصاب بردارند. علاوه بر تهران، در شهرهای اصفهان، تبریز و مشهد که حجم معاملات بازار طلا در آنجا زیاد است و اعتصاب طلافروشان اثرگذارتر، جلسات متعددی با نمایندگان طلافروش‌ها برگزار شده و همزمان نهادهای امنیتی با زور و تهدید وارد عمل شدند. اعتصاب طلافروشان در ایران دارای پیشینه است اما تا به حال اختلاف آنها با دولت تا این حد زیاد نبوده است تا جایی که حتی در مشهد تعدادی طلافروشی به دلیل اعتصاب پلمب شد. تحلیلگران می‌گویند بعید است اختلاف میان طلافروشان و دولت به این سادگی حل شود. برخی طلافروش‌ها تهدید کردند اگر دولت عقب‌نشینی نکند مجبور به تعطیلی هستند و سرمایه‌های خود را به خارج از ایران منتقل خواهند کرد.

می‌خواهد از آنها اخاذی کند و اعتصاب خود را ادامه دادند. طبق گزارش منابع خبری روز یکشنبه ۲۳ اردیبهشت‌ماه، طلافروشان پاساژ زرناب در «صادقیه» تهران مغازه‌ها را بسته‌اند. شماری از طلافروشان در تبریز و کرمانشاه نیز به اعتصاب پیوستند  
اختلافات میان دولت و طلافروشان فقط محدود به ثبت دارایی‌ها در سامانه نیست. آنها به مصوبه مجلس در مورد «وضع مالیات بر سود معاملات طلا» نیز اعتراض دارند و در یکی دو هفته گذشته از خرید و فروش طلا خودداری کردند. آنها همچنین معتقدند که افزایش ریالی دارایی‌های آنها به واسطه افزایش تورم صورت گرفته و سود نیست و نباید مشمول مالیات شود.

### هیچ استثنایی وجود ندارد

برخلاف ادعای روزنامه «ایران» مذاکرات طلافروشان و دولت «علامت مثبت» نداشته زیرا علی‌خضریان عضو هیأت رئیسه کمیسیون «اصل نود» مجلس شورای اسلامی درباره اعتصابات در بازار طلا گفته «برخی سوء استفاده‌گران، معاملات طلا را به پوششی برای اقدامات خلاف قانون خود، نظیر پولشویی، فرار مالیاتی، معاملات غیررسمی ارز و ایجاد تلاطمات ارزی و همچنین خروج سرمایه تبدیل کردند.»  
وی مدعی شد، «بر اساس گزارش‌های نهادهای مسئول بررسی‌های به عمل آمده حاکی از آن است حجم قاچاق شمش و مصنوعات طلا بالغ بر چند میلیارد دلار است که این رقم سرسام‌آور موجب آسیب فراوان به صنعتگران و تولیدکنندگان این حوزه شده و کشور را از حجم اشتغال بالایی از افراد محروم ساخته است.»

وی هشدار داده «هیچ استثنایی برای اجرای قانون سامانه تجارت وجود ندارد.» وی تهدید کرد، «نسبت به طرز کار دستگاه‌هایی که در این امر کوتاهی کنند، از ابزارهای قانونی خود استفاده می‌کند و اجازه عقب‌نشینی از قانون را

همزمان با ادامه اعتصاب طلافروشان در چند شهر از جمله تهران، اصفهان، تبریز، ارومیه، مشهد، قم، بروجرد و کرمانشاه، روز یکشنبه ۲۳ اردیبهشت‌ماه شمار زیادی از طلافروشان بازار تهران به همراه رئیس و هیأت مدیره اتحادیه طلا و جواهر تهران در صحن «مسجد شاه» در بازار تهران جمع شدند تا اعتراض خود را به مصوبات مجلس شورای اسلامی و قوانین مالیاتی به گوش نماینده دولت برسانند.  
روزنامه دولتی «ایران» در گزارشی که دوشنبه ۲۴ اردیبهشت منتشر شد، جلسه اعتراضی طلافروشان در مسجد شاه با نماینده دولت را «جلسه رفع ابهامات» و برگزاری آن را «علامت مثبت برای رفع دائمی این ابهامات» دانست.

اگرچه گفته شد که دولت مجبور به «عقب‌نشینی» شده اما طلافروشان را راضی نکرد و آنها همچنان معتقدند دولت می‌خواهد از آنها اخاذی کند و اعتصاب خود را ادامه دادند.  
وی هشدار داده «هیچ استثنایی برای اجرای قانون سامانه تجارت وجود ندارد.» وی تهدید کرد، «نسبت به طرز کار دستگاه‌هایی که در این امر کوتاهی کنند، از ابزارهای قانونی خود استفاده می‌کند و اجازه عقب‌نشینی از قانون را به هیچکسی نخواهد داد.»

همزمان با ادامه اعتصاب طلافروشان در چند شهر از جمله تهران، اصفهان، تبریز، ارومیه، مشهد، قم، بروجرد و کرمانشاه، روز یکشنبه ۲۳ اردیبهشت‌ماه شمار زیادی از طلافروشان بازار تهران به همراه رئیس و هیأت مدیره اتحادیه طلا و جواهر تهران در صحن «مسجد شاه» در بازار تهران جمع شدند تا اعتراض خود را به مصوبات مجلس شورای اسلامی و قوانین مالیاتی به گوش نماینده دولت برسانند. علی‌رضا شاه‌میرزایی معاون وزیر «صمت»، مأموریت داشت تا با فشار رؤسای اتاق اصناف تهران و ایران طلافروشان را راضی کند دست از اعتصاب بردارند.

با گسترده‌تر شدن اعتصاب طلافروشان در چند شهر از جمله تهران، اصفهان، تبریز، ارومیه، مشهد، قم، بروجرد که در اعتراض به مصوبات مجلس شورای اسلامی و قوانین مالیاتی که از اواسط هفته اول اردیبهشت‌ماه آغاز شده بود، چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت رسماً اعلام شد «نیازی نیست طلافروشان سرمایه غیر در گردش خود» را در سامانه جامع تجارت ثبت کنند اما مقرر شد که باید «اطلاعات معاملات» خود را برای «شفافیت در حوزه معاملات طلا» ثبت کنند.  
روزنامه دولتی «ایران» در گزارشی که دوشنبه ۲۴ اردیبهشت منتشر شد، جلسه اعتراضی طلافروشان در مسجد شاه با نماینده دولت را «جلسه رفع ابهامات» و برگزاری آن را «علامت مثبت برای رفع دائمی این ابهامات» دانست.  
نادر بذرافشان رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران می‌گوید، «یکی از اصلاحاتی که صورت گرفته این است که تاکید شده، دیگر سرمایه‌ای که در گردش و معاملات نیست و در حقیقت سرمایه شخصی افراد است، نیاز به ثبت در سامانه جامع تجارت ندارد؛ اما نکته مهم این است که در صنف طلافروشی چندان سرمایه شخصی، موضوعیت ندارد و سرمایه طلافروش همانی است که در مغازه و پشت ویتترین خود عرضه می‌کند.»

اگرچه گفته شد که دولت مجبور به «عقب‌نشینی» شده اما طلافروشان را راضی نکرد و آنها همچنان معتقدند دولت



# طرح «صیانت» بار دیگر در دستور کار مجلس یازدهم تداوم سرکوب شهروندان با محدودیت اینترنت

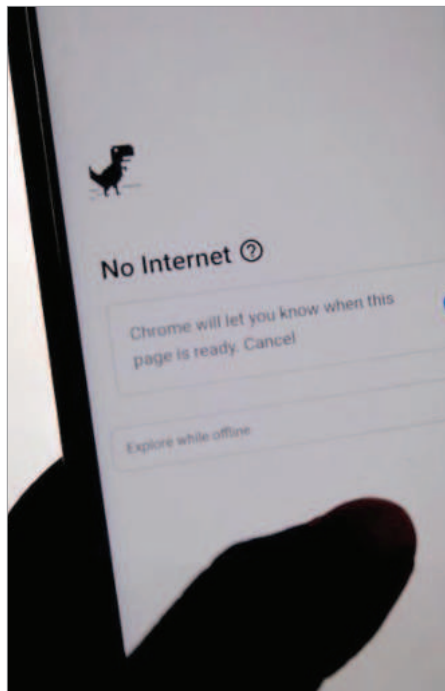
که «نهاد رسمی قانونگذاری» نیستند و اجرای خودشان نیز به منزله اجرای یک قانون نیست، چراکه در شرایط فعلی امکان اصلاح این بخشنامه‌ها و برگشت رویه وجود دارد.» در حالی که عملاً «طرح صیانت» در حال اجرا است اما به نظر می‌رسد مجلس و دولت هیچ یک حاضر به پذیرش مسئولیت آن نبوده و معتقدند شورای عالی فضای مجازی با نمایندگانی از سران نظام پیگیر صدور دستورات درباره محدودیت‌های اینترنتی است.

عیسی زارع‌پور وزیر ارتباطات بهمن ۱۴۰۱ در حاشیه نشست هفتگی هیئت دولت گفته بود که مصوبه فیلتر شدن اینستاگرام و تلگرام ربطی به وزارت ارتباطات یا حتی دولت ندارد و این تصمیمی است که در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی با حضور سران سه قوه گرفته شده است. شورای عالی فضای مجازی هم شهریورماه ۱۴۰۱ طی مصوبه‌ای، در عمل بخشی از طرح صیانت را تصویب و به قوانین خود اضافه کرد. این در حالیست که اجرای این قانون مبهم و کلی، درآمد ۹ میلیون نفر را که از طریق کسب و کارهای اینترنتی از جمله در اینستاگرام درآمد دارند به صورت مستقیم تهدید می‌کند.

تصویب سه ماده از طرح صیانت توسط شورای عالی فضای مجازی با ریاست ابراهیم رئیسی و افزوده شدن آنها به قوانین این شورا با انتقادهای زیادی روبرو شد. ماده‌های دو، سه و چهار طرح صیانت که تصویب شده‌اند، سبب نگرانی کارشناسان و کاربران اینترنت در ایران شده چرا که این سه ماده از اصلی‌ترین مواد نسخه آخر طرح صیانت بودند. بر اساس این نسخه، کمیسیونی تشکیل می‌شود که در جایگاه «تنظیم‌گر تنظیم‌گران» فضای مجازی فعالیت کنند. به این معنی که کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور برای تنظیم سیاست‌ها، نظارت، هدایت، هماهنگی و تصویب مقررات و آیین‌نامه‌های کلان در همه ابعاد فضای مجازی و «تنظیم‌گری تنظیم‌گران» یعنی سایر نهادهای تنظیم‌گر قانونی تشکیل شده است.

کارشناسان این حوزه همان زمان هشدار داده بودند که با تشکیل کمیسیون عالی تنظیم مقررات این شورا به نوعی وارد حوزه فعالیت مجلس شورای اسلامی شده و بجای آن قانونگذاری می‌کند. همچنین بخشی از وظایف قوه قضاییه را که به عنوان مرجع می‌بایست به شکایات رسیدگی کند، بر عهده گرفته و مرجعیت اعمال ضمانت‌های اجرایی را به خود اختصاص داده بود.

اینهمه در حالیست که حتی بدون در دست بودن طرح صیانت نیز مقامات ارشد جمهوری اسلامی از جمله سران قوا امکان تصمیم‌گیری درباره اینترنت و کاربران را دارند و برای اعمال محدودیت‌ها یا رصد شهروندان در شبکه‌های اجتماعی اصلاً نیازی به اجازه قانونی تحت عنوان طرح صیانت ندارند! اکنون مشخص نیست طرحی که در پی اختلاف نظر نمایندگان، به شورای عالی فضای مجازی سپرده شده، به چه دلیل بار دیگر در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است؟ آیا قرار است محدودیت‌های اینترنتی بیشتری به صورت «قانونی» مصوب شود یا این اقدام آنطور که خبرگزاری «ایلنا» نوشته معامله‌ای بین سردار پاسدار محمدباقر قالیباف یا رقبای اصولگرا برای ماندن بر کرسی ریاست مجلس دوازدهم است؟!



تمام شده از سوی مجلس شورای اسلامی محسوب می‌شود، افزوده بود: «تصمیم اول و آخر» در خصوص طرح صیانت را «شورای عالی فضای مجازی» خواهد گرفت.

پس از فیلترینگ گسترده اینترنت همزمان با اعتراضات جنبش ملی، غلامرضا نوری قزلقه عضو کمیسیون ویژه بررسی طرح صیانت در مجلس شورای اسلامی بهمن‌ماه ۱۴۰۱ گفته بود که محتوای طرح صیانت در کشور در حال اجرا است. همزمان در خبر ضد و نقیض دیگری، مرتضی آقانهانی رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی و البته رئیس شورای مرکزی جبهه پایداری مدعی شد که طرح معروف صیانت در مراحل پایانی بررسی در مجلس است! همچنین در زمستان ۱۴۰۱ غلامرضا نوری قزلقه عضو کمیسیون ویژه بررسی طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی در گفتگو با «اعتماد» گفته بود که «آخرین جلسه رسمی این کمیسیون که سیزدهمین جلسه نیز بوده، یک سال قبل تشکیل شده و یک سال قبل که همزمان با ارایه گزارشی از مرکز پژوهش‌های مجلس بود و تنش جدی در جلسه کمیسیون پیش آمد.»

نوری قزلقه توضیح داده بود که «از آن زمان تا امروز هیچ جلسه دیگری در این باره تشکیل نشده البته تقلاهای زیادی برای تشکیل جلسه و ادامه بررسی طرح صورت گرفته که هم غیرقانونی و هم بی‌نتیجه بوده است.»

غلامرضا نوری قزلقه همچنین افزوده بود: «بخش زیادی از محتوای طرح صیانت در حال حاضر توسط شورای عالی فضای مجازی مصوب شد و در حال اجراء است و برخی مواد این طرح نیز در لایحه بودجه آمده و در حال بررسی است.» عضو کمیسیون ویژه بررسی طرح صیانت همچنین تأکید کرده بود که «آنچه امروز اجرا می‌شود، مصوبه مجلس نیست و این کاهش سرعت و فیلترینگ گسترده و مواردی از این دست به خاطر شرایط اضطرار و براساس مقرر نهادهایی هستند

● در روزهای گذشته برخی عوامل جمهوری اسلامی در شبکه‌های اجتماعی و وبسایت‌های داخلی انتقادهایی به عدم تعیین تکلیف این طرح توسط مجلس یازدهم مطرح کردند.

● خبرگزاری «ایلنا» بررسی عجولانه «طرح صیانت» در آخرین روزهای کاری مجلس یازدهم را «معامله بزرگ» قالیباف با دیگر اصولگرایان برای کسب کرسی ریاست مجلس دوازدهم دانسته است.

● مقامات ارشد جمهوری اسلامی از جمله سران قوا برای اعمال محدودیت‌ها یا رصد شهروندان در شبکه‌های اجتماعی اصلاً نیازی به اجازه قانونی تحت عنوان طرح صیانت ندارند!

بررسی «طرح صیانت» که به دنبال محدود ساختن اینترنت و جرم‌انگاری علیه شهروندان در مواردی چون دور زدن فیلترینگ است در دستور کار این هفته مجلس شورای اسلامی قرار دارد.

«طرح صیانت از حقوق کاربران فضای مجازی و ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی» معروف به «طرح صیانت» از جمله طرح‌هایی بود که در یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی معلق ماند و تکلیف آن روشن نشد.

در روزهای گذشته برخی عوامل جمهوری اسلامی در شبکه‌های اجتماعی و وبسایت‌های داخلی انتقادهایی به عدم تعیین تکلیف این طرح توسط مجلس یازدهم مطرح کردند. اکنون با توجه به اینکه دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی تا حدود سه هفته دیگر پایان می‌یابد، به نظر می‌رسد تعیین سرنوشت این طرح در اولویت‌های سردار محمد باقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است. خبرگزاری «ایلنا» بررسی عجولانه «طرح صیانت» در آخرین روزهای کاری مجلس یازدهم را «معامله بزرگ» قالیباف با دیگر اصولگرایان برای کسب کرسی ریاست مجلس دوازدهم دانسته است.

خبرگزاری «ایلنا» اشاره کرده که پیشتر جلال رشیدی کوچی درباره طرح احتمال بررسی مجدد طرح صیانت در مجلس گفته بود: «طرح صیانت علناً در دستور کار مجلس خارج شد ولی زرمه‌هایی شنیده می‌شود مبنی بر این که برخی در تلاش هستند هفته آخر مجلس این طرح مورد بررسی قرار گیرد.» این نماینده مجلس افزوده بود که «امیدوارم چنین اتفاقی رخ ندهد زیرا سر منافع مردم معامله کردن با جریانی خاص قطعاً به ضرر آن اشخاص خواهد بود.»

جلال رشیدی کوچی گفته بود که «امنیت روانی مردم خیلی وقت است تحت الشعاع قرار گرفته است، من امروز هم در صحن مجلس گفتم تکرار مسیرهای غلط گذشته نتایجش هم غلط است، منتها قدری شدیدتر و پرهزینه‌تر.» او همچنین در پاسخ به این سوال که «این معامله‌ای که می‌گویید برای کسب کرسی ریاست آقای قالیباف در مجلس دوازدهم است» عنوان کرد: «بله، احتمالاً همین است.»

پیشتر نیز خبرهایی درباره خارج شدن «طرح صیانت» از مجلس شورای اسلامی منتشر شده بود. محمد صالح جوکار رئیس وقت کمیسیون امور داخلی مجلس شورای اسلامی شهریورماه ۱۴۰۱ به وبسایت «رویداد۲۴» گفته بود که «طرح صیانت» دیگر «در دستور کار مجلس نیست» و به «شورای عالی فضای مجازی» سپرده شده است.

محمد صالح جوکار با اعلام اینکه «طرح صیانت» طرحی

## جمهوری یا پادشاهی؟ شکل و محتوا

اگر وجود اختلاف در شکل مطلوب نظام آینده در میان مخالفان نظام اسلامی امری طبیعی است، با وجود این، اگر بتوان در چگونگی محتوای نظام جایگزین به همراهی و تفاهم رسید، گام اصلی در راه براندازی جمهوری اسلامی و تعیین نوع نظام جانشین برداشته شده است. چرا که مهم‌تر از شکل نظام، محتوای نظام و چگونگی تضمین حاکمیت مردم است. هم‌رأیی و توافق نیروها و گرایش‌های سیاسی در این زمینه با وجود اختلاف در شکل نظام امکان‌پذیر است. ساز و کار برقرار شدن حاکمیت مردم و تأمین آزادی‌ها و حقوق انسانی، ساز و کار انتخابات آزاد و استقرار حکومتی برای مردم و به دست مردم، در بسیاری از کشورهای جهان آزاد تجربه شده است. از نو نیازی به اختراع چرخ نیست! تمرکز بر چگونگی شکل نظام، ما را از رسیدن به وفاق عمومی در مورد محتوای نظام آینده دور و منحرف می‌کند. گرایش‌ها و تشکلهای سیاسی می‌توانند نیروی خود را برای ترویج هرچه بیشتر و همگانی شدن هم‌رأیی و همبستگی بر سر محتوای نظام آینده و ایجاد شرایطی که بدون آن فعالیت آزادانه‌ی احزاب و تشکلهای سیاسی یا مدنی امکان‌پذیر نیست به کار گیرند. هم‌رأیی و اتفاق نظر درباره محتوای نظام جایگزین، راه اتحاد و همبستگی گرایش‌های سیاسی گوناگون و ایجاد جبهه‌ی واحدی علیه نظام اسلامی را هموار خواهد کرد. و اما شکل نظام:

شکل نظام بستگی به شرایط تاریخی و فرهنگی هر کشوری دارد. اگر معیارها و قوانین لازم برای ایجاد یک حکومت دموکراتیک و آزاد در همه‌ی کشورها کم و بیش همسان است، و بر اساس اعلامیه‌ها، منشورها و کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر تعاریف و مبانی روشنی یافته است اما شکل هر نظامی وابسته به شرایط بومی و اقلیمی ویژه‌ی هر کشور است. با در نظر گرفتن این شرایط خاص، آزادی، دموکراسی، در چارچوب تمامیت ارضی کشور، جدا کردن دین از سپهر عمومی و قوانین کشور، و راندن آن به سپهر خصوصی و شخصی، می‌تواند مبنای وحدت نیروهای هوادار دموکراسی و ایجاد وفاق ملی در میان ما ایرانیان باشد. بدون وحدت نظر در این زمینه، ایجاد جبهه‌ی قدرتمند برای به زیر کشیدن این نظام قرون وسطایی امکان‌پذیر نیست. ترویج و تبلیغ این چشم‌انداز، تصویر روشنی از آینده‌ی ایران در برابر نسل جوان ایران و اکثریت ناراضی خواهد گشود و امیدواری به آینده، جای ناامیدی‌های زیانبار را خواهد گرفت.

### جمهوری و پادشاهی

تبار واژه‌ی جمهوری به یونان باستان می‌رسد: (res pub-lique) به معنای امر عمومی، منافع عمومی یا کلیه‌ی اموری است که به زندگی اجتماعی اهالی یک سرزمین مربوط می‌شود. این مفهوم از افلاتون و ارسطو تا امروز به معنای کم و بیش نزدیک بهم به کار رفته است. افلاتون در کتاب «جمهوری» خود این مفهوم را دقیقاً به همین معنا به کار می‌گیرد. او وظیفه‌ی دولت را اداره‌ی امور جامعه می‌داند و برقراری عدالت و گسترش آموزش در میان مردم را اصلی‌ترین کارکرد جمهوری برمی‌شمارد. بعدها در قرن هفدهم میلادی از جمله در باره‌ی لویی چهاردهم، این پادشاه خورشیدسان نوشته‌اند که او «جمهوری را خوب اداره می‌کرد». ژان ژاک روسو در قرن هیجدهم در کتاب مشهور خود، «قرارداد اجتماعی»، نوشت: «هر حکومت ←



که آزادی عقیده و بیان یکی از پایه‌های اصلی آن است، دفاع می‌کنند! اما در عمل حق طرف مقابل را در انتخاب گرایش یا عقایدی که نمی‌پسندند، برمی‌تابند: کمونیست؟ خائن است! سلطنت‌طلب؟ فاشیست است! جمهوریخواه؟ ضد ایران است، مسلمان؟ اسلامگرا و تروریست است! و دیگرها و دیگرها.

امروزه با گسترش فضای مجازی، و حضور افسارگسیخته‌ی میلیون‌ها «کارشناس همه‌چیزدان»، مفاهیمی چون ارتداد، خیانت، وطن‌فروشی، استبدادطلب، فاشیست، چپی و راستی و غیره، کاربرد بیشتری در این خام‌دواری‌ها دارند. کافی است نگاهی به بحث‌ها و جدل‌ها و یا مقاله‌های به اصطلاح سیاسی در میان مدعیان دموکراسی و مخالفان نظام اسلامی بیندازیم. بیشتر ناامیدکننده است! تکلیف مدافعان جهل و جنون اسلامی در ایران و پادوهای لایبرگ (و گاه دانشگاهی) آنان در خارج کشور نیز که به اندازه کافی روشن است. این بحث، در شرایطی که نظام اسلامی کمر به ویرانی ایران بسته و باندی تبهکار و فاسد، کشورما را در آستانه‌ی نابودی قرار داده است، می‌تواند ناهنگام به نظر رسد. آیا دعوا بر سر پوست خرسی که هنوز شکار نشده، بیهوده و حتا مضحک نیست؟ آیا بهتر آن نیست که نخست به چگونگی شکار خرس پرداخته شود؟

آری؛ مسئله‌ی اصلی سرنگونی این نظام و بستن پرونده‌ی این دوران سیاه و شرم‌آور در تاریخ معاصر ایران است. و این مهم، بدون داشتن چشم‌اندازی روشن و امیدبخش برای آینده و برساختن جایگزینی مطلوب و هماهنگ با زمانه در برابر این نظام، شدنی نیست.

هرچند که تکلیف شکل نظام آینده را مجلس مؤسسان منتخب مردم و نمایندگان واقعی مردم در زمان مناسب روشن خواهند کرد، اما ایران‌دوستان و هواداران اشکال مختلف نظام آینده باید بتوانند برای آماده کردن زمینه‌ی ایجاد نظامی انسانی و دموکراتیک، از هم‌امروز در فضایی به دور از نفرت و کینه‌ورزی استدلال‌های خود را مطرح کنند و در زمان مناسبی که چندان دور نمی‌نماید، داوری نهایی را به مردم ایران و نمایندگان واقعی آنان واگذارند.

● اگر بتوان در چگونگی محتوای نظام جایگزین به همراهی و تفاهم رسید، گام اصلی در راه براندازی جمهوری اسلامی و تعیین نوع نظام جانشین برداشته شده است. چرا که مهم‌تر از شکل نظام، محتوای نظام و چگونگی تضمین حاکمیت مردم است. هم‌رأیی و توافق نیروها و گرایش‌های سیاسی در این زمینه با وجود اختلاف در شکل نظام امکان‌پذیر است.

● شکل نظام بستگی به شرایط تاریخی و فرهنگی هر کشوری دارد. اگر معیارها و قوانین لازم برای ایجاد یک حکومت دموکراتیک و آزاد در همه‌ی کشورها کم و بیش همسان است، و بر اساس اعلامیه‌ها، منشورها و کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر تعاریف و مبانی روشنی یافته است اما شکل هر نظامی وابسته به شرایط بومی و اقلیمی ویژه‌ی هر کشور است.

● بردبار بودن در رویارویی عقاید مختلف و بحث‌های مربوط به براندازی و یا تعیین محتوا و شکل نظام جایگزین، نه تنها به فهم نقاط قوت و ضعف بحث طرفین کمک می‌کند، بلکه با بالا بردن سطح بحث‌ها راه همزیستی و احترام متقابل میان نیروها و گرایش‌های سیاسی گوناگون و گاه مخالف هم را هموار می‌سازد.

رضا ناصحی - در میان موضوعاتی که امروزه ذهن و زبان بسیاری از فعالان سیاسی و اجتماعی مخالف نظام اسلامی را به ویژه در خارج کشور به خود مشغول داشته، شکل نظام آینده است: جمهوری یا پادشاهی؟

با اینکه در این زمینه سخن‌ها رفته است، اما کمتر بتوان با بحث‌هایی دور از عصیبت و بری از پرخاشگری مواجه شد. متأسفانه باید اعتراف کرد که در فرهنگ ما همچون فضای حاکم بر این منطقه‌ی پیام‌برخیز، جای بس ناچیزی برای عقل و استدلال مانده است. عقیده که بدل به ایمان شد، دیگر از عقل و استدلال کاری بر نمی‌آید، چرا که عقلانیت را راهی به عرصه‌ی ایمان نیست. ایمان چون و چرا بر نمی‌تابد. و بدا به حال ما که عقیده و نظر در این فرهنگ، به سرعت به ایمانی خلل‌ناپذیر بدل می‌شود. یقین‌های ما بس بیشتر از دانسته‌ها مانده است. یقین‌هایی که به گفته‌ی آرامش دوستدار، زاییده‌ی «امتناع تفکر» در این «فرهنگ دین‌خو» است.

اهورا و اهریمن، حق و باطل، خودی و ناخودی و... در درازنای تاریخ، ریشه‌های بسیار عمیقی در فرهنگ ما دوانده است، و منحصر به خداباوران هم نیست. در ایمان با خدا و بی‌خدا، دیندار و بی‌دین، مسلمان و کمونیست، شک و تردید مطلقاً راهی ندارد. با کوچک‌ترین چون و چرا یا انتقاد، ضد اسلام یا ضد کمونیست می‌شوی! از هر قوم و قبیله‌ای که باشی، حقیقت مطلق بی چون و چرا از آن توست! در رویارویی با ایمان‌ها جایی برای بحث و گفتگو نمی‌ماند.

اگر وجود آزادی‌های انسانی بستر اصلی شکوفایی و رشد فکری جامعه است، بردباری (تولرانس) شرط اصلی در تبادل آراء و عقاید گوناگون است. در غیاب بردباری و تحمل عقیده‌ی مخالف، بحث و گفتگوی سازنده ناممکن می‌شود. نیازی به اثبات نیست که یکی دیگر از ویژگی‌های فرهنگی ما همین ناپردباری است. پرخاشگری و ناسازگویی و زدن برچسب جایگزین استدلال می‌شود. و این در حالیست که همگان، دست کم در حرف، از حقوق بشر



از افراد، فرمانروایند و سرنوشت کشور را انحصاراً به دست دارند و گاه حتا سرنوشت جان و مال مردم آن کشور را رقم می‌زنند. در این نوع جمهوری مردم فرمانبردارند و فاقد هرگونه قدرت سیاسی. اغلب کشورهایی که امروزه به رهبری چین و روسیه زیر عنوان «جهان جنوب» علیه دموکراسی‌های لیبرال صف‌آرایی کرده اند از این جمله‌اند. رهبران مادام‌العمر در این کشورها کلیه‌ی اهرم‌های قدرت را به دست دارند و جز با مرگ یا کودتا جایگزینی برای آنان متصور نیست.

اما کافی است نگاهی به کشورهای جهان آزاد ببندیم که بنا بر ضرورت یادشده، از نهادی نمادین در بالاترین جایگاه کشور برخوردارند. اهمیت و کارکرد این نهاد در تلاطم‌ها و رقابت‌های سیاسی میان دولت‌مردان که در طبیعت نظام‌های دموکراتیک است، در ثبات سیاسی و وحدت کشور نمایان می‌شود. چه در شکل پادشاهی و چه در شکل جمهوری. برای نمونه در شکل پادشاهی: اسپانیا، انگلستان، هلند، بلژیک و... و در شکل جمهوری: آلمان، ایتالیا، هند، اسرائیل و...

اینکه کدامیک از این دو شکل مناسب کشوری چون ایران است، نیازمند بحث و گفتگو میان صاحب‌نظران و ایران‌دوستان است. بحث و گفتگویی فارغ از انگ‌زدن‌ها و پرخاشگری‌ها. شاید با بردباری در برابر عقاید دیگری و به کار گرفتن عقل و استدلال در گفتگوها، بتوان راه پر از سنگلاخ همزیستی مسالمت‌آمیز را تا حدودی هموار کرد و آینده‌ی روشنی در برابر چندین نسل تباه‌شده به دست ملایان ترسیم نمود. در نهایت، برای تصمیم در چند و چون شکل نظام آینده، چه جایی مناسب‌تر و مشروع‌تر از مجلس مؤسسان منتخب مردم در ایران فردا؟

به همین دلیل است که بردباری را از فضایل نیک انسانی و امری ستایش‌انگیز دانسته‌اند. به قول فیلسوف فرانسوی، آندره کنت اسپونویل: «بردباری، پذیرفتن چیزی است که می‌توان آن را طرد و محکوم کرد، روا داشتن چیزی است که می‌توان آن را قانوناً منع کرد یا علیه آن مبارزه کرد. بردباری، به معنای چشم پوشیدن از بخشی از قدرت خود، خشم خود، عصبانیت خود است. چنین است که در برابر هوس‌بازی‌های کودکانه یک کودک یا مواضع رقیب مخالف، بردباری نشان می‌دهیم. اما این کار تا جایی ارزشمند است که سنگینی بار آن را به دوش خود می‌کشیم، و به عبارتی از منافع شخصی خود، از رنج خود و از ناشکیبایی خود درمی‌گذریم.»

بردار بودن در رویارویی عقاید مختلف و بحث‌های مربوط به براندازی و یا تعیین محتوا و شکل نظام جایگزین، نه تنها به فهم نقاط قوت و ضعف بحث طرفین کمک می‌کند، بلکه با بالا بردن سطح بحث‌ها راه همزیستی و احترام متقابل میان نیروها و گرایش‌های سیاسی گوناگون و گاه مخالف هم را هموار می‌سازد.

اگر به بحث چند و چون شکل نظام آینده بازگردیم، یادآور شویم که در تعیین شکل نظام‌ها، تاریخ، فرهنگ و بسیاری عوامل دیگر مؤثر است. در کشورهای دموکراتیک که حاکمیت سیاسی به‌واقع در دست جمهور مردمانی است که از نظر قومی، فرهنگی، زبانی یا مذهبی یکدست و یکسان نیستند، وجود نهادی نمادین، نمادی فاقد قدرت سیاسی، که این گوناگونی را زیر چتر واحدی متحد نگهدارد ضرورت حیاتی دارد. طبیعی‌ست که در کشورهایی که در آنها نشانی از آزادی و دموکراسی نایاب است، این بحث موضوعیتی پیدا نمی‌کند. در اینگونه کشورها فرد یا باندی

مشروعی جمهوری است»، روشن است که مراد او از حکومت مشروع، حاکمیتی بود عاری از هرگونه تبعیض، که با اراده آزاد مردم مدیریت امور جامعه را در جهت تأمین امنیت و رفاه جامعه به عهده گرفته باشد. با اینکه انقلاب فرانسه با الهام از جمهوری رم، نظام جدید را در تقابل با نظام پیشین، جمهوری نامید، اما این جمهوری رسماً مستقر نگشت تا اینکه ناپلئون در سال ۱۸۰۴، خود را امپراتور جمهوری فرانسه نامید. «امپراتور جمهوری» نزد بسیاری از هموطنان ما که جمهوری را به خطا، الزاماً به معنای نفی پادشاهی می‌فهمند، شاید شگفت‌انگیز باشد!

از بیش از یک قرن پیش که در فرانسه دیگر نظام پادشاهی هیچ موضوعیتی ندارد، جمهوریخواه به حزب یا گرایشی اطلاق می‌شود که مدافع حاکمیت قانون، لائسیتته، آزادی‌های اساسی، مدافع برابری حقوقی زن و مرد، مدافع محیط زیست و بطور کلی مدافع حقوق بشر باشد. این تعریف طیف وسیعی از احزاب چپ، میانه یا راست را در برمی‌گیرد. هرچند که برخی در جمهوریخواه بودن دو طیف افراطی چپ و راست تردید دارند، اما کلیه گرایش‌هایی که در چارچوب قانون بطور مسالمت‌آمیز فعالیت می‌کنند جمهوریخواه شمرده می‌شوند. و این نامگذاری مطلقاً ربطی به گرایش آنان به سلطنت یا نظام پادشاهی ندارد. از همین منظر است که به درستی گفته می‌شود که نظام سیاسی در انگلستان یکی از جمهوری‌ترین نظام‌های سیاسی موجود در جهان است. چرا که میزان جمهوریت هر نظام، بستگی دارد به نحوه‌ی اداره دموکراتیک کشور و انتخابی بودن زمامداران سیاسی و دولت‌مداران. نظامی که قدرت سیاسی در آن، در دست مردم و نمایندگان انتخابی مردم باشد و اقلیت از همان حقوق و آزادی‌ها و امکاناتی برخوردار باشند که اکثریت حاکم در اختیار دارد، جمهوری است، ولو اینکه شکل نظام پادشاهی باشد. تناقضی در کار نیست. پادشاه در اینگونه نظام‌ها صرفاً نماد وحدت ملی است و نقشی در اعمال قدرت سیاسی ندارد. در این نظام‌ها قدرت در دست دولت منتخب مردمانی است، که بطور موقت (معمولاً دوره‌های چهار یا پنج ساله) بسته به رضامندی یا ناراضمندی خود، این یا آن گرایش سیاسی را بر اریکه قدرت می‌نشانند و یا در زمان مناسب برکنارش می‌کنند. نظام‌های سلطنتی در کشورهای شمال اروپا بهترین نمونه‌های این جمهوریت به معنای واقعی این کلمه‌اند.

بنابراین کسانی که در بحث‌های رایج در کشور ما از اصطلاحاتی چون جمهوریخواه سلطنت طلب، پادشاهی جمهوریخواه و... به قصد تمسخر و تخریب استفاده می‌کنند، بهتر است اندکی در معنای این مفاهیم بیندیشند و در خام‌دوری‌های خود تجدید نظر کنند. اینجاست که اهمیت بحث و گفتگوی به دور از تمسخر و تخریب آشکار می‌شود. در آسیب‌شناسی این خام‌دوری‌های ایمان‌پرور، شاید مهم‌ترین عامل نابردباری و خودحق‌پنداری در میان ما ایرانیان باشد.

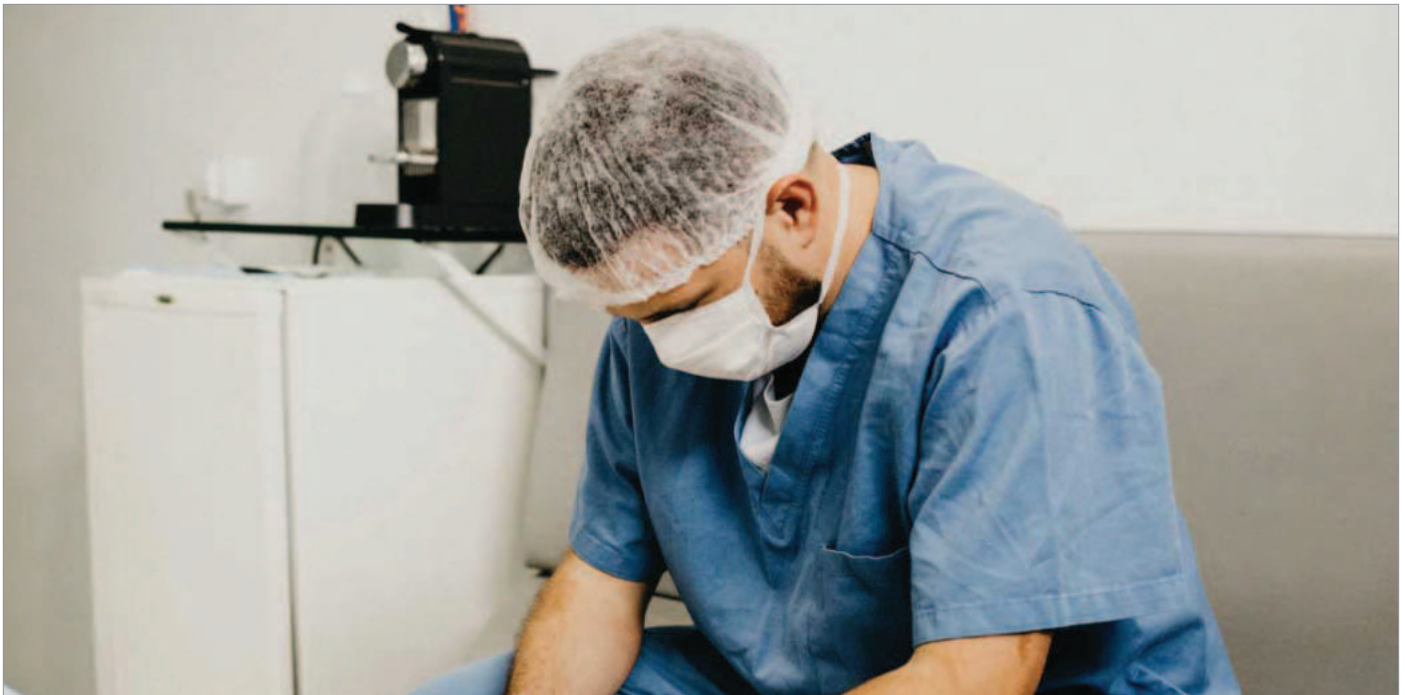
بردباری (تولرانس) تنها در برابر مسائل عقیدتی مطرح می‌شود و به معنای دقیق کلمه، تحمل سنگینی بار عقیده‌ای است که مورد پسند ما نیست. تحمل عقایدی است که ابراز آنها منع قانونی ندارد. وگرنه شنیدن عقیده یا نظر موافق (البته اگر از سوی کسانی نباشد که به دنبال گوش مفت‌اند) باری بر دوش شنونده نیست و در اینجا بردباری بلاموضوع است. بردباری در برابر عقاید بی‌اهمیت و خالی از فایده نیز بی‌معناست. بردبار بودن زمانی است که ما می‌پذیریم فشاری را که شنیدن آن عقاید بر ما تحمیل می‌کند ناخواسته تحمل کنیم. درواقع با بردباری خود، زیان می‌بینیم و دست‌کم آرامش خاطر و اعصاب‌مان در معرض آسیب است.

## شرعی شدن ساخت بمب اتم؟!!



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

## گزارش ویژه؛ پزشکان جوان در گفتگو با «کیهان لندن» از مشکلات و سرخوردگی‌ها می‌گویند



دست به دست می‌شوند؛ اما مسئله اینجاست که بعضی از این اتفاقات اصلاً در فضای مجازی هم منتشر نمی‌شوند و به همین دلیل نمی‌توانیم با اطمینان خاطر درباره آمارهای موجود اظهار نظر کنیم.»

از سوی دیگر افزایش قابل توجه شمار خودکشی‌ها در میان رزیدنت‌ها و پزشکان جوان که از نرخ خودکشی در کشور نیز پیشی گرفته است، غالباً از سوی مقامات حکومتی نادیده گرفته شده و یا با فرافکنی، خودکشی پزشکان جوان را به مسائل روحی و روانی مرتبط می‌کنند. این مقامات اما پاسخ نمی‌دهند چطور در سال‌های گذشته نرخ بیماری‌های روانی در دانش‌آموختگان رشته پزشکی نسبت به بقیه اقشار جامعه به صورت تصاعدی افزایش یافته است؟!

فعالان صنفی معتقدند ریشه خودکشی پزشکان نه مسائل روحی و روانی بلکه ساختار معیوبی است که وزارت بهداشت و درمان طی سال‌های گذشته ایجاد کرده که در آن نه شأن و جایگاه پزشک، و نه معیشت او در نظر گرفته می‌شود و تنها به بهره‌کشی از این قشر متمرکز است. برخی فعالان صنفی خودکشی پزشکان را «کشتار سیستماتیک توسط وزارت بهداشت» ارزیابی می‌کنند.

«کیهان لندن» در گفتگو با چند پزشک جوان تلاش کرده عواملی را که به انگیزه خودکشی در میان پزشکان جوان منتهی می‌شود جویا شود. برای حفظ امنیت و حریم خصوصی این پزشکان جوان که با «کیهان لندن» گفتگو کرده‌اند از نام مستعار استفاده شده است.

آرش ۳۲ ساله و فارغ التحصیل پزشکی عمومی و دانشجوی انصرافی جراحی قلب و عروق است. او در گفتگو با «کیهان لندن» درباره مشکلاتی که خودش و همکاران جوانش با آن روبرو هستند که می‌تواند انگیزه‌ای برای خودکشی باشد به عنوان «بن‌بست» نام می‌برد. او می‌گوید دانشجویان پزشکی مسیری دشوار و پر از محرومیت و فشار را

دستیاران تخصصی پزشکی ۱۰ برابر خودکشی جمعیت عمومی است.

سمیرا آل‌سعیدی فوق تخصص روماتولوژی، پرستو بخشی متخصص قلب و عروق، پگاه طلایی‌زاد رزیدنت چشم پزشکی، علی قانع‌فرد دندانپزشک و سیامک بهروان رزیدنت روانپزشکی از جمله پزشکان جوانی هستند که در هفته‌های گذشته خبر خودکشی منجر به مرگ آنها منتشر شده است.

آمارهای رسمی و گزارش شده نشان می‌دهد در ۴۷ روز نخست سال جدید پنج پزشک دست به خودکشی منجر به مرگ زدند. این بدان معناست که طی هفته‌های گذشته بطور میانگین در هر ۱۰ روز یک پزشک جوان در ایران با خودکشی به زندگی خود پایان داده است.

آماری از خودکشی‌های ناموفق که منجر به مرگ نشده یا پزشکانی که به خودکشی فکر کرده یا برای انجام آن برنامه‌ریزی می‌کنند در دست نیست.

وحید شریعت رئیس انجمن علمی روانپزشکان ایران اسفندماه گذشته از خودکشی منجر به مرگ ۱۶ رزیدنت پزشکی در یک سال خبر داد.

وحید شریعت افزوده بود که «نتایج تحقیقی که در سال ۱۴۰۱ بر روی تعدادی از رزیدنت‌ها انجام شده، نشان داد حدود ۳۰ درصد دستیاران پزشکی به خودکشی فکر کرده‌اند.»

علی سلحشور نماینده پزشکان متخصص طرحی کشور نیز تاپستان گذشته اعلام کرد که در سال ۱۴۰۰ و فقط طی یک سال، سیزده رزیدنت خودکشی کرده‌اند.

محمد شریفی‌مقدم دبیرکل خانه پرستار به تازگی با تأکید بر اینکه هیچ آمار کاملی از خودکشی پزشکان جوان در دست نیست، گفته «این اتفاق در سال‌های گذشته هم رخ می‌داده اما حالا به مدد فضای مجازی خبرها خیلی زود

«دانشجویان پزشکی مسیری دشوار و پر از محرومیت و فشار را طی می‌کنند تا تحصیلات خود را به پایان برسانند اما از فردای فارغ‌التحصیلی به بن‌بستی می‌خورند که انگار آنها را از خواب بیدار کرده و به کابوسی دائمی در بیداری می‌کشاند.»

آرش می‌گوید اهل مهاجرت نیست اما واقعا در ایران هم آینده‌ای جز یک روزم‌گری پر از اضطراب و فشار کاری شدید و شیفت‌های طولانی و دستمزدی را که حتی پاسخگوی زندگی ساده و مجردی او در تهران نیست نمی‌تواند متصور باشد.

سعید معتقد است چون مشکل ساختاری است و هر سال بدتر می‌شود قاعدتاً هیچ روزنه‌امیدی به بهتر شدن شرایط هم نیست و ماندن در این ساختار به معنای پذیرش یک سرنوشت محتوم از فقر و درماندگی و تحقیر است.

شادی می‌خواهد با مهاجرت از «جهنمی که در آن گیر کرده» رها شود و می‌گوید پزشکی خواندن در ایران امروز سه انتخاب پیش روی ما می‌گذارد؛ مهاجرت کنیم و خلاص شویم. بمانیم و به سیستم برده‌داری از پزشکان تن بدهیم و تا آخر عمر حسرت بخوریم و یا به نکبتی که در آن گرفتاریم پایان بدهیم.

«به عقب نگاه می‌کنی و نتیجه می‌گیری حماقت کرده‌ای! امروز را می‌بینی، تحقیر می‌شوی! آینده هم قطعاً اگر بدتر از این روزها نباشد، بهتر نیست. یعنی هر قدر واکاوی می‌کنی چیزی که تو را به زندگی متصل کند پیدا نمی‌کنی!»

روشنک آسترکی - آمار خودکشی پزشکان و دانشجویان سال‌های آخر پزشکی در ماه‌های گذشته روند افزایشی طی کرده است. هر چند آمار در این بخش نیز مانند دیگر آمارها شفاف نیست و مورد تردید قرار دارد اما حتی همین آمار نیم‌بند نیز بیانگر اینست که آمار خودکشی رزیدنت‌ها و



جمهوری اسلامی به دست و پای پزشکان جوان می‌بندد که حتی امکان یک سفر تفریحی به ترکیه را هم برای آنها دشوار می‌کند. او تأکید می‌کند که خوش‌شانس بوده که امکانات مالی خانواده‌اش طوری بوده که توانسته «بندها» را یکی یکی باز کند و خودش را نجات بدهد. او می‌گوید: «تصور فضایی از کار در کانادا هم ندارم. بر اساس تحقیقی که کردم غالباً ما را به شهرهای شمال کانادا می‌فرستند که عملاً قطب شمال است، فشار کار سنگین است و سخت بتوانیم معاشرت‌های دوستانه رضایت‌بخشی داشته باشیم چون ایرانی در آن مناطق کم هست و اساس مناطق کم‌جمعیتی هستند. اما همان شرایط بهتر از توهین‌های مداوم اینجا است.»

فرامرز هم چند سال پیش فارغ‌التحصیل شده اما حالا در پیتزافروشی برادرش در شرق تهران مشغول به کار است. فرامرز می‌گوید به شدت از نظر روحی زیر فشار است. او به «کیهان لندن» می‌گوید: «بعد از فارغ‌التحصیلی دیدم نزدیک به ۳۰ سال سن دارم، هیچ در بساط ندارم، در خانه پدری زندگی می‌کنم و حتی مشخص نیست با درآمد ناچیز پزشکی کی بتوانم یک ماشین ساده بخرم یا پول پیش [ودیع] یک سوئیت را پس‌انداز کنم. برادر کوچکترم لیسانس حسابداری داشت. چند سال کارمندی کرده بود و یک پیتزافروشی کوچک در شرق تهران راه انداخته بود. به من پیشنهاد داد با او کار کنم. تصمیم سختی بود. از یک طرف نمی‌خواستم رویوش سفیدم را در بیاورم از یک طرف می‌دیدم همه تصور از «دکتر» شدن یک سراب بوده.»

او ادامه می‌دهد: «حالا مسائل دیگری هم داشتم. مثلاً کلنجر اینکه یک دکتر برود در پیتزافروشی کار کند، ولو که گارسن نباشد و عنوان مدیر داخلی را بهش بچسباندند که آزار کمتری ببیند. یا اگر بخوایم صادق باشیم اینکه من که همواره «داداش بزرگ» بودم که پدر و مادرم من و مسیری را که می‌رفتم و زحماتم را به رخ «داداش کوچیک» که درس‌خوان نبود می‌کشیدند، حالا در آستانه ۳۰ سالگی باید در کسب و کار «داداش کوچیک» مشغول به کار می‌شدم. حتی از اینکه به دوست و آشنا و فامیل چی بگم خجالت‌زده می‌شدم. خصوصاً داستان اینست که ما که در ساختار درمانی ایران کار کردیم می‌دانیم چه فاجعه‌ای است از حقوق ماهی ۱۲ میلیون تا شیفتهایی که گاهی ۴۸ ساعت طول می‌کشید تا فحش خوردن از خانواده بیمارانی که فشل بودن ساختار درمانی را از چشم من پزشک می‌دیدند. ولی مردم هنوز هم دیدشان به پزشکی متفاوت از تصویر واقعی آن است و باور نمی‌کنند این ساختار در ایران امروز به شدت پس‌زننده و ناامیدکننده است و مدام علت عدم فعالیت به عنوان پزشک را در وجود تو واکاوی می‌کنند و دنبال عیب و ایرادهای تو می‌گردند.»

فرامرز می‌افزاید: «آن شأنی که در مغز ما از کودکی از پزشک ساخته‌اند دروغ بوده، ارزشی که در تصور ما ساخته‌اند دروغ است. من اگر به چند سال پیش برگردم بهترین سال‌های زندگی‌ام را برای قبولی در رشته پزشکی و هشت سال درس خواندن در دانشگاه تلف می‌کنم. همین افسوس هم بیشتر از بقیه مسائلی که گفتم مرا اذیت می‌کند. با قرص خودم را سر پا نگه داشته‌ام و شاید اگر نگران پدر و مادری که مهم‌ترین دستاورد زندگی‌شان را «دکتر» بودن پسر ارشد می‌دانند نبودم، من هم به مرگ خودخواسته فکر می‌کردم. چون به عقب نگاه می‌کنی و نتیجه می‌گیری حماقت کرده‌ای! امروزت را می‌بینی، تحقیر می‌شوی! آینده هم قطعاً اگر بدتر از این روزها نباشد، بهتر نیست. یعنی هرقدر واکاوی می‌کنی چیزی که تو را به زندگی متصل کند پیدا نمی‌کنی!»

سحر و سعید یک زوج جوان پزشک هستند که در دوران دانشجویی ازدواج کرده و یک دختر هشت ساله دارند. آنها می‌گویند درآمد و شرایط کار پزشکی به حدی دشوار بوده که آنها کار حرفه‌ای خود را رها کرده و در شراکت با یک دختر جوان یک سالن زیبایی تأسیس کرده‌اند.

سحر به «کیهان لندن» می‌گوید: «من هشت سال فقط در دانشگاه درس خواندم، چند سال هم قبل از کنکور. دخترم وقتی نوزاد بود خیلی وقت‌ها در طول روز اصلاً مرا نمی‌دید، صبح زود که خواب بود می‌گذاشتم‌اش پیش مادرم و ساعت ۱۱ و ۱۲ شب که دوباره خواب بود برش می‌داشتم. اینهمه درس خواندیم و سختی کشیدیم و زندگی دانشجویی توأم با فقر و حسرت را سپری کردیم؛ آنوقت حتی نتوانستیم یک زندگی متوسط در ساختار وزارت درمان برای خودمان بسازیم. رفتیم چند دوره پوست و مو دیدیم و حالا کار زیبایی انجام می‌دهیم. در محل کارمان با یک دختر ۲۸ ساله دیپلمه به صورت شراکتی کار می‌کنیم که کار میکروبلیدینگ ابرو انجام می‌دهد و ماشینش از ماشین ما، زوج پزشک، بهتر است. حالا من و همسرم بعد از اینهمه درس خواندن داریم پوست پاکسازی می‌کنیم و موی زائد لیزر می‌کنیم تا خرج زندگی‌مان را در بیاوریم.»

سعید می‌گوید این کار هرچند آن آینده شغلی نیست که او بعد از سال‌ها تلاش و تحصیل در رشته پزشکی برای خودش متصور بوده اما از ماندن در شغل پزشکی بهتر است. او می‌گوید مشکل اصلی ساختاری است که وزارت بهداشت ایجاد کرده و کلیه کارکنان در این ساختار به ویژه نسل جوان و تازه فارغ‌التحصیل را به بیگاری می‌گیرد و در عین حال آنها را مورد تحقیر و سرکوب و حتی به عقیده من در فقر سازمانیافته قرار می‌دهد. این مشکل برای دیگر همکاران کادر درمان هم وجود دارد اما برای پزشکان که سال‌ها مشقت و سختی کشیده‌اند تا فارغ‌التحصیل شوند و تصور یک زندگی با کرامت و احترام و درآمدی در حد کفایت دارند، دشوارتر است.

سعید معتقد است چون مشکل ساختاری است و هر سال بدتر می‌شود قاعدتاً هیچ روزنه امیدیه به بهتر شدن شرایط هم نیست و ماندن در این ساختار به معنای پذیرش یک سرنوشت محتوم از فقر و درماندگی و تحقیر است. شادی از پزشکان جوانی است که قصد مهاجرت به کانادا را دارد تا به گفته خودش از «جهنمی که در آن گیر کرده» رها شود. شادی می‌گوید «پزشکی خواندن در ایران امروز سه انتخاب پیش روی ما می‌گذارد؛ مهاجرت کنیم و خلاص شویم. بمانیم و به سیستم برده‌داری از پزشکان تن بدهیم و تا آخر عمر حسرت بخوریم و آخر هم اینکه به نکبتی که در آن گرفتاریم پایان بدهیم.»

شادی می‌گوید خودکشی پزشکان جدید نیست چون مادرش هم پزشک متخصص است خبر دارد که پدیده خودکشی دانشجویان پزشکی اوایل دهه هشتاد هم اتفاق می‌افتاده اما خیلی کمتر از امروز و چون تعداد کم بوده و گردش آزاد اطلاعات از طریق سوشیال مدیا وجود نداشته، مردم از آن بی‌خبر می‌ماندند. شادی تأکید می‌کند که الان هم خبر خودکشی پزشکان در اکثر موارد از طریق همکاران یا نزدیکانشان در سوشیال مدیا منتشر می‌شود و بعد رسانه‌ها سراغش می‌روند و اگر سوشیال مدیا نبود این پدیده باز هم در بی‌خبری جامعه فراموش می‌شد.

شادی می‌گوید بعد از اتمام تحصیلات احساس می‌کرده وزارت بهداشت او را به بردگی گرفته و راه فرار را هم بسته؛ احساسی که معتقد است اکثر پزشکان جوان دارند. تعهدات مالی و عدم امکان انتخاب محل کار، و توقیف مدارک تحصیلی بخشی از آن «بندهایی» است که شادی می‌گوید

طی می‌کنند تا تحصیلات خود را به پایان برسانند اما از فردای فارغ‌التحصیلی به بن‌بستی می‌خورند که انگار آنها را از خواب بیدار کرده و به کابوسی دائمی در بیداری می‌کشاند.

آرش با وجود معدل بالا و سوابق درخشان در دوران تحصیل و در حالی که رتبه‌ی لازم برای گذراندن تخصص جراحی قلب و عروق را کسب کرده، پس از چند هفته از خواندن تخصص منصرف شده است. او درباره علت انصراف از تحصیل می‌گوید: «من از سن ۱۲ سالگی یعنی دقیقاً ورود به دروان نوجوانی همه تمرکز را روی کنکور گذاشتم. در مجموع همه دوران نوجوانی من به درس خواندن سپری شد. با وجود علاقه زیادی که به ورزش و کوهنوردی داشتم در عمل از ورزش حرفه‌ای فاصله گرفتم تا وقتم را برای تحقق رویای پوشیدن رویوش سفید پزشکی صرف کنم. در سال‌های آخر دبیرستان غالباً سه ساعت در ۲۴ ساعت می‌خوابیدم. نه نوجوانی کردم، نه سفر و مهمانی رفتم و نه حتی در روزهایی مثل عید نوروز تمام و کمال با خانواده خودم وقت گذراندیم. حتی به ندرت خرید می‌رفتم و لباس و کفش و وسایل مورد نیازم را پدر و مادرم تهیه می‌کردند. رتبه خوب در کنکور و قبولی در رشته پزشکی هر چند خستگی سال‌های نوجوانی را از تنم به در کرد ولی حالا درگیر کتاب‌های قطور دانشگاهی شدم. پدر و مادرم هر دو معلم هستند و واقعا هزینه هفت سال دوران دانشجویی مرا به سختی تأمین کردند. مشکلات اما از دوره انترنی و ورود به بیمارستان برای من شروع شد.»

آرش توضیح می‌دهد: «ساختار فاسد وزارت بهداشت و زد و بندهایی که برای افراد دارای پارتی می‌شد تصویر غریبی بود. برخورد‌های توهین‌آمیزی که یک پزشک جوان در بیمارستان چه از طرف کادر بیمارستان و چه از طرف خانواده بیمارانش مشاهده می‌کند زجرآور است. بعد هم طرح پزشکی است که اگر وابسته [به جریان‌ات حکومت] باشی و آشنا داشته باشی یک موقعیت بهتر داری ولی اگر مستقل و شهروندی معمولی باشی به دورافتاده‌ترین استان‌ها و روستاها اعزام می‌شوی. حقوقی هم که دریافت می‌کنی اندازه حقوق یک کارگر بی‌تحصیل و تخصص است که زحمتی برای تحصیل نکشیده و تازه چون سال‌ها پیشتر از تو مشغول به کار شده حتما وضعیت زندگی بهتر و پایدارتری دارد.»

آرش می‌گوید با توجه به چند سال سابقه کار در ساختار درمانی ایران به عنوان انترن و پزشک طرحی، هیچ آینده بهتری را برای اینکه سال‌های بیشتری خودش را درگیر خواندن تخصص کند متصور نیست و نمی‌خواهد بیش از این عمر و پول خود را هدر بدهد.

آرش می‌گوید بسیاری از دوستان و هم‌کلاسی‌هایش دچار همین یأس و دلزدگی هستند. او تعریف می‌کند که در عرض یک سال گذشته پنج نفر از بهترین دوستان پزشک‌اش را بدرقه کرده که به استرالیا و کانادا و اروپا مهاجرت کرده‌اند. او می‌گوید خودش اهل مهاجرت نیست اما در ایران هم واقعا آینده‌ای جز یک روزمرگی پر از اضطراب و فشار کاری شدید و شیفته‌های طولانی و دستمزدی را که حتی پاسخگوی زندگی ساده و مجردی او در تهران نیست نمی‌تواند متصور باشد. او می‌گوید در زندگی خصوصی نیز از برقراری یک رابطه جدی هراس دارد چون یک انتظار عمومی در مردم وجود دارد که وقتی با یک پزشک روبرو می‌شوند در کنارش امکانات و تمول را هم می‌بینند. او حتی برای تأمین هزینه یک تفریح ساده مثل یک سفر سه روزه به شمال هم باید چند هفته برنامه‌ریزی کند و در چنین شرایطی رابطه جدی و ازدواج قطعاً نمی‌تواند در برنامه‌هایش جایی داشته باشد.

## انتخابات دور دوم مجلس شورای اسلامی؛ مردم بار دیگر «نه» گفتند



اردوگاه اصلاح طلبان در حال شکل گیری است. بخش میانه رو اصلاحات در کنار سایر جریانات همسو (کارگزاران، اعتدالیون، مستقلین و...) با حدود ۴۵ کرسی به عنوان اقلیتی قابل قبول وارد مجلس دوازدهم شده‌اند. این عده درحالی که مورد غضب و انگ زنی تندروهای اصلاح طلب قرار گرفته‌اند، انتظار می‌رود بنیانگذار ساختار، هویت، گفت‌وگو و نام جدیدی، برای مدیریت و راهبری سلیق اصلاح طلبانه مردم، همسو با نظام و قانون اساسی باشند.»

در حالی که روز گذشته انتخابات حتی برای شهروندان درون ایران نیز اهمیت نداشت و واکنشی به آن نداشتند اما روزنامه «همشهری» در مطلبی مدعی شده «چشم رسانه‌های خارجی از صبح روز جمعه ۲۲ اردیبهشت ماه به تهران و چند شهر ایران بود؛ شهرهایی که دور دوم انتخابات مجلس در آنها برگزار شد و البته این بار نیز این انتخابات به مانند دور اول به یکی از سؤزه‌های اصلی رسانه‌های خارجی تبدیل شد.»

از سوی دیگر اختلافات در میان جریان اصولگرا که برای انتخابات مجلس به سه دسته‌ی شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی (شانا) و جبهه پایداری با محوریت حمید رسایی، «جبهه صبح ایران» با محوریت علی‌اکبر رائفی‌پور و «امنا؛ شورای وحدت اصولگرایان» شامل گروه‌های سنتی با محوریت جامعه روحانیت و جمعیت مؤتلفه بودند شدید بود.

در دومین دور انتخابات نامزدهای متعلق به جریان علی‌اکبر رائفی‌پور دست بالا در راهیابی به مجلس را داشتند. بیژن نوباوه، ابوالفضل ظهروند، احمد نادری ابراهیم عزیزی سمیه رفیعی پیمان فلسفی پیمان فلسفی سید مرتضی محمودی و زینب قیصری از نامزدهای مورد حمایت «جبهه صبح ایران» بودند که در دور دوم انتخابات از حوزه تهران رأی آوردند. با توجه به اینکه غالب کرسی‌های دوازدهمین دور مجلس شورای اسلامی در اختیار جریان اصولگرا قرار گرفته، به نظر می‌رسد اختلافات میان این جریان در مجلس دوازدهمین نیز برجسته باشد؛ به ویژه اینکه هر یک از این جریانات تلاش خواهد کرد ریاست مجلس و کمیسیون‌های محوری را در دست بگیرد.

(شاهی)، ملایر، کرمانشاه و گنبدکاووس، ۲۲ حوزه انتخابیه‌ای بودند که انتخابات در آنها به دور دوم کشیده شده است. تصاویر و گزارش‌ها نشان می‌دهد دیگر حوزه‌های انتخاباتی نیز شرایطی مشابه تهران داشته و با تحریم انتخابات از سوی مردم روبرو بوده است.

اینهمه در حالیست که جمهوری اسلامی همه تلاش خود را برای باز گذاشتن مسیرهای تقلب انتخاباتی با هدف افزایش مشارکت انجام داده بود. برای نمونه همه افراد واجد شرایط این امکان را داشتند که مانند دور نخست انتخابات با ارائه پنج کارت هویتی در انتخابات شرکت کنند. شناسنامه، کارت ملی، گواهینامه، پاسپورت و گواهینامه مدارک هویتی بود که هر فرد می‌توانست هر بار با یکی از آنها رأی دهد!

سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور دولت ابراهیم رئیسی هم اعلام کرده بود که ۱۱ هزار و ۵۰۰ شعبه اخذ رأی در مرحله دوم انتخابات وجود دارد که ۶۵ درصدشان مربوط به انتخابات الکترونیکی است. شکست حکومت در نمایش انتخابات دوازدهمین دور مجلس شورای اسلامی در حالیست که همچنان جناح اصولگرا و اصلاح طلب به زودخورد برای تصاحب کرسی‌های مجلس و تسویه حساب با یکدیگر مشغول هستند. روزنامه اصولگرای «جوان» در مطلبی نوشته که «گفت‌وگو غالب در اردوگاه اصلاح طلبان بر عبور از نظام تأکید دارد. بخش تندرو جریان موسوم به اصلاحات در این انتخابات در همسویی آشکار با ضدانقلاب (اپوزیسیون) خارج نشین با الگوی علنی عدم شرکت در انتخابات به میدان آمدند که در نوع خود از چندپاره شدن دیدگاه‌های سران اصلاح طلب خبر می‌دهد. تندروهای اصلاحاتی در تقابل با قانون اساسی و با تبعیت از شعارهای تند برخی افراد نظیر «از تاجزاده تا شاهزاده» در ائتلاف با ضدانقلاب سلطنت طلب و براندازان، از نسخه جدید مخالفت با نظام رومانی کرده و عملاً برای ایفای نقش در مدیریت براندازی نظام، به دشمنان بیرونی و سرویس‌های اطلاعاتی و جاسوسی بیگانه چراغ سبز نشان داده‌اند.» این مطلب افزوده که «از سوی دیگر اتفاق مبارکی در

● دور دوم انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی برای انتخاب ۴۵ نماینده از صبح روز جمعه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ در ۱۵ استان و ۲۲ حوزه انتخابیه برگزار شد. ● در دومین دور انتخابات مجلس شورای اسلامی مشارکت به شکل چشمگیری پایین بود بطوری که مشارکت در تهران تنها هشت درصد اعلام شده است.

دومین دور انتخابات مجلس دوازدهم روز جمعه ۲۱ اردیبهشت در حالی برگزار شد که حوزه‌های انتخابیه سوت و کور بود و مردم با عدم مشارکت در انتخابات، بار دیگر به جمهوری اسلامی «نه» گفتند.

دور دوم انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی برای انتخاب ۴۵ نماینده از صبح روز جمعه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ در ۱۵ استان و ۲۲ حوزه انتخابیه برگزار شد. عدم حضور مردم پای صندوق‌های رأی جمهوری اسلامی بار دیگر پیام روشن مردم در دور نخست انتخابات مجلس دوازدهم را به حکومت داد.

در دور نخست انتخابات دوازدهمین دور مجلس شورای اسلامی که همزمان با انتخابات مجلس خبرگان رهبری در یازدهم اسفندماه گذشته برگزار شد تنها ۴۱ درصد از افراد واجد شرایط پای صندوق رأی حضور پیدا کردند. این آمار هم از سوی حکومت مطرح شده و همچنان تحلیلگران زیادی نسبت به درستی آن تردید دارند.

در دور نخست انتخابات ۲۴۵ نماینده از ۲۹۰ نماینده مجلس شورای اسلامی مشخص شدند و رقابت در دور دوم برای راهیابی ۴۵ نماینده در جریان بود که ۱۶ نفر آنها باید از حوزه انتخابیه تهران راهی مجلس شوند.

عدم مشارکت مردم در آنچه به «سیرک انتخابات» نیز معروف است، سبب شد انتخابات مجلس در نیمی از استان‌های ایران به دور دوم کشیده شود. آمارهای اعلام شده حکایت دارد که در دومین دور انتخابات که دیروز برگزار شد هم مشارکت به شکل چشمگیری پایین بوده است.

با اینکه ساعت پایان رأی گیری تا ۱۰ شب تمدید شده بود اما رسانه‌های داخلی میزان مشارکت در پایتخت را ۸ درصد اعلام کردند. رقم مشارکت شهروندان تهران در انتخابات با واکنش‌هایی همراه بود. روزنامه «فرهیختگان» چاپ تهران با کنایه نسبت به رقم مشارکت مردم در تهران نوشته از اعداد غیررسمی که بیرون آمده مشارکت «۸ درصدی» در تهران نشان می‌دهد نمایندگان راه یافته به مجلس با رأی قابل تاملی به بهارستان می‌روند. در دور اول هم نفر اول تا پنجم تهران اندازه نفرات ۳۱ تا ۴۰ انتخابات‌های قبلی رأی گرفته بودند.

در ادامه این مطلب با اشاره به اینکه «در گفتار و منش رهبر انقلاب بدون هیچ استثنایی «میزان مشارکت عمومی» یک قاعده عقلی و قطعی است و هیچگاه برای حاکمیت جمهوری اسلامی امری «تعاریفی و تزئینی» نبوده» نوشته شده که «دلسوزان» باید برای بازگرداندن مردم پای صندوق رأی «فکر و عمل» کنند. محمد پارسا روزنامه نگار نیز در شبکه «ایکس» با اشاره به مشارکت ۸ درصدی در تهران نوشته «عجیب‌ترین و پایین‌ترین نرخ مشارکت در تاریخ انتخابات ایران و جهان رقم خورده و عجیب‌تر اینکه وزیر کشور رئیسی آن را حماسه نامیده! بجای نرخ تورم، مشارکت در انتخابات را تک‌رقمی کردند، فرقی را هم نمی‌دانند...!»

حوزه‌های انتخابیه تبریز، شبستان، میانه، پارس آباد، سمیرم، لنجان، کرج، تهران، ورامین، بیرجند، مشهد، آبادان، رامهرمز، خدابنده، زنجان، شیراز، مرودشت، خرم‌آباد، «قائم‌شهر»



# از ابتدای سال ۱۴۰۲ تا ۱۵ اردیبهشت ۱۷۵ زن توسط مردان خانواده کشته شدند



● در همین بازه زمانی دست کم ۲ مرد مورد خشونت خانگی قرار گرفتند که یکی از آنها توسط همسرش به قتل رسیده است. این آمار مشخص می کند زنان و دختران نسبت به مردان بیشتر در معرض خشونت های خانگی قرار دارند.

● تا پایان دی ماه ۱۴۰۲ استان های تهران (۲۵ مورد)، آذربایجان غربی (۱۳ مورد) و فارس (۹ مورد) بیشترین آمار این نوع قتل های زنان را داشته اند. بیشترین قتل ها نیز در مهرماه ۱۴۰۲ رخ داده که «۱۶ زن و دختر» توسط مردان خانواده به قتل رسیدند.

● برخی از موارد زن گشی نیز در آمارها و مراکزی مانند پزشکی قانونی به عنوان «خودکشی» ثبت می شود.

روزنامه «اعتماد» روز شنبه ۲۲ اردیبهشت از کشته شدن دست کم ۲۳ زن از ابتدای سال تا ۱۵ اردیبهشت توسط مردان خانواده خبر داد و نوشت: «بررسی ها از اخبار رسمی منتشر شده نشان می دهد از ابتدای فروردین تا ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ دست کم ۲۳ زن و دختر توسط همسر، پدر، برادر و خواستگار سابق خود به قتل رسیدند.»

این در حالیست که در همین بازه زمانی دست کم ۲ مرد مورد خشونت خانگی قرار گرفتند که یکی از آنها توسط همسرش به قتل رسیده است. این آمار مشخص می کند زنان و دختران نسبت به مردان بیشتر در معرض خشونت های خانگی قرار دارند.

روزنامه «اعتماد» در ۲۸ بهمن ماه نیز از قتل دست کم ۱۰۰ زن و دختر توسط مردان خانواده طی ۱۰ ماه در ایران خبر داده و نوشته بود: «از ابتدای سال ۱۴۰۲ تا پایان دی ماه ۱۴۰۳ دست کم ۱۰۰ زن و دختر» به بهانه های مختلف توسط مردان خانواده به قتل رسیده اند.»

بررسی های این روزنامه نشان داده بود که استان های تهران (۲۵ مورد)، آذربایجان غربی (۱۳ مورد) و فارس (۹ مورد) بیشترین آمار این نوع قتل های زنان را داشته اند. بیشترین قتل ها نیز در مهرماه ۱۴۰۲ رخ داده که «۱۶ زن و دختر» توسط مردان خانواده به قتل رسیدند.

در همین ارتباط سازمان حقوق بشری «هنگاو» مهرماه گذشته در گزارشی آماری، اعلام کرده بود که در شش ماه نخست سال ۱۴۰۲ دست کم ۵۲ مورد «زن گشی» را در شهرهای مختلف ایران به ثبت رسانده است. از مجموع ۵۲ زنی که در این دوره زمانی به قتل رسیده اند ۱۱ مورد معادل ۲۱ درصد دختران زیر ۱۸ سال بوده اند از جمله سنین ۱۰، ۱۲ و ۱۳ سال!

این گزارش افزوده بود که دست کم ۲۰ مورد از این قتل ها «ناموسی» اعلام شده و در کل موارد شناسایی شده در استان های آذربایجان غربی (ارومیه) ۵ مورد، استان تهران ۴ مورد و استان البرز نیز ۳ مورد ثبت شده است.

همچنین بر اساس آماری که اردیبهشت ۱۴۰۲ توسط روزنامه «اعتماد» منتشر شد، در سال ۱۴۰۱، ۷۷ زن در استان کردستان خودکشی کردند که ۲۱ نفر از آنها دختران زیر ۱۸ سال بودند. ۲۸ مورد از این خودکشی ها با روش حلق آویز کردن صورت گرفته است.

بیشترین آمار خودکشی هایی که در استان کردستان ثبت می شوند به دلیل اختلافات خانوادگی ثبت شده. پس از آن فقر به عنوان دلیل بیشتر خودکشی های این استان گزارش شده است.

بر اساس داده های گزارش منتشر شده در روزنامه «شرق»

دست کم ۱۶۵ زن در ایران در دو سال (۱۴۰۰ و ۱۴۰۱) توسط همسر یا یکی از اعضای مرد خانواده به قتل رسیده اند.

روزنامه «شرق» در گزارشی تحقیقی که روز چهارشنبه ۱۴ تیرماه ۱۴۰۲ منتشر شد اعلام کرده بود که طی دو سال گذشته بطور میانگین هر چهار روز، یک زن در نقاط مختلف ایران به دست یکی از مردان خانواده اش به قتل رسیده است.

علت ۸۷ مورد از ۱۶۴ قتل انجام شده در این مدت، «اختلافات خانوادگی»، ۳۸ مورد «ناموسی» و ۱۰ مورد نیز «مسائل مالی» بوده است.

از این تعداد قتل انجام شده ۴۳ زن به ضرب گلوله کشته شدند، ۳۵ زن خفه شدند، شش زن آتش زده شدند، چهار زن با ضربات متعدد چکش به قتل رسیدند و دو زن از طریق هل دادن کشته شدند.

این همه در حالیست که در شرایط امروز ایران، «قتل های ناموسی» از زنان و مسائل جنسی و فرهنگی مربوط به آنها فراتر رفته و دامان پسرانی را که رفتاری خلاف سنت های رایج و یا تمایلات جنسی دیگری دارند می گیرند.

در بهمن ماه گذشته خبر قتل پسری در رسانه های داخلی بازتاب یافت که توسط پدرش به خاطر رفتار و آرایش زنانه که «آبروی خانواده» را برده بود کشته شد.

با اینهمه از قتل های موسوم به «ناموسی» در ایران آماری وجود ندارد اما برخی گزارش ها و آمارهای غیررسمی نشان می دهد اعضای مذکر خانواده در گوشه و کنار کشور مرتکب این جنایت می شوند. جستجویی ساده همچنین نشان می دهد که قتل های ناموسی در پژوهش های دانشگاهی ایران نیز جایگاهی ندارد. از یکسو مقامات قضایی و سیاست گزاران جمهوری اسلامی علاقه ای به خبرهای مربوط به این قتل ها ندارند و از سوی دیگر مناسبات عشیره ای و قبیله ای در پناه شرع و قانون منجر به پنهان ماندن این قتل ها می شود.

برخی از موارد زن گشی نیز در آمارها و مراکزی مانند

پزشکی قانونی به عنوان «خودکشی» ثبت می شود. فاطیما باباخانی تیرماه گذشته در اینباره به روزنامه شرق گفته بود که «در غیاب قوانین و سازوکارهای قانونی کافی، اغلب شاهد این هستیم که اشکال مختلف زن گشی، به خودکشی تعبیر می شود. انواع مختلف وادارشدن به خودکشی و خودسوزی و وادارشدن به حلق آویز کردن خود و خوردن سم، به عنوان خودکشی مطرح می شود. در برخی موارد هم با کشتن زنان بر اساس موضوعات مبتنی بر ناموس و وانمود و تعبیرکردن این قتل ها به خودکشی روبرو هستیم.»

در همین ارتباط، خبرگزاری دولتی ایرنا در بهمن ۱۴۰۰ به نقل از معصومه قییمی نویسنده و مترجم عربی نوشته بود: «سالهاست که به صورت آشکار خبری از قتل های ناموسی نمی شنویم ولی این قتل ها به صورت خاموش اکثرا در روستاها هنوز ادامه دارد و بیشتر مواقع این قتل ها را به عنوان دختر خودکشی جا می زنند. مثلا می گویند دختر سم خورده. پارسال در عبدالخان گفتند دختری خودسوزی کرده اما بعد شنیدیم که خودشان او را کشته اند. یکی دیگر دختری از بستگان دوستم بود که برادرش او را مجبور کرد اسید بخورد. شنیده ها از این قتل های ناموسی خیلی زیاد است و شاید ماهی یکبار موردی را از دوستان و آشنایان می شنویم.»

این همه درحالیست که قوانین کیفری جمهوری اسلامی برای این قاتلان حاشیه امن به وجود می آورد و در عمل تا تیره ای آنان نیز پیش می رود. «ولی دم» دختری یا زنی که قربانی «قتل ناموسی» می شود باید از مرد یا مردان قاتل شکایت کند. عموما این شکایت ها به دلیل وابستگی های قومی و خویشاوندی به «رضایت» تبدیل شده و در نتیجه قاتل در نهایت به چند ماه حبس محکوم می شود و بعد به زندگی عادی خود باز می گردد. با این توهم بیمار که با دفاع از «ناموس» خود، «لکه ننگ» را از خانواده «پاک» کرده است!

# رشته «امر به معروف و نهی از منکر» در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا؛ هراس اصلی جمهوری اسلامی چیست؟

خیابان‌ها و اماکن عمومی شد.

نیروهایی با عنوان «حجاب‌بان» از سوی شهرداری در خیابان‌ها و ایستگاه‌های مترو و اماکن عمومی مستقر شدند. نیروهای گشت ارشاد زیر نظر نیروی انتظامی نیز از ۲۵ فروردین و با اجرای «طرح سراسری نور» به خیابان‌ها بازگشتند. بعد از کشته شدن مهسا امینی بدست مأموران گشت ارشاد در شهریور ۱۴۰۱، این مأموران در پی اعتراضات گسترده و سراسری مردم جمع‌آوری شده بودند.

از چند روز پیش نیز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیروهایی با عنوان «سفیران مهر» را در خیابان‌ها و اماکن عمومی مستقر کرده است. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان «خراسان رضوی» از آموزش زنانی به عنوان «مبلغان حجاب» خبر داده و گفته آنها بر اساس طرحی به اسم «طرح طوبی» قرار است به تبلیغ حجاب در جامعه بپردازند.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نیمه فروردین در دیدار با شماری از مقامات حکومتی حجاب اجباری را «حکم مسلم شرعی» خواند که نباید از آن صرف نظر شود و در ادامه افزود که «حجاب» یک حکم مسلم قانونی است و «رعایت حکم قانون بر همه واجب است».

او در ادامه ادعا کرد «دشمنان» می‌خواهند وضعیت «حجاب» در کشور را به «پیش از انقلاب» بازگردانند و افزود که دولت و قوه قضائیه در این زمینه مسئولیت دارند و باید «به مسئولیت خود عمل کنند».

پس از این سخنان بود که در یکی از بزرگترین طرح‌های سرکوب زنان با عنوان «طرح سراسری نور» که از ۲۵ فروردین بطور سراسری در کشور آغاز شد که با خشونت بسیار همراه بود و هزاران زن و دختر جوان توسط مأموران حکومتی به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری بازداشت شدند. خشونت بی‌سابقه در این طرح با واکنش‌های بسیاری روبرو شده و برخی مقامات حکومتی از جمله در دولت تلاش کردند این طرح را گردن نگیرند. با اینهمه مشخص شد تصمیم به اجرای این طرح در سطح بالای حکومت گرفته شده و از دولت تا قوه قضائیه برای اجرایی شدن آن هم‌نظر بودند. سردار احمدرضا رادان فرمانده کل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی نیز امروز پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۳ گفت نیروهای انتظامی با حکم مقام‌ها به ویژه ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور، غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه، احمد وحیدی، وزیر کشور و «با حمایت نمایندگان و رئیس مجلس» وارد طرح برخورد برای تحمیل حجاب اجباری شده‌اند. فرمانده کل نیروی انتظامی ادعای دیگر مقامات حکومتی درباره «پوشش اختیاری» را تکرار کرده و گفته «موضوع حجاب و برهنگی و عریانی یکی از دسیسه‌های اساسی دشمن برای نابود کردن خانواده‌هاست و قسم به خون شهدا که حافظ سنگر حجاب هستیم».

اینهمه در حالیست که به نظر می‌رسد ایجاد مأمورانی موازی با مأموران گشت ارشاد نیروی انتظامی، هدفی بزرگتر از مقابله با «پوشش اختیاری» را دنبال می‌کند. تداوم مشکلات اقتصادی و معیشتی، ناکارآمدی مدیریتی جمهوری و تحمیل فشارهای امنیتی و اجتماعی به شهروندان سبب افزایش نارضایتی عمومی شده و ممکن است برآوردن اهداف امنیتی از احتمال بروز یک اعتراضات سراسری دیگر در کشور سبب شده باشد آرایش و استقرار نیروهای حکومتی به بهانه «حجاب» در دستور کار حکومت قرار گرفته باشد.



کوه‌خواری، معدن، شهرسازی یا فاضلاب‌های شهری ورود پیدا کند و یک دکترای مهندسی عمران می‌تواند در حوزه ساخت و ساز و کم‌کاری‌ها و غفلت‌ها و سوء استفاده‌هایی که می‌شود حاکمیت را امر به معروف یا نهی از منکر کند.» به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی طراحی ویژه‌ای برای رسمیت بخشیدن به فعالیت نیروهای تندرو و خودسر که به «آتش به اختیاران» معروفند دارد که دادن مدارک تحصیلی کارشناسی ارشد و دکترا تنها بخشی از آن است.

مهران صمدی از راه‌اندازی و بسایستی با عنوان «میدان مطالبه» نیز خبر داده که قرار است آتش به اختیاران با ثبت‌نام در این وبسایت بتوانند «گروه‌های مطالبه‌گری» را ثبت و برای آنها مجوز دریافت کنند!

او گفته «کسانی که مایلند گروه‌های مطالبه‌گری را تشکیل بدهند می‌توانند به سایت «میدان مطالبه» رجوع کنند و شیوه‌نامه را مطالعه کنند. مرکز پژوهش‌های مجلس هرسال اولویت‌ها و مشکلات هر استان را به تفکیک منتشر می‌کند که گروه‌های مطالبه‌گری می‌توانند با استفاده از همان اولویت‌ها حوزه کاری و مساله را انتخاب و در سایت میدان مطالبه ثبت‌نام کنند که طی ۱۰ روز مجوز خواهند گرفت که این مجوز به صورت قانونی و رسمی از طرف ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور و از طریق استان به دستشان خواهد رسید و رسماً مطالبه‌گری خواهند داشت.»

آنطور که این مقام ستاد امر به معروف توضیح داده «در ستاد امر به معروف و نهی از منکر هم معاونتی به اسم معاونت علمی و آموزشی تشکیل شده است که کار این معاونت تهیه محتوای آموزشی برای گروه‌های مطالبه‌گری است و قرار است واحد درسی تعریف بشود و این واحد درسی در دانشگاه‌ها تدریس بشود.»

نهادهای امنیتی موازی و گروه‌های فشار از جمله بسیج سالهاست در جمهوری اسلامی ایجاد شده‌اند. پس از انقلاب جنبش ملی اما سازماندهی افرادی برای پیشبرد اهداف ایدئولوژیک حکومت در سطح جامعه افزایش یافت. «حجاب» بهانه محدود کردن فضای اجتماعی و امنیتی کردن

رئیس «قرارگاه احیای بینش امر به معروف و نهی از منکر» گفته اعضای هیئت علمی متخصص و علاقمند می‌توانند در زمینه تولید محتوای کتاب‌های آموزشی رشته «امر به معروف و نهی از منکر» همکاری کنند.

وی از راه‌اندازی وبسایتی با عنوان «میدان مطالبه» نیز خبر داده که قرار است آتش به اختیاران با ثبت‌نام در این وبسایت بتوانند «گروه‌های مطالبه‌گری» را ثبت و برای آنها مجوز دریافت کنند!

به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی طراحی ویژه‌ای برای رسمیت بخشیدن به فعالیت نیروهای تندرو و خودسر که به «آتش به اختیاران» معروفند دارد که دادن مدارک تحصیلی کارشناسی ارشد و دکترا تنها بخشی از آن است. همچنین گویا هدف جمهوری اسلامی از تربیت افرادی با راه‌اندازی ساختار آکادمیک تا مقطع دکترا برای «امر به معروف و نهی از منکر» ایجاد ساختاری موازی با ساختار دولت مدرن است که در ایران پس از انقلاب مشروطه بنا نهاده شد.

رئیس قرارگاه احیای بینش امر به معروف و نهی از منکر از راه‌اندازی رشته‌ای با عنوان «امر به معروف و نهی از منکر» در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا خبر داده است.

مهران صمدی رئیس قرارگاه احیای بینش امر به معروف و نهی از منکر گفته که «قرار است رشته‌ای در مقاطع ارشد و دکتری به عنوان رشته امر به معروف و نهی از منکر راه‌اندازی و محتوای درسی در این زمینه تولید شود.»

مهران صمدی افزوده اعضای هیئت علمی متخصص و علاقمند می‌توانند در زمینه تولید محتوای کتاب‌های آموزشی این رشته با ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور همکاری کنند. رئیس قرارگاه احیای بینش امر به معروف و نهی از منکر با ادعای اینکه دامنه امر به معروف و نهی از منکر خیلی گسترده‌تر از موضوع «حجاب» است، افزوده که «اگر امروز به یک هموطن توصیه می‌کنیم که ماسک بزند یا اگر به یک عابر می‌گوییم از خط عابر یا پل عابر پیاده تردد کن داریم امر به معروف می‌کنیم و اگر به یک هم‌وطن می‌گوییم که سفر غیرضروری نرود یا اگر به یک راننده گفته می‌شود که چراغ قرمز را رد نکن یا اگر به یک کاسب توصیه می‌کنیم که گرانفروشی نکند یا اگر به یک همسایه توصیه می‌کنیم که با آب شرب ماشین را نشوید داریم نهی از منکر می‌کنیم.»

این ادعا در حالی مطرح شده که در ساختارهای دولت مدرن، اساسا نهادهای رسمی مانند پلیس راهنمایی و رانندگی، وزارت بهداشت یا شهرداری مسئول چنین مسائلی هستند. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد هدف جمهوری اسلامی از تربیت افرادی با راه‌اندازی ساختار آکادمیک تا مقطع دکترا برای «امر به معروف و نهی از منکر» ایجاد ساختاری موازی با ساختار دولت مدرن است که در ایران پس از انقلاب مشروطه بنا نهاده شد.

رئیس قرارگاه احیای بینش امر به معروف و نهی از منکر هم در بخشی از سخنانش به ایجاد یک نهاد مداخله‌گر موازی با نهادهای رسمی اشاره کرده و گفته «کسی که می‌خواهد امر به معروف و نهی از منکر کند باید دانش داشته باشد. اعضای هیأت علمی در رشته تخصصی خودشان دانش دارند؛ بطور مثال یک دکترای اقتصاد می‌تواند در حوزه‌های احتکار، گرانفروشی و بانکداری ورود کند و یک دکترای محیط زیست می‌تواند در حوزه‌های جنگل‌خواری،



# شیوع ساس در زندان اوین؛ با وجود تکذیب‌ها، زندانیان دیالیزی به همین دلیل در بیمارستان پذیرش نشدند



● ضیا نبوی فعال دانشجویی و زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین در نامه‌ای از زندان، از شیوع ساس در بند هشت این زندان خبر داده و شرح گرفتاری زندانیان با ساس‌ها را روایت کرده است.

● خبرگزاری «میزان» مدعی شده ضیا نبوی «با طرح چنین ادعایی قصد داشته بر مسئولان زندان فشار وارد کند تا تن به خواسته‌های غیرقانونی او از جمله انتقال از اندرزگاه ۸ به اندرزگاه ۴ دهند.»

● بیمارستان «طالقانی» تهران از پذیرش بیماران دیالیزی به دلیل نگرانی از شیوع ساس در بیمارستان خودداری کرده است.

زندانین سیاسی محبوس در بند هشت زندان اوین در حالی از شیوع ساس در این زندان و به خطر افتادن سلامت زندانیان خبر داده‌اند که مقامات حکومتی این خبر را تکذیب کردند. بیمارستان «طالقانی» اما به دلیل ساس‌گزیدگی از پذیرش زندانیان دیالیزی اعزام شده از زندان اوین خودداری کرده است.

ضیا نبوی فعال دانشجویی و زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین در نامه‌ای از زندان، از شیوع ساس در بند هشت این زندان خبر داده و شرح گرفتاری زندانیان با ساس‌ها را روایت کرده است.

این خبر به سرعت با تکذیب جمهوری اسلامی روبرو شد. خبرگزاری قوه قضاییه جمهوری اسلامی، «میزان» در خبری به نقل از «یک منبع آگاه از سازمان زندان‌ها» و با «تکذیب» گزارش ضیا نبوی نوشت که «بازداشتگاه اوین یکی از پاکیزه‌ترین و منظم‌ترین زندان‌های سطح کشور است و از لحاظ بهداشتی در وضعیت مناسبی قرار دارد. بند ۸ این زندان، دارای خشک‌شویی و پتوشویی است و پتوهای زندانیان، بطور مرتب شسته و ضدعفونی می‌شوند.»

خبرگزاری «میزان» مدعی شد ضیا نبوی «با طرح چنین ادعایی قصد داشته بر مسئولان زندان فشار وارد کند تا تن به خواسته‌های غیرقانونی او از جمله انتقال از اندرزگاه ۸ به اندرزگاه ۴ دهند.»

مهدی محمودیان خبرنگار و زندانی پیشین که در زندان اوین محبوس بوده اما در شبکه «ایکس» خبر داد که بیمارستان «طالقانی» تهران از پذیرش بیماران دیالیزی به دلیل نگرانی از شیوع ساس در بیمارستان خودداری کرده است.

مهدی محمودیان در ادامه نوشته «این بیمارستان آلودگی بخش دیالیز به ساس را دلیل این کار اعلام کرده و یک قوطی ساس به عنوان نمونه برای رئیس بهداری اوین فرستاده است.»

مهدی محمودیان پس از انتشار نامه ضیا نبوی نیز در مطلب دیگری در شبکه «ایکس» نوشت: «ج.ا و ارکان آن به دروغ گفت معتاد شده‌اند. در بند ۴ که تماما با پول زندانیان اداره می‌شود و تمیزترین بند اوین است جعفر پناهی بخاطر گزش‌های شدید ساس سه مرتبه به بیرون از زندان اعزام شد و زندان حتی با پول زندانیان توان سمپاشی نداشت؛ چه برسد به بند ۸ که از کثیف‌ترین بندهای اوین است.»

کامبیز نوروززاده زندانی پیشین و فعال حقوق بشر نیز با تأیید وجود ساس در زندان اوین در شبکه «ایکس» نوشته «زمانی که به قرنطینه زندان اوین منتقل شدم به خاطر

گمانم موجزترین توصیف از حس‌وحال همجواری با آنها باشد. یعنی شما ناخودآگاه از هر نوع تماس فیزیکی با جهان پیرامون اعم از خوابیدن در تخت، نشست روی زمین، تکیه دادن به دیوار، به دست‌گرفتن کتاب، پوشیدن لباس و هر فعلی از این دست هراسانی. اینکه ساس‌ها از نور و روشنایی گریزانند و در تاریکی به جنب‌وجوش می‌افتند را اگر به نکته قبل بیافزاییم، روشن می‌شود که چرا خوابیدن در تخت بعد اعلام خاموشی شب چنین موقعیت اضطراب‌آوری است. یعنی شب‌ها که از گزش ساس بی‌خواب می‌شوی مثل هیپنوتیزم‌شده‌ها به هر تاریکی‌ای که ممکن است محل اختفای ساس باشد خیره می‌مانی و لشکر تاریکی را می‌بینی که گهگاه سواری را برای مصاف می‌فرستد.»

او افزوده که «ترس من اما از آنهایی است که آزارنده بودن این موقعیت را به تمامی درک کرده‌اند، ولی آن‌را طبیعی می‌انگارند. اینکه احساس می‌کنند یک چنین رنج ستوه‌آوری جزو طبیعی وضعیت زندانی بودن است و باید که با آن ساخت و کنار آمد. تصویری که زندانبان مشتاقانه بر آن صخه می‌گذارد و عرصه عمومی نیز با بی‌توجهی بدان و مسکوت گذاشتن به تثبیت آن یاری می‌رساند.»

ضیا نبوی همچنین نوشته «آزارهای زندانی بودن عموماً به مسائل کوچک و پیش‌پاافتاده پیوند خورده؛ و اینکه شما زندانی سیاسی باشید هم چیزی به شکوه این رنج نمی‌افزاید. اینکه زندانی‌ها از صدای خروپف یکدیگر کلافه‌اند یا بر سر جای قرار دادن دمپایی‌هایشان با هم بحث می‌کنند و یا در صف فروشگاه و حمام و دستشویی بخشی از عمر خود را می‌گذرانند، چیزی نیست که یک زندانی چندان مشتاق به روایتش باشد. شاید از همین روست که کسی از رنج حقیر جنگیدن با ساس‌ها و خاصه شکست خوردن از آنها چیزی نمی‌گوید و چنین آزار ستوه‌آوری جایی در اخبار مربوط به زندانیان و مصیبت‌هاشان ندارد.»

ساس‌های زیادی که در قرنطینه وجود دارد سه روزی رو که در قرنطینه بودم حتی نتوانستم بخوابم، در بند چهار هم وضعیت بهتری وجود نداشت و بعد از آزادی هم به خاطر گزیدگی ساس دارو مصرف می‌کردم، حتی آقای جعفر پناهی به خاطر وجود ساس راهی بیمارستان شد.»

در نامه ضیا نبوی آمده که «همان اوایل ورودم به بند هشت بود که مهندس (هم‌اتاقی و همسایه تخت بغل) صدایم زد، دو لیوان یکبار مصرف به دستم داد و خواست اگر در طول شب به ساس برخوردم در درونش بیاندازم. قبل‌تر شاهد گفتگوش با یک هم‌اتاقی به ستوه آمده از ساس بودم و می‌دانستم ساس‌های زنده را برای چه می‌خواهد. آن‌روز مهندس مثل همیشه نشست روی تخت طبقه سوم، چیزی شبیه اسپری در دستش بود و می‌گفت محلولی ساخته که ساس‌ها را از بین می‌برد و ضرری هم برای انسان ندارد. بعداً فهمیدم که مهندس شیمی است و آن محلول را هم از بین چیزهای دم دست زندانی ساخته است.»

در ادامه آمده «مهندس شب‌بیداری‌های من از دست ساس را دیده بود و رد گزش آنها روی دست و پاهایم را نیز. حدس زدنش سخت نبود که مایل به مشارکت در تلاش‌هایم هستم؛ خاصه اینکه سم تحویل داده‌شده توسط زندان کم‌اثر بود و بوی آزاردهنده‌ای هم داشت. شب اول مأموریتم در عرض دو ساعت چهارده ساس گرفتم، شب دوم یازده تا. حقیقتش عدد ساس‌ها برای خودم هم شگفت‌آور بود.»

این زندانی سیاسی نوشته «وقتی به ساس‌های محبوس میان لیوان‌های پلاستیکی نگاه می‌کردم و جمعیت احتمالی آنها در بند به ذهنم می‌آمد به خودم می‌گفتم: اینجا زیست‌بوم ساس‌هاست. آنها نیستند که اضافی‌اند، این ما هستیم که باید برویم...»

در بخش دیگری از این نامه آمده «ساس‌ها باعث می‌شوند از لمس‌کردن جهان واهمه داشته‌باشی؛ این به

## فاصله عمیق حکومت و مردم ایران درباره فرزندآوری پیشنهاد حداد عادل برای تأسیس «وزارت جمعیت»



سهم کسانی که معتقدند سن ۹ تا ۱۵ سال سن مناسب ازدواج برای دختران است، تنها ۳/۲ درصد بوده و میانگین سن ازدواج برای دختران از نگاه پاسخگویان، ۲۲/۴ سال بیان شده است. یک موضوع مهم در این نظرسنجی این بوده که کسانی که بی‌سواد محسوب می‌شوند، بیشترین کسانی‌اند که با سهم ۱۶/۳ درصدی، موافق ازدواج دختران در سنین ۹ تا ۱۵ سالگی بوده و قشر دانشگاهی با ۱/۳ درصد، کمترین رأی را به ازدواج دختران در این سنین داده‌اند.

این موضوع در متغیر زمینه‌ای شغل هم نتایج مشابهی داشته؛ یعنی ۷/۴ درصد از کسانی که بیکارند موافق ازدواج دختران در بازه سنی ۹ تا ۱۵ هستند. پاسخ‌دهندگان در استان کهگیلویه و بویراحمد هم با درصد ۸/۷، بیشترین کسانی بوده‌اند که موافق ازدواج دختران در سن کودکی بوده‌اند.

جمهوری اسلامی همچنین بودجه‌هنگفتی را برای اجرای قانون «جوانی جمعیت» اختصاص داده اما با وجود تبلیغات گسترده نتوانسته زیرساخت‌های افزایش جمعیت را بطور واقعی ایجاد کند. بر اساس لایحه بودجه امسال، برای اجرای قانون جوانی جمعیت، ۴۲ هزار میلیارد تومان بودجه در نظر گرفته شده که همه موارد مرتبط با اجرای این قانون را جمع کرده است. بطور مثال، بودجه اختصاصی در نظر گرفته شده برای «دبیرخانه ستاد حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» دو زیرمجموعه دارد؛ تمام بودجه‌ای که برای این ردیف آمده یک هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان است که تمام آن، بابت «ترویج فرهنگ فرزندآوری و اقدامات موثر در راستای جوانی جمعیت» خواهد بود.

یک زیرمجموعه دیگر تحت عنوان «تدوین برنامه ساماندهی روش‌های جایگزین نوین در حوزه ناباروری از جمله رحم اجاره‌ای، فریز تخمک، ساماندهی مراکز ارایه‌دهنده این خدمات» آمده که هیچ بودجه‌ای به این زیرمجموعه تعلق نگرفته است.

«دبیرخانه ستاد حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» در «جدول ۹» لایحه بودجه هم رقم دیگری معادل هزار میلیارد تومان بودجه دریافت خواهد کرد.

این بودجه‌ها که ریز هزینه کرد آنها نیز مبهم است ←

گفته «شبکه‌های اجتماعی، سواد، اشتغال زنان و... موجب تغییرات اجتماعی شده است؛ همانطور که در این پیمایش هم مشخص شده تمایل به فرزندآوری کم شده و حتی زنان خانه‌دار مایل نیستند بیش از دو فرزند بیاورند، نشانه همین تغییرات اجتماعی است و موجب شده جمعیت ایران صعودی نباشد و شیب نزولی داشته باشد.»

این جمعیت‌شناس تأکید کرده «این واقعیت است که نگرش‌های سنتی در همه جامعه ایران وجود دارد، ممکن است تغییراتی کرده باشد اما این نگرش‌ها بسیار در ایران ریشه‌دار است و تغییر آن سخت است.»

او افزوده که «بخشی از پاسخ‌دهندگان این پیمایش، زنان خانه‌دار هستند و خب طبیعتاً آنها کار خانه‌داری زنان را تایید می‌کنند. از طرف دیگر نصف جامعه آماری، مرد هستند و خب بیشتر مردان ایرانی با خانه‌داری زنان موافقت. حتی مردانی که همسران‌شان شاغلند و از نظر اقتصادی نیاز دارند که همسران‌شان شاغل باشند، باز هم می‌گویند زن، خانه‌دار باشد بهتر است.»

اینهمه در حالیست که به ویژه در دولت ابراهیم رئیسی تبلیغات گسترده‌ای برای فرزندآوری انجام شده است که تروی «کودک‌همسری» یکی از آنها بوده است. انسیه خزعلی معاون امور زنان و خانواده‌ی ریاست جمهوری که خودش در کودکی و در ۱۵ سالگی ازدواج کرده از جمله موافقان ازدواج زیر سن قانونی دختران است و بارها در اظهاراتش از چنین ایده‌ای دفاع کرده است.

این در حالیست که نتایج پیمایش حکومتی اخیر نشان می‌دهد ایده‌ها و نظرات مقامات ارشد حکومتی در حوزه اجتماعی، از جمله درباره سن ازدواج و فرزندآوری چه فاصله‌ای با دیدگاه‌های عموم جامعه دارد.

در این پیمایش از پاسخگویان پرسیده شده به نظر شما مناسب‌ترین سن ازدواج برای دختران چه سنی است؟ ۴۵/۵ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که سن ۲۱ تا ۲۵ سال، مناسب ازدواج برای دختران است. ۳۸/۹ درصد از پاسخگویان سن ۱۶ تا ۲۰ سال، ۱۱ درصد سن ۲۶ تا ۳۰ سال و ۳ درصد، ۳۶ سال به بالا را سن مناسب برای ازدواج دختران دانسته‌اند.

● شهلا کاظمی پور جمعیت‌شناس: شبکه‌های اجتماعی، سواد، اشتغال زنان و... موجب تغییرات اجتماعی شده است؛ تمایل به فرزندآوری کم شده و حتی زنان خانه‌دار نیز مایل نیستند بیش از دو فرزند بیاورند که نشانه همین تغییرات اجتماعی است.

● بر اساس لایحه بودجه امسال، برای اجرای قانون جوانی جمعیت، ۴۲ هزار میلیارد تومان بودجه در نظر گرفته شده است.

● غلامحسین حداد عادل رئیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در طرحی کپی شده از کره جنوبی پیشنهاد تأسیس «وزارت رشد جمعیت» را ارائه داده است.

با وجود بودجه‌پاشی هنگفت حکومت برای افزایش جمعیت، نتایج یک پیمایش حکومتی نشان می‌دهد تمایل به فرزندآوری حتی در بین زنان خانه‌دار نیز با کاهش روبروست. در این میان غلامحسین حداد عادل در طرحی کپی شده از کره جنوبی پیشنهاد تأسیس «وزارت رشد جمعیت» را ارائه داده است.

نتایج طرح «موج چهارم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» نشان از کاهش تمایل زنان ایرانی به فرزندآوری دارد؛ کاهش تمایل به داشتن بیش از دو فرزند در میان زنان خانه‌دار هم قابل توجه است.

از پاسخگویان پرسیده شده «آیا تمایل دارید در آینده صاحب فرزند شوید؟»؛ ۵۱ درصد از پاسخگویان تمایل داشتند در آینده صاحب فرزند شوند و ۲۴ درصد، قصدی برای فرزنددار شدن در آینده نداشتند. همچنین ۱۶/۲ درصد گفته‌اند تعداد فرزندانشان کافی است.

مردان با ۵۸/۷ درصد و زنان با ۴۳/۳ درصد، جواب «آری» به این سوال داده‌اند و ۷۹/۴ درصد از کسانی که مجرد بوده‌اند گفته‌اند، تمایل دارند در آینده بچه‌دار شوند اما این عدد در بین متأهلان، ۳۶/۷ درصد بوده است. از بین مشاغل، بیکاران با ۶۶/۳ درصد و ساکنان سیستان و بلوچستان با ۶۶ درصد بیشترین موافقان و ساکنان گیلان با ۳۰/۸ درصد بیشترین مخالفان فرزندآوری بوده‌اند.

شهلا کاظمی پور جمعیت‌شناس درباره نتایج این پیمایش



## فاکس نیوز: افشای یک سایت سرّی پهبادی در شمال قم، مرکز آموزش گروه‌های نیابتی



باند پروازی پایگاه پهبادی «گنجینه» در قم

کارشناسان می‌گویند معافیت‌های تحریمی دولت جو بایدن برای رژیم ایران امکان دسترسی به میلیاردها بودجه برای تقویت تسلیحات نظامی جمهوری اسلامی فراهم کرد. به گزارش فاکس نیوز، بر اساس اسناد محرمانه، وسعت تأسیسات ساخت پهباد ایران از زمان تأسیس آن در سال



پهباد «مهاجر ۶»

۲۰۰۶ سه برابر شده است. این مرکز تنها پنج مایل با شهر قم فاصله دارد و از یک باند ۵۰۰ متری به باند ۱۵۰۰ متری در حال حاضر، گسترش یافته است.

پهباد «مهاجر ۴» که توسط صنایع هوایی قدس ساخته شده و در فرودگاه گنجینه آزمایش شده است، بر اساس اسناد آنلاین فرماندهی آموزش و دکترین ارتش آمریکا بسیار گسترش یافته است

علیرضا جعفرزاده معاون مدیر «شورای ملی مقاومت ایران» (سازمان مجاهدین) در واشنگتن طی مصاحبه با فاکس نیوز از جمهوری اسلامی به عنوان «سر مار» یاد کرد و افزود: «دولت‌های غربی باید بجای سازش و تعامل با حکومت ایران آن را به خاطر فعالیت‌های بدخواهانه‌اش پاسخگو کنند.»

● فاکس نیوز روز شنبه ۱۱ ماه مه (۲۲ اریبشت) گزارش داد، «سازمان مجاهدین خلق» شواهدی از فعالیت یک سایت پهبادی در شمال شهر قم در منطقه «گنجینه» ارائه داده است که آنجا به گروهی از نیروهای شبه‌نظامی از جمله حزب‌الله و نیروهایی از سوریه، یمن و عراق آموزش داده می‌شود.

● کارشناسان می‌گویند معافیت‌های تحریمی دولت جو بایدن برای رژیم ایران امکان دسترسی به میلیاردها بودجه برای تقویت تسلیحات نظامی جمهوری اسلامی فراهم کرد. ● پهباد «مهاجر ۱۰» از جدیدترین نمونه‌های پهباد تولید شده در ایران است که قادر به حمل محموله‌هایی به وزن ۳۰۰ کیلوگرم است و دو هزار کیلومتر بُرد دارد و مخزن سوخت ۴۵۰ لیتری آن قابلیت ۲۴ ساعت پرواز ممتد را دارد.

فاکس نیوز روز شنبه ۱۱ ماه مه (۲۲ اریبشت) گزارش داد، «سازمان مجاهدین خلق» شواهدی از فعالیت یک سایت پهبادی در شمال شهر قم در منطقه «گنجینه» ارائه داده است که آنجا به گروهی از نیروهای شبه‌نظامی از جمله حزب‌الله و نیروهایی از سوریه، یمن و عراق آموزش داده می‌شود.

بر اساس این گزارش «صنایع هوایی قدس» که در فهرست تحریم‌ها قرار داد و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نظامیان در این سایت پهبادی آموزش می‌دهند. بخشی از این آموزش‌ها مربوط به هواپیماهای بدون سرنشین «مهاجر ۴»، «مهاجر ۶» و «مهاجر ۱۰» است.

پهباد «مهاجر ۱۰» از جدیدترین نمونه‌های پهباد تولید شده در ایران است که قادر به حمل محموله‌هایی به وزن ۳۰۰ کیلوگرم است و دو هزار کیلومتر بُرد دارد و مخزن سوخت ۴۵۰ لیتری آن قابلیت ۲۴ ساعت پرواز ممتد را دارد. تحلیلگران می‌گویند توسعه پهبادی در ایران به سمت ساخت پهبادهای مرگبارتر رفته است که قابلیت‌های جنگی بیشتری دارد. در جریان حمله موشکی و پهبادی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اسرائیل صدها فروند پهباد به پرواز درآمد هرچند تقریباً تمام آنها در آسمان رهگیری و منهدم شد.

→ نتوانسته طی سالهای گذشته نرخ فرزندآوری در کشور را افزایش دهد.

قاسم قریشی جانشین رئیس سازمان بسیج مستضعفین به تازگی اعلام کرده که «طبق یک برآورد، اگر وضع فعلی ادامه پیدا کند، نرخ رشد جمعیت ایران در سال ۱۴۰۹ به صفر می‌رسد و در سال ۱۴۲۹ منفی می‌شود و در سال ۱۴۷۹ جمعیت ایران به ۴۲ میلیون نفر کاهش پیدا خواهد کرد.» تقی آزاد ارمکی جامعه شناس در گفتگو با وبسایت «فرارو» درباره عدم تمایل زوج‌ها به داشتن فرزند گفته «مسئله مهم و اساسی، مسئله اقتصادی است. ما در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم و از فرزندآوری صحبت می‌کنیم که در تنگنای اقتصادی قرار داریم. خانواده و دختر و پسر که در طبقه متوسط قرار دارند و اتفاقاً دغدغه فرزندآوری دارند، باید در یک آپارتمان ۳۰ الی ۴۰ متری با اجاره خانه ماهی ۲۰ میلیونی زندگی کنند و شغل مناسب هم پیدا کنند، این موضوع نه فقط در تهران، بلکه در شهرهای دیگر نیز مصداق دارد. در چنین شرایطی، مجاب کردن افراد به این که طلاق نگیرند، حتما ازدواج خود را ادامه دهند، فرزندآوری کنند و سپس فرزند خود را به جایی برسانند، دشوار است.» این جامعه‌شناس افزوده که در سال‌های گذشته، آدم‌ها ازدواج می‌کردند تا بچه دار شوند. آن روزها افراد بچه‌دار می‌شدند تا نان‌آور داشته باشند، اما این روزها فرزند نیروی کار در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه باید برای فرزند هزینه کرد. بسیاری از خانواده‌هایی که یک فرزند دارند نیز، با وجود همه هزینه‌ها، پس از بلوغ فرزندشان یا شاهد مهاجرتش هستند و یا فرزندشان مستقل می‌شود و به دنبال زندگی خود است، بنابراین فرزند امروزی نیروی کار خانواده نخواهد شد. در این میان غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی گفت: «من توجه شما را جلب می‌کنم به خبری که همین روز گذشته در اخبار تلویزیون شنیدم مبنی بر اینکه کره جنوبی با همه پیشرفتی که در صنعت و رشد اقتصادی داشته، الان به شدت با گرفتاری رشد جمعیت روبه رو است و آن‌ها تصمیم گرفتند که یک وزارتخانه برای رشد جمعیت خود ایجاد کنند. امروز بسیاری از کشورهای دنیا به فکر تأسیس وزارت رشد جمعیت افتاده اند ما هم باید هر آنچه که در توان داریم در این مسیر بگذاریم که در آینده دچار این بحران‌ها نشویم.»

روزنامه «هم‌میهن» در سرمقاله روز گذشته خود با کنایه به پیشنهاد تأسیس وزارت جمعیت از سوی حدادعادل نوشته «دلیل اصلی کاهش رشد جمعیت در ایران به‌خاطر آن نیست که وزارت رشد جمعیت نداریم. چراکه اگر قرار بر حل مشکل با تأسیس وزارتخانه بود در عرصه‌های دیگر که الی‌ماشاءالله وزارتخانه و اداره دولتی و نهاد حاکمیتی داریم کاستی و مشکل نداشتیم و در دهه ۶۰ که چنین وزارتخانه‌ای نداشتیم شاهد رشد جمعیت نبودیم. واقعیت این است که سطح دانش عمومی و آگاهی مردم نسبت به حقوق اولیه انسانی که با اراده آنها به دنیا می‌آید بالا رفته و بیم دارند این حقوق را می‌توانند تأمین کنند یا نه. به عبارت دیگر تا ۵۰ سال پیش نگران نبودند که در معرض این پرسش قرار گیرند که چرا مرا به دنیا آوردید و چنین گفت‌وگویی اساساً در نمی‌گرفت.»

در بخش دیگری از این سرمقاله آمده «اگر کره‌ای‌ها به فکر تأسیس وزارت رشد جمعیت افتاده‌اند سالیانی قبل‌تر در امارات متحده عربی وزارت «خوش‌بختی» ایجاد شد. اگر باید به ابتکار یک کشور غیرمسلمان در خاور دور توجه نشان داد و از آن الگو گرفت که وزارت «رشد جمعیت» تأسیس کرده یا در اندیشه آن است چرا نباید به وزارت خوش‌بختی در همسایگی خودمان و در کشوری اسلامی توجه نشان داد؟»

## صادق زیباکلام را «گرفتند» حکومت انتقاد «مخالفان براندازی» را هم تحمل نمی‌کند!



زیباکلام در حالی بازداشت شد که تبلیغات برای کتاب تازه‌ی او تحت عنوان «چرا شما را نمی‌گیرند و آخرش چی میشه» تازه شروع شده بود

قطعی و لازم‌الاجرا شده است. خیرگزاری قوه قضائیه گزارش داد، «وی در سال‌های اخیر اقدام به طرح مطالب خلاف واقع در رسانه‌ها کرده و مطالب بدون ادعا و سند متعددی را در فضای مجازی منتشر کرده است که در پی آن چندین پرونده قضایی برای وی تشکیل شده است که برخی از آنها امروز با قطعیت به مرحله اجرا رسیده است.»

این خیرگزاری همچنین نوشته است: «زیباکلام با رای صادره از سوی دادگاه بابت ارتکاب فعالیت تبلیغی علیه نظام به ۱۸ ماه حبس و ۲ سال محرومیت فعالیت در احزاب، گروه‌های سیاسی و فضای مجازی محکوم شده بود که این حکم قطعی شده است. پرونده دوم این فرد که حکم آن نیز قطعی شده است، مربوط به فعالیت تبلیغی علیه نظام در خصوص انتشار مطالب غیرمستند و غیرواقعی است. وی در این پرونده به یک سال حبس محکوم شده است. یکی دیگر از پرونده‌های قضایی زیباکلام که حکم آن قطعی و لازم‌الاجرا است، نیز مربوط به نشر مطالب خلاف واقع است که وی در این پرونده به شش ماه حبس محکوم شد بود که پس از فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور، این حکم مورد ابرام قرار گرفته است.»

زیباکلام از جمله فعالان سیاسی خودی نظام است که همواره در یادداشت‌ها و مصاحبه‌های خود مقامات جمهوری اسلامی را به دلیل سیاست‌های غلط از جمله صرف میلیاردها دلار هزینه برای فعالیت‌های هسته‌ای یا دشمنی با اسرائیل و آمریکا مورد نقد قرار داده است. وی اما با وجود این انتقادات، همواره مخالفت خود را نه تنها با «تغییر نظام» و «براندازی جمهوری اسلامی» با صراحت اعلام کرده، بلکه به مخالفان رژیم و مدافعان تغییر نظام حمله نیز کرده است. محمد مهاجری فعال سیاسی اصولگرا بعد از بازداشت او در یادداشتی که در روزنامه اصلاح‌طلب

«اعتقاد» منتشر شد، تأکید کرد «زیباکلام تند است اما برانداز نیست.»

زیباکلام که از مدافعان انقلاب ۵۷ و شرکت‌کنندگان در آن بوده و از آغاز در کنار جمهوری اسلامی فعالیت نیز کرده است، ارتباطات نزدیکی با عوامل حکومت دارد و البته با اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیز هم‌کلام می‌شود. برخی این رفتار را یک «ویژگی شخصیتی» و برخی «مدیریت هوشمندانه» برای ایفای نقش او می‌دانند و برخی دیگر او را به آنچه «وسط‌بازی» خوانده می‌شود و به ریا و «دودوزه‌بازی» متهم می‌کنند.

در واکنش به بازداشت این استاد دانشگاه‌های جمهوری اسلامی، سعید حجاریان کارمند سابق وزارت اطلاعات و از تورریسین‌های جریان اصلاحات در «ایکس» نوشت، «خبر بازداشت دکتر صادق زیباکلام فقط تا مدتی می‌تواند دعوای درون محفلی اقتدارگرایان را از سرخط خربا خارج کند. غافل از آنکه کارخانه رسوایی‌های اصولگرایان علیه رفقای‌شان، با محصولات رنگین، چند شیفته به کارش ادامه خواهد داد!»

به هر روی، بازداشت این فعال سیاسی ۷۵ ساله، در مطبوعات و رسانه‌های داخلی بازتاب زیادی داشته است. روزنامه «شرق» در واکنش به بازداشت زیباکلام نوشت، «سیاست جدیدی در مهار رسانه قرار است اعمال شود. به این معنا که اجازه خلق روایتی غیر از روایت رسمی داده نخواهد شد، بنابراین از آنجا که زیباکلام توانایی خلق روایت اول و متفاوت از روایت رسمی را داشت، حکم او اجرا شد، تا از این پس نه او و نه هیچ‌کس دیگر نتواند روایتی غیر از روایت رسمی در اتفاقات مختلف خلق کند.»

روزنامه «شرق» در دفاع نه چندان صریح خود از زیباکلام در بخشی از گزارش خود به «فتار تناقض‌آمیز هواداران پهلوی» نسبت به زیباکلام پرداخته و می‌نویسد: «در

رسانه‌های داخلی در ایران گزارش دادند صادق زیباکلام استاد علوم سیاسی و از چهره‌های نزدیک به جریان اصلاح‌طلب روز ۲۳ اردیبهشت‌ماه «در مسیر نمایشگاه کتاب» بازداشت شد. اما منابع رسمی گزارش دادند وی برای «اجرای حکم قطعی» شخصاً به دادرسی فرهنگ و رسانه تهران مراجعه کرد و از آنجا به زندان منتقل شد.

خبرگزاری قوه قضائیه گزارش داد، «وی در سال‌های اخیر اقدام به طرح مطالب خلاف واقع در رسانه‌ها کرده و مطالب بدون ادعا و سند متعددی را در فضای مجازی منتشر کرده است.»

زیباکلام از جمله فعالان سیاسی خودی نظام است که همواره در یادداشت‌ها و مصاحبه‌های خود مقامات جمهوری اسلامی را به دلیل سیاست‌های غلط از جمله صرف میلیاردها دلار هزینه برای فعالیت‌های هسته‌ای یا دشمنی با اسرائیل و آمریکا مورد نقد قرار داده است. وی اما با وجود این انتقادات، همواره مخالفت خود را نه تنها با «تغییر نظام» و «براندازی جمهوری اسلامی» با صراحت اعلام کرده، بلکه به مخالفان رژیم و مدافعان تغییر نظام حمله نیز کرده است.

روزنامه «شرق» در دفاع نه چندان صریح خود از زیباکلام در بخشی از گزارش خود به «فتار تناقض‌آمیز هواداران پهلوی» نسبت به زیباکلام پرداخته و می‌نویسد: «در میان براندازان، هواداران پهلوی رفتاری کاملاً متضاد با صادق زیباکلام داشتند.»

برخی روزنامه‌نگاران و خبرنگاران و فعالان سیاسی ایرانی که در رسانه‌های خارج کشور فعالیت دارند، یا مصاحبه‌ای با وی داشته یا پای صحبت‌های او نشست‌اند و یا شاگردش در دانشگاه بوده‌اند. شاید به دلیل همین روابط دسترسی وی به تریبون‌های آزاد نسبت به سایر فعالان سیاسی داخل ایران بیشتر بوده و حکومت هم این فضا را به او اجازه داد تا با هزینه‌ی کمتری به اعلام مواضعی بپردازد که هرگز نه تنها در مقابل نظام قرار نداشته بلکه با این حضور در نهایت به سود آن نیز عمل می‌کرده است.

مشخص نیست آیا زیباکلام با توجه به پشتوانه و وابستگی و دلبستگی که به نظام دارد در زندان نگه داشته می‌شود یا نه اما بازداشت وی نیز مانند دیگر بازداشت‌ها و حصرهای خودی‌ها و اصلاح‌طلبان نشان می‌دهد که حکومت حتا تحمل خفیف‌ترین انتقادات را هم از سوی کسانی که مخالف براندازی هستند ندارد.

رسانه‌های داخلی در ایران گزارش دادند صادق زیباکلام استاد علوم سیاسی و از چهره‌های نزدیک به جریان اصلاح‌طلب روز ۲۳ اردیبهشت‌ماه «در مسیر نمایشگاه کتاب» بازداشت شد.

علاوه بر منابع خبری وابسته به اصلاح‌طلبان، کانال‌های تلگرامی نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز نوشته‌اند، زیباکلام در مسیر نمایشگاه کتاب برای روغایی از جدیدترین کتاب خود به نام «چرا شما را نمی‌گیرند؟» بود که دستگیر شد. اما منابع رسمی گزارش دادند وی برای «اجرای حکم قطعی» شخصاً به دادرسی فرهنگ و رسانه تهران مراجعه کرد و از آنجا به زندان منتقل شد.

مرکز رسانه‌های قوه قضائیه جمهوری اسلامی اعلام کرد، زیباکلام دارای پرونده‌های قضایی متعددی است که موجب محکومیت وی شده است، از جمله سه پرونده که احکام آنها



## تحریم چند مقام ارشد نظامی و نهادهای مرتبط با سپاه پاسداران توسط استرالیا



محمدرضا آشتیانی و اسماعیل قآنی

پهپاد رژیم ایران مشارکت داشته‌اند. استرالیا تأکید کرد، تکثیر تسلیحات توسط جمهوری اسلامی و ارسال این فناوری‌ها به گروه‌های نیابتی، سال‌هاست بی‌ثباتی را در سراسر منطقه تقویت کرده است.

از دیگر افرادی که در فهرست تحریم‌های استرالیا قرار گرفتند غلامعلی رشید فرمانده قرارگاه مرکزی «خاتم‌الانبیاء»، امیر حاجی مشاور علی خامنه‌ای و وزیر پیشین دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و مهدی گوگردچیان مدیرعامل شرکت صنایع هواپیماسازی ایران (هسا) هم در فهرست تحریم‌های جدید استرالیا قرار گرفته‌اند.

بر اساس اعلام وزارت خارجه استرالیا، نیروی دریایی سپاه، شرکت طراحی و ساخت موتورهای هواپیما (داما) و شرکت فناوران صنعت ارتباطات سازنده سیستم‌های هدایت موشک نیز تحریم شده‌اند.

نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک ماه پیش از این یک کشتی غیرنظامی مرتبط با اسرائیل (با پرچم پرتغال) را در آب‌های بین‌المللی توقیف کرد. استرالیا خواستار آزادی فوری کشتی و خدمه آن شده است. وزارت خارجه پرتغال پیش از این اعلام کرده بود، هفت نفر از ۲۵ خدمه کشتی «ام‌اس‌سی اریز» را که ۲۵ فروردین ماه در خلیج فارس توقیف شده بود، آزاد کرده است.

وزارت خارجه استرالیا همچنین تأکید کرد که تحریم‌ها به این معناست که دولت این کشور «متعهد به مقابله قوی» با رژیم ایران اسلامی است.

در پایان این بیانیه تأکید شده، «این اقدام در راستای اقدامات تحریمی شرکای ما در هفته‌های اخیر و پس از حمله موشکی و پهپادی بی‌سابقه ایران به اسرائیل در ماه آوریل است. استرالیا به اعمال فشار عمدی و راهبردی بر ایران برای توقف فعالیت‌های مخرب خود و پایبندی به قوانین بین‌المللی ادامه خواهد داد.»

● دولت استرالیا در واکنش به آنچه «رفتار بی‌ثبات‌کننده [رژیم] ایران» خوانده است، تحریم‌های هدفمندی را علیه پنج فرد و سه نهاد جمهوری اسلامی اعمال کرد.

● وزارت خارجه استرالیا در بیانیه‌ای که سه‌شنبه ۱۴ ماه مه (۲۵ اردیبهشت) منتشر شد، محمدرضا آشتیانی وزیر دفاع جمهوری اسلامی و سردار پاسدار اسماعیل قآنی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تحریم کرد.

● در این بیانیه تأکید شد، «سپاه یک بازیگر بدخیم است که مدت‌هاست برای امنیت بین‌المللی و مردم ایران یک تهدید حساب می‌شود.»

● از دیگر افرادی که در فهرست تحریم‌های استرالیا قرار گرفته‌اند، غلامعلی رشید فرمانده قرارگاه مرکزی «خاتم‌الانبیاء»، امیر حاجی مشاور علی خامنه‌ای و وزیر پیشین دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و مهدی گوگردچیان مدیرعامل شرکت صنایع هواپیماسازی ایران (هسا) هستند.

دولت استرالیا در واکنش به آنچه «رفتار بی‌ثبات‌کننده [رژیم] ایران» خوانده است، تحریم‌های هدفمندی را علیه پنج فرد و سه نهاد جمهوری اسلامی اعمال کرد.

وزارت خارجه استرالیا در بیانیه‌ای که سه‌شنبه ۱۴ ماه مه (۲۵ اردیبهشت) منتشر شد، محمدرضا آشتیانی وزیر دفاع جمهوری اسلامی و سردار پاسدار اسماعیل قآنی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تحریم کرد.

در این بیانیه تأکید شد، «سپاه یک بازیگر بدخیم است که مدت‌هاست برای امنیت بین‌المللی و مردم ایران یک تهدید حساب می‌شود.»

تحریم‌شدگان همچنین شامل مقامات ارشد ایرانی، تجار و شرکت‌هایی می‌شوند که در توسعه برنامه‌های موشکی و

میان براندازان، هواداران پهلوی رفتاری کاملاً متضاد با صادق زیباکلام داشتند. از یکسو به او حمله می‌کردند و معتقد بودند که او در زمان رژیم شاه با او مبارزه کرده و به زندان افتاده است. از سوی دیگر اعترافات اجباری او در دوران شاه را بازتاب می‌دادند. از یکطرف به او حمله می‌کردند و می‌گفتند: «زیباکلام سوپاپ اطمینان نظام است که نشان داده شود در جمهوری اسلامی هم می‌توان حرف زد». از سوی دیگر از او حمایت می‌کردند، چون تنها کسی بود که توانسته بود اعلام کند: «رضاشاه به ایران خدمت می‌داد» اما مسئله همین بود که زیباکلام توانایی خلق روایت‌هایی را داشت که روایت رسمی را به چالش می‌کشید.»

در این گزارش البته اشاره‌ای به تناقض‌های صادق زیباکلام در مورد دموکراسی و حقوق مردم نشده است از جمله اینکه او به عنوان «استاد دانشگاه» از آزادی بیان و دموکراسی دفاع می‌کرده اما همزمان اعلام کرده است، «حاضرم برای جلوگیری از سقوط نظام، اسلحه به دست بگیرم.»

روزنامه اصلاح‌طلب «همدلی» علت بازداشت زیباکلام را به سایه بردن دعوای درون محفلی جریان اصولگرا و مشارکت پایین مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی دانسته است. در دو سه سال اخیر زیباکلام بیش از تمام دوران فعالیت خود علیه آن سیاست‌هایی از حکومت که به زبان رژیم تمام می‌شود، موضع گرفت اما شاید یکی از روش‌های او را بتوان نوع بیان مواضعش دانست که تلاش می‌کند هم در مقام دلسوزی برای حکومت از آن انتقاد کند و هم این انتقاد را طوری بیان کند که کمترین دردمر را برایش داشته باشد. از سوی دیگر وی از معدود عوامل سرشناس نظام در داخل ایران است که درباره توسعه ایران در دوران پهلوی‌ها مجوز انتشار کتاب گرفت [کتاب رضاشاه] و گاهی از دستاوردهای دوران پهلوی تمجید می‌کند و همزمان اگر لازم باشد برای اشاره به نقطه ضعف‌های علی خامنه‌ای و اطرافیان او حرفش را خطاب به پهلوی‌ها می‌زند تا به خیال خودش به در گفته باشد تا شاید دیوار بشنود.

برخی در اپوزیسیون تلاش برای جذب افرادی مانند زیباکلام و یا «ریزش» آنها را به زبان رژیم و به سود جنبش نجات و آزادی ایران می‌دانند و معتقدند راه برای پیوستن چنین افرادی به جنبش مردم باید باز باشد ولی برخی دیگر آنها را از جنس نظام و غیرقابل اعتماد ارزیابی می‌کنند.

برخی روزنامه‌نگاران و خبرنگاران و فعالان سیاسی ایرانی که در رسانه‌های خارج کشور فعالیت دارند، یا مصاحبه‌ای با وی داشته یا پای صحبت‌های او نشسته‌اند و یا شاگردش در دانشگاه بوده‌اند. شاید به دلیل همین روابط دسترسی وی به تریبون‌های آزاد نسبت به سایر فعالان سیاسی داخل ایران بیشتر بوده و حکومت هم این فضا را به او اجازه داد تا با هزینه کمتری به اعلام مواضعی بپردازد که هرگز نه تنها در مقابل نظام قرار نداشته بلکه با این حضور در نهایت به سود آن نیز عمل می‌کرده است به ویژه آنکه در مصاحبه با شبکه‌ها و رسانه‌های خارج از ایران مواضع او علیه نظام به شدت خفیف و ملایم می‌شده و بیشتر حالت موعظه و توصیه برای اقناع مخاطبان و ناکار و ناتوان نشان دادن نیروهای مخالف و اپوزیسیون پیدا می‌کرده است. وی همچنین به عنوان یک چهره آکادمیک ارتباط نزدیک با سفارت بریتانیا در تهران دارد.

مشخص نیست آیا زیباکلام با توجه به پشتوانه و وابستگی و دلبستگی که به نظام دارد در زندان نکه داشته می‌شود یا نه اما بازداشت وی نیز مانند دیگر بازداشت‌ها و حصرهای خودی‌ها و اصلاح‌طلبان نشان می‌دهد که حکومت حتا تحمل خفیف‌ترین انتقادات را هم از سوی کسانی که مخالف براندازی هستند ندارد.

## احمد بخشایش اردستانی:

## ما به سلاح هسته‌ای رسیده‌ایم، اما اعلام نمی‌کنیم!



احمد بخشایش اردستانی

مراکز را بازدید کنید یا خود آژانس اعلام می‌کند که کدام مراکز را می‌خواهد بازدید کند.»

این نماینده سابق، فتوای علی خامنه‌ای مبنی بر «حرام بودن مپ اتم» را «گنشگری» دانسته و گفته: «یعنی ما در بدو امر به سمت این مسئله حرکت نمی‌کنیم، معنایش این است که در سیاست‌های دفاعی خودمان جایی برای مپ هسته‌ای نداریم، اما گاهی مواقع شما مجبور می‌شوید و از حالت کنشگری به حالت انفعالی می‌رسید. در واقع فتوای رهبری شامل کنشگری ایران است، ولی وقتی رقیب شما در منطقه مپ هسته‌ای دارد و همواره شما را آزار می‌دهد، دیگر از حالت کنشگری به واکنشی تبدیل می‌شویم. واکنش ایران به بحث هسته‌ای یعنی دارا بودن آن، یعنی دیگر می‌خواهیم راحت بخوابیم.»

اردستانی می‌افزاید: «ایران در حمله اخیر به اسرائیل باید یک پشتوانه داشته باشد، چون اسرائیل مپ هسته‌ای دارد ما هم باید مپ هسته‌ای داشته باشیم که بخواهیم ۳۰۰ مپ به آن‌ها پرتاب کنیم.»

او همچنین توضیح داد: «ما نمی‌خواهیم روسیه و چین را بترسانیم. به هر حال اگر روسیه متحد استراتژیک ما باشد، اگر متوجه شود که ما به سلاح هسته‌ای دست پیدا کرده‌ایم باید در شورای امنیت از حق وتوی خود به نفع ما استفاده کند، اما فکر نمی‌کنم روسیه علاقه داشته باشد که ما سلاح هسته‌ای داشته باشیم. ایران آرام آرام مقدمات اعلام رسیدن به مپ هسته‌ای را فراهم می‌کند.»

وی در پایان این مصاحبه پیش‌بینی کرد: «معتقدم هسته‌ای بودن ایران آرام آرام مورد پذیرش قرار می‌گیرد. زمانی که شما وارد باشگاه هسته‌ای شدید، آنها نیز مجبورند شما را بپذیرند. همین بازدارندگی باعث می‌شود جهان به این فهم برسد که سهم ایران را رعایت کنند. الان خرد جمعی در آمریکا متوجه شد که نمی‌توانند ایران را نادیده بگیرند.»

کنند باید هم‌اورد باشند، هم‌اورد ایران با آمریکا و اسرائیل مفهومش این است که ایران باید هسته‌ای داشته باشد.» بخشایش اردستانی در ادامه توضیح داد: «زمانی که ایران اسرائیل را مورد تهاجم قرار داد، داشت به آمریکا ضربه می‌زد، چرا که مکمل اسرائیل، آمریکا، انگلیس و فرانسه هستند و آمریکا نیز خودش صاحب مپ هسته‌ای است و ایران هم معمولاً بی‌گدار به آب نمی‌زند اگر مپ هسته‌ای نداشته باشد، زیرا ممکن است اگر جنگ شعله‌ور شد طرف مقابل از مپ هسته‌ای استفاده کند.»

وی با بیان اینکه «نیازی نیست که به آژانس اعلام شود که ما مپ هسته‌ای داریم» ادامه داد: «یک جاهایی ایران جملاتی را گفته و بعد آژانس متوجه این موضوع شده است و گاهی ایران خودش اعلام می‌کند که آژانس بازدید داشته باشد. در فضایی که روسیه به اوکراین و اسرائیل به غزه حمله کرده است و ایران هم حامی سرسخت جبهه مقاومت است، طبیعی است که نظام بازدارندگی اقتضا کند که ایران مپ هسته‌ای داشته باشد، اما حالا اینکه ایران اعلام کند، یک بحث دیگر است.»

او در بخش دیگری عنوان کرد: «آژانس اگر بداند ایران مپ هسته‌ای دارد به سرعت اعلام می‌کند، اما حدسیات خود از میزان پیشرفت ایران را بیان می‌کند که ایران فلان زمان نیاز دارد تا به مپ هسته‌ای نزدیک شود و اگر اراده کند که مپ هسته‌ای بسازد، مثلاً دو ماه زمان نیاز دارد.»

اردستانی همچنین عنوان کرد: «من از باب رفتار ایران در قبال آمریکا و اسرائیل احساس می‌کنم که مپ هسته‌ای دست پیدا کرده است، اما اعلام نمی‌کند. مگر بازرسان آژانس به آن جایی برده می‌شوند که ایران در حال ساخت مپ هسته‌ای است؟ ایران کشور بزرگی است و یک میلیون و ۶۴۸ هزار کیلومتر مربع است؛ مگر آژانس را به جایی که در حال ساخت هسته می‌بریم؟ نه به آژانس می‌گوییم فلان

● احمد بخشایش اردستانی یکی از نمایندگان سابق مجلس شورای اسلامی، در مصاحبه با وبسایت «رویداد۲۴» که جمعه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ منتشر شد، عنوان کرد «احساس می‌کنم جمهوری اسلامی به مپ هسته‌ای دست پیدا کرده است.»

● «نیازی نیست که به آژانس اعلام شود که ما مپ هسته‌ای داریم!»

● «من از باب رفتار ایران در قبال آمریکا و اسرائیل احساس می‌کنم که مپ هسته‌ای دست پیدا کرده است، اما اعلام نمی‌کند. مگر بازرسان آژانس به آن جایی برده می‌شوند که ایران در حال ساخت مپ هسته‌ای است؟ ایران کشور بزرگی است و یک میلیون و ۶۴۸ هزار کیلومتر مربع است؛ مگر آژانس را به جایی که در حال ساخت هسته می‌بریم؟»

● «ما نمی‌خواهیم روسیه و چین را بترسانیم. به هر حال اگر روسیه متحد استراتژیک ما باشد، اگر متوجه شود که ما به سلاح هسته‌ای دست پیدا کرده‌ایم باید در شورای امنیت از حق وتوی خود به نفع ما استفاده کند، اما فکر نمی‌کنم روسیه علاقه داشته باشد که ما سلاح هسته‌ای داشته باشیم. ایران آرام آرام مقدمات اعلام رسیدن به مپ هسته‌ای را فراهم می‌کند.»

● «معتقدم هسته‌ای بودن ایران آرام آرام مورد پذیرش قرار می‌گیرد. زمانی که شما وارد باشگاه هسته‌ای شدید، آنها نیز مجبورند شما را بپذیرند. همین بازدارندگی باعث می‌شود جهان به این فهم برسد که سهم ایران را رعایت کنند. الان خرد جمعی در آمریکا متوجه شد که نمی‌توانند ایران را نادیده بگیرند.»

احمد بخشایش اردستانی یکی از نمایندگان سابق مجلس شورای اسلامی، در مصاحبه با وبسایت «رویداد۲۴» که جمعه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ منتشر شد، عنوان کرد «احساس می‌کنم جمهوری اسلامی به مپ هسته‌ای دست پیدا کرده است.»

کمال خرازی، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی در مصاحبه با شبکه «الجزیره» اعلام کرد که جمهوری اسلامی توانایی ساخت مپ هسته‌ای را دارد و تهدید کرد: «اگر مجبور شویم دکترین هسته‌ای خود را تغییر خواهیم داد.» در واکنش به این اظهارات، احمد بخشایش اردستانی عضو هیات علمی «دانشگاه امام صادق» و عضو سابق کمیسیون امنیت ملی، گفت: «فارغ از تحلیل جناب آقای خرازی، احساس می‌کنم زمانی که ایران مواضع آمریکا در عراق را تهدید و با ۱۹ موشک مورد حمله قرار داد و زمانی که ایران ۳۰۰ موشک به سمت اسرائیل روانه کرد، معمولاً در فرهنگ سیاسی اینطور برداشت می‌شود حتماً در محاسبات خودش از یک قدرتی برخوردار است.»

وی در بخشی از این مصاحبه افزود: «به نظر می‌رسد ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا کرده که توانسته با این اطمینان اسرائیل را مورد تهاجم قرار دهد و قبل از آن هم پایگاه آمریکا در عین‌الاسد را مورد تهاجم قرار دهد... به نظر ما به سلاح هسته‌ای رسیده ایم، اما اعلام نمی‌کنیم. یعنی سیاست عملی ما داشتن مپ هسته‌ای است، اما سیاست اعلامی ما فعلاً حرکت در چارچوب سیاست‌های برجام است. به این دلیل چرا که زمانی که کشورها می‌خواهند مقابله



# محمد رسولاف از ایران خارج شد؛ اکنون ساکن «ایران فرهنگی» است؛ نمی دانستند هویت انسان در پاسپورت نیست!

با واکنش گسترده‌ای روبرو شد. کانون فیلمسازان مستقل در بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن این حکم نوشت که «قانون در دستگاه قضایی جمهوری اسلامی، تنها ابزاری برای لجبازی و انتقام‌گیری از مخالفان است.»

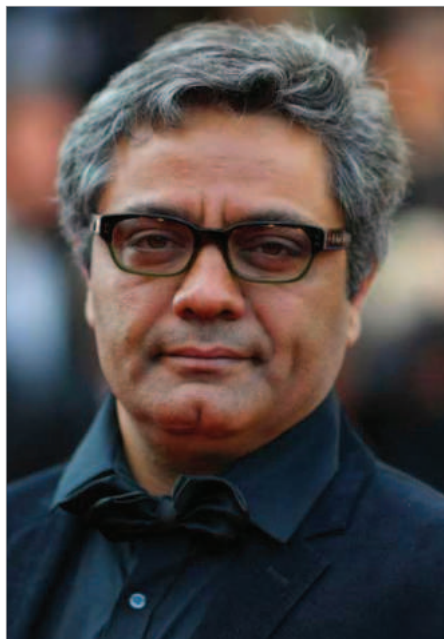
در این بیانیه آمده «بار دیگر حکم قوه قضاییه درباره محمد رسولاف ثابت کرد که قانون فقط ملعبه‌ای برای لجبازی و انتقام‌جویی در دستگاه حقوقی آلوده به فقهات حکومتی است.» کانون فیلمسازان مستقل تأکید کرده که اقتدارگرایان وامانده‌ای که زنان را مورد خشونت قرار می‌دهند، کودکان و نوجوانان معترض را می‌کشند، مردم را تحت فشار تورم اقتصادی می‌گذارند و هنرمندان را سرکوب می‌کنند تا هراس‌های مدام خود را پنهان کنند و بنای قدرت فروریخته‌شان را حفظ و حقارت‌ها و شکست‌های داخلی و خارجی‌شان را جبران کنند. این بیانیه افزوده که برای حکومتی که کودک می‌گردد و هنرمند را به زنجیر می‌کشد، راه بقایی نیست و به زودی بنای پوسیده‌ای که بر خون و رنج مردم استوار کرده، بر سرش آوار خواهد شد. کانون نویسندگان ایران نیز در بیانیه‌ای محکومیت محمد رسولاف را در ادامه «در ادامه موج تازه‌ی هراس‌افکنی و سرکوب آزادی بیان و دیگر آزادی‌های فردی» ارزیابی کرده و نوشته بود: «محاکمه و مجازات لایق بند قبای کسانی است که بیش از چهل سال در پناه حاکمیت به غارت اموال و امنیت و آزادی مردم مشغول بوده و هستند، و نه فیلمساز و کارگردانی که برای بیان اعتراض و آفرینش هنری از حق انسانی، اولیه و اساسی خود، آزادی بیان، استفاده کرده است؛ و نه آن بی‌شمار زنانی که می‌خواهند اختیار پوشش خود را داشته باشند؛ و نه آن انبوه کارگرانی که از حق حیات و معیشت خود دفاع می‌کنند؛ و نه میلیون‌ها جوانی که می‌خواهند صاحب سبک زندگی خود باشند؛ و نه نویسندگان و هنرمندانی که به سانسور و اختناق تن در نمی‌دهند»

در بیانیه کانون نویسندگان ایران آمده بود که «خش مهمی از کرامت انسان در آزادی و با آزادی است که به دست می‌آید و این درست همان نقطه‌ای است که حاکمیت در سالیان دراز مورد حمله قرار داده است. تازه‌ترین نمونه‌ی آن را در صدور حکم حبس و شلاق برای محمد رسولاف شاهدیم.»

محمد رسولاف پس از فاجعه فروریختن ساختمان متروپل آبادان و سرکوب معترضان آبادان، به همراه جمعی دیگر از سینماگران بیانیه «تفنگت را زمین بگذار» را خطاب به نیروهای سرکوبگر امضا کرد. چند روز پس از امضای این بیانیه و در ۱۷ تیرماه ۱۴۰۱ محمد رسولاف و مصطفی آل‌احمد از امضاکنندگان این بیانیه در منزل‌شان بازداشت و به زندان منتقل شدند.

محمد رسولاف همچنین در آبان‌ماه ۱۴۰۲ و به همراه جعفر پناهی به کشته شدن آرمنیتا گراوند، یکی از آخرین قربانیان حجاب اجباری در ایران واکنش نشان داد.

این دو کارگردان در پیامی نوشته بودند: «سوگوار و بهت‌زده اما امیدوار، به نوری که از ایستادگی و آزادی دختران و زنان ایران به این سرزمین می‌تابد، خیره شده‌ایم... به پویایی و تداوم زن، زندگی، آزادی درود می‌فرستیم.» بر اساس برخی گزارش‌ها و روایت‌ها، آرمنیتا، نوجوان ۱۶ ساله، روز ۹ مهر ماه سال ۱۴۰۲ در ایستگاه متروی شهدای تهران به دلیل حمله یک زن چادری بی‌هوش شد، به کما رفت و روز ششم آبان پس از ۲۸ روز بستری بودن در بیمارستان نظامی «فجر» جان باخت.



محمد رسولاف

احکام ارسال شده است. بابک پانیا افزوده «دلیل اصلی صدور این حکم، امضای بیانیه‌ها و ساخت فیلم و مستند است که از نظر دادگاه، این اقدامات مصداق «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور» محسوب می‌شود.» محمد رسولاف در حالی به زندان و شلاق محکوم شده که قرار است با «دانه انجیر معابد» در هفتاد و هفتمین دوره جشنواره فیلم کن شرکت کند. محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دیروز، یکشنبه ۲۳ اردیبهشت، رسولاف را به باز شدن پرونده‌ی جدید قضایی تهدید کرده و گفته بود ساخت فیلم بدون اخذ مجوز از این وزارتخانه یک «تخلف محرز» است و با آن «طبق قانون» برخورد خواهد شد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پاسخ به سوالی درباره تولید فیلم‌های «زیرزمینی» و ارسال آن‌ها به جشنواره‌های خارجی اعلام کرد: «تولید و انتشار چنین فیلم‌هایی خلاف قانون است. هر کجا در جریان باشیم، جلوی آن را خواهیم گرفت. هم ما چنین کاری می‌کنیم و هم نهادهای قانونی که وظیفه دارند. این تخلفات، تخلفات آزردهنده‌ای است که ضرر آن را جامعه سینمایی بیش از دیگران متحمل می‌شوند.»

بر اساس گزارش‌ها تعدادی از عوامل تولید فیلم «دانه انجیر معابد» احضار شده‌اند و با هدف متقاعد کردن رسولاف برای اعلام انصراف از حضور این فیلم در جشنواره کن تحت فشار قرار گرفته‌اند.

«دانه انجیر معابد» داستان یک قاضی دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی است که در میانه اعتراضات سراسری سال ۱۴۰۱، رابطه‌ای پرتردید و پیچیده با اعضای خانواده‌اش دارد و با ناپدید شدن اسلحه‌اش به همسر و دخترانش مظنون می‌شود. این فیلم برای شرکت در بخش رقابتی فستیوال کن، معروف‌ترین جشنواره سینمایی جهان، که هفتاد و هفتمین دوره‌ی آن از سه‌شنبه ۲۵ اردیبهشت آغاز می‌شود برگزیده شده است. محکومیت محمد رسولاف به زندان و شلاق و جزای نقدی

● «از امروز من ساکن ایران فرهنگی‌ام. سرزمینی بی مرز که میلیون‌ها ایرانی با تاریخ و فرهنگی کهن در هر گوشه و کنار جهان آن را ساخته‌اند، و بی‌صبرانه در انتظارند تا شما و دستگاه ظلم‌تان را در قعر تاریخ دفن کنند. آنگاه چون قفنوس از آن خاک زندگی تازه‌ای آغاز خواهد شد.»

● این فیلمساز ایرانی قرار است با «دانه انجیر معابد» در بخش رقابتی هفتاد و هفتمین دوره جشنواره فیلم کن شرکت کند. رسولاف همچنین نوشته باید «به سرعت آخرین مراحل فنی پس تولید «دانه‌ی انجیر معابد» را به پایان» برساند.

محمد رسولاف فیلمساز ایرانی با انتشار پستی در اینستاگرام از خروج خود از ایران خبر داد و نوشت «اکنون ساکن ایران فرهنگی‌ام». این فیلمساز به تازگی در حکمی از سوی دادگاه انقلاب به هشت سال زندان، شلاق، جزای نقدی و ضبط اموال محکوم شده است.

محمد رسولاف با انتشار ویدئویی کوتاه از منطقه‌ای کوهستانی که به نظر می‌رسد در محدوده مرزی اطراف ایران است از خروج خود از ایران خبر داده و نوشته «حکایت آنچه در این راه از سر گذراندم می‌ماند برای وقت بهتری.»

او در صفحه اینستاگرامش مقامات جمهوری اسلامی را خطاب قرار داده و نوشته است: «هفت سال پیش برای چندمین بار پاسپورت مرا گرفتید. دو سال پیش برای چندمین بار به خانم ریختید و هرآنچه توانستید با خود بردید.»

این فیلمساز ایرانی در ادامه نوشته «سال گذشته به همراه وکیلیم بارها به نهادهای مختلف رجوع کردیم اما گفتید حق داشتی پاسپورت را ندارم. نمی‌دانستید هویت من در پاسپورت من نیست.»

محمد رسولاف نوشته «اگر فکر می‌کنید مرزهای ایران در دست شماست در خواب خوشی هستید». وی افزوده «اگر ایران جغرافیایی زیر چکمه‌های استبداد دینی شما رنج می‌کشد ایران فرهنگی در ذهن مشترک میلیون‌ها ایرانی که از ظلم و توحش شما ناچار به ترک ایران شدند زنده است و هیچ قدرتی نمی‌تواند اراده‌ی خود را به آن تحمیل کند.»

او افزوده «از امروز من ساکن ایران فرهنگی‌ام. سرزمینی بی مرز که میلیون‌ها ایرانی با تاریخ و فرهنگی کهن در هر گوشه و کنار جهان آن را ساخته‌اند، و بی‌صبرانه در انتظارند تا شما و دستگاه ظلم‌تان را در قعر تاریخ دفن کنند. آنگاه چون قفنوس از آن خاک زندگی تازه‌ای آغاز خواهد شد.»

رسولاف با اشاره به اینکه «حکایت آنچه در این راه از سر گذراندم می‌ماند برای وقت بهتری» تأکید کرده که «اکنون باید به سرعت آخرین مراحل فنی پس تولید «دانه‌ی انجیر معابد» را به پایان برسانم.»

در پایان متن منتشر شده آمده «قدردان و سپاسگزار دوستان، آشنایان و افرادی هستم که در مسیر دشوار و طولانی این سفر با مهربانی، از خودگذشتگی و گاه به خطر انداختن خود مرا برای خروج از مرز و رسیدن به نقطه‌ای امن یاری کردند... زنده‌ام که روایت کنم...»

هفته گذشته بابک پانیا وکیل محمد رسولاف با انتشار پیامی در شبکه «ایکس» نوشت موکل‌اش به موجب حکم صادره از شعبه‌ی ۲۹ دادگاه انقلاب اسلامی به تحمل هشت سال حبس (۵ سال قابل اجرا)، شلاق، جزای نقدی و ضبط مال محکوم شد. وکیل محمد رسولاف تأکید کرده که این حکم در شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر عیناً تأیید و اکنون پرونده به اجرای

# فیلم‌های محمد رسول‌اف و علی عباسی در بخش رقابتی جشنواره کن



صحنه‌ای از فیلم «دانه انجیر معابد» با «دانه انجیر مقدس» از محمد رسول‌اف

که با تظاهر به قدرت‌نمایی، زنان را مورد خشونت قرار می‌دهند، کودکان و نوجوانان معترض را می‌کشند، مردم را تحت فشار تورم اقتصادی می‌گذارند و هنرمندان را سرکوب می‌کنند تا هراس‌های مدام خود را پنهان کنند و بنای قدرت فروریخته‌شان را حفظ و حقارت‌ها و شکست‌های داخلی و خارجی‌شان را جبران کنند. اما برای حکومتی که کودک می‌گردد و هنرمند را به زنجیر می‌کشد، راه بقایی نیست و به زودی بنای پوسیده‌ای که بر خون و رنج مردم استوار کرده، بر سرش آوار خواهد شد. سینماگران مستقل و آزادخواه، حکم بی‌اعتبار قوه قضاییه علیه محمد رسول‌اف را محکوم می‌کنند و کنار او و همه هنرمندانی می‌ایستند که سانسور حکومتی را به مضحکه می‌گیرند.»

محمد رسول‌اف پس از عباس کیارستمی، اصغر فرهادی، جعفر پناهی، محسن مخملباف، سمیرا مخملباف، ناصر تقوایی، ابوالفضل جلیلی و سعید روستایی، دیگر کارگردان سینمای داخل ایران است که فرصت حضور در بخش رقابتی جشنواره کن و تلاش برای دریافت نخل طلا را یافته است. تنها عباس کیارستمی در سال ۱۹۹۷ با «طعم گیلان» توانست، البته به صورت مشترک با کارگردان ژاپنی، شوهی ایمامورا، نخل طلائی را به دست آورد. البته در دیگر بخش رقابتی جشنواره کن با نام «نوعی نگاه»، محمد رسول‌اف در سال ۲۰۱۷ با «لرد» و در سال ۲۰۱۱ با «به امید دیدار» توانست به عنوان بهترین فیلم انتخاب شود. در همین بخش علی عباسی با «مرز»، جعفر پناهی با «طلای سرخ»، بهمن قبادی با «کسی از گربه‌های ایرانی خبر ندارد»، و آیدا پناهنده با «ناهدی» نیز جوایزی در گذشته دریافت کرده‌اند. امسال حدود ۴۰ فیلم از سینمای ایران به دفتر جشنواره فیلم کن ارسال شد که از آنها ۳۵ فیلم در ایران ساخته شده بودند. فیلم‌هایی در رابطه با مهاجرت، روابط خانوادگی و همچنین داستان‌هایی در رابطه با جنبش «زن، زندگی، آزادی». همه فیلم‌هایی که یک فضای ملتهب با پیش‌زمینه‌های اجتماعی را به تصویر می‌کشند.

جهان پخش شد. علی عباسی با فیلم قبلی‌اش «عنکبوت مقدس» دو سال پیش در کن حضور داشت. زر امیرابراهیمی برای نقش آفرینی در این فیلم که قتل‌های مذهبی در شهر مشهد را روایت می‌کند، برنده جایزه بهترین بازیگر زن هفتاد و پنجمین جشنواره کن شد.

«دانه انجیر معابد» یا «دانه انجیر مقدس» آخرین ساخته محمد رسول‌اف کارگردان معترض ایرانی، داستانی در رابطه با خیزش مردمی «زن، زندگی، آزادی» را روایت می‌کند. این فیلم که بدون مجوز و رعایت حجاب اجباری ساخته شده، داستان یک قاضی دادگاه انقلاب تهران است که در بصبوحه شدت گرفتن اعتراضات سراسری با گم شدن اسلحه‌اش دچار سوء ظن و پارانوئیا حتی نسبت به همسر و دختران جوانش می‌شود. انتشار خلاصه داستان و چند تصویر از فیلم «دانه انجیر معابد» حکایت از این امر دارد که این فیلم محمد رسول‌اف در مسیر کارهای پیشین این سینماگر یعنی ساختن فیلم‌های انتقادی با موضوع‌های اجتماعی کمتر گفته شده در جامعه‌ای است که در آن افرادی پایبند به اصول و ارزش‌های جهانشمول در مقابل سرکوب ساختاری و فساد سازماندهی شده قرار دارند. محمد رسول‌اف در کارنامه سینمایی خود فیلم‌هایی چون «دست‌نوشته‌ها می‌سوزند»، «لرد»، «شیطان وجود ندارد» و «جنایت عمدی» را دارد.

محمد رسول‌اف آخرین بار در تیرماه سال ۱۴۰۱ در پی امضای بیانیه‌ای با عنوان «تفنگت را زمین بگذار»، بازداشت و البته در بهمن همان سال آزاد شد، اما همچنان ممنوع‌الخروج ماند. حکم اخیر ۸ سال زندان برای این کارگردان اعتراض‌هایی را به دنبال داشت. «کانون نویسندگان ایران» خواستار لغو «بی‌درنگ و بی‌قید و شرط» این حکم شده است. «کانون فیلمسازان مستقل ایران» در بیانیه‌ای در این رابطه می‌نویسد: «بار دیگر حکم قوه قضاییه درباره محمد رسول‌اف ثابت کرد که قانون فقط ملعبه‌ای برای لجبازی و انتقام‌جویی در دستگاه حقوقی آلوده به فقاقت حکومتی است. اقتدارگرایان وامانده‌ای

● در هفتاد و هفتمین جشنواره سینمایی کن محمد رسول‌اف با «دانه انجیر معابد» یا «دانه انجیر مقدس» و علی عباسی با «کارآموز» که دوران جوانی دونالد ترامپ را روایت می‌کند، در بخش رقابتی حضور دارند.

● وزیر ارشاد دولت ابراهیم رئیسی حضور فیلم محمد رسول‌اف در کن را «تخلف محرز» خواند و گفت «حتما در سازمان سینمایی طبق قانون برخورد خواهیم کرد تا شاهد چنین اتفاقاتی دیگر نباشیم».

● در روزهای گذشته شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر حکم هشت سال حبس، شلاق، پرداخت جزای نقدی، ضبط اموال و ممنوع‌الخروجی محمد رسول‌اف را تأیید کرده است.

احمد رأفت - هفتاد و هفتمین جشنواره فیلم کن، از مهم‌ترین جشنواره‌های سینمایی جهان، که سه‌شنبه ۲۵ اردیبهشت با اکران «پرده دوم» ساخته کوئنتین دوپیو، فیلمساز فرانسوی افتتاح می‌شود، جمعه ۴ خرداد با انتخاب بهترین‌ها به کار خود پایان خواهد داد. در بخش اصلی و رقابتی جشنواره امسال کن، محمد رسول‌اف با آخرین فیلم خود «دانه انجیر معابد» که بدون رعایت سانسور اجباری و بدون مجوز ساخته شده است نیز حضور دارد.

علی عباسی، کارگردان ایرانی- دانمارکی نیز در همین بخش با «کارآموز» برای به دست آوردن «نخل طلائی» با کارگردانان صاحب نامی چون فرانسیس فورد کوپولا، پائولو سورنتینو، یورگوس لانتیموس، دیوید گرونبرگ، و همچنین آگاته رایدینگر رقابت می‌کند. «کارآموز» علی عباسی در رابطه با سال‌های جوانی رئیس جمهور سابق (و شاید آینده) آمریکا دونالد ترامپ است. داستان این فیلم درباره دوره ابتدایی فعالیت‌های تجاری دونالد ترامپ در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی در نیویورک است، و بر روابط او با وکیل پرحاشیه‌ای به نام روی کوهن تمرکز دارد.

«کارآموز» عنوان برنامه‌ای تلویزیونی با اجرای دونالد ترامپ بود که در ۱۵ فصل در آمریکا و بسیاری از کشورهای



## «می ناب: نکوداشت خیام» در پاریس



۲۰۲۴ از وی منتشر شده است.

و علاوه بر اجراهای روی صحنه، مجموعه‌ای از ویدیوهای موسیقی را نیز با همکاری نهادهایی معتبری نظیر تئاتر شانزله‌لیزه، فیلامونی پاریس و موزه ملی هنرهای آسیایی-گیمه منتشر کرده است.

آنوشا نظری می‌گوید: «هنرمند در زبان و سرزمین مادری خود خیلی بیشتر امکان رشد و شکوفایی دارند. اما جایی که محدود باشد هیچ هنری شکوفا نمی‌شود. بی‌شک دوست داشتم در ایران زندگی و همانجا برنامه اجرا می‌کردم و می‌خواندم اما این امر ممکن نبود.»

وی می‌افزاید: «در شهری مانند پاریس که هنر محدود و سانسور نمی‌شود شما در آزادی با رفتن به کنسرت‌ها، گالریها و مراکز فرهنگی به راحتی می‌توانید ایده‌های تازه خلق کنید و امکان رشد دارید.»

آنوشا اکنون هشت سال است که خارج از ایران زندگی می‌کند و با اینکه می‌تواند در حوزه آواز کلاسیک تماماً هنر خود را وقف کشور میزبان کند اما علاقه و پیوند او به زبان مادری، متون ادبی و اشعار فارسی از وی جدا نشدنی است. از همین رو تلاش میکند تا با اشعار فارسی و ملودی‌های ایرانی پیوندی میان موسیقی شرق و غرب ایجاد کرده و آثار مدرنی خلق کند. او با الهام و وفاداری به کارهای ماندگار نسل پیشین آهنگسازان کلاسیک ایرانی، آرام آرام زبان خویش را یافته و جایی برای خود در جهان موسیقی باز کرده است.

آنوشا نظری جزو نسل جوان ترک وطن کرده است. سرزمینی که آواز زن را در آن ممنوع کرده‌اند و او که شیفته آواز کلاسیک است در پاریس با فرستگ‌ها فاصله از سرزمین مادری به روی صحنه می‌رود و به زبان فارسی اشعار خیام و سعدی را می‌خواند.

آنوشا نظری و همراهانش کنسرت شب سوم ماه مه را به توماج صالحی و همچنین به تمام هنرمندان در بند در جهان تقدیم کردند.



این کنسرت به بهانه انتشار آلبوم «In Vino Veritas. Hommage à Khayam» می‌ناب: نکوداشت خیام» که توسط موسسه فرهنگی «گندی شاپور» با مشارکت سازمان ملی هنرهای زیبای فرانسه تهیه و منتشر شده است برگزار شد. این آلبوم که شامل آثاری برای خواننده کلاسیک (متزو سوپرانو)، کلارینت و پیانو است، آثار چهار آهنگساز ایرانی، آسو کهزادی، روزبه رفیعی، بصیر فقیه نصیری و مهدی پناهی را گرد آورده که برای خلق این اثر همکاری کرده‌اند. این آلبوم گرامیداشت شاعر قرن یازدهم میلادی خیام است که در اشعارش به مفاهیمی چون شراب، عشق و جستجوی ابدی لحظه حال می‌پردازد.

آنوشا نظری در تهران به دنیا آمد و دوران کودکی و نوجوانی خود را در شمال ایران سپری کرد. وی از کودکی به لطف پدرش که بسیار علاقمند به موسیقی کلاسیک بود با آثار بزرگان جهان موسیقی کلاسیک آشنا و از همان کودکی شیفته آواز اپرا و علاقمند به این نوع موسیقی گردید. آنوشا نظری فارغ‌التحصیل رشته معماری از دانشگاه مازندران است. اما به موازات تحصیل در رشته معماری، موسیقی را نیز بطور خصوصی آموزش می‌دیده است. وی می‌گوید با اینکه رشته معماری بسیار در شناخت بهتر و وسیع‌تر از هنر به او کمک کرده، اما موسیقی را به عنوان حرفه‌ی اصلی خود انتخاب کرده است.

این هنرمند دیرتر وارد گروه گُر محلی و سپس وارد ارکستر سمفونیک تهران شد. اما او که آرزوی آواز خواندن به عنوان سولیست را در سر داشت سرانجام ارکستر سمفونیک تهران و همخوانی در گروه گُر را ترک کرد و راهی فرانسه شد.

آنوشا نظری از سال ۲۰۱۶ ساکن پاریس است و در همین کشور نیز تحصیلات خود را در رشته موسیقی به اتمام رسانده و در سال‌های مشهوری همچون فیلامونی مونیخ و سالن کورتو اجرا داشته است. او با هنرمندان گوناگون همکاری کرده و تا کنون دو آلبوم موسیقی با نام «نوی نیکان» در سال ۲۰۲۱ و «می ناب: نکوداشت خیام» در سال



● آنوشا نظری خواننده آواز کلاسیک با همراهی لوریان گرنی پیانیست و آموری ویدوویه نوازنده کلارینت در شب سوم ماه مه در سالن «کورتو» به روی صحنه رفت و آثاری ساخته شده برای آواز متزو سوپرانو پیانو و کلارینت بر اشعار فارسی را اجرا کرد.

● این کنسرت به بهانه انتشار آلبوم «In Vino Veritas. Hommage à Khayam» می‌ناب: نکوداشت خیام» که توسط موسسه فرهنگی «گندی شاپور» با مشارکت سازمان ملی هنرهای زیبای فرانسه تهیه و منتشر شده است برگزار شد.

● آنوشا نظری و همراهانش کنسرت شب سوم ماه مه را به توماج صالحی و همچنین به تمام هنرمندان در بند در جهان تقدیم کردند.

کتایون حلاجان - روز سوم ماه مه سالن «کورتو» در پاریس میزبان مخاطبان بسیاری بود که به تماشای کنسرت رومانی از آلبوم «می ناب: نکوداشت خیام» آمده بودند. سالن «کورتو» چند سال پس از ساختن تئاتر شانزله‌لیزه در سال ۱۹۲۶ توسط معمار سرشناس فرانسوی «آگوست پره» طراحی شد. سالن «کورتو» در فضای آکوستیک فوق‌العاده‌ی خود نزدیک به ۱۰۰ سال است که پذیرای بزرگترین نام‌های موسیقی کلاسیک است.

آنوشا نظری خواننده آواز کلاسیک با همراهی لوریان گرنی پیانیست و آموری ویدوویه نوازنده کلارینت در شب سوم ماه مه در سالن «کورتو» به روی صحنه رفت و آثاری ساخته شده برای آواز متزو سوپرانو پیانو و کلارینت بر اشعار فارسی را اجرا کرد.

کنسرت در دو بخش اجرا شد. در بخش اول، آلبوم «می ناب: نکوداشت خیام» بر روی اشعار خیام با آواز کلاسیک (اپرا) همراه با پیانو و کلارینت و در بخش دوم آثار شیدا قرچه داغی (اولین زن آهنگساز کلاسیک غربی ایرانی) بر روی اشعاری از سعدی، باباطاهر، فروغ فرخزاد و احمد شاملو با آواز کلاسیک و پیانو اجرا شد.

## «روز جهانی پرستار»؛ پرستاران ایرانی از سندرم «کاروشی» تا دستمزدهای ناچیز



تجمع اعتراضی پرستاران در شهر «فسا» - دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

محمد شریفی مقدم در اینباره به «اعتماد» گفته «استاندارد جهانی اروپا، ۱۰ پرستار به ازای هزار نفر جمعیت است که البته در بعضی کشورها مثل بلژیک و دانمارک، به ازای هزار نفر جمعیت حدود ۱۱ یا ۱۲ پرستار دارند که قطعاً با چنین وضعی، خدمت رسانی در این کشورها در سطح بسیار مناسبی است. استاندارد سازمان بهداشت جهانی هم حداقل ۳ پرستار و به طور میانگین، ۵ الی ۶ پرستار به ازای هزار نفر جمعیت است که امروز در کشورهای گرجستان و ارمنستان که از نظر کیفیت و سطح خدمات پزشکی، سالها از ما عقب‌ترند این استاندارد رعایت می‌شود در حالی که طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی، در سال ۲۰۱۸ در ایران ۱/۶ پرستار به ازای هزار نفر جمعیت فعال بوده و در واقع، تعداد پرستاران ما، معادل نصف حداقلی است که سازمان بهداشت جهانی تعیین کرده است.»

محمد شریفی مقدم می‌گوید: «حتی برابری تعداد پرستار و تخت بیمارستانی هم نشان می‌دهد که تعداد پرستار در کشور ناکافی است چون به ازای هر تخت بیمارستانی باید ۲/۲ پرستار فعال داشته باشیم که از این تعداد، ۰/۴ نفر، نیروی غیرحرفه‌ای و کمک‌بهبار است و بنابراین، برای هر تخت بیمارستانی باید ۱/۸ پرستار داشته باشیم که امروز این عدد به‌طور میانگین ۱/۱ است.»

جدا از کمبود پرستار که فشار کاری مضاعفی را به پرستاران وارد و حتی «جان» آنها را به بازی گرفته، پرستاران حقوق ناچیزی هم دریافت می‌کنند بطوریکه به گفته محمد شریفی مقدم، «امروز در ایران، پرستاران کمترین حقوق را نسبت به کارکنان دولت می‌گیرند و حقوق ثابت پرستاران، حتی از حقوق معلمان هم کمتر است با وجود آنکه در تمام کشورها، پرستاری به عنوان یک شغل سخت، استرس‌آور و پر خطر شناخته می‌شود.»

کاروشی، عبارت از سکنه قلبی و سکنه مغزی ناشی از فشار روانی و رژیم لاغری است. این پدیده، علاوه بر ژاپن، در کره جنوبی و چین نیز شایع است و به نظر می‌رسد اکنون در ایران نیز در میان پرستاران شایع شده است.

محمد شریفی مقدم دبیرکل خانه پرستار روز گذشته در گفتگو با روزنامه «اعتماد» با اشاره به جان باختن سه پرستار طی یک ماه و در پی سندرم «کاروشی» تأکید کرده بود که بیشتر پرستاران در ایران به ویژه مردان پرستار، ناچارند که علاوه بر شیفت روزانه، شیفت عصر را هم کار کنند، چون مخارج زندگی‌شان با یک شیفت کار تأمین نمی‌شود و این موضوع، موجب خستگی زیاد ناشی از کار خواهد شد. وبسایت «تجارت نیوز» در گزارشی با اشاره به مرگ پرستاران طی سندرم «کاروشی» نوشته افزایش حجم کار از یکسو و دغدغه معاش، پرستاران در سراسر کشور را آسیب‌پذیر کرده است.

«تجارت نیوز» گزارش داده که در ایران تعداد پرستاران با توجه به برآورد خانه پرستار یک‌دهم استاندارد اروپا و یک‌پنجم کشورهایمانند آذربایجان و گرجستان است. به گفته مقامات این سازمان، علاوه بر فشارهای معمول در این شغل، پرستاران در ایران مجبور به اضافه‌کاری اجباری طولانی می‌شوند. پیشتر یک مسئول سازمان نظام پرستاری مرگ ۱۷ پرستار بر اثر خستگی مفرط مژمن در سال‌های گذشته را تأیید کرده بود.

تعداد کم پرستار در ساختار درمانی ایران سبب تشدید فشار مضاعفی بر این قشر شده بطوری که مدیران بیمارستان‌ها و کلینیک‌ها پرستاران را مجبور به کار در شیفت‌های طولانی کرده و همواره تهدید «اخراج» در صورت عدم پذیرفتن شرایط دشوار کاری را به کار می‌گیرند.

● مدیران بیمارستان‌ها و کلینیک‌ها پرستاران را مجبور به کار در شیفت‌های طولانی کرده و همواره تهدید «اخراج» در صورت عدم پذیرفتن شرایط دشوار کاری را به کار می‌گیرند.

● در یک ماه گذشته سه پرستار و در سال‌های اخیر ۱۷ پرستار به دلیل سندرم «کاروشی» جان خود را از دست دادند.

● دستمزد پرستاران رسمی و استخدام شده ۱۶ میلیون تومان و حقوق پرستار شرکتی و پیمانی حدود ۱۲ میلیون تومان است که با دلار ۶۰ هزار تومانی، حقوق ۱۲ میلیون تومانی معادل ۲۰۰ دلار است.

«روز جهانی پرستار» امسال با خبر جان باختن سه پرستار در ایران به دلیل فشار کاری بالا همراه بود. همچنین اعتراضات پرستاران در شهرهای مختلف ایران به شرایط دشوار شغلی، دستمزدها ناچیز و ساختار ناکارآمد وزارت بهداشت ادامه دارد.

روز ۱۲ ماه مه برابر با ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۲ همزمان با زادروز فلورانس نایتینگل که در نیمه قرن نوزدهم بانی پرستاری نوین شد، و با هدف قدردانی از پرستاران و پاسداشت زحمات آنها در نقاط مختلف جهان به عنوان «روز جهانی پرستار» نامگذاری شده است.

امسال در ایران این روز با خبری تکاندنده از جان باختن سه پرستار به دلیل فشار کاری بالا مصادف شد. محمد شریفی‌مقدم دبیرکل خانه پرستار گزارش داده که طی یک ماه گذشته، دست‌کم سه پرستار «در خواب» و به دلیل سندرم «کاروشی» جان خود را از دست داده‌اند.

«کاروشی» در زبان ژاپنی به معنای مرگ ناشی از کار زیاد است، سندرومی به همین نام، به مرگ ناگهانی ناشی از کار حرفه‌ای گفته می‌شود. دلیل پزشکی اصلی مرگ‌های



## به دلیل واردات بی‌رویه چای خارجی، ۵۰ درصد از ظرفیت تولید چای ایرانی از بین رفته است



کشاورز و هم کارخانه‌دار چای داخلی را زمین می‌زنند. ما از دولت تقاضا داریم که مانع واردات بی‌رویه چای خارجی شود تا کارخانه‌دار و کشاورز، دلگرمی ادامه کار داشته باشند.»

این کشاورز درباره تاثیر چای «دبش» و عرضه چای تاریخ مصرف گذشته در بازار بر صنعت چای ایرانی گفت: «چای سنوات ۸۳ و تاریخ مصرف گذشته را رنگ و اسانس زدن و به اسم چای ایرانی به بازار عرضه کردند. این موضوعات، صنعت چای ایرانی را نابود می‌کند. بهترین چای در داخل تولید می‌شود، اما برخی چای خارجی بی‌کیفیت و تاریخ مصرف گذشته وارد کشور می‌کنند. مردم هم با خود می‌گویند، این چای، چای شمال و چای لاهیجان است؟ دیگر نمی‌دانند چایی که استفاده می‌کنند، چای ایرانی نیست و چای تاریخ گذشته است.»

این کشاورز با بیان اینکه قبل از انقلاب به کشاورز وام و کود می‌دادند تاکید کرد: «با این وضعیتی که در حال حاضر داریم فرزندانمان کشاورزی را رها می‌کنند و زمین‌ها را می‌فروشند و این ۵۰ درصدی هم که از صنعت چای ایرانی باقی مانده است، از بین می‌رود و باید دستانمان را جلوی بیگانگان دراز کنیم.»

وی با اشاره به اینکه بیمه خسارت چایکاران را پرداخت نمی‌کند توضیح داد: «اگر محصول روی دست کشاورز بماند، بیمه پولی به ما نمی‌دهد. ما فقط بیمه خشکسالی هستیم که همان را هم پرداخت نمی‌کنند. اگر هم کارشناس بیمه بیاید و کشاورز ۱۰۰ درصد و معادل ۱۰۰ میلیون آسیب‌دیده باشد، بعد از معطلی‌های طولانی حتی ۵ میلیون تومان هم به ما پرداخت نمی‌کنند. ما حتی بیمه کاری و تامین اجتماعی هم نیستیم در حالی که باید دولت همه کشاورزان را بیمه کند.»

این چایکار اهل استان گیلان با تاکید براینکه

● یک چایکار از استان گیلان: «با این وضعیتی که در حال حاضر داریم فرزندانمان کشاورزی را رها می‌کنند و زمین‌ها را می‌فروشند و این ۵۰ درصدی هم که از صنعت چای ایرانی باقی مانده است، از بین می‌رود و باید دستانمان را جلوی بیگانگان دراز کنیم.»

● «ما باید برای برداشت چای دلگرمی داشته باشیم. ما کشاورز هستیم و به این پول نیاز داریم. کود را آزاد می‌خریم و نیاز داریم که پول به دست بیاوریم که خرج خانواده خود کنیم. کارخانه هم حق دارد. نمی‌تواند محصولی که از ما خریده است را بفروشد. واردات بی‌رویه چای خارجی مانع فروش چای ایرانی می‌شود.»

● مدیر اجرایی سندیکای کارخانه‌های چای شمال، ۲۵ فروردین به خبرگزاری ایلنا گفته بود: «پیش از سال ۱۴۰۱ هیچگاه مطالبات چایکاران از دولت از سال ۱۰۵ به سال بعد منتقل نمی‌شد اما در سال ۱۴۰۲، ۱۰۵ میلیارد تومان از مطالبات آنها به سال ۱۴۰۳ منتقل شده است.»

به گفته یک چایکار اهل استان گیلان هم‌اکنون ۳۰ تا ۵۰ درصد از ظرفیت تولید چای ایرانی بر اثر بی‌اعتنایی به چایکاران و مشکلات از بین رفته و اگر دولت تغییر کاربری به زمین‌ها بدهد، همان مقدار باقیمانده هم از بین خواهد رفت.

یک کشاورز چایکار اهل استان گیلان با بیان این مطلب به وبسایت «رکنا» گفت: «واردات چای خارجی زمین کشاورزی، کشاورز و کارخانه‌دار را زمین زده است. چای خارجی وارد می‌شود و در داخل، کارخانه‌دار چای ایرانی را بفروشد. این در حالی است که ضعیف‌ترین، بدترین و ارزان‌ترین چای ایرانی، بهترین چای خارجی محسوب می‌شود. چای ایرانی صد درصد ارگانیک و سالم است، اما متأسفانه چای خارجی وارد می‌کنند و هم

محمد شریفی مقدم تاکید کرده دستمزد پرستاران رسمی و استخدام شده ۱۶ میلیون تومان و حقوق پرستار شرکتی و پیمانی حدود ۱۲ میلیون تومان است که با دلار ۶۰ هزار تومانی، حقوق ۱۲ میلیون تومانی معادل ۲۰۰ دلار است و حتی پرستارانی که سه شیفت در روز کار می‌کنند، حقوق پایان ماه‌شان معادل ۹۰۰ دلار است.

کیهان لندن اسفندماه گذشته در گزارشی به اختلاف دستمزد پرستاران در ایران با دیگر کشورهای منطقه و جهان پرداخته بود که نشان می‌داد چرا پرستاران از جمله اقشاری هستند که با نرخ بالایی در حال مهاجرت از کشور هستند. بر اساس این گزارش، پرداخت بابت یک ساعت اضافه‌کاری به هر پرستار، بین ۱۳ تا ۲۰ هزار تومان است. یعنی معادل ۳۰ تا ۵۰ سنت! رقمی که حتی بدون نیاز به مقایسه با رقم موجود در سایر کشورهای منطقه و جهان، غیرمنطقی و به شوخی شبیه است.

مقایسه دریافتی پرستاران در ایران با دیگر کشورها شاید توضیح دهنده علت مهاجرت گروهی پرستاران در ایران به دیگر کشورها باشد. در کشور مالزی که یکی از کشورها با سطح دستمزد کم به شمار می‌رود پرستاران برای هر ساعت اضافه‌کاری ۱/۵ برابر دستمزد یک ساعت کار و رقمی حدود ۱۰ دلار دریافت می‌کند.

در امارات متحده عربی هر ساعت کار پرستاران تعرفه‌ای معادل ۴۰ دلار در ساعت دارد که در صورت پذیرش شیفت اضافه‌کاری از سوی پرستاران به رقم دستمزد ساعتی، ۲۵ تا ۵۰ درصد افزوده می‌شود که در مجموع دستمزد هر ساعت اضافه‌کاری را تا ۶۰ دلار افزایش می‌دهد.

در استرالیا که یکی دیگر از مقاصد مهاجرتی پرستاران ایرانی است، اضافه‌کاری در روزهای هفته ۱/۵ برابر درآمد معمولی برای دو ساعت اول و سپس دو برابر برای مابقی ساعات اضافه‌کاری است. متوسط دریافتی یک پرستار حدود ۴۰ دلار برای هر ساعت کار است.

در آلمان نیز اضافه‌کاری پرستاران بین ۲۵ تا ۵۰ درصد است و پرستاران این کشور به ازای هر ساعت کار دست کم ۱۸ یورو دریافت می‌کنند.

پرستاران مدت‌هاست در اعتراض به رقم دستمزد و شرایط دشوار کاری تجمع و اعتصاب می‌کنند. امروز و یک روز بعد از «روز جهانی پرستار» ده‌ها تن از پرستاران مقابل فرمانداری فسا در استان فارس تجمع صنفی برگزار کردند.

اینهمه در حالیست که دولت پس از مدتها اعتراض پرستاران، لایحه‌ای را با وعده تغییر شرایط این قشر تدوین کرده است. خبرگزاری «ایرنا» وابسته به دولت، در خبری تبلیغاتی درباره این لایحه نوشته «دولت امسال توجه ویژه‌ای را برای ارتقای معیشت این قشر در دستور کار قرار داده است.»

«لایحه حمایت از حقوق مادی و معنوی پرستاران» در ۳۱ ماده تنظیم شده که استخدام پرستاران همگام با توسعه تخت‌های بیمارستانی و نیاز کشور، تأمین معیشت و رفاه پرستاران و حمایت‌های گسترده جهت جبران خدمت، آینده‌سازی حرفه‌ای و تخصصی پرستاری، تکریم از بازنشستگان و اجرای صحیح قوانین حوزه پرستاری مثل قانون مشاغل سخت و زیان‌آور با مشارکت همه ذی‌نفعان از جمله مواد این لایحه خواهد بود.

قانونی شدن این لایحه باید از مسیر طولانی مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان عبور کند. با توجه به شرایط بحرانی پرستار مشخص نیست تدوین این لایحه چه مقدار با دغدغه حل مشکلات پرستاران بوده باشد و تا چه اندازه با هدف اقدامی تبلیغاتی برای تزریق امید واهی به پرستاران و گسترش اعتراضات آنها؟

## «ریال آف شور» عملیاتی می‌شود؛ عملیات «برون مرزی» برای پول ملی که در «درون مرز» هم بی‌طرفدار است!

● به گفته رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی، استفاده از «ریال برون مرزی» با هدف «حمایت عملی از صادرکنندگان و فعالان اقتصادی بخش خصوصی» انجام می‌شود.

● پروژه حذف دلار و استفاده از ریال در تبادلات تجاری خارجی ایران از مدت‌ها پیش هدف جمهوری اسلامی برای بی‌اثر کردن تحریم‌ها بوده است.

● مهدی کرباسیان عضو هیئت رئیسه اتحادیه مشاوران املاک تأکید کرده برخی فروشندگان آپارتمان از خریداران تقاضای دلار، ارز دیجیتال، طلا و... می‌کنند.

● طرح توسعه میدان‌های نفتی «سومار»، «سامان» و «دلاوران» با قراردادی به ارزش ۲۴۵ میلیون دلار به دو شرکت «ول سرویسز ایران» و «توسعه خدمات چاهی پترو ایرانیان ارون» واگذار شد.

رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی از عملیاتی شدن «ریال برون مرزی» با روسیه در آینده نزدیک خبر داده است. «ریال» آنقدر بی‌ارزش شده که در تبادلات تجاری ایران نیز در حال حذف شدن است و حتی وزارت نفت چند قرارداد با شرکت‌های داخلی را «دلاری» امضا کرده است.

محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی امروز دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳ در دیدار با اعضای اتاق بازرگانی مدعی شده «قدرت مدیریت بیشتر بر منابع ارزی خارج از کشور» افزایش یافته است. او افزوده «سیاست تجاری» از «سیاست ارزی» تفکیک شده و بر این اساس به زودی «ریال برون مرزی» با روسیه عملیاتی خواهد شد.

محمدرضا فرزین گفته «برنامه بانک مرکزی در سال جاری در قالب سیاست تثبیت، تعمیق و ثبات بازار ارز از طریق مرکز مبادله ارز و طلای ایران است.»

به گفته رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی، استفاده از «ریال برون مرزی» با هدف «حمایت عملی از صادرکنندگان و فعالان اقتصادی بخش خصوصی» انجام می‌شود.

محمدرضا فرزین همچنین مدعی «تقلای دشمنان بر ایجاد تلاطم و نوسان در بازار ارز و افزایش انتظارات تورمی و قیمت‌سازی‌های کاذب در بخش‌های اقتصادی از طریق ابزارهای مختلف» شده است.

محسن کریمی معاون امور بین‌الملل بانک مرکزی نیز در همین نشست درباره «ریال برون مرزی» گفته که «بانک مرکزی ایران با بانک مرکزی روسیه توافق کرده است که ارز ریال و روبل را تا حد توازن تجاری دو کشور معاوضه کنند. به بیان ساده‌تر، توافق شده است که بانک مرکزی روسیه در ازای پرداخت ریال، به ما روبل بدهد یا بالعکس.»

محسن کریمی گفته «صادرات با I.C ریالی برای طرف روس انجام می‌شود و به محض اینکه بر اساس اسناد

را به بهای ارزان‌تر از کشورهای دیگر نظیر هند و کنیا تهیه کنند.

زمستان سال گذشته خبر بزرگترین فساد اقتصادی افشا شده در تاریخ ایران از سوی «گروه کشت و صنعت دبش» منتشر شد.

این فساد توسط «گروه کشت و صنعت دبش» با برند تجاری «چای دبش» رقم ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار معادل ۱۴۰ هزار میلیارد تومان بوده که تا کنون در تاریخ ایران سابقه نداشته است.

متهم ردیف اول پرونده فساد اقتصادی «گروه کشت و صنعت دبش» مدیرعامل این مجموعه، اکبر رحیمی، است که رسانه‌های داخلی از او به عنوان «الف. ر.» نام برده‌اند. آخرین اطلاعات منتشر شده درباره اکبر رحیمی بیانگر اینست که او از اواخر دی‌ماه گذشته، آبان ۱۴۰۲، بازداشت و پس از تعیین وثیقه ۵۰۰۰ میلیاردی از سوی بازپرس دادسرای ویژه جرائم اقتصادی تهران روانه زندان شده است.

شرایط اقتصادی کشاورزان در حوزه‌های دیگر بهتر از چایکاران نیست، ۱۵ اردیبهشت، رئیس انجمن صنفی کشاورزان خوزستان به خبرنگاری «تسنیم» گفت: «در توفان و بارندگی‌های اخیر، به بیش از ۱۰۰ هزار هکتار از گندمزارهای آماده برداشت استان تا ۵۰ درصد خسارت وارد شده و ۲۰۰ هزار تن از گندم‌های آماده برداشت از دست رفته است.»

به گفته وی علاوه بر خسارات به مزارع گندم، به تأسیسات، باغات، گلخانه‌ها و دامداری‌های بسیاری از کشاورزان خسارت جدی وارد شده و امیدواریم سازمان جهاد کشاورزی به فوریت خسارات را به دقت برآورد و اعلام کند.

از سوی دیگر دولت سیزدهم پس از سیلاب اسفند سال ۱۴۰۲ در جنوب استان سیستان و بلوچستان خسارت‌های سیلاب را برآورد کرد و به عادت معمول وعده جبران داد. با این حال، اهالی مناطق سیل‌زده می‌گویند خسارت سیل‌های پیشین نیز برایشان جبران نشده است.

کشاورزان و دامدارانی که زمین‌ها و دام‌هایشان را آب برده و محصولات کشاورزی‌شان از دست رفته است، می‌گویند هنوز به دلیل وام‌هایی که سال گذشته برای بازسازی چاه و ادوات کار گرفته‌اند، مقروض بانک‌ها هستند و نمی‌دانند چطور باید از پس بازپرداخت آن برآیند؛ آن‌هم در شرایطی که تکلیف معاششان معلوم نیست.

بازار زعفران نیز در چنبره افراد گمنام با پول‌های کثیف است. خبرنگاری ایلنا ۴ اردیبهشت به نقل از عضو هیات رئیسه شورای ملی زعفران نوشت: «با وضعیت کنونی بازار زعفران هیچ منافعی به کشاورز نمی‌رسد، زیرا افرادی که زعفران را به این شکل از کشاورزان و باغ‌ن بخش خریداری می‌کنند در واقع نه کشاورز، نه فروشنده، نه صادرکننده این کالا و نه حتی خراسانی هستند اینان برخی افراد گمنام هستند که با پول سیاه، بادآورده و کثیف زعفران را در انبارهای خود جمع‌آوری کرده و اکنون عوامل این افراد آرام آرام این محصولات را با قیمت‌های نجومی وارد بازار می‌کنند و اینگونه القا می‌کند که زعفران در بازار دچار کمبود و کساد شده است.»

به گفته علی حسینی، وضعیت بازار زعفران به نحوی است که سود آن به جیب کشاورز نمی‌رود، کشاورز ۶ ماه پیش زعفران را به قیمت بسیار ارزان یعنی هر کیلو ۳۰ میلیون تومان به کسانی که با پول‌های بادآورده تجارت می‌کنند، فروخته‌اند و آنها همان زعفران را با نرخ هر کیلو ۱۱۰ میلیون به فروش می‌رسانند.

➔ مطالبات چایکاران دیر پرداخت می‌شود اضافه کرد: «ما اگر الان چای بچینیم، انتظار پول گرفتن نداریم و نمی‌دانیم کی مطالبات ما را پرداخت می‌کنند. هر وقت کارخانه‌دار بتواند چای را بفروشد، پول ما را هم پرداخت می‌کنند. فروردین و اردیبهشت ماه که چای را تحویل کارخانه می‌دهیم، مطالبات ما اسفندماه پرداخت می‌شود. آنهم به صورت قطره‌ای و به صورت یکجا پرداخت نمی‌شود.» وی همچنین می‌گوید: «ما باید برای برداشت چای دلگرمی داشته باشیم. ما کشاورز هستیم و به این پول نیاز داریم. کود را آزاد می‌خریم و نیاز داریم که پول به دست بیاوریم که خرج خانواده خود کنیم. کارخانه هم حق دارد. نمی‌تواند محصولی که از ما خریده است را بفروشد. واردات بی‌رویه چای خارجی مانع فروش چای ایرانی می‌شود. دولت باید از ما حمایت کند. ما که نمی‌توانیم چای خود را بفروشیم. این دولت است که برای سفره ایرانی باید چای داخلی مهیا کند، نه چای خارجی وارد ایران کند و چای داخلی روی دست کارخانه‌دار بماند. وقتی کارخانه‌دار نمی‌تواند چای ایرانی را بفروشد، چگونه می‌خواهد پول کشاورز را پرداخت کند؟»

### ۱۰۵ میلیارد تومان مطالبه چایکاران از دولت

واردات بی‌رویه چای در سال ۱۴۰۱ به افزایش زیان کارخانه‌داران انجامید و آنها توان پرداخت بهای برگ سبز چای را به سازمان چای ندارند، این امر سبب شده در توافقی بی‌سابقه ۱۰۵ میلیارد تومان از مطالبات چایکاران از سازمان چای در سال ۱۴۰۲ به سال ۱۴۰۳ منتقل شود.

در همین ارتباط مدیر اجرایی سندیکای کارخانه‌های چای شمال، ۲۵ فروردین به خبرنگاری ایلنا گفته بود: «پیش از سال ۱۴۰۱ هیچگاه مطالبات چایکاران از دولت از سالی به سال بعد منتقل نمی‌شد اما در سال ۱۴۰۲، ۱۰۵ میلیارد تومان از مطالبات آنها به سال ۱۴۰۳ منتقل شده است.»

محمد صادق حسینی در مورد مشکلات کنونی کارخانجات توضیح داده بود: «چایکاران برای تسویه بهای بزرگ سبز به سازمان چای در سال ۱۴۰۲ مجبور شدند یک سوم محصول خود را با قیمت تمام شده تولید بفروشند.»

با این حال استاندار گیلان ادعا کرده که بدهی‌های دولت به چایکاران پرداخت شده و سهم کارخانجات باقی مانده که باید به چایکاران پرداخت کنند و سازمان چای باید با کارخانجاتی که در پرداخت مطالبات تاخیر عمدی دارند برخورد کند.

در همین ارتباط روزنامه «دنیای اقتصاد» دی ماه سال گذشته به نقل از رئیس اتحادیه شرکت‌های تعاونی چایکاران غنچه‌های طلایی شمال کشور، بزرگترین مشکل چایکاران را فروش نرفت چای خشک اعلام کرد و نوشت: «این معضل به دلیل نبود مدیریت مناسب دولت در بخش واردات چای به وجود آمده است. وی تأکید می‌کند: واردات چای بیش از حد مورد نیاز مصرف کشور است. در حالی که کل مصرف سالانه چای در ایران ۹۰ تا ۱۰۰ هزار تن است، امسال بیش از این نیاز چای وارد کشور شده است. تولید چای داخلی ما نیز بیش از ۳۰ هزار تن است.»

به گفته این مسئول صنفی، قیمتی که خریداران چای خشک حاضر هستند برای خرید چای از کارخانه‌های چای بپردازند، کمتر از هزینه تمام‌شده آن است و این امر به دلیل وجود چای وارداتی به میزان زیاد در بازار است. از سوی دیگر صادراتی که به برخی کشورها نظیر عراق و کشورهای حوزه خلیج فارس داشتیم با توجه به نرخ دلار در کشور، مورد استقبال قرار نمی‌گیرد. زیرا کشورهایی که در سال‌های گذشته از ما چای می‌خریدند می‌توانند چای مورد نیازشان





در لایحه بودجه آمده که قیمت هر بشکه نفت ۶۵ یورو برابر با ۷۰/۸۵ دلار و صادرات نفت نیز روزانه یک میلیون و ۳۵۰ هزار بشکه تعیین شده است. همچنین در این لایحه رقم اختصاصی برای واردات کالاهای اساسی بر خلاف هر سال که با دلار تدوین می‌شد، ۱۳/۶ میلیارد یورو اعلام شده است. کارشناسان اقتصادی معتقدند جایگزینی یورو با دلار در لایحه بودجه که در راستای سیاست‌های «دلارزدایی» صورت گرفته نیز اقدامی بی‌اثر خواهد بود.

علی سعدوندی کارشناس و تحلیلگر اقتصادی معتقد است جایگزینی یورو با دلار در لایحه بودجه «صرفاً یک تغییر آرایشی» است و توضیح داده که «در این بودجه لفظ دلار را به یورو تغییر دادیم. مهم زمینه‌سازی برای آن است که هنوز کاری انجام نشده است. از همین رو فرقی نمی‌کند چرا که ما الان با منطقه یورو نیز رابطه خوبی نداریم. هر دوی این‌ها ما را دارند تحریم می‌کنند.»

علی سعدوندی گفته که «دلارزدایی بیشتر بحث سیاسی است تا اینکه تغییر اقتصادی اتفاق بیفتد. اگر واقعا می‌خواهند دلارزدایی انجام شود، همین الان بین عربستان و چین پیمان ارزی بسته شده، ما هم این پیمان را می‌توانستیم ببندیم. میشد از ارزهای محلی استفاده بشود، پیمان‌های دو جانبه و چند جانبه پولی بسته شود، اما تا امروز ندیدیم که اقدامی شده باشد.»

همایون دارابی کارشناس و تحلیلگر اقتصادی نیز بر بی‌اثر بودن این نوع دلارزدایی در بودجه سال آینده تأکید کرده و گفته بود که «می‌شد برای هر ارزی که نسبت به بازارهای دیگر ثابت است بودجه را تنظیم کرد. این ارز می‌توانست ارزهای پایداری چون درهم امارات باشد یا یوان چین و... باشد یا حتی بهتر بود ما این کار را با یوان چین می‌کردیم، چون بزرگ‌ترین شریک تجاری کشور یوان چین است و می‌توانستیم بودجه را برای فروش نفت بر اساس یوان چین تنظیم کنیم.» او در ادامه گفته که «ما اقتصادی داریم که نفت در آن جایگاه مهمی دارد. این‌ها یا به دلار معامله می‌شوند یا در بازارهای شرق آسیا به یوان چین دارند داد و ستد می‌شوند. هر کدام از این ارزها می‌توانست مبنای تبدیل درآمد دولت از محل فروش کالاها به ریال باشد.»

\*نرخ تسعیر یا تسعیر ارز به معنی نرخ تبدیل و تبدیل ارز است.

بارها و بارها تأکید داشته قصد دارد دلارزدایی کرده و تجارت خارجی با کشورهای دوست و همسایه را با پول ملی انجام دهد. جمهوری اسلامی تبلیغات شدیدی برای دلارزدایی از تجارت خارجی دارد و در هر فرصتی به طرف‌های تجاری یادآور می‌شود بهتر است با پول‌های ملی داد و ستد شود که البته تا اینجای کار به نتیجه‌ای هم نرسیده است.

در ادامه این مطلب آمده بود که عقد قرارداد دلاری در این وضعیت می‌تواند همه ادعاهای سیاسی و اقتصادی و کوشش‌های آتی برای دلارزدایی در دادوستد را نیست و ناپود کند. طرف‌های تجاری ایران حالا می‌گویند جمهوری اسلامی نمی‌تواند با شرکت‌های دولتی و خصوصی خود به نتیجه برسد که قرارداد دلاری برای دادوستد نبندند و آن وقت از ما می‌خواهد دلارزدایی کنیم.

همچنین برخی فروشندگان مسکن در ایران خواستار دریافت دلار یا رمزارز هستند. مهدی کرباسیان عضو هیئت رئیسه اتحادیه مشاوران املاک با تأکید بر اینکه برخی فروشندگان آپارتمان از خریداران تقاضای دلار، ارز دیجیتال، طلا و... می‌کنند گفته «به نظر من یکی از دلایل این موضوع ایجاد سامانه خودنویس است که باعث حذف واسطه شده است. به هر حال زمانی که واسطه، معامله را مدیریت می‌کند مبادلات مالی نیز مدیریت می‌شود، اما وقتی خریدار و فروشنده از طریق سامانه خودنویس اقدام به معامله می‌کنند نظارتی وجود ندارد.»

«سامانه خودنویس» از سوی وزارت راه و شهرسازی و «به منظور نظارت و کنترل قیمت مسکن و ساماندهی آن» به راه انداخته شده تا با حذف مشاوران املاک امکان معاملات بدون واسطه در بازار اجاره و خرید و فروش مسکن را فراهم کند. مهدی کرباسیان این سامانه را برخلاف تبلیغات دولت بی‌اثر و آسیب‌زا خوانده و گفته «مسئولان وزارت راه و شهرسازی دائماً روی تبلیغات این سامانه مانور می‌دهند و به مردم می‌گویند بیا باید قرارداد خود را مجانی ثبت کنید. در واقع رسماً به حذف دفاتر مشاور املاک ورود کرده‌اند و اشتغال جامعه در حال سرکوب شدن است.»

در لایحه بودجه ۱۴۰۳ نیز استفاده از عبارت یورو جایگزین دلار شده و نرخ تسعیر\* ارز یورو هم ۳۱ هزار تومان تعیین شده که در بودجه پارسال ۲۳ هزار تومان پیشنهاد و ۲۵ هزار تومان تصویب شده بود.

بانکی، این صادرات انجام شد و ریال آن نیز از حساب بانک مرکزی روسیه به حساب ریالی صادرکننده واریز شود، رفع تعهد صادراتی بلافاصله پذیرفته شده است.»

معاون امور بین‌الملل بانک مرکزی افزوده «از صادرکنندگان به روسیه می‌خواهیم صادرات خود را به روسیه، به صورت ریالی انجام دهند، زیرا همه فرآیندها در قالب عملیات بانکی و ابزارهای متنوع بانکی شامل اعتبار اسنادی و حواله بانکی و... از طریق روابط بانکی که میان شش بانک روسیه و بانک‌های ایرانی برقرار شده، انجام دهند است.»

پروژه حذف دلار و استفاده از ریال در تبادلات تجاری خارجی ایران از مدت‌ها پیش هدف جمهوری اسلامی برای بی‌اثر کردن تحریم‌ها بوده، و در ماه‌های گذشته از سوی محمدرضا فرزین با عبارت «ریال برون‌مرزی» یا «ریال آفشور» مورد تأکید قرار گرفته است. محمدرضا فرزین دی‌ماه گذشته گفته بود «طرح ریال برون‌مرزی یا آف شور (Offshore) ماه‌های زیادی است که در بانک مرکزی در حال بررسی است و با اجرایی شدن آن درخواست صادرکنندگان برای صادرات ریالی به افغانستان یا عراق حل می‌شود و می‌تواند با ریال برون‌مرزی رفع تعهدات کنند.» محمدرضا فرزین گفته بود «تجار مشهدی برای صادرات به افغانستان» درخواست استفاده از ریال در تبادلات تجاری را داشتند که «با اجرایی شدن طرح ریال آفشور پاسخ داده شده و تجار می‌توانند بجای ارز خارجی برای صادرات از ریال برون‌مرزی بهره‌گیرند.»

تیم اقتصادی دولت ابراهیم رئیسی نیز از دو سال و نیم پیش همراه با تشکیل دولت سیزدهم مدام بر «دلارزدایی» تأکید کرده است. در سال‌های پیشتر نیز حذف دلار از تبادلات ارزی به عنوان راهکار بی‌اثر کردن تحریم، و ضربه به ایالات متحده با حذف پول ملی این کشور از تبادلات تجاری ایران مطرح بود. اکنون در حالی رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی وعده اجرای استفاده از «ریال برون‌مرزی» یا «ریال آفشور» را در تبادلات با روسیه در آینده نزدیک داده که بی‌ارزش شدن ریال و تبدیل آن به یکی از بی‌ارزش‌ترین پول‌های جهان، سبب حذف آن از برخی تبادلات درون کشور نیز شده است.

برای نمونه از اواخر سال گذشته عقد قراردادهای دلاری دولت با شرکت‌های داخلی خرساز شد. در اسفندماه پارسال قرارداد گام دوم توسعه میدان نفتی «آذر» بین شرکت ملی نفت ایران و «شرکت مهندسی و توسعه سروک‌آذر» امضا شد. همچنین طرح توسعه میدان‌های نفتی «سومار»، «سامان» و «دلوران» با قراردادی به ارزش ۲۴۵ میلیون دلار به دو شرکت «ول سرویسز ایران» و «توسعه خدمات چاهی پترو ایرانیان ارون» واگذار شد.

جواد اوجی وزیر نفت جمهوری اسلامی نیز اسفندماه گذشته از یک قرارداد ۲۰ میلیارد دلاری برای توسعه میدان گازی پارس جنوبی خبر داد و گفت «طرح فشارافزایی میدان مشترک پارس جنوبی با سرمایه‌گذاری ۲۰ میلیارد دلاری و با هدف افزایش برداشت ۹۰ تریلیون فوت مکعب گاز و ۲ میلیارد بشکه میعانات گازی اجرا خواهد شد و درآمدزایی ۹۰۰ میلیارد دلاری برای کشور به‌دنبال دارد. پیمانکاران اصلی در اجرای طرح ملی فشارافزایی میدان مشترک پارس جنوبی شامل شرکت‌های «پتروپارس»، «اویک»، «قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا» و «مپنا» و پیمانکار مهندسی مفهومی، پایه‌مقدماتی و پیشرفته، یک شرکت مشاور ایرانی هستند که این قرارداد را امضا کردند.»

روزنامه «جهان صنعت» نیز هفته گذشته در مطلبی با عنوان «ادعای دلارزدایی و قرارداد دلاری» با اشاره به عقد قرارداد دلاری بین شرکت‌های ایرانی نوشته بود دولت سیزدهم

## تأخیر ایرانیان در شناخت قرآن



تعداد بیشتری از ایرانیان با سواد با محتوای کتاب مقدس آشنایی یابند. پس از انقلاب اسلامی میزان ترجمه‌های قرآن افزایش چشمگیر یافت. در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ خورشیدی ترجمه‌های فراوانی از قرآن به فارسی انجام شد که هدف از آن برخلاف ترجمه‌های پیشین، اسلام‌گستری و ایدئولوژیک بود. آشنایی گسترده بخش بیشتری از مردم از محتوای قرآن و کارکردهای منفی نظام اسلامی که کلیه سیاست‌هایش منتسب به قرآن می‌گردد، نتایج منفی برای نظام به بار آورد و موجبات سستی اعتقاد به الهی بودن قرآن را فراهم کرد. این تحول که از دهه ۸۰ خورشیدی آغاز گردیده سبب تضعیف نگاه درون‌دینی و تقویت نگاه برون‌دینی به قرآن گردید و در نزد بخش‌هایی از باورمندان مسلمان جایگاه قرآن از کلام الله (سخن خدا) به سخن پیامبر نقل مکان کرد و با توسل به هرمنوتیک توجیه‌های عقلانی برای عدم تناسب محتوای قرآن با نیازهای جامعه مدرن ارائه گردید. این گروه از مسلمان با نام‌هایی مانند نواندیشان دینی و عناوین دیگر شناخته شدند.

در ترجمه‌های فارسی قرآن آشفته‌گی‌ها و تفاوت‌ها بسیار است. این آشفته‌گی‌ها دو علت اصلی دارد نخست آنکه زبان قرآن زبانی کهن و دشوار است و دوم آنکه اغلب مترجمان قرآن از هنر و علم ترجمه آگاهی ندارند. در هر حال این ترجمه‌های سلیقه‌ای راهی به سوی فهم عمومی متن گشوده‌اند و همین آگاهی سبب شده تا بسیاری از خوانندگان ترجمه‌های فارسی قرآن با پی بردن به محتوای کتاب، تقدس قرآن را مورد انکار و یا تردید قرار دهند و نگاه‌شان به دین دگرگون گردد. این پدیده شبیه حالتی است که در سده شانزدهم در اروپا با جنبش پروتستان به وجود آمد و راه برای ترجمه انجیل‌ها از زبان لاتین به زبان‌های دیگر اروپایی گشوده شد. با ترجمه مت‌های مقدس، انحصار کشیشان و کلیسا بر تفسیر لاتینی مت‌های مقدس شکسته شد و مردم عادی مسیحی این امکان را یافتند که انجیل‌ها را با چشم و زبان‌های خود بخوانند و با مغزهایشان تحلیل کنند و این روشنگری پایه بزرگ تحولات فکری در

عدالت توجه ویژه دارند. دین‌شناسی (پژوهشگری در دین) از زاویه جامعه‌شناختی، روانشناختی، تاریخی و فلسفی به پژوهش دین می‌پردازد (ص ۱۰ Religionsboka). اما کلام یا خداشناسی که علم درباره خداست می‌کوشد تا بیانگر ایمانی باشد که در متن‌های مقدس بیان شده و دلیل‌هایش را نیز از درون متن‌های مقدس استخراج می‌کند. دین‌شناسی دانش جدیدی است در حالی که فلسفه و الهیات ریشه در دوران باستان دارند. الهیات اسلامی در پی الهیات یهودی و مسیحی به وجود آمده است. قرآن مهم‌ترین منبع الهیات اسلامی است.

### تأخیر آشنایی ایرانیان با محتوای قرآن

ایرانیان در ۴۰۰ سال نخست ورود اسلام به ایران به دلیل تفاوت زبان مستقیماً از محتوای قرآن اطلاع نداشتند. نخستین ترجمه رسمی قرآن به فارسی در سده چهارم در فرارود (ماوراء النهر) انجام شد. آن ترجمه و ترجمه‌های اندکی که از آن پس تا سده پیشین انجام شد، بیشتر در کتابخانه دربارها و یا کتابخانه‌های مدارس بزرگ نگهداری می‌شد و در دسترس عموم که اکثراً بی‌سواد هم بودند قرار نمی‌گرفت. در دوره ششصد ساله خلافت اموی و عباسی که سیاست عربی کردن متصرفات اسلامی غلبه داشت، ترجمه قرآن کاریسندیده به حساب نمی‌آمد، و ترجمه آن را مغایر با تقدس قرآن می‌دانستند. سیاست خلافت چنان بود که تقدس متن قرآن و زبان عربی یکسان نشان داده شود. این یکسان‌پنداری از علل اصلی رواج زبان عربی در متصرفات اسلامی گردید.

با سقوط خلافت و در دوره مغول نیز اعتنایی به ترجمه قرآن نشد. در دوران صفوی هم بی‌اعتنایی به ادبیات فارسی دامن ترجمه را هم گرفت و ترجمه‌های قابل اعتناء از قرآن صورت نگرفت. پس از مشروطیت گرایش به پارسی‌گویی و دوری‌گزیدن از به کار بردن واژگان عربی نوعی تجدید در ادبیات به حساب می‌آمد و سبب گردید تا ترجمه‌هایی از قرآن به فارسی انجام شود. این ترجمه‌ها موجب گردید تا

● پس از مشروطیت گرایش به پارسی‌گویی و دوری‌گزیدن از به کار بردن واژگان عربی نوعی تجدید در ادبیات به حساب می‌آمد و سبب گردید تا ترجمه‌هایی از قرآن به فارسی انجام شود. این ترجمه‌ها موجب گردید تا تعداد بیشتری از ایرانیان با سواد با محتوای کتاب مقدس آشنایی یابند. پس از انقلاب اسلامی میزان ترجمه‌های قرآن افزایش چشمگیر یافت. در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ خورشیدی ترجمه‌های فراوانی از قرآن به فارسی انجام شد که هدف از آن برخلاف ترجمه‌های پیشین، اسلام‌گستری و ایدئولوژیک بود. آشنایی گسترده بخش بیشتری از مردم از محتوای قرآن و کارکردهای منفی نظام اسلامی که کلیه سیاست‌هایش منتسب به قرآن می‌گردد، نتایج منفی برای نظام به بار آورد و موجبات سستی اعتقاد به الهی بودن قرآن را فراهم کرد. ● این ترجمه‌های سلیقه‌ای راهی به سوی فهم عمومی متن گشوده‌اند و همین آگاهی سبب شده تا بسیاری از خوانندگان ترجمه‌های فارسی قرآن با پی بردن به محتوای کتاب، تقدس قرآن را مورد انکار و یا تردید قرار دهند و نگاه‌شان به دین دگرگون گردد. این پدیده شبیه حالتی است که در سده شانزدهم در اروپا با جنبش پروتستان به وجود آمد و راه برای ترجمه انجیل‌ها از زبان لاتین به زبان‌های دیگر اروپایی گشوده شد.

● با کنار رفتن پرده تقدس از بسیاری از مقدسات میدان گسترده‌تری برای خردورزی باز می‌گردد. پیشرفت، توسعه و رفاه در همه جامعه‌های بشری با اصالت دادن به خرد و فاصله گرفتن از هر آنچه مایه‌ی آفت خرد است ممکن شده است.

احمد تاج‌الدینی - در ادبیات دینی اسلامی قرآن سخن الله (کلام الله) است و مسلمانان این کتاب را معجزه پیامبری محمد می‌دانند. معجزه عملی است که با مشاهده‌ها و تجربه‌های معمول ناسازگار است و به باور مومنان، پیامبران به دلیل ارتباط با غیب قادر به انجام آن هستند. از این رو مسلمان‌ها قرآن را مقدس می‌دانند و جهان‌بینی خود را بنا بر این نوشته شکل داده‌اند.

واژه «مقدس» یک مفهوم دینی است که در همه دین‌ها به کار گرفته می‌شود. در فرهنگ دینی امر مقدس چیزی است که با نیروی مطلق فراطبیعی مرتبط است. به دلیل همین ارتباط قرآن با نیروی غیبی است که مومنان آن را معجزه می‌دانند. امر مقدس می‌تواند یک مکان مانند مکه، یک متن نوشته شده مانند قرآن یا فردی حقیقی مانند امام و یا اموری فراطبیعی چون الله، فرشته، جهنم و بهشت باشد. مقدسات ابزارهایی برای تحکیم باور دینی هستند.

### سه نوع نگاه به دین و امر مقدس

فلسفه، دین‌شناسی و کلام (الهیات) سه گونه نگاه متفاوت به دین و موضوعات دینی دارند. فیلسوف و پژوهشگر دین از بیرون به دین و موضوعات دینی نگاه می‌کنند (نگاه برون‌دینی)، در حالی که متکلم (تئولوگ/خداشناس) از درون متون دینی به دین می‌نگرد (نگاه درون‌دینی). فیلسوفان گذشته تلاش می‌کردند تا دنیای پیرامون خود را بدون در نظر گرفتن تصورات دینی توضیح دهند. به این جهت از فلسفه دانش‌هایی مانند ریاضی و فیزیک به وجود آمد. امروز نیز فلسفه روی آنچه مبانی تصورات ما را می‌سازند کار می‌کند و فیلسوفان معاصر به موضوع



→ اروپا گردید.

در ایران نیز پس از انقلاب اسلامی عدو سبب خیر شد و آگاهی عمومی از محتوای متن قرآن از راه ترجمه‌ها افزوده شد. این آگاهی‌ها برخلاف هدف و خواست نظام اسلامی سبب نیرومندتر شدن دین‌گریزی، بازاندیشی و تجدید نظرطلبی در دین و برداشت‌های دگرگون شده از امر مقدس گردیده است. این روند در راستای حذف یا تضعیف نگاه الهیاتی به دولت و اولویت دادن به نگاه برون دینی به دین و به مقدسات شده است. با کنار رفتن پرده تقدس از بسیاری از مقدسات میدان گسترده‌تری برای خردورزی باز می‌گردد. پیشرفت، توسعه و رفاه در همه جامعه‌های بشری با اصالت دادن به خرد و فاصله گرفتن از هر آنچه مایه‌ی آفت خرد است ممکن شده است.

### محتوای قرآن

قرآنی که امروز در دسترس همگان است کتاب بالنسبه حجیمی است که ۱۱۴ بخش (سوره) دارد و هر بخش نیز به چندین بخش کوچکتر (آیه) تقسیم شده است. تعداد آیه‌ها ۶۲۳۶ واحد است. مجموعاً در قرآن ۷۷۸۰۷ واژه به کار رفته است. این تعداد حروف با استاندارد امروزی برابر است با ۱۱۲ صفحه A-4 با اندازه حروف ۱۲.

گزارش‌های حدیثی برآورد کرده در زمان محمد این آیه‌ها به وسیله کسانی که از آنها به عنوان «نویسندگان وحی» یاد می‌شود بر روی استخوان‌های پهن، مانند «استخوان کتف، دنده، لیف خرما و یا روی سنگ‌های پهن سفید» نوشته می‌شد (ص ۴۵۹ تاریخ تمدن اسلامی. جرجی زیدان، و تاریخ یعقوبی ج. ۲). بنا بر همان روایت‌ها قرآن در زمان محمد هرگز به صورت کتاب یا مصحف گردآوری نشد. علاوه بر آن در همان دوران از کسانی نیز یاد می‌شود که آیه‌هایی را از حفظ می‌خواندند و «قراء» (خوانندگان) نامیده می‌شدند. برداشت مومنان مسلمان در وحی قرآن چنین است. سند چنین برداشت‌هایی اسناد معتبر تاریخی نیستند. منابع این برداشت‌ها حدیث‌هایی است که سال‌ها پس از درگذشت محمد گزارش شده‌اند.

موضوع اصلی قرآنی که بنا بر گزارش‌های حدیثی بعدها مدون گردید و امروز در دسترس همگان است، الله‌باوری و جدل با مخالفان است. ویژگی مهم این الله‌باوری ستیز با نمادهای ستایشی قبایل مختلف بود که بعضاً الله‌باور نیز بودند. آنها مخالف هرگونه نماد ستایشی بودند و نابودی نمادها (تندیس‌ها/ اصنام) را تبلیغ می‌کردند. این راستا از الله‌باوری در یثرب (مدینه) موفق به تشکیل دولتی به رهبری محمد گردید (۶۲۲/۱ ه.ق.).

### ذکرها و ذاکران فراوان

پس از مرگ محمد بسیاری از دین «الله‌باوران نمادستیز» روی برگرداندند و به باورهای پیشین خویش بازگشت کردند. چنین بازگشت وسیعی می‌تواند بیانگر اختلال در دولت مبشران دین الله باشد. در زمان خلافت ابوبکر که جانشین «رسول‌الله» شده بود، جنگ‌های فراوانی با مرتدان (از دین برگشتگان) انجام شد. گزارش‌های حدیثی می‌گویند در این جنگ‌های مذهبی (غزوه) بسیاری از حافظان قرآن کشته شدند. مثلاً در جنگ یمامه ۱۲۰۰ مسلمان کشته شد که ۷۰۰ نفر از آنها از حافظان قرآن بودند. این تعداد کشته تنها مربوط به یک جنگ است و می‌تواند بیانگر فراوانی «قراء» در آن دوران باشد. وجود چنین جمع فراوان قراء (خوانندگان) به فرض صحت، می‌تواند قرینه‌ای بر سنت گسترده‌ای باشد که در آن مردمانی، اورادی را از حفظ داشتند و زمزمه می‌کردند. سنتی که در آن زمان در صومعه‌های

مسیحی و معابد یهود از آداب روزانه مومنان یهود و راهبان مسیحی بود. سوره حج از معدود سوره‌هایی است که در آن می‌توان ردی مبهم از حوادث تاریخی سده هفتم میلادی را پی گرفت. در آیه ۴۰ این سوره به جنگ‌هایی اشاره می‌شود که سبب حفاظت از «دیرها»، «صومعه‌ها»، «کنیسه‌ها»، «کلیساها» و «مساجد» گردیده‌اند. در همه این پرستشگاه‌ها خواندن دعا جزئی از زندگی روزانه بود. در این آیه تمایزی بین پرستشگاه‌ها دیده نمی‌شود و گفته می‌شود که در همه آنها نام الله برده می‌شود. پس فراوانی قراء با توجه به فراوانی پرستشگاه‌ها عجیب نیست.

### گردآوری ذکرها و نوشته‌های پراکنده

بین مورخان و گزارشگران حدیث اتفاق نظر وجود دارد که تا پیش از مرگ محمد قرآن به عنوان کتابی واحد جمع‌آوری نشده بود. در قرآن آیه‌هایی هست که در آن با نوشتن و فروش کتاب‌های مقدس و سودجویی از آن مخالفت شده است (سوره بقره آیه ۴۱ و ۷۹). تنها پس از مرگ محمد و با گسترش قدرت دولت مبشران است که در منابع حدیثی سخن از یکپارچه سازی ذکرها، آیات و مصحف‌های (صفحه‌های بهم چسبانده شده یا جزوه‌هایی که در یک جلد جمع شده‌اند) پراکنده به میان آمده است. لزوم جمع‌آوری آیات و مصحف‌های پراکنده را برای نخستین بار عمر از یاران نزدیک محمد به ابوبکر که جانشین محمد و خلیفه اول بود گوشزد کرد. ابوبکر نخست به این دلیل که چنین کاری سابقه ندارد و خود محمد نیز چنین کاری نکرده، با نظر عمر مخالفت کرد. اما ابوبکر نظر عمر را سرانجام پذیرفت و عده‌ای متشکل از مهاجران مکه‌ای و انصار مدینه‌ای (واژه انصار با نصارا به معنای مسیحی، همخوانی‌های شکلی و معنایی دارد) را مأمور جمع‌آوری آیات کرد. گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که هنگام گردآوری قرآن در عهد ابوبکر صحابه (یاران نزدیک محمد) در انتخاب نام دچار اختلاف نظر شدند. «سام مولى ابن حذیفه گفت: من در حبشه دیدم که به کتب مقدس مصحف می‌گفتند، پس بر این لفظ اجماع کردند (منبع بالا/ ۲۸۱)».

با این حال قرآن موجود بنا به گزارش‌های اسلامی به وسیله عثمان خلیفه سوم جمع‌آوری گردید. روایت‌های مورخان اسلامی گویای آن است که قرآن‌های مختلفی در آن دوره در نقاط مختلف وجود داشت. به دستور عثمان قرآن‌های دیگر را از اطراف و اکناف جمع‌آوری کردند و او همه آنها را با آب گرم و سرکه جوشانید و به قولی همه را سوزاند (یعقوبی ص ۶۴). این گزارش نشان می‌دهد که نوشته‌های مختلفی به نام قرآن یا نام‌های دیگری مانند مصحف، کتاب یا فرقان پیش از تدوین قرآن توسط عثمان در نقاطی مختلف وجود داشته است. دستور نابودی مصحف‌های دیگر را می‌توان حمل بر تفاوت‌هایی در متن‌های آنها نمود. روایت‌های مورخان از وجود مصحف‌های (نوشته‌ها) متعدد در دوران خلفای راشدین، در برابر روایت‌هایی قرار می‌گیرد که بنیاد گردآوری قرآن را بر نوشته‌های پراکنده بر استخوان‌ها و لیف خرما و استخوان دانسته‌اند. نگارش بر لیف خرما و استخوان‌های پراکنده بعید می‌نماید منبع کتابی به حجم قرآن امروزی بوده باشد. واژه مصحف که برای این نوشته‌ها به کار می‌رفته به معنی مجموعه اوراقی است که در یک جلد جای داده شده باشد. بنابراین قرآن پیش از آنکه عثمان اقدام به جمع‌آوری آن کند به عنوان مصحف (کتاب، یا کتابچه‌هایی) در شهرهای مختلف با فاصله‌های زیاد از هم وجود داشته است.

از همین زمان‌هاست که شاهد فاصله گرفتن مجموعه‌هایی از جامعه‌های دینی از خلافت هستیم که به پرهیزکاری

شهرت داشتند. این پرهیزکاران به نظر می‌رسد با خلافتی که به تبعیض و دوری از شعائر پرهیزکارانه روی آورده و برای توجیه قدرت خود به تدوین آیات موجود به سلیقه و متناسب با نیاز حکومت دست زده، به مخالفت برخاسته‌اند. یکی از این افراد ابن مسعود از یاران با سواد و نزدیک محمد بود. او از جمله کسانی است که به حبشه مهاجرت کرده بود و در فضای مسیحی آنجا زیسته بود. او هنگامی که از قصد عثمان در سوزاندن مصحف‌هایی غیر از مصحفی که خود عثمان تهیه کرده بود اطلاع یافت، از تحویل کتاب خود به عثمان خودداری کرد و به این خاطر خلیفه او را شکنجه کرد. ابن مسعود بر این عقیده بود که در قرآن واژه‌های دشوار و غیرقابل فهمی وجود دارد که بایستی آن واژه‌ها با واژه‌های قابل فهم عوض شود. عبدالله بن مسعود از یاران نزدیک محمد بود، بنابراین زبان و گویش او بایستی با محمد یکسان بوده باشد. نامفهوم یا دشواری فهم واژگانی از قرآن تا حدی که برای هم‌عصران محمد نیز دشوار باشد، قرینه‌ای بر آن می‌تواند باشد که بخش‌هایی از قرآن متعلق به دورانی بسیار کهن‌تر از دوران محمد بودند و یا بایستی بخش‌هایی از آن در مناطقی که گویش و زبان متفاوتی از زبان مردم مدینه و مکه داشته‌اند نوشته شده باشند.

تاکید گزارش‌ها بر وجود مصحف‌های گوناگون نیز چنین برداشتی را تقویت می‌کند. مثلاً قرآنی که تعلق آنرا به علی نسبت می‌دهند و به هفت جزء تقسیم می‌شد (ص ۱۵ تاریخ یعقوبی). در روایت دیگری علی قرآن را به چهار بخش تقسیم کرده است: «قرآن به چهار بخش نازل شد. ربی دربار ما، ربی دربار دشمن ما، ربی مثل‌ها و ربی محکم و متشابه (منبع بالا ص ۱۶)». آنچه از این روایت‌ها استنباط می‌گردد آن است که قرآن‌های مختلفی وجود داشتند که متن‌های آنها یکسان نبوده است. این تفاوت‌ها آنچنان زیاد بود که عثمان برای پیشگیری از تشتت آرا و حفظ قدرت خلافت اقدام به نابودی آنها کرد و تنها نسخه‌ای را که به دستور خودش جمع‌آوری گردیده بود مورد حمایت قرار داد. گزارشگران و مورخان که این اخبار را گزارش کرده‌اند، از یکدست نبودن، متناقض بودن، تفاوت در سبک نگارش قرآن آگاهی داشتند، و احتمالاً برای توجیه این تفاوت‌ها و همراهی با خلافت این تفاوت‌ها را تقسیم‌بندی کرده و آنها را به منشاء نزول که الله باشد، ارجاع دادند و نه به پیام‌آور او. علت ارجاع تناقضات به الله آن بود که اگر تفاوت‌ها و تناقضات به محمد نسبت داده می‌شد، پیامبر دروغگو به حساب می‌آمد و تمام قرآن بی‌اعتبار می‌گردید. اما الله دانست و از حکمت این تفاوت‌ها آگاه است.

در تقسیم‌بندی دیگری قرآن را به سی جزء و برخی نیز به هزار جزء تقسیم کرده‌اند (دانشنامه اسلام). این تقسیمات که امروز منشاء و علت روشنی برای آن نمی‌توان ارائه کرد، می‌تواند ریشه در پراکندگی نوشته‌ها (مصحف‌ها) در زمان‌هایی بسیار دورتر و یا بعدتر از زمان مبشران دین الله داشته باشد. بنا به روایتی دیگر در جنگ علی با معاویه، سپاهیان معاویه قریب پانصد قرآن بر سر نیزه کردند و گفتند کتاب خدا میان ما و شما حکم باشد (ص ۴۴۱ تاریخ تمدن اسلام). عقلاً بعید است که در آن زمان پانصد قرآن با حجم امروزی در دست سپاهیان بوده باشد. اما در عین حال این گزارش گویای آن می‌تواند باشد که در همان دوران اولیه خلافت، مصحف‌ها یا جزوه‌های کوچکتر به فراوانی در دسترس بوده است. مبشران دین الله متعلق به دورانی هستند که دارندگان سواد در محیط زندگی آنان بسیار نایاب بود و نوشتن قرآنی به حجم کنونی در میان اعراب شبه‌جزیره بسیار بعید می‌نماید. محتمل است که این جزوه‌های کوچک در شام و یا بین‌النهرین و یا حبشه و حتی در مکه ←

→ که تا پیش از تسلط «الله‌باوران نمادستیز» شهر نسبتاً آزادی بود و با سوادان در آنها بیشتر بودند با زبان‌های رایج نوشته و در شبه‌جزیره عربستان منتشر شده باشد.

همه این قراین دلالت بر آن می‌کند که قرآن کنونی بایستی سال‌ها بعد و در زمانی که خلافت از منشیان حرفه‌ای برخوردار گردید، بر اساس نوشته‌های پراکنده، بعضاً کهن‌تر و بعضاً مربوط به دوران محمد و بعضاً حتی جدیدتر و مربوط به بعد از مرگ محمد تدوین شده باشد.

گزارش‌هایی که جمع‌آوری و نگارش نهایی قرآن را سال ۲۵ یا ۳۰ هجری در زمان عثمان دانسته‌اند، می‌گویند، چهار قرآن نوشته شد و به چهار شهر مکه، بصره، کوفه و شام ارسال شد. دو نسخه هم بعداً تهیه شد که یکی را برای اهل مدینه نگاه داشتند و یک نسخه را خود عثمان برداشت و این همان است که آنرا «امام» نامند. به موازات این گزارش‌ها، روایت‌های دیگری وجود دارد که نسخه‌های دیگری را معرفی می‌کنند مانند نسخه علی و نسخه ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود (ص ۴۶۲ تاریخ تمدن اسلام). اثبات درست یا نادرست بودن این گزارش‌ها ناممکن است زیرا از هیچیک از نسخه‌های قرآن‌های نامبرده اثری در دست نیست. به ویژه که خط عربی در آن دوران هنوز مستعد نوشتن کتاب‌هایی به حجم قرآنی که امروز در دست است نبود و مدت‌ها طول کشید تا خط عربی مستعد نوشتاری گردد که قرائت یکسانی از آن ممکن باشد. خوانش‌های متفاوت حروف عربی نخستین به جهت نداشتن نقطه، اعراب و حروف صداداری که تلفظ واژه‌ها را دقیق کند، و نیز تفاوت‌هایی در نگارش حروف عربی در بصره و کوفه با نگارش عربی حجازی، پذیرش نوشتن متنی پر حجم بسان قرآن موجود را تا پیش از سده دوم در عربستان دشوار می‌سازد. از مجموع روایت‌هایی که تاریخ‌نگاران و گزارشگران حدیث در سده‌های دوم و سوم بیان کرده‌اند چنین برمی‌آید که متن قرآن کنونی بعضاً بر پایه سنت شفاهی و انتقال سینه به سینه و بعضاً به صورت متنی‌های کهن پراکنده، به تدریج جمع‌آوری و بنا به قراین در اواخر خلافت امویان و یا اوایل خلافت عباسی که دستگاه خلافت از منشیان حرفه‌ای برخوردار گردید، به صورت کتابی درآمده باشد که امروز در دسترس است.

### نامگذاری‌های سلیقه‌ای سوره‌های قرآن

بنیاد قرآن موجود بر آیه‌های قرآن متکی است. اینکه چگونه و چه زمانی مجموعه‌ای از آیه‌ها در بخش‌هایی به نام سوره‌ها گردآوری شدند، و اینکه چه کسی یا کسانی بر این سوره‌ها نام گذاشتند از جهت تاریخی ناروشن است. تاریخ تقدم و تاخر سوره‌ها و آیه‌ها نیز نامعلوم است. شماره‌گذاری آیه‌ها همیشه به معنای استقلال آیه‌ها نیست. بعضی آیه‌ها دنباله آیه پیشین است و بعضی آیه‌ها نیز رابطه‌ای با آیات پیش از خود ندارد. برخی از مفسران اسلامی بنا به مضمون آیه‌ها و بنا بر برداشت‌های خود، آیه‌ها را از جهت مکان نزول به مکی و مدنی تقسیم کرده‌اند که تقسیم‌بندی دقیقی نیست. درباره نامگذاری سوره‌ها نیز نظر غالب مفسران قرآن آنست که این نام‌ها به وسیله نویسندگان و نسخه‌برداران برگزیده شد و به سوره‌ها اطلاق گردید. برخی از نام‌های برگزیده شده برای سوره‌ها بیانگر قدمت این نامگذاری‌هاست، مانند سوره‌هایی که به نام جانوران نامیده شدند از جمله «نمل (مورچگان)»، «نحل (زنبور عسل)»، «بقره (گاو)»، «انعام (چارپایان)». تعدادی از سوره‌ها نیز دارای چند نام است. نام بعضی سوره‌ها نیز فقط از یک حرف است مانند سوره‌هایی که «ص»، «ق» و یا «ن» نامیده شده‌اند و معلوم نیست که این حروف چه معنایی دارند.

### تقسیم‌بندی‌های قرآن

قرآن بنا بر نظم معینی نگارش نشده است. تقسیم‌بندی‌هایی که از قرآن به عمل می‌آید جنبه سلیقه‌ای دارد و از ابتکارات مفسران و متکلمان و فقیهان است و گرنه خود قرآن بنا به تقسیم‌بندی ویژه‌ای تدوین نشده است. در یک بخش‌بندی کلی می‌توان قرآن (کتاب) را از جهت موضوعی به سه بخش تقسیم کرد:

۱- داستان‌های قرآن که ریشه‌های اسطوره‌ای، یهودی و مسیحی دارند. مانند داستان آفرینش و داستان‌های ابراهیم، نوح، موسی، عیسی، مریم و بسیاری دیگر. این داستان‌ها مجموعه‌ای از برداشت‌های دینی از شخصیت‌های اسطوره‌ای است و از جهت تاریخی مستند نیستند. این داستان‌ها در سوره‌های مختلف پراکنده‌اند و بعضی سوره‌ها نیز به نام آن شخصیت‌ها نامگذاری شده است. مانند سوره مریم یا سوره نوح و ابراهیم. این داستان‌ها زمینه‌های تداوم اعتقاد به غیب و الله را پرورش داده‌اند. در این داستان‌ها جدلهایی نیز با باورمندان یهودی، مسیحی و کافران صورت می‌گیرد که متهم می‌شوند که از کتاب‌های خود منحرف شده‌اند مانند آیه ۳۵ سوره مریم و آیات مربوط به انتقاد از یهودیان به جهت آنکه کتاب دینی خود را می‌خوانند و به آن عمل نمی‌کنند.

۲- احکام (دستورها- بایدها و نبایدها): مقرراتی است در باره شیوه زیست، عبادات، امور مدنی و جزایی. این احکام تا حد زیادی برآمده از یهودیت و بخشی نیز از عرف‌های جاری در قبایل عرب است (احکام امضایی) و بخشی نیز «تاسیسی» است به این معنا که بنا به نیازهای دوران خودش مقرر گردید. این احکام بیانگر سطح ابتدایی از تمدن‌هایی است که در حال گذار از زندگی قبیله‌ای به زندگی شهرنشینی هستند، مانند احکام قصاص، حدود، ازدواج و ارث. این احکام به تدریج در سده‌های بعد بنا به استنباط فقیهان در رساله‌های فقهی به عنوان مقررات یا احکام اسلامی مدون گردید. این احکام با صراحت و طبقه‌بندی‌های خط‌کشی شده‌ای که در کتاب‌های فقهی آمده در قرآن نیست. به این جهت فقیهان در بیان احکام قرآن نظریات متفاوتی عنوان کرده‌اند و همه آنها نیز منبع اصلی نظر و استنباط خود را قرآن معرفی می‌کنند.

۳- معبودگرایی. در قرآن معبودی به نام الله به عنوان معبود مطلق همراه با صفات و کارکردهایی بر کل کتاب سایه افکنده است. شناخت ذات الله (یعنی آنکه الله واقعاً چیست) از قرآن ممکن نیست. شناخت الله از طریق صفات او که همه مطلق (اسم عام/کلی) هستند قابل درک می‌گردد. او مالک همه چیز در این دنیا و آن دنیاست، پادشاه دهنده و مجازات‌کننده است. او فرشتگانی دارد که ماموریت‌هایش را انجام می‌دهند. قرآن جهان‌بینی مردمانی است که از عدالت در این دنیا قطع امید کرده‌اند و امید دارند که در دنیای پس از مرگ عدالتی برقرار گردد تا ستمکاران مجازات و نیکان پادشاه نیکو یابند. الله بازتاب جمع‌اضدای از خشونت و مهربانی است که قادر مطلق است و می‌تواند چنین عدالتی را برقرار سازد.

مباحثی چون ذات و صفات خدا اموری هستند که خداشناسان (متکلمان) مطرح کرده‌اند و در خود قرآن چنین تفکیک‌های طبقه‌بندی شده وجود ندارد.

### ناسازها و عدم تناسب‌ها در قرآن

در آیات قرآن تعارضات و تناقضات فراوانی وجود دارد. این تناقضات در همان زمان تدوین قرآن نیز مورد انتقاد گرفته بود. یکی از آیات خود قرآن ضمن تأیید این تناقضات به انتقادکنندگان چنین پاسخ می‌دهد: «او کسی است که

کتاب را بر تو فرستاد که برخی از آن آیات محکم است که آنها مادر [اصل و اساس] کتاب‌اند، و برخی دیگر متشابه‌اند. اما کسانی که در دل‌هایشان انحرافی هست، برای فتنه‌جویی و تأویل آن، آیات متشابه را پیروی می‌کنند، در حالی که تأویل آن را جز الله نمی‌دانند و راسخان در علم گویند: ما به آن ایمان آوریم، همه از جانب پروردگار است و جز خردمندان پند نمی‌گیرند (سوره آل عمران آیه ۷)». شیوه بیان این عبارت و موضوعی که به آن پرداخته است بیانگر پرداختن به انتقاداتی است که در زمان محمد و پس از او به ویژه در سده نخست خلافت درباره تناقضات قرآن بالا گرفته بود و تدوین‌کنندگان قرآن ضرور دیده بودند که به اهل تأویل پاسخ دهند. قضیه آن بود که در سده نخست خلافت در یک جدل الهیاتی درباره ناسازهای کتاب الله، آیه‌های قرآن را به دو دسته آیات محکم و آیات متشابه تقسیم کردند. آیات محکم آنهایی هستند که قابل تأویل و تفسیر نیستند. اما آیات متشابه آنهایی هستند که به علت تعارض آنها با آیه‌های دیگر یا تعارض با عقل نیازمند تأویل و تفسیر هستند مانند آیات مربوط به علائم وقوع رستاخیز، وحی، فرشتگان، روح، دجال، بهشت و دوزخ و غیره.

این تعارضات در آیات قرآن و مطالبی که درباره الله در قرآن آمده، در همان دوران نخستین خلافت عده‌ای را به مخلوق بودن (ساخته شده، به‌وجود آمده) قرآن متقاعد کرد که نتیجه آن قائل شدن به محدودیت زمانی، مکانی و زبانی قرآن بود. در پاسخ به ناسازهای قرآن بود که برخی از متکلمان راه حل را در آن دیدند که بگویند: «[آیات] متشابه گفتاری است که بدان ایمان می‌آورند، ولی به آن عمل نمی‌کنند (ص ۹۵۳ ج ۲ مقدمه ابن خلدون)». خداشناس دیگری فرمول روشن‌تری در تفاوت‌های آیات قرآن ارائه کرد و گفت: «هرچه بجز آیات احکام و قصص باشد متشابه است» یعنی بجز قصه‌های قرآن و احکام بقیه آیه‌های قرآن متناقض و در نتیجه قابل اجرا نیست.

قرآن در مجموع با برداشتی جدلی از مسیحیت و یهودیت و ثنویت (دوگانه‌انگاری) در مسیر همان معبودگرایی و با تأکید بر مطلق‌گرایی در الله‌باوری سیر می‌کند. در نگاه قرآن انسان فقط «عبدالله» (برده‌ی الله)، و الله «قدرت مطلق» است. الله قرآن از یکسو قدرتی غیرمادی است و از سوی دیگر دارای صفات فراوانی است که در ماده و طبیعت دیده و تجربه می‌شود، مانند دانا، بینا، شنوا، حکیم، مجازات‌دهنده، جبار، قهار، که همه زمینیان با آن آشنا بوده‌اند. ذات الله نامعلوم و بسیاری از صفات او از کلیات قابل درک است.

در این میان محمد غزالی تقسیم‌بندی روشن‌تری از قرآن ارائه می‌کند. او آیات را به سه بخش تقسیم می‌کند:

- احکام (بایدها و نبایدها- امر و نهی‌ها)
- اله‌شناسی
- آیاتی که جهت قبولاندن دو دسته پیشین بیان گردیده‌اند. محمد غزالی قرآن را کتابی می‌داند که از اول تا آخر آن (من اولی آخر) جدل با کافران و دلیل‌آوری برای آنان است. بنا به تقسیم‌بندی او نزدیک به ۶۰۰ آیه مربوط به احکام و بقیه درباره توحید و تقدیس و تنزیه الله است. آیه‌های دیگری که در باره اثبات حشر و نشر و لزوم ثواب و عقاب آمده و نیز آیه‌های مربوط به قصه‌ها همه برای تأکید مطالب پیشین است. (ص ۲۱۷ احیای علوم الدین، ج ۲) تعداد ۶۰۰ نهی و امری و بایدها و نبایدهایی که غزالی در قرآن بر شمرده است تقریباً برابر با احکام توراتی است که ۶۱۳ دستور است. (۲۴۸ امر و ۳۶۵ نهی) این احکام دینی شیوه زندگی روزانه بر حسب تورات را نشان می‌دهند (ص ۱۹۸ gyldedals Religions Historie).



# سیل بی سابقه در مشهد؛ ارتباط کوه خواری و تخریب کوهستان جنوبی شهر با صحنه‌های «آخرالزمانی» ناشی از سیل



شان‌دیز گفته بود: «در بازدیدی که از منطقه خادر شان‌دیز داشتم دقیقاً کوه را سوراخ کرده و آن را شکافته‌اند تا در وسط این کوه دامداری بسازند و به بهانه پرورش دام و تعریف کاربری دامداری برای آنجا به دنبال گرفتن سند باشند و بعد از اینکه سند گرفته شد و آب‌ها از آسیاب افتاد اقدام به تغییر کاربری و تبدیل دامپروری به ویلا کنند.»

فرشته تقی‌زاده فعال محیط زیست نیز اسفند ۱۳۹۷ از تخریب کوه‌های کمربند جنوبی شهر مشهد خبر داده و گفته بود «ایرادى که به پدیده کوه‌خواری در کمربند جنوبی شهر مشهد وارد است، این است که مطالعات محیط زیستی این پروژه انجام نشده و تهدیدات، مضرات و فرصت‌ها به لحاظ تخصصی و کارشناسی شده بررسی نشده است. کمربند جنوبی دقیقاً بر روی ارتفاعات جنوبی شهر مشهد واقع شده و بر همگان روشن است که هر کجا که جاده هست، توسعه ساخت و ساز هم وجود دارد.»

این فعال محیط زیست افزوده بود که «اراضی دو طرف جاده در ارتفاعات جنوبی است که بین بزرگواران تقسیم شده، آن اراضی را سهم خود دانسته و نسبت به آن احساس تملک دارند بدون اینکه جایگاه قانونی داشته باشد. ما سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم دغدغه‌مند فعالیت‌ها و اعتراضات را پیگیری می‌کنیم و اجازه نخواهیم داد؛ چرا که این اراضی بیت‌المال است، تمامی این اراضی متعلق به مردم مشهد است و منافع طبیعی و سرمایه ملی ایران محسوب می‌شوند و باید از آن حفاظت شود.»

در پی یادآوری فعالان محیط زیست از تخریب کوه‌های جنوبی شهر برای ساخت و ساز و ارتباط آن با سیل ویرانگر روز گذشته، موسی الرضا حاجی بگلو صبح امروز از قرار گرفتن موضوع رسیدگی به خسارت سیل مشهد به عنوان دستور کار شورای اسلامی شهر مشهد خبر داد و گفت: «شورای شهر مشهد در رابطه با سیل مشهد مقدس تحقیق می‌کند و اگر قصوری از سوی مدیریت شهری رخ داده باشد قطعاً به مراجع قضایی معرفی می‌شود.»

ظهر روز چهارشنبه آغاز شد و در کمتر از یکساعت سبب جاری شدن سیلاب شد.

وحید باخدا مدیر روابط عمومی آتش‌نشانی مشهد نیز صبح امروز پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت اعلام کرده همچنان آبرگفتگی در مشهد ادامه دارد و برخی معابر شهر مسدود است و تلاش برای بازگشایی آنها ادامه دارد. رضا عباسی افزوده که که بارندگی روز گذشته موجب آبرگفتگی در زیرگذر میدان «جهاد»، بلوار «مغاز» و پل «شهید عباسپور» نیز شده است. او همچنین افزوده که اتومبیل‌های زیادی گرفتار سیلاب هستند و تنها در آبرگفتگی پل «انقلاب» ۵۰ اتومبیل در آن گرفتار شدند و ۱۰۰ غواص و نجاتگر سازمان آتش‌نشانی عملیات نجات در این منطقه را پیش می‌برند.

هرچند از وضعیت شهر مشهد گزارش‌های رسمی زیادی منتشر نشده اما برخی اقدامات و دستورالعمل‌ها نشان از بحرانی بودن شرایط این شهر دارد.

جواد خدایی معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری «خراسان رضوی» صبح امروز اعلام کرد که «بر اساس دستور استاندار خراسان رضوی تا روز یکشنبه کلیه مرخصی‌های مدیران دستگاه‌های اجرایی لغو خواهد بود و تمامی مدیران باید در محل خدمت حتی روز جمعه حاضر باشند.»

همچنین سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی نیز صبح امروز به مشهد سفر کرد تا از مناطق سیل‌زده بازدید کند.

فعالان محیط زیست معتقدند کوه‌خواری‌های غیرقانونی در ارتفاعات جنوب مشهد دلیل اصلی جاری شدن سیلاب ویرانگر روز گذشته در این شهر بوده است. از اوایل دهه هشتاد خورشیدی گزارش‌هایی درباره تراشیدن کوه‌های جنوب مشهد و ساختمان‌سازی در این مناطق منتشر شده بود. برای نمونه وبسایت «باشگاه خبرنگاران جوان» بهمن ۱۳۹۹ با انتشار تصاویری از گسترش کوه‌خواری در مناطق جنوبی مشهد و در طبقه و شان‌دیز خبر داده بود. حسن محمدزاده دادستان عمومی و انقلاب طبقه و

● در یکی از حوادث رخ داده در پی سیل روز گذشته یک منزل مسکونی در منطقه «سیدی» به دلیل حجم سیلاب با ریزش آوار روبرو شد و یک مادر و چهار کودکش زیر آوار جان باختند.

● بارش سیل‌آسا در مشهد از حدود ساعت دو و نیم بعد از ظهر روز چهارشنبه آغاز شد و در کمتر از یکساعت سبب جاری شدن سیلاب شد.

● معاون استاندار «خراسان رضوی»: بر اساس دستور استاندار تا روز یکشنبه کلیه مرخصی‌های مدیران دستگاه‌های اجرایی لغو خواهد بود و تمامی مدیران باید در محل خدمت حتی روز جمعه حاضر باشند.

● فعالان محیط زیست معتقدند کوه‌خواری‌های غیرقانونی در ارتفاعات جنوب مشهد دلیل اصلی جاری شدن سیلاب ویرانگر روز گذشته در این شهر بوده است.

سیل ویرانگر در شهر مشهد سبب گشته شدن دست‌کم ۱۰ شهروند و زخمی شدن ده‌ها تن شده و خسارات سنگینی نیز برجای گذاشته است. فعالان محیط زیست معتقدند تخریب کوهستان جنوبی مشهد برای ساخت و ساز علت جاری شدن چنین سیل وحشتناک و بی‌سابقه‌ای در سطح شهر شده است. نایب رئیس شورای عالی استان‌ها مدعی شده «اگر قصوری در سیل مشهد رخ داده باشد، حتماً به مراجع قضایی معرفی می‌شود.»

جاری شدن سیل در روز چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳ در شهر مشهد صحنه‌های آخرالزمانی به وجود آورده است. بر اساس آخرین آمار اعلام شده تا زمان تنظیم این گزارش دست‌کم ۱۰ شهروند روز گذشته در پی وقوع سیل در مشهد جان باخته و ده‌ها تن زخمی شده‌اند. آمارها همچنین از مفقود شدن ۱۲ نفر در سیل روز گذشته خبر می‌دهند که هنوز از سرنوشت آنها خبری در دست نیست. منابع محلی شمار قربانیان را بیش از این تعداد گزارش می‌کنند.

در یکی از حوادث رخ داده در پی سیل روز گذشته یک منزل مسکونی در منطقه «سیدی» به دلیل حجم سیلاب با ریزش آوار روبرو شد و یک مادر و چهار کودکش زیر آوار جان باختند. در حادثه دیگری دو سرنشین یک اتومبیل در میان سیل روان گرفتار شدند و در اتومبیل جان باختند.

آتشپاد دوم حمیدرضا کافی نیا مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی مشهد شب گذشته با اعلام اینکه همه ۵۶ ایستگاه آتش‌نشانی و ۵۰۰ نیروی عملیاتی آن از ظهر چهارشنبه مشغول امدادسانی به شهروندان هستند، گفته بود: «بر اثر این بارش‌ها علاوه بر آبرگفتگی حوادث دیگری شامل گرفتار شدن و محبوس شدن در آسانسور و سقوط درخت نیز اتفاق افتاده است.»

جاری شدن حجم عظیمی از آب در خیابان‌های این شهر به صورت ناگهانی صدها اتومبیل را دچار خسارت کرده و چندین خیابان و کوچه در سطح شهر مسدود شده‌اند. حجم آب جاری در مشهد آنقدر زیاد بود که چند اتومبیل بر اثر فشار آب در خیابان‌ها شناور شدند.

بر اساس گزارش‌ها در چند شهر دیگر استان «خراسان رضوی» از جمله تربت جام، درگز، نیشابور، فیروزه، خواف، فریمان و بینالود نیز سیل گسترده‌ای جاری شده اما حجم سیل جاری شده در مشهد بیش از دیگر شهرها بوده است. بارش سیل‌آسا در مشهد از حدود ساعت دو و نیم بعد از

## بر باد رفتن منابع مالی در بودجه‌پاشی به نهادهای ایدئولوژیک بودجه صداوسیما جمهوری اسلامی روزانه ۸۷ میلیارد تومان!



سال گذشته ۳ هزار و ۷۵۶ میلیارد تومان بود. همچنین شورای سیاست‌گذاری حوزه‌های علمیه خواهران نیز از بودجه هزار و ۲۱ میلیاردی سال گذشته با افزایش ۶۹ درصدی، به بودجه پیشنهادی هزار و ۷۲۶ میلیارد تومان رسیده است.

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم نیز در ردیفی جداگانه بودجه ۸۳۱ میلیارد تومانی دریافت خواهد کرد که نسبت به سال گذشته ۱۰/۶ درصد رشد را نشان می‌دهد. برای شورای برنامه‌ریزی مدیریت حوزه‌های علمیه خراسان نیز ۹۰۰ میلیارد تومان بودجه پیشنهاد شده است.

گزارش «اقتصاد ۲۴» افزوده که سازمان تبلیغات اسلامی و زیرمجموعه‌هایش نیز در مجموع بیش از ۴ هزار و ۷۸۰ میلیارد تومان بودجه در اختیار دارند:

- در جدول ۱۲ مقدار بودجه اختصاصی این سازمان به مقدار ۳ هزار و ۱۳۵ میلیارد تومان ذکر شده است.

- اما در جدول ۷، این مقدار ۳ هزار و ۹۰ میلیارد تومان اعلام شده است. اگرچه مقدار بودجه اختصاصی سازمان تبلیغات اسلامی در دو جدول مختلف متفاوت است، اما مقدار ۳ هزار و ۱۳۵ میلیارد تومان به عنوان بودجه اختصاصی این سازمان تایید شده است.

بودجه اختصاصی سازمان تبلیغات اسلامی برای اهداف مختلفی تخصیص داده شده است که عبارتند از:

- تقویت و گسترش سنت حسنه اعتکاف ویژه نوجوانان و جوانان (ستاد مرکزی اعتکاف): ۳۰۰ میلیارد تومان

- کمک به مساجد کشور در طرح مسجد محوری: ۵۰۰ میلیارد تومان

- گسترش فعالیت‌های حفظ موضوعی قرآن کریم و تقویت فعالیت‌های موسسات قرآنی کشور (صندوق توسعه قرآنی): هزار میلیارد تومان

نیست و اعلام هم نمی‌شود اما برآوردهای مختلف از رقمی سالانه ۱۰ تا ۶۰ هزار میلیارد تومان به عنوان درآمدهای سازمان صداوسیما خبر می‌دهند. حتی اگر رقم درآمد ۱۰ هزار میلیارد تومان در سال معیار قرار بگیرد، هر روز سازمان صداوسیما حکومت بیش از ۸۷ میلیارد تومان برای فعالیت‌های خود هزینه می‌کند.

افزایش نجومی بودجه این سازمان مدافعان سرسختی نیز دارد؛ جبار کوچکی‌نژاد عضو کمیسیون تلفیق لایحه بودجه، در واکنش به انتقاداتها به وسایط «دیده‌بان ایران» گفته بود: «افزایش بودجه سازمان‌هایی مانند صداوسیما و برخی از نهادها بیشتر در حوزه زیرساخت است. افزون بر این ما در یک جنگ رسانه‌ای قرار داریم و باید صداوسیما را تقویت کنیم.»

او در پاسخ به اینکه آیا عملکرد این سازمان در مقایسه با میزان بودجه‌اش قابل قبول است یا نه گفت: «صدا و سیما به عنوان یک رسانه ملی در بسیج مردم نقش دارد. اکنون در بحث انتخابات صداوسیما دارد تلاش می‌کند و به صورت فنی ورود پیدا کرده تا مشارکت مردم را بالا ببرد.»

به گفته کوچکی‌نژاد، «در مقابل رسانه‌های بیگانه که مدام به تحریم انتخابات می‌پردازند»، ضروریست که صداوسیما در این «جنگ رسانه‌ای» مجهز باشد و «عملکرد خوبی هم داشته است.»

حوزه علمیه هم از جمله نهادهایی است که بودجه‌های متنوع و البته هنگفتی را در ردیف‌های مختلف لایحه بودجه و با عناوین مختلف دریافت می‌کند.

وبسایت «اقتصاد۲۴» گزارش داده که بودجه مرکز خدمات حوزه علمیه برای سال جاری نیز ۷ هزار و ۵۴۴ میلیارد تومان تعریف شده است، عددی که سال گذشته ۶ هزار و ۴۰۲ میلیارد تومان بود. برای شورای عالی حوزه‌های علمیه نیز ۵ هزار و ۲۳۶ میلیارد تومان تعریف شده است، عددی که

● بر اساس لایحه بودجه ۱۴۰۳ از رقم کلی بودجه نهادهای فرهنگی و مذهبی، ۲۲ هزار و ۲۰۸ میلیارد تومان، مربوط به سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی است.

● بودجه مرکز خدمات حوزه علمیه برای سال جاری ۷ هزار و ۵۴۴ میلیارد تومان، شورای عالی حوزه‌های علمیه ۵ هزار و ۲۳۶ میلیارد تومان و شورای سیاست‌گذاری حوزه‌های علمیه خواهران نیز هزار و ۲۱ میلیارد تومان است.

● ردیف‌های بودجه‌های مبهمی نیز در لایحه بودجه وجود دارد؛ از جمله ۱۵۰۰ میلیارد تومان برای «جبران تلاش» کارکنان وزارت کشور و بودجه ۶۴۰ میلیارد تومانی برای اجرای قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و سیانت از منافع ملت ایران!

با پایان بررسی‌های نهایی لایحه بودجه ۱۴۰۳ مشخص شده امسال نهادهای ایدئولوژیک و نه تنها بی‌خاصیت بلکه زیانبار حکومتی بیش از پیش، ده‌ها هزار میلیارد تومان از منابعی را که باید برای رفاه مردم و توسعه کشور هزینه می‌شد می‌بلعند.

نهادهای حکومتی از حوزه‌های علمیه تا سازمان تبلیغات اسلامی هر ساله بخش زیادی از ردیف‌های هزینه‌ای در لایحه بودجه را به خود اختصاص می‌دهند. در این میان برخی نهادهای تأسیس شده برای پولپاشی به خانواده‌ها و جریان‌های حکومتی، از جمله موسسه نشر و حفظ آثار خمینی که توسط حسن خمینی اداره می‌شود و دقیقاً مشخص نیست خروجی این موسسه چیست، نیز بخش زیادی از بودجه کشور را سالانه می‌بلعند.

برخی سازمان‌ها مانند صداوسیما که نه یک رسانه ملی، بلکه بازوی پروپاگاندای جمهوری اسلامی هستند نیز با وجود ریزش شدید مخاطبان اما هر ساله با افزایش قابل توجه بودجه پاداش می‌گیرند!

مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) وابسته به جهاد دانشگاهی در ایران سال گذشته نتیجه یک نظرسنجی را منتشر کرد که بیانگر کاهش مخاطبان صداوسیما حکومت بود. در سال ۱۳۸۳ این سازمان دولتی با بیش از ۷۰ درصد، بیشترین مرجعیت رسانه‌ای برای کسب اخبار روزمره را داشت، این رقم در سال ۱۴۰۱ به ۴۵ درصد و در سال ۱۴۰۲ به ۳۸ درصد رسید.

کاهش مخاطب صداوسیما جمهوری اسلامی اما مورد توجه مقامات حکومتی قرار نگرفته و همچنان بودجه مهمترین بازوی رسانه‌ای پروپاگاندای حکومت با افزایش پاداش می‌گیرد.

بر اساس لایحه بودجه ۱۴۰۳ از رقم کلی بودجه نهادهای فرهنگی و مذهبی، ۲۲ هزار و ۲۰۸ میلیارد تومان، مربوط به سازمان صدا و سیما است؛ بودجه‌ای که سال گذشته بیش از ۱۵ هزار میلیارد بود و حال با افزایش ۴۷/۴ درصدی، روی این رقم ایستاده است. این یعنی، سازمان صدا و سیما روزانه معادل ۶۰ میلیارد و ۸۴۳ میلیون تومان خرج بر دست دولت می‌گذارد.

این سازمان درآمدهایی نیز از طریق پخش تبلیغات و برگزاری برنامه‌های مشارکتی دارد که رقم دقیق آن مشخص



## تداوم ناترازی بنزین؛ «افزایش قیمت» همچنان آخرین گزینه است



غیرقیمتی در دستور کار است و هیچ پیشنهاد قیمتی تا کنون در دولت مطرح نشده و پیشنهاد قیمتی نیز از ما نخواستند.»

جعفر سالاری نسب توضیح داده که از ابتدای خردادماه امکان استفاده از سامانه ثبت آنلاین کارت سوخت فراهم می‌شود و طی هفت تا ۱۰ روز، کارت سوخت برای متقاضیان صادر خواهد شد.

مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی گفته ۹۰ درصد سوختگیری در حوزه بنزین و ۹۵ درصد در حوزه نفت‌گاز باید از کارت سوخت شخصی باشد.

مالک شریعتی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی نیز چند روز پیش در سخنانی مطرح کرد که اختصاص سهمیه سوخت به کارت ملی در حال حاضر راهکار قابل اجرای دولت برای مدیریت کمبود سوخت است.

مالک شریعتی گفته بود «بحث افزایش قیمت [بنزین] مطرح نیست، بلکه باید توزیع عادلانه صورت بگیرد؛ زمانی که توزیع عادلانه انجام شود شبیه نظام افزایش پلکانی در برق و گاز، یک سهمیه مشخص یارانه‌ای با قیمت فعلی و بدون افزایش قیمت به ازای کد ملی در اختیار همه ملت قرار می‌گیرد. بعد از آن اگر کسی نیاز داشت بیش از این میزان مصرف کند، هزینه افزایش مصرف را خودش پرداخت می‌کند. این موضوع روی تورم تاثیر نخواهد داشت؛ چراکه بنزین یارانه‌ای نیاز بالغ بر ۸۰ درصد مصرف‌کنندگان را تامین می‌کند.»

هرچند بیشتر خبرهایی درباره افزایش قیمت بنزین در سال جدید مطرح شده بود و در جریان بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۳ نیز گزارش‌ها از تصمیم جدید درباره سهمیه سوخت حکایت داشت اما در نهایت لایحه بودجه بدون تغییر نسبت به سال گذشته بسته شد و برای دولت مجوزی درباره امکان افزایش قیمت سوخت مطرح نشد.

● گزینه‌های مختلفی از جمله تغییر در سهمیه سوخت، اختصاص سهمیه به کد ملی و کاهش سهمیه سوخت اصناف مختلف مانند کامیونداران برای مدیریت سوخت مطرح است.

● مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی: برای بنزین در دولت راهکارهای غیرقیمتی در دستور کار است و هیچ پیشنهاد قیمتی تا کنون در دولت مطرح نشده و پیشنهاد قیمتی نیز از ما نخواستند.

● مجلس در لایحه بودجه اجازه افزایش قیمت بنزین را به دولت نداده اما همچنان امکان افزایش قیمت سوخت از سوی شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا وجود دارد!

در روزهای گذشته بار دیگر خبرهایی درباره شیوه عرضه بنزین از اختصاص سهمیه به «کد ملی» تا کاهش سهمیه سوخت کامیونداران مطرح شده است. به نظر می‌رسد کمبود و ناترازی سوخت جدی‌تر شده اما دولت تلاش دارد «افزایش قیمت» را همچنان به عنوان آخرین گزینه در نظر داشته باشد.

ناترازی سوخت در ایران در روزهای گذشته موضوع مدیریت سوخت را دوباره به شکلی جدی مطرح کرده است. گزینه‌های مختلفی از جمله تغییر در سهمیه سوخت، اختصاص سهمیه به کد ملی و کاهش سهمیه سوخت اصناف مختلف مانند کامیونداران در ارتباط با مدیریت سوخت قابل تأمل هستند.

این در حالیست که کارشناسان معتقدند هر تصمیمی که سبب چند نرخی شدن سوخت شود بر بحران‌های موجود می‌افزاید. همزمان دولت نیز خبر از راه‌اندازی سامانه ثبت آنلاین کارت سوخت داده است.

جعفر سالاری نسب مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی گفته «برای بنزین در دولت راهکارهای

تقویت و گسترش فعالیت‌ها و رویدادهای فرهنگی-دینی جریان‌ساز و میدانی در سراسر کشور: ۳۴۰ میلیارد تومان  
- حمایت از حلقه‌های میانی مردمی فرهنگی: ۲۰۰ میلیارد تومان  
- کمک به سازمان هیات و تشکل‌های دینی: ۲۰ میلیارد تومان

- تقویت پایگاه جریان‌ساز برای حلقه‌های میانی جبهه فرهنگی-فکری انقلاب اسلامی (سرچشمه نور انقلاب اسلامی): ۱۴۰ میلیارد تومان  
- ترویج گفتمان انقلاب اسلامی: «شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه» نیز یکی دیگر از زیرمجموعه‌های سازمان تبلیغات اسلامی است که خودش ۲۱۰ میلیارد تومان بودجه دارد. این شورا به غیر از بودجه اصلی خود، قرار است ۱۰۰ میلیارد تومان نیز برای «ترویج گفتمان انقلاب اسلامی» دریافت کند.

- حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و قرآنی در مساجد: «مرکز رسیدگی به امور مساجد» هم مانند قبلی‌ها، زیرمجموعه سازمان تبلیغات است؛ غیر از ۱۲۰ میلیارد تومان بودجه جدول ۷، این مرکز ۲۵۰ میلیارد تومان نیز بودجه اختصاصی دارد. محل هزینه‌کرد این ۲۵۰ میلیارد تومان نیز «حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و قرآنی در مساجد» عنوان شده است.

- گسترش فرهنگ اقامه نماز: دیگر زیر مجموعه سازمان تبلیغات، «ستاد اقامه نماز» است؛ این ستاد ۹۸ میلیارد تومان بودجه عمومی دارد و ۲۰۰ میلیارد تومان نیز بودجه اختصاصی. «گسترش فرهنگ اقامه نماز» دلیل هزینه‌کرد این ۲۰۰ میلیارد تومان عنوان شده است.

برای سال ۱۴۰۳، موسسه نشر آثار امام خمینی هم ۱۶۰ میلیارد تومان بودجه خواهد داشت. خانواده روح‌الله خمینی اما از راه‌های دیگر هم بودجه‌های کلان دریافت می‌کنند. از جمله تحت عنوان «آستان مقدس حضرت امام» رقمی معادل ۲۱۶ میلیارد تومان به جیب می‌زنند.

فهرست بلند بودجه اختصاص یافته به نهادهای حکومتی نشان می‌دهد در سال جدید سازمان اوقاف ۱۳۲ میلیارد تومان، کمک به معیشت روحانیون ۱۲۲۷ میلیارد تومان، بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس ۲۶۰۲ میلیارد تومان، ستاد مرکزی راهیان نور ۴۹ میلیارد تومان، مجمع جهانی اهل بیت ۲۵۷ میلیارد تومان، خیرگزاری جمهوری اسلامی ۳۷۴ میلیارد تومان، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۲۶۸ میلیارد تومان، موسسه آموزشی امام خمینی ۴۳۷ میلیارد تومان، شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه ۳۱۱ میلیارد تومان و ستاد احیای امر به معروف ۲۵۶ میلیارد تومان از بودجه کشور را می‌بلعند.

جدا از بودجه پاشی به نهادهای رسمی و عریض و طویل حکومتی و تبلیغاتی، برخی بودجه‌های اختصاص یافته در ابعاد کوچکتر هم قابل توجه است. برای مثال روزنامه «اعتقاد» گزارش داده ۵۰ میلیارد تومان برای «کمک به تکمیل ساختمان حوزه علمیه امیرالمؤمنین تهران (لویزان) اختصاص یافته است». این حوزه علمیه به ریاست «علیرضا تقوایی» سال ۱۳۸۸ تاسیس شده است. او منصب حکومتی یا دولتی ندارد اما نزدیک به جریان آیت‌الله مصباح یزدی و از اصولگرایان است.

وبسایت «اقتصاد ۲۴» به بودجه‌های مبهم در لایحه بودجه نیز اشاره کرده است؛ از جمله ۱۵۰۰ میلیارد تومان برای «جبران تلاش» کارکنان وزارت کشور و بودجه ۶۴۰ میلیارد تومانی برای اجرای قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و سیانت از منافع ملت ایران!

## امضای قرارداد توسعه چابهار؛ بذل و بخشش گسترده جمهوری اسلامی و هشدار ایالات متحده به هند

● امضای این قرارداد در حالی صورت گرفته که بیش از یک دهه است هند متعهد به سرمایه‌گذاری برای توسعه بندر چابهار شده اما طی سال‌های گذشته و به دلیل تحریم‌ها، تعهدات خود را انجام نداده بود.

● دولت ایالات متحده بلافاصله پس از امضای این قرارداد نسبت به «نقض تحریم‌های ایران» به هند هشدار داد و تأکید کرد هیچگونه معافیت تحریمی برای هند وجود ندارد. ● در مرداد ۱۴۰۱ شرکتی وابسته به «بنیاد مستضعفان» به عنوان پیمانکار ایرانی طرف قرارداد هندی‌ها در بندر چابهار با امضای قراردادی عجیب، ۹۹ درصد از درآمد بندر چابهار را تا سه سال در اختیار هندی‌ها قرار داد.

قرارداد نظارت و مدیریت بندر چابهار از سوی هند به مدت یک دهه در حالی میان جمهوری اسلامی و هند امضا شده که ایالات متحده نسبت به «نقض تحریم‌های ایران» به هند هشدار داده است. این قرارداد پس از مدت‌ها انتظار جمهوری اسلامی و سه بار دعوت از سوی رژیم ایران و خودداری هند امضا شده است.

مراسم امضای قرارداد مشارکت شرکت هندی «اِیندیا پورترز گلوبال لیمیتد» یا IPGL در تجهیز و بهره‌برداری از پایانه‌های کانتینری و کالای عمومی بندر «شهید بهشتی» چابهار، ۲۴ اردیبهشت‌ماه برگزار شد. این قرارداد به امضای سارباناندا سونووال وزیر بندر، کشتیرانی و آبراهه‌های هندوستان و مهرداد بذرشاه وزیر راه و شهرسازی جمهوری اسلامی رسید. امضای این قرارداد در حالی صورت گرفته که بیش از یک دهه است هند متعهد به سرمایه‌گذاری برای توسعه بندر چابهار شده است اما طی سال‌های گذشته و به دلیل تحریم‌ها، تعهدات خود را انجام نداد.

ساعتی پس از انتشار خبر این قرارداد نیز ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در پاسخ به اینکه چه تضمینی وجود دارد که با توجه به تحریم‌های آمریکا، هندی‌ها به مفاد این توافق پایبند باشند گفت: «تجربه نشان داده است که کشورهایی مایل هستند که با نادیده گرفتن تحریم‌های آمریکا علیه کشورهای مستقل در چارچوب منافع مشترک همکاری خود را با این کشورها از جمله ایران در ابعاد تجاری، اقتصادی و غیره گسترش دهند و توافق ایران و هند در توسعه بندر چابهار با درک کشور هند از ماهیت تحریم‌های غیرقانونی آمریکا انجام شده است و این موضوع محدود به هند نیست.»

ناصر کنعانی افزوده که «گسترش همکاری‌های ما با کشورهای مختلف در جهان نشان می‌دهد تحریم‌های آمریکا به‌رغم محدودیت‌هایی که ایجاد می‌کند در مسیر همکاری‌های سازنده، امر بازدارنده‌ای برای کشورهایی که با حفظ استقلال سیاسی خود مسیر همکاری‌ها را با ایران دنبال می‌کنند، نیست.»

تولید فرآورده‌هایی شبیه بنزین را دارند و یا اینکه نفتایی تولید می‌کنند که قابلیت استفاده در تولید بنزین را دارند.» در شرایط متوسط که مصرف بنزین در ایران روزانه حدود ۱۱۵ میلیون لیتر است، تولید در نهایت به ۱۱۲ الی ۱۱۳ میلیون لیتر در روز می‌رسد.

مسئله افزایش قیمت بنزین نیز همچنان یکی از گزینه‌های جدی است و دولتمردان معتقدند بخشی از بنزین مصرفی قاچاق می‌شود و افزایش مصرف با افزایش قیمت قابل کنترل خواهد بود و در صورت کاهش مصرف بخشی از ناترازی جبران می‌شود.

در ماه‌های گذشته نیز دولت اقداماتی از جمله حذف کارت سوخت جایگاه‌ها و محدود شدن افراد به استفاده بنزین در محدوده سهمیه خود انجام داد که برخی این اقدامات را مقدمه افزایش قیمت بنزین ارزیابی کردند. برخی نیز معتقدند افزایش قیمت کالاهای استراتژیک از نان تا بنزین، با توجه به شرایط اقتصادی خانوارها، می‌تواند سبب بروز اعتراضاتی گسترده شود.

محمود خاقانی کارشناس انرژی هشدار داده که گران شدن قیمت بنزین شاخص تورم را ۴ رقمی می‌کند: «گران شدن بنزین مستلزم بازنگری در بودجه ۱۴۰۳ است. چاپ پول باعث افزایش تورم شده و مالیات آن از مردم گرفته می‌شود. مالیات بر افزایش سرمایه از مالیات‌های جدیدی است که بر دارایی‌هایی که قیمت آن‌ها به دلیل تورم بالا رفته است گرفته می‌شود. افزایش قیمت بنزین و گران شدن هزینه‌های حمل و نقل ممکن است تورم را چهار رقمی کند.»

آلبرت بغزبان کارشناس اقتصادی و استاد دانشگاه در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» با اشاره به حذف کارت سوخت جایگاه‌ها گفته «پیش از پرداختن به تبعات حذف سوخت آزاد، باید ابتدا به مسئله ایجاد کارت سوخت و سهمیه‌بندی اشاره کرد. دولت به منظور کاهش مصرف سوخت و جلوگیری از قاچاق بنزین، کارت سوخت و سهمیه‌بندی را آغاز کرد. پیش از این، بنزین به صورت آزاد، در مرزهای ایران به قیمت گزافی فروخته می‌شد و سود آن به دست دلانان می‌رسید. در راستای جلوگیری، مدیریت و کاهش این اتفاق، دولت سوخت را برای افراد سهمیه‌بندی کرد، اما در کنار آن مفهومی به نام بنزین آزاد و کارت جایگاه‌ها شکل گرفت که اتفاقی بی‌معنی بود.»

آلبرت بغزبان افزوده «قرار بود به منظور مدیریت مصرف بنزین مردم و مسئله قاچاق سوخت، سهمیه‌بندی بنزین کارآمد باشد، اما کارت سوخت آزاد، این اتفاق را خنثی کرد. حال برخی اخبار حاکی از آن است که دولت قصد دارد کارت سوخت آزاد را از جایگاه‌ها حذف کند. این خبر نشان می‌دهد نه مصرف سوخت و نه مسئله قاچاق بنزین تا به امروز مدیریت نشده است. در عین حال دولت نیز هنوز اعلام نکرده هدف اصلی از حذف این کارت‌ها چیست و با چه منظوری این تغییر را اعمال خواهد کرد.»

او همچنین گفته «مصرف بنزین افراد و خانوارها برحسب نوع استفاده، کیفیت خودرو و شهری که در آن زندگی می‌کنند، متغیر است. به عنوان مثال خانواده‌ای که در کلانشهرها زندگی می‌کند، بالطبع میزان مصرف بنزین بالاتری دارد. با حذف کارت سوخت جایگاه‌ها، افراد مجبورند پس از اتمام سهمیه بنزین خود، از حمل و نقل عمومی استفاده کنند که متأسفانه این بخش کشور با مشکلات و چالش‌های زیادی درگیر است. سیستم حمل و نقل عمومی کشور حتی در کلان شهرها نیز هنوز توسعه نیافته و نوسازی نشده است. در چنین شرایطی اگر مردم را بیشتر به سمت حمل و نقل عمومی روانه کنیم، تنها مشکلات و نارضایتی‌ها بیشتر خواهد شد.»

اما همچنان امکان افزایش قیمت سوخت از سوی شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا که در سال‌های گذشته فراتر از قانونگذاری مجلس شورای اسلامی تشکیل شده و بارها قوانین مصوبه را با یک تصمیم ملغی کرده، وجود دارد!

کاهش سهمیه سوخت اصنافی مانند کامیونداران نیز از دیگر راهکارهای مطرح شده برای مدیریت ناترازی سوخت است. این در حالیست که در حال حاضر نیز میزان سهمیه اصناف کامیونداران و باربران و تاکسی‌داران کافی نیست و آنها معترض هستند.

وبسایت «تجارت نیوز» در گزارشی خبرهای غیررسمی درباره سه نرخ بنزین را طی پرسش از نمایندگان مجلس شورای اسلامی مطرح کرده که نمایندگان چنین خبری را تکذیب کردند.

در این گزارش آمده عبدالعلی رحیمی مظفری عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای در پاسخ به سوال صحت خبر سه نرخ بنزین گفته که فعلا در این زمینه خبری نیست و خبر سه نرخ شدن شایعه است.

همچنین کیوان مرادیان کوچک‌سرای عضو کمیسیون انرژی مجلس، شورای اسلامی هم به «تجارت نیوز» گفته در کمیسیون انرژی هیچ بحثی راجع به سه نرخ بنزین نشده است. وی افزوده که «به دولت اجازه داده شده که حوزه انرژی را مدیریت کند و اختیاراتی در حوزه افزایش قیمت بنزین دارد.»

کیوان مرادیان کوچک‌سرای درباره جزئیات اختیاراتی که برای افزایش قیمت سوخت به دولت داده توضیح نداده است. ناترازی بنزین و تولید کمتر از مصرف در سال‌های گذشته سبب هشدار کارشناسان شده و در شرایط متوسط که مصرف بنزین در ایران روزانه حدود ۱۱۵ میلیون لیتر است، تولید در نهایت به ۱۱۲ الی ۱۱۳ میلیون لیتر در روز می‌رسد. کارشناسان معتقدند با تداوم روند فعلی، ایران در ۱۰ سال آینده نیازمند واردات روزانه ۱۱۰ میلیون لیتر بنزین و معادل سالانه ۲۵ میلیارد دلار از این محصول خواهد بود.

کمبود بنزین سبب شده دولت قراردادی با ارزش دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار با پتروشیمی‌ها برای تولید بنزین در سال جدید امضا کند.

حمیدرضا حاجی بابایی رئیس کمیسیون تلفیق بودجه مجلس شورای اسلامی خبر داده که «به منظور تأمین منابع هدفمندی بارانه و جبران کسری انرژی، دولت با پتروشیمی‌ها برای تأمین بنزین کشور در سال جاری قرارداد دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلاری منعقد کرده است.»

تولید بنزین پتروشیمی با وجود آلاینده‌های شدید و خطرناک از زمان دولت محمود احمدی‌نژاد با عنوان «طرح ضربتی افزایش تولید بنزین» وارد محوره‌های تولید انرژی جمهوری اسلامی شد. در آن زمان شش مجتمع پتروشیمی شازند اراک، جم، برزویه (نوری)، امیرکبیر، واحد آروماتیک بندر «امام» و بوعلی‌سینا با ظرفیت تولید روزانه ۱۵ میلیون تا ۱۷ میلیون لیتر بنزین و ۹ میلیون لیتر گازوئیل مسئولیت تولید بنزین پتروشیمی را به عهده گرفتند.

این در حالیست که بر اساس نظر کارشناسان بنزین پتروشیمی از نظر استاندارد اصلا بنزین به شمار نمی‌رود و از نظر آلاینده‌ها و به دلیل داشتن ترکیبات بنزن و تلوئین که در آن بسیار بالاتر از حد استاندارد است، تهدیدی جدی برای محیط زیست و جان انسان‌ها ارزیابی می‌شود.

حمید حسینی رئیس هیئت مدیره اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی، در اینباره گفته «ما هیچوقت بنزین پتروشیمی نداشته‌ایم؛ برخی شرکت‌های پتروپالایشی نظیر نوری، بوعلی، شازند و اصفهان ظرفیت





انجمن شرکت‌های کشتیرانی و خدمات وابسته اعلام کرد هندی‌ها حتی یک سنت از ۲۲۰ میلیون دلاری که متعهد به سرمایه‌گذاری در چابهار شدند را به ایران نیاوردند. مسعود پل‌مه توضیح داده بود که با وجود تمهیدات دولت برای احیای بندر چابهار، ما همچنان عقب هستیم، حتی یک سنت از رقم سرمایه‌گذاری ۲۲۰ میلیون دلاری هندی‌ها که وعده داده بودند، وارد چابهار نشد.

به گفته وی، از سال ۹۶ قرار بود دولت هند یک میلیون تن گندم به افغانستان بدهد اما حداکثر میزان گندمی که از چابهار ترانزیت شد ۱۸۰ هزار تن بود.

او با بیان اینکه متأسفانه ناکارآمدی مدیریت بندری در بخش خصوصی برای بندر چابهار مشکل ایجاد کرده است، افزوده بود که «پیمانکاری محلی که ارتباطات خاص دارد، بدون توانمندی علمی و مالی و در حالی که هیچ ارتباطی با شرکت‌های مرتبط ندارد و پیش از این کار نظافت ساختمان را انجام می‌داده، پیمانکار ترانزیت بندر چابهار شده است؛ همین موجب می‌شود ترانزیت‌تایم ۳ روزه به ۱۱۰ روز افزایش یابد.»

در سال‌های گذشته جمهوری اسلامی با امتیاز دادن به هند تلاش داشت این کشور را برای اجرای طرح توسعه بندر چابهار ترغیب کند. در عمل اما هند بندر چابهار را قبضه کرد بدون آنکه برای توسعه این بندر گامی بردارد.

دو سال پیش گزارشی مبنی بر درخواست تعیین داور بین‌المللی از سوی هند را برای حل اختلافات منتشر شد. در این گزارش آمده بود که هند اجازه استفاده از شش دستگاه جرثقیل سنگین ساحلی وارد شده به بندر «بهشتی» را هم نمی‌دهد. اینهمه در حالی بود که همچنان بذل و بخشش جمهوری اسلامی به هند، دست‌کم از سوی جریانی در درون حکومت، ادامه داشت. در مرداد ۱۴۰۱ شرکت «کیهان شیران زرین» وابسته به «بنیاد مستضعفان» به عنوان پیمانکار ایرانی طرف قرارداد هندی‌ها در بندر چابهار با امضای قراردادی عجیب، ۹۹ درصد از درآمد بندر چابهار را تا سه سال در اختیار هندی‌ها قرار داد و ایران فقط سهمی یک درصدی از این قرارداد دارد!

خبرگزاری «ایلنا» گزارش داده بود که آمارهای رسمی سازمان بندر نشان می‌دهد که اساساً از ۱۹ ماه گذشته، اسکله «بهشتی» که به آن «بندر» هم می‌گویند، چابهار ۸۰ درصد

از فعالیت‌های کانتینری و ترانزیتی خود را از دست داده بطوری که مجموع عملیات کانتینری «بندر شهید بهشتی» بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ که هنوز پیمانکار کیهان شیران زرین وارد بندر نشده بود از ۴۸۴۶ تی‌یو به ۸۳۰۶ تی‌یو رسیده یعنی رشد حدود ۷۰ درصد داشته اما در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱ علمیات کانتینری با افت ۸۰ درصد به ۱۴۵۰ تی‌یو کاهش پیدا کرده است. البته همین میزان عملیات مربوط می‌شود به تخلیه کالاهای اساسی وارداتی و بارگیری مواد معدنی و ساختمانی صادراتی محدود شده که عملاً ارتباطی با بازاریابی و بازاریابی طرف هندی ندارد و ترافیک فعلی کشتی و کالا در اسکله «بهشتی» صرفاً مرهون تصمیم دولت ایران در راستای ایفای مسئولیت اجتماعی در خصوص توسعه محور شرق است.

«کیهان لندن» در گزارشی این قرارداد را در راستای «ایران‌فروشی» جمهوری اسلامی ارزیابی کرده و نوشته بود بیش از ۴۳ ماه از واگذاری راهبری اسکله «بهشتی» بندر چابهار به شرکت هندی «اینديا پورترز گلوبال لیمیتد» یا IPGL می‌گذرد و در حال حاضر این بندر بر اساس اهدافی که تعیین شده، بجای آنکه تبدیل به قطب جدید برای ترانزیت کالا و کانتینر بین هند، افغانستان و آسیای میانه و روسیه شود، به محلی برای کسب درآمد هند از تخلیه کالاهای اساسی و بارگیری مواد معدنی و ساختمانی تبدیل شده است. این گزارش افزوده بود پیشتر نیز زمره‌هایی از تخلفات سازمان بندر و دریانوردی در بندر چابهار برای انتخاب شرکت پیمانکار ایرانی منتشر شده بود که نشان می‌داد در این مورد هم رانت‌های حکومتی منافع کشور را به بازی گرفته‌اند. شرکت «کیهان شیران زرین» وابسته به بنیاد مستضعفان شرکتی است که از سوی سازمان بندر و دریانوردی به عنوان پیمانکار ایرانی منتخب شرکت هندی اینديا پورترز گلوبال لیمیتد در بندر چابهار معرفی شد.

بر اساس این گزارش پس از همکاری شرکت «کیهان شیران زرین» به عنوان پیمانکار ایرانی طرف قرارداد هندی‌ها، آمار عملکردی اسکله «بهشتی» در چرخه مبادلات تجاری بین المللی و ترانزیت کالا و کانتینر تا ۸۰ درصد سقوط کرد و حتی محمولات گندم اهدایی دولت هند به مردم افغانستان که پیشتر از اسکله «بهشتی» بندر چابهار منتقل می‌شدند، از طریق خاک پاکستان به افغانستان می‌رسند.

سرخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی همچنین مدعی شد که «هند یکی از شرکای تجاری ماست که در چارچوب منافع مشترک بدون توجه به این تحریم‌های یک‌جانبه در مسیر گسترش همکاری‌ها با ایران در حال تلاش و پیگیری است.»

دولت ایالات متحده اما بلافاصله نسبت به «نقض تحریم‌های ایران» به هند هشدار داد. ودانت پاتل سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در یک کنفرانس مطبوعاتی گفته که هیچگونه معافیت تحریمی برای هند وجود ندارد و تحریم‌ها بطور بالقوه برای همه کشورهایی که با جمهوری اسلامی معامله می‌کنند، قابل اعمال است.

سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا با تأکید بر تداوم تحریم‌های این کشور علیه جمهوری اسلامی گفت: «به دولت هند اجازه می‌دهیم در مورد اهداف سیاست خارجی خودش در قبال بندر چابهار و همچنین روابط دوجانبه خود با ایران صحبت کند. من فقط می‌گویم، از آنجا که به ایالات متحده مربوط می‌شود، تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران همچنان پای بر جاست و ما به اجرای آنها ادامه خواهیم داد.»

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا همچنین گفت همه نهادهایی که قراردادهای تجاری با ایران را در نظر می‌گیرند «باید از خطر بالقوه‌ای که خود را در برابر آن قرار می‌دهند و خطر بالقوه تحریم‌ها آگاه باشند.»

روزنامه هندی «اکنومیک تایمز»، هند روز دوشنبه، ۲۴ اردیبهشت با انتشار خبر امضای این قرارداد اعلام کرد برای هند بندر چابهار حلقه اتصال مهم به افغانستان، آسیای مرکزی و منطقه وسیع‌تر اوراسیا است که بتواند با بندر گوادر پاکستان یا طرح چین موسوم به «اَبِتکار کمربند و جاده» رقابت کند. این موضوع در کنفرانس خبری که روز دوشنبه با حضور وزیر بندر، کشتیرانی و آبراهه‌های هندوستان و وزیر راه و شهرسازی جمهوری اسلامی برگزار شد نیز از سوی سارباناندا سونووال مورد تأکید قرار گرفت.

وزیر بندر، کشتیرانی و آبراهه‌های هندوستان گفت: «تبادل نظر خوبی با وزیر راه و شهرسازی جمهوری اسلامی درباره کریدور شمال-جنوب و همکاری‌های حمل‌ونقل داشتیم. طبق اراده مشترک دو طرف قصد داریم بندر چابهار را با عنوان بندر ترانزیتی و انتقال کالا توسعه دهیم. این بندر می‌تواند در ارتباط هند با کشورهای محصور در خشکی خوب عمل کند. به عنوان مثال، ما ۸۵ هزار تن گندم از طریق بندر چابهار به افغانستان ارسال کردیم.»

سارباناندا سونووال همچنین گفته بود در سال ۲۰۲۲ هند یک روز را به عنوان «روز چابهار» جشن گرفت و در اکتبر ۲۰۲۳، هندوستان، میزگردی با موضوع چابهار در نشست سران همکاری‌های دریایی هند برگزار کرد که طرف ایرانی نیز حضور داشت.

توسعه بندر چابهار از ابتدا هدف هندوستان بود تا همانطور که مقامات این کشور اشاره می‌کنند موقعیت تجاری هند در دریای عمان و مسیرهای ترانزیتی این کشور را تضمین کند اما همواره با فراز و نشیب و عدم انجام تعهدات از سوی طرف هندی روبرو می‌شد.

مقامات جمهوری اسلامی نیز بجای پاسخگو کردن هند، با بذل و بخشش بی‌حساب و دادن باج به هند و «خبردرمانی» برای افکار عمومی ایران، دیپلماسی ناکارآمدی را در پیش گرفتند. برای نخستین بار در دی‌ماه ۹۷ خبر واگذاری بندر «شهید بهشتی» چابهار به کشور هند منتشر و اعلام شد بر مبنای توافق ایران، هند و افغانستان، بندر «شهید بهشتی» چابهار ابتدا به مدت یک سال و نیم و سپس به مدت ۱۰ سال در اختیار شرکت IPGL هند خوا

بیش از یک سال بعد و در اسفند ۹۸ مسعود پل‌مه دبیر

## تعطیلی «شنبه‌ها» بالاخره در مجلس شورای اسلامی تصویب شد

و در مقابل تعطیلی پنجشنبه به معنای از دست رفتن چهار روز، یعنی بیش از نیمی از روزهای هفته، برای فعالیت تجاری شرکت‌های ایرانی با خارج از کشور است و به بخش خصوصی ضربه جدی خواهد زد.

در مقابل مخالفان روز تعطیلی شنبه می‌گفتند این روز همزمان با «شب‌ها» یهودیان است و حتی در ادعایی عجیب پیشنهاد تعطیلی روزهای شنبه را کار اسرائیل ارزیابی کرده بودند. خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مطلبی به قلم محمدتقی تقی‌پور طرح تعطیلی شنبه‌ها را «حربه صهیونیسم» اعلام کرده بود.

حسین نوری که به عنوان پژوهشگر ادیان در ایران فعالیت دارد در گفتگو با «جوان آنلاین» هشدار داده بود که تعطیلی روزهای شنبه «نرمالیزاسیون کردن فرهنگ صهیونیسم» است!

ماه گذشته و پس از انتشار خبر موافقت کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی با تعطیلی روزهای پنجشنبه، فعالان اقتصادی در بخش خصوصی به شدت با چنین اقدامی مخالفت کردند.

پدرام سلطانی عضو اتاق بازرگانی ایران در واکنش به مصوبه مجلس یازدهم برای تعطیلی پنجشنبه‌ها در شبکه «ایکس» نوشته بود: «روز شنبه در همه کشورهای مسلمان جزو تعطیلات آخر هفته است. بیش از ۹۵٪ از مسلمانان دنیا روز شنبه تعطیل‌اند.»

او افزوده بود که «حالا مجلس انقلابی به دلیل اینکه یهودیان شنبه تعطیل‌اند می‌خواهد پنجشنبه را تعطیل کند! ۱/۸ میلیارد مسلمان که شنبه تعطیل‌اند را نمی‌بینند، اما ۱۵ میلیون یهودی را می‌بینند!»

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران نیز در بیانیه‌ای این سیاست را به نقد کشید و نوشت: «اسباب نگرانی است که نمایندگان محترم مردم در کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، در تازه‌ترین تصمیم خود با بی‌توجهی به پیشنهاد منطقی، کارشناسانه و مبتنی بر منافع ملی که توسط فعالان اقتصادی و صاحبان کسب و کار در مورد تعیین روز شنبه به عنوان دومین روز تعطیلات پایان هفته ارائه شده بود.»

اتاق بازرگانی تهران تأکید کرده بود که «تصمیم اخیر کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی در صورت تأیید نهایی و تبدیل به قانون جاری کشور، قطع ارتباط اقتصاد کشور با بازارهای بین‌المللی را به چهار روز در هفته افزایش می‌دهد.» این بیانیه افزوده بود: «سالیان متبادی است که سیاست‌گذاران اقتصادی کشور، بی‌توجهی به پیشنهادات فعالان اقتصادی را با بهانه‌هایی چون تفاوت مطالبات، یکدست نبودن خواسته‌ها و ناهماهنگی نظرات توجیه می‌کنند اما تصمیم اخیر نشان داد که این بی‌توجهی از عدم باور قلبی و ذهنی به فعالان عرصه تولید و تجارت و بی‌اعتنایی نهادینه شده به آن در حکمرانی اقتصادی کشور نشأت می‌گیرد که طی دهه‌های گذشته خلاف تمام توصیه‌ها، همواره موانع متعددی در برابر توسعه بخش خصوصی و سپردن امور اقتصادی به دست مردم ایجاد کرده است.»

در نهایت فعالان اقتصادی و تجار بر متحجران حکومتی پیروز شدند و اکثر نمایندگان مجلس شورای اسلامی ناچار به نظر منطقی فعالان اقتصادی پاسخ مثبت داده و با تعطیلی روزهای شنبه موافقت کردند: هر چند هنوز مشخص نیست شورای نگهبان با این مصوبه موافقت خواهد کرد یا خیر!؟



کردند. همچنین بار دیگر تعطیلی روزهای شنبه در صحن علنی به رأی گذاشته شد. تعطیلی شنبه‌ها با ۱۳۶ رأی موافق، ۶۶ رأی مخالف، ۳ رأی ممتنع از مجموع ۲۱۵ نماینده حاضر در جلسه به تصویب رسید. اکنون لایحه اعلام رسمی تعطیلی روزهای شنبه برای تصویب نهایی و قانونی شده به شورای نگهبان ارسال و در صورت تأیید شورای نگهبان روز شنبه در کنار روز جمعه به عنوان دو روز تعطیل رسمی در تقویم ایران به رسمیت شناخته خواهد شد.

ولی اسماعیلی رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی گفته برای تعطیل اعلام شدن شنبه‌ها از دفاتر سه مرجع تقلید و همچنین دفتر علی خامنه‌ای «استفتاء» گرفته شده و در نتیجه تعطیلی شنبه‌ها «مشکل شرعی» ندارد!

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی گفته اگر شورای نگهبان طی ۱۰ روز آینده این مصوبه را تأیید و رئیس مجلس شورای اسلامی این مصوبه را به دولت ابلاغ کند، تعطیلی شنبه‌ها از اواخر خرداد امسال باید اجرا شود.

کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی فروردین امسال تصویب کرد که تعطیلات رسمی آخر هفته از یک روز به دو روز افزایش پیدا کند و روزهای پنجشنبه نیز تعطیل رسمی باشد و همزمان چهار ساعت از کار هفتگی کارکنان همه بخش‌های اقتصاد کاهش یابد.

مصوبه تعطیلی روزهای پنجشنبه با موجی از اعتراض و انتقاد از سوی فعالان اقتصادی روبرو شد. حسین گودرزی سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی اما گفته بود مذاکرات در این کمیسیون درباره تعطیلی پنجشنبه‌ها و افزایش تعطیلات آخر هفته به دو روز با حضور معاون سازمان اداری و استخدامی به عنوان نماینده دولت صورت گرفته و «دولت نیز با تعطیلی روزهای پنجشنبه علاوه بر جمع‌ها موافق بود به عبارت دیگر کمیسیون اجتماعی مجلس به نظر دولت برگشت.»

منتقدان به تعطیلی روزهای پنجشنبه می‌گفتند هماهنگی تعطیلات آخر هفته در ایران با دیگر کشورها زمان و هماهنگی تجارت با خارج از کشور را سرعت خواهد بخشید

● تعطیلی شنبه‌ها با ۱۳۶ رأی موافق، ۶۶ رأی مخالف، ۳ رأی ممتنع از مجموع ۲۱۵ نماینده حاضر در صحن علنی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

● رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس گفته اگر شورای نگهبان طی ۱۰ روز آینده این مصوبه را تأیید و رئیس مجلس این مصوبه را به دولت ابلاغ کند، تعطیلی شنبه‌ها از اواخر خرداد امسال باید اجرا شود.

● مخالفان روز تعطیلی شنبه می‌گویند این روز همزمان با «شب‌ها» یهودیان است و حتی در ادعایی عجیب پیشنهاد تعطیلی روزهای شنبه را کار اسرائیل ارزیابی کرده‌اند!

نمایندگان مجلس شورای اسلامی تصویب کردند که روزهای جمعه و شنبه به عنوان تعطیلات پایان هفته باشد البته باید این مصوبه به تأیید شورای نگهبان نیز برسد. در روزهای گذشته بار دیگر موجی از مخالفت با تعطیلی رسمی شنبه‌ها در تقویم ایران به دلیل همزمانی آن با «شب‌ها» یهودیان به راه افتاد. نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه امروز چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳ طی رسیدگی به جزئیات لایحه اصلاح ماده ۸۷ قانون مدیریت خدمات کشوری معروف به «افزایش تعطیلی آخر هفته» با تصویب تبصره ۳ لایحه درباره تعطیلی رسمی روزهای شنبه موافقت کردند.

در تبصره ۳ لایحه اصلاح ماده ۸۷ قانون مدیریت خدمات کشوری آمده که «تمامی دستگاه‌های اجرایی اعم از ستادی و استانی به استثنای واحدهای نظامی، انتظامی و امنیتی و بخش عملیاتی واحدهای خدمت‌رسانی از قبیل بیمارستان‌ها، مراکز بهداشتی درمانی، مراکز بزه‌پستی، بانک‌ها و اماکن ورزشی موظفند ساعات کار خود را در پنج روز هفته از روز یکشنبه تا پنجشنبه تنظیم نمایند. فهرست کامل بخش عملیاتی واحدهای خدمات‌رسانی موضوع این تبصره ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط سازمان اداری و استخدامی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

تعطیلی روزهای شنبه در ماه‌های گذشته با حاشیه‌های زیادی همراه شده بود و بخشی از نیروهای جمهوری اسلامی با تعطیلی روزهای شنبه به دلیل همزمانی با «شب‌ها» یهودیان به شدت مخالفت می‌کردند.

در نشست امروز مجلس شورای اسلامی نیز برخی نمایندگان با تعطیلی روزهای شنبه مخالفت کردند. محمدرضا میرتاج‌الدینی نماینده تبریز در مجلس شورای اسلامی باز هم پیشنهاد تعطیلی روزهای پنجشنبه بجای شنبه را مطرح کرد. این پیشنهاد پیشتر هم مطرح و با مخالفت گسترده فعالان اقتصادی و تجار از جمله به دلیل تعطیلات رسمی شنبه و یکشنبه در کشورهای دیگر روبرو شد که با تعطیلی پنجشنبه فعالیت‌ها در عمل با چهار روز تعطیلی و اختلال در فعالیت‌های اقتصادی روبرو خواهد شد.

با اینهمه محمدرضا میرتاج‌الدینی در نشست امروز مجلس شورای اسلامی گفت: «جریان غرب‌گرا موضوع تعطیلی شنبه را مطرح کرده است. چرا ما باید دنبال غربی‌ها برویم؟ آنها باید دنبال ما بیایند. اگر به فکر دین مردم هستیم، باید پنجشنبه‌ها تعطیل باشد و اگر به فکر دین مردم نیستید، هر کاری خواستید بکنید.»

در نهایت، نمایندگان با ۷۵ رأی موافق، ۱۳۲ رأی مخالف و ۵ رأی ممتنع از مجموع ۲۱۷ نماینده حاضر در جلسه با پیشنهاد تعطیلی پنجشنبه‌ها مخالفت



# ریزش ۳۲ هزار واحدی بورس؛ تداوم خروج پول حقیقی از بازار سرمایه ایران



● شاخص کل بورس تهران امروز دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳ با کاهش ۳۲ هزار و ۳۹۱ واحدی در ارتفاع ۲ میلیون و ۱۶۰ هزار و ۷۸۰ واحدی قرار گرفت.

● طی ۱۰ روز گذشته بازار سرمایه مجموعاً ۷۳۷ میلیارد تومان نقدینگی را از دست داده و میانگین ارزش معاملات خرد بورس و فرابورس به رقم حداقلی سه هزار و ۵۵ میلیارد تومان رسیده است.

ریزش ۳۲ هزار و ۳۹۱ واحدی شاخص کل بورس ایران در روز دوشنبه ۲۴ اردیبهشت یکی از ریزش‌های کم‌سابقه در هفته‌های اخیر بود. خروج پول حقیقی از بازار ادامه دارد و فقط همین امروز ۴۹۸ میلیارد تومان پول از بازار سهام خارج شد. ریزش‌ها در بازار سهام برای سومین روز متوالی در هفته جاری و یازدهمین روز پیاپی کاری بازار سرمایه تداوم داشت و خروج پول حقیقی از این بازار ادامه دارد.

شاخص کل بورس تهران امروز دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳ با کاهش ۳۲ هزار و ۳۹۱ واحدی در ارتفاع ۲ میلیون و ۱۶۰ هزار و ۷۸۰ واحدی قرار گرفت.

همچنین شاخص کل هم‌وزن بورس، نیز با ریزش ۱۲ هزار و ۸۰۰ واحدی در ارتفاع ۷۱۶ هزار و ۶۳ واحدی، و شاخص کل فرابورس ایران در پایان معاملات امروز با ریزش ۴۶۱ واحدی در ارتفاع ۲۳ هزار و ۹۷۴ واحدی قرار گرفت.

خروج پول از بازار سرمایه نیز تداوم داشت و از میزان ورود پول به این بازار بیشتر بوده است. بر اساس آمارها امروز ۴۹۸ میلیارد تومان پول از بازار سهام خارج شد. در معاملات دوشنبه، ۳۲ نماد صف خرید داشتند و ۱۱۷ نماد با صف فروش مواجه بودند. مجموع ارزش صف‌های خرید با افت ۳۶ درصدی نسبت به روز کاری قبل به ۷۳ میلیارد تومان کاهش یافت و مجموع ارزش صف‌های فروش نیز با کاهش ۲ درصدی به ۲۱۶ میلیارد تومان رسید.

آمارها نشان می‌دهد طی ۱۰ روز گذشته بازار سرمایه مجموعاً ۷۳۷ میلیارد تومان نقدینگی را از دست داده و میانگین ارزش معاملات خرد بورس و فرابورس (سهام و حق تقدم) در محدوده حداقلی سه هزار و ۵۵ میلیارد تومان ایستاده است. بورس ایران در هفته‌های گذشته وضعیتی متلاطم را پشت سر گذاشته اما در اردیبهشت روند بازار در غالب روزها منفی بوده و حجم گسترده‌ای از پول حقیقی از بازار خارج شده است. رحمان رحیمی کارشناس بازار سرمایه در گفتگو با وبسایت «اقتصاد۲۴» گفته «انتظار داشتیم که هفته‌های آخر اردیبهشت اوضاع بهتری داشته باشیم، ولی به دلایلی که بارها گفتیم مانند دستورالعمل‌هایی که دولت می‌دهد، دست در جیب شرکت‌ها می‌برد و سبب کاهش حاشیه سود شرکت‌ها می‌شود، متأسفانه اقبال عمومی به طور کلی از بورس کم است.»

این کارشناس بازار سرمایه در ادامه توضیح داده که «مثلاً دولت قرار است حدود ۱۳۰ همت اوراق منتشر کند. هفته گذشته ۳۵ همت با سود ۳۹ درصد اوراق منتشر کرد که متأسفانه خریدار هم نداشت. این موضوع این سیگنال را می‌دهد که پول هوشمند به سود ۲۹ درصد بدون ریسک راضی نیست. متأسفانه این خبر را دارد می‌دهد که تورم بزرگتری در راه هست.» رحمان رحیمی بیان اینکه سیاست‌های دولت در بازار سرمایه «در عمل رفوزه» شده گفته به دلیل ریسک‌های زیاد در بازار بورس که ناشی از دخالت‌های دولت است، مردم سرمایه خود را به سمت بازارهای دیگر می‌برند.

او افزوده «بر اساس آخرین آماري که از بازار رمز ارز منتشر شد نزدیک ۱۴ میلیون نفر در ایران در آن بازار فعال هستند،

تحرکات ارز در اسفند و فروردین بسیاری از فعالان بازار سرمایه انتظار داشتند تعدیل‌هایی در نرخ نیما رخ دهد که متأسفانه این‌گونه نشد و در حالی که مالیات شرکت‌ها افزایش یافته و هزینه عملیات آن‌ها همگام با تورم، بالا رفته و درآمد بسیاری از شرکت‌های کامودیتی‌محور\* که از منظر ارزش بازار وزن زیادی در بازار سرمایه دارند، متأسفانه به همان نسبت افزایش پیدا نکرده و با این روند حاشیه سود آن‌ها در سال جاری کاهش خواهد شد و این موضوع هم منجر به کمرنگ شدن جذابیت بسیاری از سهام شده است. محمد خیری‌زاد تحلیلگر بازار سرمایه نیز معتقد است وضعیت کلی بازار به شدت بد است و همچنان منفی است و شرایط برای خیلی از سهامداران اذیت‌کننده شده و بخشی از فعالان را فراری داده است.

محمد خیری‌زاد افزوده که «علاوه بر اینکه مواردی مانند نرخ دلار نیما و نرخ بهره همچنان حل نشده است، از طرفی شاهد تخصیص اوراق اسناد خزانه دولتی به پیمانکاران طلبکار از دولت بودیم که همین اوراق باعث می‌شود نرخ تأمین مالی در بازار سرمایه از سطوح ۳۳ درصد که سقف تاریخی است به ۳۶ درصد هم برسد.»

او همچنین با اشاره به «افت روزانه ارزش معاملات» گفته «در کنار آن تعداد کدهای مشارکت‌کننده در بازار نیز به شدت افت پیدا کرده و با این وضعیت تا پایان سال چیزی از بورس و بازار سرمایه باقی نخواهد ماند.»

این تحلیلگر بازار سرمایه افزوده که به نظر هم نمی‌رسد هیچ حمایتی از سوی بدنه اقتصادی دولت از بازار شود. تمام سیاست‌ها علیه بازار سرمایه است و متأسفانه این سیاست‌ها شاید در ابتدا فقط برای بازار سرمایه اذیت‌کننده باشد، اما در بلندمدت مطمئناً بر اقتصاد کشور اثرات منفی خواهد گذاشت و شرکت‌ها را به سمت نابودی می‌کشاند.\* شرکت‌های کامودیتی‌محور: کامودیتی (commodity) یا کالای اولیه، ماده خامی است که برای تولید محصولات ساخته شده توسط بشر استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، کامودیتی برای تولید یک محصول نهایی استفاده می‌شود. شرکت‌های کامودیتی‌محور در بازار بورس، شرکت‌هایی هستند که در آن کالاهای اولیه مورد نیاز برای تولید محصولات اساسی مورد عرضه قرار می‌گیرد.

بازاری که در کل دنیا ریسک بالایی دارد؛ این در حالیست که طبق آماري که خود سازمان بورس منتشر کرد در بازار سهام هفته گذشته تقریباً ۳۳۰ هزار نفر فعال بودند.»

به گفته رحمان رحیمی «بورس ایران مثل یک بیماری شده که هیچ کمکی نمی‌توان به آن کرد، چرا که نقدینگی در بدنش جریان ندارد، تا جایی که روز شنبه ارزش معاملات حدود سه همت [هزار میلیارد تومان] بود؛ این خیلی کم است. ارزش معاملات ما باید بالای ۱۰ همت باشد. با توجه به این تورمی که وجود دارد و حجم نقدینگی که در گردش است، ارزش معاملات ما باید به طور معمول در روز بالای ۱۰ همت باشد. ارزش معامله اگر زیر پنج باشد یعنی افتضاح، یعنی خیلی غیر قابل قبول. در این شرایط متأسفانه آن اراده برای از بین بردن این اشکالات وجود ندارد.»

روز گذشته نیز حسین عبدی کارشناس بازار سرمایه گفته بود که آزار سرمایه جایی در اولویت‌های دولت ندارد؛ این مسئله از خیلی جنبه‌ها ثابت شده است. هم از بعد تأمین مالی و هم از بعد بحث افزایش تولید در برنامه‌های دولت؛ به عبارتی بیشتر جنبه تبلیغاتی داشته است، یعنی مسئولان امر خیلی وقت‌ها صبر کردند تا به صورت تبلیغاتی از بازار سرمایه برای اینکه نظر عموم مردم را جلب کنند، استفاده کنند، ولی در اقداماتشان هیچ اقدام حمایتی از بازار سرمایه نداشتند.

حسین عبدی افزوده بود که «زمانی که جیب دولت خالی می‌شود نیم نگاهی به افزایش نرخ خوراک خیلی از شرکت‌ها و افزایش خیلی از ورودی‌های این شرکت‌ها دارد، اما وقتی بخش خصوصی قوی باشد دولت نمی‌تواند هر کاری که می‌خواهد، انجام بدهد؛ بنابراین اگر بخواهیم واقعاً به چشم دلسوزانه به اقتصاد نگاه کنیم، اقتصاد ما باید واقعی و خصوصی شود، اما اگر اقتصاد دولتی بماند و همین وضعیت رانته و دولتی ادامه پیدا کند، هیچ وقت آمیدی نخواهیم داشت که بازار سرمایه به معنای واقعی بتواند به تولید کمک کند و صرفاً زمان‌هایی که ابر تورم و افزایش نرخ ارز داریم، این بازار هم همگام با او رشد خواهد کرد.»

ابراهیم سماوی تحلیلگر بازار سرمایه درباره رکود فرسایشی و روزهای متوالی منفی در بازار سرمایه گفته با توجه به

## تفہیم اتهام ۴۵ نفر در پرونده «چای دبش»؛ محکومیت وزیر پیشین جهاد کشاورزی به سه سال زندانی در پرونده «نہادہ‌ہای دامی»

● غلامحسین محسنی اژہای گفتہ در پروندہ چای دبش تا کنون ۴۵ نفر تفہیم اتهام شدہ‌اند و از تعداد بیشتری نیز تحقیق شدہ و دو وزیر سابق احضار شدند.

● جواد ساداتی نژاد نہ تنها برای پروندہ معروف بہ «نہادہ‌ہای دامی» بہ سه سال زندانی محکوم شدہ کہ بہ نظر می‌رسد همچنین نام او بہ عنوان یکی از متہمان پروندہ فساد «چای دبش» ہم مطرح است.

رئیس قوہ قضاییہ جمهوری اسلامی با اعلام اینکہ ۴۵ نفر در پروندہ فساد «چای دبش» تفہیم اتهام شدند گفتہ جواد ساداتی نژاد وزیر پیشین جهاد کشاورزی نیز در پروندہ فساد دیگری مرتبط با واردات نہادہ‌ہای دامی بہ سه سال زندانی محکوم شدہ است.

غلامحسین محسنی اژہای رئیس قوہ قضاییہ جمهوری اسلامی روزہ شنبہ ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۳ اعلام کرد وزیر پیشین جهاد کشاورزی، جواد ساداتی نژاد، در پروندہ فساد مربوط بہ واردات نہادہ‌ہای بہ سه سال زندانی محکوم شدہ است. محسنی اژہای توضیح دادہ کہ «در کل، در این پروندہ برای ۸ نفر اعم از وزیر و معاون وزیر، حکم صادر شد کہ بہ تازگی با درخواست اعمال مادہ ۴۷۷ از ناحیہ محکومین مواجه شدہ‌ایم.»

بر اساس مادہ ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، در صورتی کہ رئیس قوہ قضاییہ، رای قطعی صادر شدہ از ہر یک از مراجع قضایی، را خلاف شرع تشخیص دہد، می تواند پروندہ را جہت اعادہ دادرسی کیفری بہ دیوان عالی کشور بفرستد تا بہ آن رسیدگی شود. رئیس قوہ قضاییہ در بخش دیگری از سخنانش بہ پروندہ فساد «چای دبش» اشارہ کرد و گفت: «در این پروندہ عدد بزرگی بالغ بر سه میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار مطرح است و تا کنون ۴۵ نفر در این خصوص تفہیم اتهام شدہ‌اند و از تعداد بیشتری نیز تحقیقات بہ عمل آمدہ است؛ همچنین در روز گذشتہ در رابطہ با پروندہ مزبور دو وزیر سابق احضار شدند.» آذرماہ سال گذشتہ فساد سہ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلاری شرکت «گروہ کشت و صنعت دبش» بہ عنوان یکی از بزرگترین فسادهای اقتصادی در تاریخ ایران خبری و نام جواد ساداتی نژاد وزیر برکنار شدہ جهاد کشاورزی دولت ابراہیم رئیسی نیز مطرح شد.

یک ماہ بعد و در دی‌ماہ ۱۴۰۲ رئیس قوہ قضاییہ اعلام کرد کہ «برای وزیر پیشین کشاورزی و سایر افراد دخیل در پروندہ، کیفرخواست صادر شد و تا کنون ہشت



و ۲ دہم درصدی صدرنشین بیشترین نرخ بیکاری زنان جوان در زمستان ۱۴۰۲ بودہ است. بررسی‌ہای بیشتر نشان می‌دہد این رقم در لرستان نسبت بہ زمستان ۱۴۰۱، رشد ۲۱۸ درصدی داشتہ کہ رقم پی‌سابقہ‌ای محسوب می‌شود.

نگاہی بہ جدیدترین آمار منتشر شدہ از سوی مرکز آمار ایران نشان می‌دہد کہ در زمستان ۱۴۰۲ از ہر ۱۰۰ بانوی ۱۵ تا ۲۴ سالہ لرستانی، بالغ بر ۸۶ نفر بیکار ماندہ‌اند. این در حالیست کہ در زمستان ۱۴۰۱ نرخ بیکاری زنان جوان لرستانی ۲۷ درصد بودہ است. اما با گذشت یکسال بیکاری این گروہ از افراد در این استان بطور عجیبی بیشتر شدہ و رشد ۲۱۸ درصدی بہ ثبت رساندہ است. بدین ترتیب لرستان در رتہ نخست بالاترین سطح از بیکاری زنان جوان ایرانی قرار گرفتہ است. از سوی دیگر نرخ بیکاری بانوان جوان در سایر استان‌ہا در این برہہ زمانی کمتر از ۶۵ درصد برآورد شدہ است. در ۱۷ استان نرخ بیکاری زنان جوان کمتر از میانگین این نرخ در سطح کشور بودہ است. استان قزوین با ثبت نرخ بیکاری ۱۱ درصدی کمترین مقدار این رقم را در گروہ زنان جوان بہ دست آورده است. زنان ۱۵ تا ۲۴ سالہ قزوینی با ثبت نرخ بیکاری ۱۱ درصدی، کمترین میزان از نرخ بیکاری زنان جوان را در میان استان‌ہا بہ خود اختصاص دادہ‌اند. البتہ این نرخ در بازہ زمانی مشابه در سال قبل سطوح بالاتری داشتہ است. استان فارس با نرخ بیکاری ۶۳ و ۱ دہم درصدی جایگاہ دوم و استان گلستان نیز با ثبت این رقم در سطح ۶۳ درصد بر پلہ سوم این رتبہ‌بندی قرار گرفتہ است. استان‌ہای آذربایجان غربی، ایلام، بوشہر و سیستان و بلوچستان دیگر استان‌ہایی ہستند کہ از ہر ۱۰۰ بانوی جوان حاضر بہ مشارکت در بازار کار در آنها، کمتر از ۲۰ نفر موفق بہ یافتن شغل نشدہ و بیکار ماندہ‌اند.

نشریہ «زنان امروز» در گزارشی اعلام کردہ نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در پاییز امسال نشان می‌دہد نرخ مشارکت اقتصادی زنان ۱۵ سالہ و بیشتر حدود ۱۴ درصد و نرخ اشتغال آنان حدود ۱۲ درصد است. در مقابل، نسبت اشتغال مردان حدود ۶۴ درصد، یعنی بیش از پنج برابر زنان و نزدیک بہ میانگین‌ہای جهانی است.

این گزارش با تأکید بر اینکہ «بیش از ۷۰ درصد جمعیت بیکار تحصیل کردہ زن ہستند» نوشتہ ایران یکی از پایین‌ترین نرخ‌ہای مشارکت اقتصادی زنان را در جہان و حتی در خاورمیانہ دارد و با آنکہ کاهش مشارکت اقتصادی تا حد زیادی میزان واقعی بیکاری را پنهان می‌کند، نرخ بیکاری زنان در ایران بسیار بالا و تقریباً دو برابر این شاخص در میان مردان است.

بر این اساس، مشارکت پایین اقتصادی و نرخ بالای بیکاری زنان یکی از آشکارترین اختلالات در بازار کار ایران است و سہم پرشمار دانش‌آموختگان و فارغ‌التحصیلان زن دانشگاه‌ہا در جمعیت بیکار شرایط را بغرنج‌تر می‌سازد.

## نرخ بالای ترک تحصیل دختران در ایران؛ حدود یک سوم دانش‌آموزان دختر بہ دبیرستان نمی‌روند!

● ۳۰ درصد دختران دبیرستانی در کشور بہ مدرسہ نمی‌روند و از سوی دیگر نیز سالانہ ۲۰۰ ہزار نفر از جمعیت دختران ۱۵ تا ۱۹ سالہ ازدواج می‌کنند.

یک جمعیت‌شناس با ارائہ آماری از ترک تحصیل دختران در کشور گفتہ ۳۰ درصد از دختران دبیرستانی در کشور بہ مدرسہ نمی‌روند. از سوی دیگر سالانہ ۲۰۰ ہزار نفر از جمعیت دختران ۱۵ تا ۱۹ سالہ ازدواج می‌کنند.

شہلا کاظمی‌پور جمعیت‌شناس در یک نشست خبری در وزارت بہداشت آمارہایی از تحصیل و ازدواج و اشتغال دختران و زنان در ایران ارائہ داد. بر اساس آمار ارائہ شدہ از سوی این جمعیت‌شناس ۳۰ درصد دختران دبیرستانی در کشور بہ مدرسہ نمی‌روند و از سوی دیگر نیز سالانہ ۲۰۰ ہزار نفر از جمعیت دختران ۱۵ تا ۱۹ سالہ ازدواج می‌کنند.

او کاهش پوشش تحصیلی در دختران را بہ دلیل ازدواج، مسائل فرهنگی یا در دسترس نبودن مدارس دانست و گفت: «دختران زیر دیپلم معمولاً خود را خانہ‌دار و دختران دارای مدرک تحصیلی بالای لیسانس خود را بیکار یا در جستجوی کار عنوان می‌کنند.»

از سوی دیگر آمارها نشان می‌دہد کہ بیش از ۴۰ درصد دختران تحصیل کردہ در گروہ سنی ۲۰ تا ۳۰ سال قرار دارند. بر اساس آمارہای سال ۱۳۹۵، تخمین زدہ می‌شود کہ حدود ۴۰ درصد گروہ‌ہای سنی ۲۰ تا ۳۰ سال جمعیت دختران، شاغل و درصدی نیز بیکار در جستجوی کار باشند. بہ گفتہ شہلا کاظمی‌پور بر اساس آمارہای سال ۱۴۰۰، تعداد کل دختران زیر ۱۵ سال در ایران ۹ میلیون و ۵۴۰ ہزار نفر و تعداد دختران ۱۵ تا ۳۰ سالہ نیز ۸ میلیون و ۵۲۰ ہزار نفر است کہ در این میان، ۵ میلیون و ۷۷۰ ہزار نفر از دختران بالای ۱۵ سال مجرد ہستند. از میان جمعیت ۵ میلیون و ۷۷۰ ہزار نفری دختران بالای ۱۵ سال مجرد، ۳ میلیون و ۲۰۰ ہزار نفر از آنها ۱۵ تا ۳۰ سال، ۶۴۰ ہزار نفر از آنها ۳۰ تا ۳۴ سال و ۵۳۰ ہزار نفر ۳۵ تا ۳۹ سال سن دارند. در این میان نرخ بیکاری زنان در ایران ہموارہ بیش از مردان بودہ و فرصت‌ہا اشتغال کمتری برای آنها وجود دارد. آخرین آمار منتشر شدہ از سوی مرکز آمار بیانگر آن است کہ نرخ بیکاری زنان ۱۵ تا ۲۴ سالہ کل کشور در زمستان ۱۴۰۲ نسبت بہ بازہ زمانی مشابه در سال قبل بیشتر شدہ است. برای موندہ در زمستان سال گذشتہ، نسبت اشتغال زنان در استان تہران ۱۲ درصد بود. یعنی از ہر ۱۰۰ زن در سن اشتغال در این استان، تنها ۱۲ زن شغل دارند. آمار منتشر شدہ توسط مرکز آمار حاکی از آن است کہ در پاییز امسال ۳۶ و ۴ دہم درصد از زنان ۱۵ تا ۲۴ سالہ جوہای کار موفق بہ پیدا کردن شغل نشدہ‌اند. البتہ این نرخ مربوط بہ بیکاری زنان جوان کل کشور است. بررسی‌ہای بیشتر نشان می‌دہد کہ این نرخ در میان زنان جوان در برخی استان‌ہا بیشتر بودہ است.»

بر اساس این گزارش، استان لرستان با ثبت نرخ بیکاری ۸۶





جواد ساداتی نژاد

اینست که او از اواخر ماه گذشته، آبان ۱۴۰۲، بازداشت و پس از تعیین وثیقه ۵۰۰۰ میلیاردی از سوی بازپرس دادسرای ویژه جرائم اقتصادی تهران روانه زندان شده است.

رقم تعیین شده به عنوان وثیقه اکبر رحیمی هرچند سنگین‌ترین وثیقه صادر شده در قوه قضاییه جمهوری اسلامی است اما نسبت به رقم ۱۴۰ هزار میلیارد تومانی فساد او و همداستانش، رقم چندان زیادی نیست.

بر اساس اطلاعات منتشر شده درباره این پرونده، ساز و کار فساد صورت گرفته به این شکل بوده که گروه کشت و صنعت دیش، برای چای درجه یک هندی ثبت سفارش کرده، اما در عمل چای درجه دو کنیایی (یعنی همانجایی که کشت فراسرزمینی انجام می‌دهد) وارد کرده است.

اختلاف قیمت این دو نوع چای چیزی حدود ۱۲ دلار در هر کیلو بوده که در مقادیر بالا مبلغ سرسام‌آوری نصیب مدیران این گروه کرده است.

اطلاعات منتشر شده از این پرونده نشان می‌دهد که شبکه‌ای گسترده متشکل از سازمان استاندارد، گمرک و حتی وزارتخانه‌هایی چون جهاد کشاورزی و سازمان غذا و دارو نیز کیفیت چای وارداتی را تأیید کرده‌اند. این موضوع نشانه‌ای از ساختار فاسد و مافیایی و شبکه‌های تو در توی فعال در حوزه اقتصاد و تجارت جمهوری اسلامی دارد.

روابط اکبر رحیمی به عنوان سرشبهه این گروه فاسد و مافیایی به حدی گسترده بوده که حتی در صداوسیما جمهوری اسلامی هم نفوذ کرده و در دهه ۹۰ خورشیدی برنامه اختصاصی با عنوان «شب‌نشینی دیش» در شبکه یک صداوسیما جمهوری اسلامی برای تبلیغ داشت!

چند ماه پیش از افشای این پرونده، محمدرضا زیدی دبیر ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی اعلام کرده بود که شرکت «گروه کشت و صنعت دیش» چای نامرغوب داخلی را صادر و همان چای نامرغوب و یا خاک چای را با تغییر بسته‌بندی تحت عنوان چای مرغوب خارجی وارد کشور نموده و از این طریق بیش از دو میلیارد یورو ارزش از کشور خارج شده است. اکبر رحیمی مهرماه سال گذشته در گفتگو با خبرگزاری

«تسنیم»، نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از توقیف ۳۰ هزار تن چای وارداتی شرکت‌اش توسط گمرک به شدت انتقاد کرده و اتهام ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی درباره واردات «چای بی‌کیفیت» را رد کرده بود.

ذبیح‌الله خدائیان افزوده بود که «برخی مسئولان وزارت جهاد کشاورزی در نامه‌ای از بانک مرکزی ایران درخواست کرده بودند که ۷۳۵ میلیون دلار در اختیار یک شرکت خصوصی که نهاده‌های دامی وارد کرده، قرار دهد، در حالی که اصلاً نهاده‌های وارد نشده است.»

به گفته رئیس سازمان بازرسی کل کشور «وقتی می‌بینند که این شرکت نمی‌تواند به تعهدات خود برای واردات عمل کند، ۴۹ درصد سهام این شرکت خصوصی را به سازمان تعاون روستایی منتقل می‌کنند. در حالی که بر اساس قانون بخش‌های دولتی نمی‌توانند هبه [مال بخشیده شده] قبول کنند. عواقب این کار آن است که اگر این شرکت با تعهدات خود عمل نکند حداقل دولت باید ۵۰ درصد خسارت را جبران کند.»

یک روز بعد غلامحسین محسنی اژه‌ای در نشست تخصصی قوه قضاییه درباره این پرونده بزرگ فساد گفت که «یکی از تخلفات آشکار در جریان واردات این محموله بدین شکل بوده که قبل از وارد شدن کالای مورد نظر به بندر نسبت به اخذ شماره کوتاژ اقدام شده است و متعاقب این موضوع، کوتاژ در سامانه بازارگاه به ثبت رسید و در معرض دید مشتریان قرار گرفت و مردم نیز با مشاهده کوتاژ در سامانه، اقدام به خرید کالا کردند.» رئیس قوه قضاییه همچنین واگذاری ۴۹ درصد از سهام این شرکت خصوصی به سازمان تعاونی روستایی را از دیگر تخلفات صورت گرفته در جریان واردات اخیر محموله نهاده‌های دامی عنوان کرد.

غلامحسین محسنی اژه‌ای همچنین گفت اینکه «یک دستگاه که از متولیان امر واردات کالا به کشور است به صورت رسمی مرتکب چندین تخلف شده باشد موضوعی بسیار مهم و قابل پیگیری است.» وی از دستور ویژه به سازمان بازرسی کل کشور برای تحقیق بیشتر در اینباره خبر داده است. اکنون بر اساس گفته‌های غلامحسین محسنی اژه‌ای نه تنها جواد ساداتی نژاد برای پرونده معروف به «نهاده‌های دامی»

به سه سال زندان محکوم شده که به نظر می‌رسد همچنین نام او به عنوان یکی از متهمان پرونده فساد «چای دیش» هم مطرح است. متهم ردیف اول پرونده فساد اقتصادی «گروه کشت و صنعت دیش» مدیرعامل این مجموعه، اکبر رحیمی، است که رسانه‌های داخلی از او به عنوان «الف. ر.» نام برده‌اند. آخرین اطلاعات منتشر شده درباره اکبر رحیمی بیانگر

جلسه دادگاه برگزار شده و قاضی پرونده به زودی انشای رأی را آغاز خواهد کرد. «قوه قضاییه جمهوری اسلامی توضیحات زیادی درباره جزییات پرونده فساد معروف به «نهاده‌های دامی» ارائه نکرده است اما بهمن‌ماه گذشته وبسایت «رویداد ۲۴» گزارش داده بود که جواد ساداتی نژاد «به همراه چندین مقام دیگر وزارت جهاد کشاورزی مرتکب فساد به مبلغ هزار و ۱۷۱ میلیارد تومانی شده‌اند.»

وبسایت «رویداد ۲۴» به نقل از منابع غیر رسمی اعلام کرده بود که «دلیل عزل ساداتی نژاد از وزارتخانه کشاورزی پرونده چای دیش بوده، اما شواهد نشان می‌دهد این تنها پرونده فساد وزیر سابق کشاورزی دولت ابراهیم رئیسی نبوده و پرونده نهاده‌های دامی، قبل از پرونده چای دیش در مراجع قضایی در دست بررسی بوده است.»

همچنین آمده بود که «این افراد در پرونده فساد نهاده‌های دامی به چندین عنوان متهم شده‌اند؛ از جمله «اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز»، «ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس»، «وارد کردن یا توزیع عمده آنها اعم از داخلی و خارجی» و «معاونت در اخلال در نظام تولیدی و توزیعی نهاده‌های دامی کشور از طرق مختلف.» این گزارش افزوده بود که در پرونده فساد نهاده‌های دامی

به جز ساداتی نژاد، نام‌های آشنایی، چون محسن کاظمینی سردار سپاه و قائم مقام سابق وزیر جهاد کشاورزی در قرارگاه امنیت غذایی، حسین دماوندی نژاد، معاون ساداتی نژاد در امور تولیدات دامی، و اسماعیل قادری فر مدیر عامل سابق سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران هم دیده می‌شود. همه این افراد بعد از برکناری ساداتی نژاد به طور ناگهان از سمت خود عزل شده‌اند.

در بخشی از این گزارش تأکید شده بود که تاریخ تنظیم دادنامه این پرونده در شعبه یک دادگاه انقلاب اسلامی شهر تهران ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی مربوط به دی‌ماه ۱۴۰۲ و بعد از افشای فساد چای دیش است، اما ظاهراً پرونده بیش از یک سال پیش در تیر ماه ۱۴۰۱ تشکیل شده است. دی‌ماه ۱۴۰۲ همان تاریخی است که محسنی اژه‌ای، رئیس دستگاه قضا از صدور کیفرخواست برای ساداتی نژاد خبر داده بود.

«کیهان لندن» در تیرماه ۱۴۰۱ به پرونده فساد «۷۳۵ میلیون دلاری» پرداخته و نوشته بود که در افشای این پرونده از آنجا آغاز شد که تعدادی از اتحادیه‌ها و کشاورزان در نامه‌ای به سازمان بازرسی کل کشور اعلام کردند که نسبت به خرید نهاده‌های دامی در سامانه بازارگاه اقدام کرده‌اند اما نهاده در اختیار آنها قرار نگرفته است.

پیگیری سازمان بازرسی کل کشور نشان داد که سازمان تعاون روستایی در تاریخ ۱۰ فروردین ۱۴۰۱ قراردادی با شرکتی خصوصی با نام «آریو تجارت سهیل» امضا کرده که ۱۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تن نهاده دامی، گندم، جو و روغن برای آنها وارد کند. تخلف از این موضوع آغاز شده که واردکنندگان نهاده‌های دامی وقتی محصول خود را به بندر کشور وارد می‌کنند برای آنها کوتاژ یا اظهارنامه صادرات صادر می‌شود تا بتوانند سایر تشریفات را انجام دهد اما برای این شرکت بدون اینکه نهاده‌ای وارد کند، اظهارنامه صوری صادر شد و همچنین اجازه داده شد این اظهارنامه در سامانه ثبت شود!

ذبیح‌الله خدائیان رئیس سازمان بازرسی کل کشور روز جمعه سوم تیرماه ۱۴۰۱ درباره این تخلف گفته بود که بر اساس اسنادی که در دست این سازمان است، ۸۰۰ هزار تن نهاده در سامانه بازارگاه به مردم، کشاورزان و اتحادیه‌ها ارائه شده و مردم ۱۱۰۰ میلیارد تومان معادل ۵۰۰ هزار تن نهاده خریداری کرده‌اند؛ در حالی که نهاده‌ای وارد کشور نشده و ۴۰ روز است که از مردم پول دریافت شده است.

## خسرو بشارت نیز اعدام شد

به گزارش «هه نگاو»، خسرو بشارت زندانی عقیدتی-سیاسی مهاجرت که ۱۵ سال در زندان محبوس بود سحرگاه چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳ در زندان قزلحصار کرج به اجرا درآمد. این زندانی دو هفته پیش برای اجرای حکم به سلول انفرادی منتقل شده بود. خسرو بشارت ۱۲ اردیبهشت هم‌زمان با اجرای حکم اعدام انور خضری یکی از هم‌پرونده‌های وی به سلول انفرادی منتقل شده بود. پیشتر حکم اعدام چهار تن دیگر از این پرونده به نام داوود عبداللهی، فرهاد سلیمی، ایوب کریمی و قاسم آبهسته در پاییز و زمستان ۱۴۰۲ در زندان قزلحصار کرج اجرا شده بود. فرهاد سلیمی، انور خضری، قاسم آبهسته، داوود عبداللهی، خسرو بشارت، کامران شیخه و ایوب کریمی، روز ۱۶ آذر ۱۳۸۸ توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بازداشتگاه اداره اطلاعات ارومیه منتقل شدند. آنها به اتهام قتل «عبدالرحیم تینا» در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی مقیسه و با اتهاماتی مانند «اقدام علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام»، «عضویت در گروه‌های سلفی» و «افساد فی‌الارض» به اعدام محکوم شدند.

نشست رسیدگی به اتهامات این ۷ زندانی مذهبی گُرد اواخر اسفند ۱۳۹۶ برگزار و ۵ خرداد ماه سال ۱۳۹۵ حکم اعدام بطور رسمی به آنها ابلاغ شد. روند بررسی پرونده و محاکمه این زندانیان عقیدتی نیز مانند همه دستگیری‌ها و محاکمات سیاسی و عقیدتی پر از ابهام، ناعادلانه و بدون رعایت کمترین استانداردهای حقوقی بوده است.

## تداوم تورم و افزایش ارقام شاخص‌های مرتبط با فقر و فلاکت و ناراضی‌تی در ایران

دو سال پس از پروژه «جراحی اقتصادی» یارانه پرداختی به هر شهروند حتی برای خرید نیم کیلو گوشت قرمز هم کافی نیست.

یک زن سرپرست خانوار به «ایلنا» گفته «هر ۶ الی ۷



تداوم تورم و افزایش ارقام شاخص‌های مرتبط با فقر و فلاکت و ناراضی‌تی در ایران

ماه یک بار اگر بتوانم گوشت بخرم؛ سه سال است که برای خودم یک مانتو هم نتوانسته‌ام بخرم.»  
مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز معتقد است شرایط اقتصادی در سال ۱۴۰۳ بدتر و سخت‌تر خواهد شد. رتبه شاخص کامیابی ایران از ۱۶۷ کشور ۱۲۶ است و شاخص ضریب جینی که نشان‌دهنده شکاف طبقاتی است به بالای ۴۰ درصد رسیده است.

انسیه خزعلی:

## باید روی موضوع بدپوششی زنان و پیامدهای آن در کشورهای غربی کار شود!

انسیه خزعلی معاون سیدابراهیم رئیسی در امور زنان و خانواده در سخنانی عجیب خواستار توجه بیشتر به موضوع «بدپوششی» زنان در کشورهای غربی شد!

وی در یک نشست خبری با بیان اینکه «حجاب و عفاف» یکی از مهمترین مولفه‌های هویت «زن مسلمان» است، گفت: «ما در کشورهای غربی به بهانه آزادی، شاهد رواج بدپوششی و بی‌حجابی هستیم که پیامدهای منفی بسیاری برای زنان و جامعه به دنبال داشته است!»

وی که انگار نمی‌داند اکثریت زنان کشورهای غربی نه تنها «زن مسلمان» نیستند بلکه آنهایی هم که از نظر آماری مسلمان به شمار می‌روند به حجاب تحمیلی جمهوری اسلامی اعتنائی ندارند مدعی شد که «باید به دنیا نشان دهیم که حجاب نه تنها مانعی برای آزادی زنان نیست، بلکه می‌تواند به عنوان عاملی برای حفظ کرامت و ارزش‌های والای انسانی عمل کند!»

این سخنان بی‌پایه در حالیکه جمهوری اسلامی از نظر زیر پا گذاشتن آزادی زنان و کرامت و ارزش‌های والای انسانی در صدر حکومت‌های سرکوبگر و ضدبشری قرار دارد.

## بیانیه محمد رسول‌اف خطاب به جامعه سینمایی دنیا: وقتی راهی نیست، باید راهی ساخت!

محمد رسول‌اف که به تازگی وارد اروپا شده است در بیانیه‌ای خطاب به جامعه سینمایی دنیا از جمله نوشته است: «با آنکه به شدت به حکم ناعادلانه اخیر که مرا مجبور به تبعید کرد اعتراض دارم، اما دستگاه قضایی جمهوری اسلامی آنقدر احکام ظالمانه و عجیبی صادر کرده است که خودم را در جایگاهی نمی‌بینم که از حکمی که برایم صادر شده شکایت کنم. احکام اعدام در حالی اجرا



بیانیه محمد رسول‌اف خطاب به جامعه سینمایی دنیا: وقتی راهی نیست، باید راهی ساخت!

می‌شود که جمهوری اسلامی جان معترضان و فعالان حقوق مدنی را هدف قرار داده است.»

«افرادی که شجاعانه و فداکارانه با سانسور بجای حمایت از آن مقابله می‌کنند، باید با حمایت سازمان‌های بین‌المللی فیلم از اهمیت اقدام خود اطمینان پیدا کنند. همانطور که از تجربه شخصی خودم می‌دانم، این می‌تواند کمک گراندردی به ادامه کار ارزشمند آنها باشد.»

## ترک کلاس درس توسط برخی معلمان جذب شده از حوزه علمیه!

مدیرکل سابق فرهنگی هنری اردوها و فضاهای پرورشی وزارت آموزش و پرورش در گفتگویی با خبرنگاری «رکتنا»، ترک کلاس درس توسط برخی معلمان «طرح امین» را تأیید کرد. علی رضمانی با اشاره به تفاهم‌نامه‌ای که بین وزارت آموزش و پرورش و حوزه علمیه در دولت سیزدهم برای جذب طلاب به عنوان معلم منعقد شده است، گفت: «متأسفانه گزارشات میدانی نشان می‌دهد که برخی از این معلمان از نظر علمی برای تدریس در مدارس آمادگی کافی را نداشته‌اند و نتوانسته‌اند نیازهای آموزشی دانش‌آموزان را در کلاس درس برطرف کنند و این موضوع منجر به ترک کلاس درس توسط برخی از این معلمان در اواسط سال تحصیلی شده است.» وی در ادامه عنوان کرد: «وظیفه آموزش و پرورش این است برای توانمندسازی معلمان، کلاس‌های ضمن خدمت برگزار کند؛ ولی در این دولت می‌بینیم که در اقدامی بی نظیر، از معلم‌ها پول دریافت می‌کنند تا برای آنها برخی از کلاس‌های ضمن خدمت را برگزار کنند که اصلاً قابل قبول نیست. حتی برخی از این کلاس‌ها غیرحضوری برگزار می‌شود که اصلاً نتیجه خوبی در پی نخواهد داشت.»

## ۲۵ اردیبهشت روز زبان پارسی و بزرگداشت فردوسی

نخستین مجسمه فردوسی در میدانی به همین نام در تهران که یادگار دوران رضاشاه بزرگ است، یک نیم‌تنه بود از راس بهادر ماترا هنرمند هندی که به عنوان هدیه پارسیان هند در سال ۱۳۲۴ در میدان فردوسی نصب شد. چند سال بعد این نیم‌تنه به مقابل دانشکده ادبیات دانشگاه تهران منتقل شد و مجسمه دوم ساخته‌ی استاد میرحسن ارژنگ نژاد در سال ۱۳۳۸ در میدان فردوسی نصب شد. این مجسمه پس از ۱۲ سال به میدان فردوسی مشهد منتقل شد. سومین مجسمه اثری است از استاد ابوالحسن صدیقی که



به سفارش «انجمن آثار ملی» در سال ۱۳۴۸ در ایتالیا ساخته شد و در سال ۱۳۴۹ به ایران رسید و ساعت ۷ صبح دوشنبه ۵ مهرماه ۱۳۵۰ در مراسمی رونمایی شد. این تندیس سپید اکنون بیش از نیم قرن است همچنان در میدان فردوسی ناظر رفت و آمد شهروندان پایتخت است در حالی که حماسه‌سرای بزرگ ایران ایستاده و شاهنامه‌اش را در دست دارد و زال کوچک در پناه کوه قاف و قامت بلند شاعر نشست است.



## ۱۵۰ سایت همسریابی مجوزدار در ایران فعال هستند

مهدی متقی فر مدیر کل دفتر برنامه ریزی و توسعه اجتماعی جوانان در گفتگویی با خبرنگاری «اینا» به تشریح وضعیت وبسایت‌های همسریابی در ایران پرداخت. وی گفت: «۱۵۰ مرکز همسریابی در حال حاضر به صورت قانونی در ایران فعالیت می‌کنند و تحت نظارت وزارت ورزش و جوانان هستند. برای اخذ مجوز فعالیت، سایت‌ها باید ابتدا یک دفتر مرکزی تاسیس کنند، تاییدیه سازمان تبلیغات را دریافت کنند و در نهایت مجوز کار را از وزارت ورزش و جوانان بگیرند. بسیاری از کانال‌های تلگرامی و سایت‌های فعال در حوزه همسریابی مجوز قانونی ندارند و فعالیت آنها غیرقانونی است. استفاده از سایت‌های همسریابی می‌تواند به جوانان در پیدا کردن همسر مناسب کمک کند، اما نیازمند فرهنگ‌سازی و آگاهی بیشتر است.» او همچنین افزود: «سایت‌های غیرقانونی همسریابی اعتماد جوانان را سلب می‌کنند، اعتبار مراکز مجاز را خدشه‌دار می‌کنند و مانع از فرهنگ‌سازی صحیح در این زمینه می‌شوند.»

متقی فر ضمن تاکید بر نبود بحران در زمینه کودک همسری، بر لزوم آگاه‌سازی، آموزش و مشاوره برای جلوگیری از این پدیده در مناطق محروم و مرزی کشور تاکید کرد و گفت: «وام ۳۵۰ میلیون ازدواج برای تشویق به ازدواج به‌موقع در نظر گرفته شده و نه برای ترویج کودک همسری.» وی در پایان از جوانان خواست که در انتخاب همسر دقت کافی داشته باشند و از سایت‌های مجوزدار برای این منظور استفاده کنند.

## مرگِ گران در ایران؛ افزایش پنج برابری قیمت قبر در «بهشت زهرا»

- طبقه زیرین قبرهای سه طبقه در تهران رایگان و دو طبقه دیگر هر کدام ۱۵ میلیون قیمت‌گذاری شد که نسبت به سال گذشته ۳۸۰ درصد رشد داشته است. رئیس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری



مرگِ گران در ایران؛  
افزایش پنج برابری قیمت قبر در  
«بهشت زهرا»

شورای اسلامی شهر تهران: «انتقال متوفیان از مراکز درمانی به «بهشت زهرا» با وجود افزایش تورم و هزینه‌های استهلاک خودروها، ۲۶ درصد افزایش یافته است.» کیهان لندن پیشتر در دی‌ماه گذشته با تاکید بر اینکه هزینه حمل جنازه نجومی شده خبر داده بود که این هزینه برای شهرهای نزدیکتر مانند اردبیل و مشهد تا ۷/۵ میلیون تومان است و برای شهرهای دورتر بیش از ۱۰ میلیون تومان خواهد بود.

## اعتصاب کارکنان پتروشیمی «نگین مکران» در چابهار

پایگاه خبری «حال و ش» گزارش داد کارکنان پتروشیمی «نگین مکران» در چابهار روز چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ در اعتراض به عدم پرداخت معوقات حقوق و دستمزد چهار ماهه خود دست به اعتصاب زدند. این دومین روز اعتصاب کارکنان پتروشیمی مکران بود. به گفته یکی از کارکنان، پتروشیمی نگین مکران چابهار «شرکت سازه پیمانکاری»، «شرکت آرای جهان‌بین» به مدت چهار ماه (از بهمن ۱۴۰۲ تا کنون) معوقات حقوقی و دستمزد کارکنان خود را پرداخت نکرده‌اند. وی به «حال و ش» گفته «حراست پتروشیمی تهدید کرده همه ما را به جرم اخلاص در نظم شرکت تحویل سپاه خواهد داد.»

## درخواست زلینسکی از بلینکن برای دریافت سیستم‌های «پدافند هوایی»

آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا که در سفری از پیش اعلام‌نشده با قطار به کی‌یف سفر کرده، روز سه‌شنبه ۲۵ اردیبهشت‌ماه با ولودیمیر زلینسکی رئیس‌جمهور اوکراین در مقر ریاست‌جمهوری دیدار کرد. در این دیدار زلینسکی گفته نیروهای اوکراین در مقطعی دشوار قرار گرفته‌اند و از «کمک‌های حیاتی» آمریکا به اوکراین تقدیر کرد.

وی در مورد «نیازهای اساسی» اوکراین صحبت کرد و گفت که پدافند هوایی «بزرگترین کمبود» است و نیروها در خارج‌کیف به تجهیزات دفاع هوایی بیشتری نیاز دارند.

## بخشدار گوهرکوه تفتان در سیستان و بلوچستان کشته شد

اسفندیار عظیمی بخشدار گوهرکوه شهرستان تفتان در استان سیستان و بلوچستان عصر روز سه‌شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۳ توسط افراد مسلح ناشناس به قتل رسید.



بخشدار گوهرکوه تفتان  
در سیستان و بلوچستان کشته شد

به گزارش خبرنگاری‌های داخلی، عظیمی در مسیر بازگشت از محل کار به منزل خود از ناحیه قفسه سینه و دست مورد هدف گلوله افراد مسلح قرار گرفت و جان خود را از دست داد. فرماندار تفتان در گفتگو با خبرنگاران گفت: «تلاش‌ها برای شناسایی و دستگیری عاملان این ترور از لحظه وقوع حادثه آغاز شده و همچنان ادامه دارد.»

## کیمیا علیزاده با پرچم بلغارستان قهرمان تکواندو اروپا شد

کیمیا علیزاده تکواندوکار ایرانی که بعد از دریافت شهروندی بلغارستان برای این کشور مسابقه می‌دهد، در اولین رقابت رسمی خود در مسابقات تکواندو قهرمانی اروپا روز یکشنبه ۱۲ ماه مه (۲۳ اردیبهشت‌ماه) در بلغراد به مدال طلای وزن منهای ۶۲ کیلوگرم رسید و قهرمان تکواندو اروپا شد.

## آرزوی بازگشت به المپیک برای بوکسورها دست‌نیافتنی نیست

پیوندهای محسوسی همواره بین ورزش‌های پرطرفدار و سیاستمداران اقتدارگرا وجود داشته، به ویژه ورزش‌های پرطرفداری چون بوکس که جمعیت قابل ملاحظه‌ای را به پای تلویزیون‌ها یا استادیوم‌های ورزشی می‌کشاند. از این حیث می‌شود علایق حاکمان را برای سرمایه‌گذاری در ورزش به نقد گذاشت و تحلیل کرد. حذف IBA (اتحادیه جهانی بوکس) از المپیک با اینکه به درستی از عزم کمیته بین‌المللی المپیک برای ارتقاء شایسته‌سالاری و شفافیت در سطوح مختلف ورزش پرده برمی‌دارد اما ناخواسته می‌تواند جمعیت قابل توجهی از بوکسورهای جهان را به یک ناامیدی و بلاتکلیفی مزمن سوق دهد از این رو جایگزین کردن فدراسیونی نوپا که هسته مرکزی آن در بطن فدراسیون‌های ملی همه کشورها مشروعیت داشته باشد، لازم و ضروری است.

## هشدار نسبت به افزایش نگران‌کننده گم شدن معلولان در ۲ سال اخیر

بهرروز مروتی مدیر کمپین معلولان نوشت: «هرچند در سال‌های گذشته همیشه گم‌شدن افراد دارای معلولیت به این کمپین گزارش می‌شده اما افزایش گم‌شدن‌ها خیلی نگران‌کننده است.» سازمان بهزیستی تا به حال آمار دقیق معلولان گمشده را اعلام نکرده است اما این را اعلام کرده که حدود ۵۰ درصد معلولان مراکز نگهداری «مجهول‌الیهویه» هستند. نرگس آزادی



هشدار نسبت به افزایش  
نگران‌کننده گم شدن معلولان  
در ۲ سال اخیر

فعال حوزه افراد اوتیستیک هم می‌گوید گم‌شدن افراد دارای معلولیت و افراد مبتلا به اوتیسم به تکرار در حال اتفاق افتادن است: «شاید بهترین کار این بود که چپ‌چپ برای این افراد طراحی می‌شد، اما پیگیری نشد. از زمان این پیشنهاد، هشت سال گذشته و این پیشنهاد مسکوت ماند. زمانی هم پیشنهاد دریاب مطرح شده بود و حتی مطرح بود که وارد کشور شود که همه معلولان بتوانند استفاده کنند اما آن هم پیگیری نشد.»



عکس هفته | آزادی زنان، آزادی ورزش

کیمیا علیزاده ورزشکار ایرانی با پرچم بلغارستان قهرمان تکواندوی اروپا در وزن زیر ۶۲ کیلوگرم شد / بلغراد / ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۳